

B O B

**PRESENTS**

فرهنگ و تمدن اسلامی



# بخش اول کلیات

۱، بنیادهای مفهومی و زمینه های تاریخی از حدود سال ۶۱۰م، دین اسلام با دعوت پیامبر اسلام او در مکه پای به عرصه وجود نهاد. اساس تاریخی - مفهومی دین اسلام را از این زمان می توان به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله دعوت و مرحله هجرت پیامبر ایل به یثرب و تشکیل حکومت اسلامی، پس از تشکیل حکومت اسلامی، دین اسلام وارد دوره گسترش خود شد. همجواری اسلام با تمدنهای آن روز، یعنی ایران، روم و مصر، زمینه ارتباط با این حوزه های تمدنی را فراهم آورد. پیامبر اسلام له پس از صلح حدیبیه، که باعث تثبیت . حاکمیت اسلام در شبه جزیره شد، با ارسال نامه به سران کشورهای همسایه، امکان ارتباط مسلمانان با آنها را فراهم ساخت. این وضع پس از پیامبر، در زمان خلفای راشدین، عهد اموی و عهد عباسی نیز ادامه پیدا کرد و در اواسط عهد عباسی گستره اسلام در سه قاره آسیا، افریقا و اروپا امتداد یافت. در این دوره، از نظر گستره جغرافیایی، این دین از شرق تا مرز چین امروزی از غرب تا مراکش کنونی در غرب افریقا یعنی منتهی الیه غربی مسکونی آن زمان از شمال تمامی منطقه ماوراء النهر و جنوب سپبری، بخش وسیعی از آسیای صغیر، تمام ساحل شرقی مدیترانه و کوههای پیرنه - حدفاصل اسپانیا و فرانسه به و از جنوب نیز مجمع الجزایر آسیای جنوب شرقی، جنوب شبه جزیره

جفنا در سریلانکا و جنوب صحرای افریقا را شامل می شد. با انتشار اسلام در این گستره عظیم که در برگیرنده اقوام و زبانهای گوناگون بود، الفت و وحدت در میان مردمی حاکم شد که تا پیش از ظهور اسلام محدوده جغرافیایی زندگی آنان صحنه نبردها و جدالهای بی حاصل بود. دین اسلام زمینه تضارب آرا و افکار بین تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدنهای پیشین را فراهم ساخت. در مرحله بعده

آغاز شد و اوج آن سده چهارم

بشم و هفتم هجری به اوج رسید.

معارف اسلامی» بر محور قرآن مجید و با استفاده بهینه از علوم و معارفی که در این از ورود اسلام وجود داشت، پدید آمد. این پدیده از اواخر سده دوم هجری آغاز شد و اوج بود. «أدب» از سده چهارم شکوفا شد و در سده های پنجم و ششم و هفتم هجم «عرفان»، چه در شاخه عملی و چه در شاخه نظری، طی سده های چهارم تا ششم هجر شکوفایی خود را گذرانید و تا سده نهم ادامه یافت. هنر نیز از سده های پنجم و ششم رونق گرفت و تا سده های دهم و یازدهم دوره اوج خود را پشت سر گذاشت. از اواخر سده دهم و اوایل سده بازدد تمدن اسلامی از اوج و اعتلای خود فاصله گرفت و رو به افول گذاشت. این انحطاط بر اساس عواملی که به عوامل بیرونی و درونی دسته بندی می شوند، صورت گرفت. به نظر بسیاری، این انحطاط می توانست اسباب نابودی بنیادهای تمدن اسلامی و سرانجام کمرنگ شدن دین در جوامع اسلامی باشد؛ اما با رویداد «بیداری اسلامی» معلوم شد که دوران انحطاط تنها دوره فترت در مسیر تمدن سازی دین اسلام بوده است. بیداری اسلامی که نتیجه سرخوردگی متفکران مسلمان از اندیشه های نوگرایانه اروپا بود، با اندیشه های سیدجمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده عبدالرحمان کواکبی و بسیاری دیگر، و بر پایه «دعوت اسلامی» شکل گرفت. با دعوت دوباره به حفظ و پاسداری از ارزشهای اسلامی و مفاهیم قرآنی بار دیگر عصر دعوت آغاز شد. از این دوره به بعد، ما شاهد چندین نهضت برپایی حکومت اسلامی بوده ایم که هدف آن نیل به کمال مطلق، یعنی همان کمال مطلق عهد پیامبر اکرم بل در مدینه، بوده است. این نهضتها سرانجام در کنار عوامل دیگر، زمینه ساز تشکیل حکومت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی به شد. این نهضت فقط به یک کشور مسلمان یعنی ایران محدود نشد بلکه امروزه در دیگر کشورهای مسلمان، شاهد ظهور اسلام گرایانی هستیم که در پی احیای ارزشهای اسلامی و اجرای شریعت محمدی هستند.

و این موضوع و نسبت این دو را

تعاریف برای بحث و بررسی فرهنگ و تمدن اسلامی، لازم است مفاهیم مهم این موضوع و نسب تعریف کنیم.

—

فرهنگ معنای امروزی فرهنگ - که در علوم انسانی مدرن شکل گرفته - دلالت دارد بر این که فرهنگ، به اصطلاح منطقی قدیم، «فصل جداگر» انسان از حیوان است. بی گمان، انسان از آغاز تاریخ تمدن با جدا شدن از طبیعت و چیره شدن بر آن از راه کشاورزی و دامپروری و بنا کردن روستاها و شهرها، بر جدایی خود از عالم حیوانی آگاه شده و از همان دوران برای خود جایگاهی برتر در هستی شناخته است. در واقع انسان موجودی است طبیعی است که از راه فرهنگ بر طبیعت درون (غریزه) و بیرون چیره گشته و با بیرون آمدن از این طبیعت گام به گام مرحله های تکامل فرهنگی را پشت سر گذاشته است. |

فرهنگ را از جهتی به «فرهنگ مادی» و «فرهنگ معنوی» بخش بندی کرده اند. فرهنگ مادی را شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می شود و شیوه ها و فرایندهای ساخت و ساز آنها می دانند و فرهنگ معنوی را شامل ارزش ها، دیده ها و باورها، اندیشه ها و فن ها، یعنی آداب و سنتها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر همه فراورده های ذهنی انسان، بنابراین فرهنگ شامل همه ساز مایه های (Elements) مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد انسانی در درون آن زاده و پرورده می شود و از این راه دارای آن چیزی می شود که در اصطلاح روان شناسی «شخصیت» می نامیم. از این راه به فرد انسانی چیزی ارزانی می شود که نام اش «هویت فرهنگی» است و این هویت کل گرایش های رفتاری او را به او می بخشد. تمامی آنچه در روان شناسی خودآگاهی و ناخودآگاهی فردی و جمعی نامیده می شود، نیز از درون نظام فرهنگی برمی آید فرهنگ از آنجا که بر پایه زندگی رشد میکند و از دورن زندگانی جمعی موجودی به نام انسان سر برمی آورد، خود موجودی است که زنده وار، زایش و زندگی و مرگ دارد. ماجرایی پیدایش فرهنگها و تمدن ها و سرانجام شان، که نابودی و مرگ است در شاخه ای از فلسفه به نام فلسفه تاریخ بررسی می شود بر اساس این دیدگاه، که پایه آن بر مشاهده داده های تاریخی از جامعه های گوناگون

و بررسی آنها است فرهنگها هنگامی از حالت ساده ابتدایی قبیلهای بیرون می آیند که روستاها و شهرها و اقتصاد پیشه وری و صنعتی و بازرگانی قوم ها و ملتها و دولتها و امپراتوری ها و خط و نوشته و علوم و حکمت و ادبیات و هنر پدید می آید. هر فرهنگ شکلی از زندگی انسانی است و زندگانی تاریخی خاص خویش را دارد. بنابراین، فرهنگ ها را از نظر طول زمان زندگیشان می توان به جوان و پیر بخش بندی کرد و از نظر توان زندگی به سالم و ناسالم، فرهنگ سالم فرهنگی است که نظامی از

—

ارزش ها و هنجارهای رفتار و اندیشه به مردم خود می دهد که مردم با پذیرش درونی از آن پیروی میکنند و در نتیجه، زندگی اجتماعی با هماهنگی پیش می رود و فرد با پیروی از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در خود احساس خرسندی می کند هماهنگی از دورن و پذیرش باطنی ارزشهای یک نظام در همه مراتب اجتماعی است که جامعه ای بهنجار و کارآمد می سازد که به سوی هدف خود در حرکت است. چنین جامعه ای می تواند پایه گذار یک فرهنگ یا تمدن جهانی باشد و در سرآغاز یک مرحله بزرگ تاریخی قرار گیرد. به عکس در فرهنگ بیمار که ارزش ها و هنجارها معنای درونی خود را از دست داده اند و فرد بدون باور به آنها، آنها را همچون نقاب هایی در رفتار و رابط اجتماعی به کار می گیرد. نظام اجتماعی نه تنها نمی تواند نیروهای اجتماعی را در جهتی بسیج کند، که همه نیروها برای یکدیگر به صورت عامل فرساینده در می آیند نکته مهم دیگر پدیده بحران و آشفتگی یک فرهنگ است و آن هنگامی است که تناسب ترکیب سازه های یک فرهنگ - که رمز اصلی ماندگاری و کارکرد درست آن است - با ورود سازه های ذهنی و یا مادی ناهمگون به هم می ریزد. پدیده ای که در جهان امروز شاهد آن هستیم؛ ورود ارزشها و جهان بینی و وسایل مادی و تکنک های جهان مدرن به فضای زندگی ها و فرهنگ های سنتی آنها را با بحران درونی رو به رو

کرده است. ۱

|

تمدن

مطالعات انسان شناسی در سده نوزدهم بر روی قومها و فرهنگ های ابتدایی» و نیز حوزه های تمدنی و فرهنگی کهن در آسیا و آفریقا و اروپا، دو مفهوم فرهنگ و تمدن را در کنار هم نشانده که بسیار در هم آمیخته اند و گاهی هم معنا به کار می روند. البته تاریخ شناسان و فرهنگ شناسان کوشیده اند که این دو مفهوم را از یکدیگر جدا کنند. از این نظر تمدن هر چه بیشتر جنبه های مادی ساخته های انسانی را به خود گرفته است. مانند معماری و شهرسازی و فن آوری، و فرهنگ بیشتر جنبه های معنوی زندگانی جمعی انسانی را مانند آیین ها و آداب و زبان و دین و دانش. از دیدگاهی دیگر تمدن به نظامهای بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهنآور، معمولاً یک امپراتوری در بر میگیرد و برخوردار از فرهنگ گسترده و

—

پرورده نوشتاری می باشد. اما فرهنگ به تنهایی می تواند از آن مردمی باشد که در یک قبیله به صورت

«ابتدایی» زندگی می کنند.<sup>۱</sup>

ارتباط تمدن با فرهنگ با وجود ارتباط فرهنگ و تمدن، این دو لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. ممکن است که اعتلای فرهنگی موجب دست یابی جامعه به مدنیت شود؛ همچنین جامعه می تواند صرفاً بر پایه اقتباس از تمدنی دیگر رشد کند و به تمدنی متکی شود که با تمدن مادر متفاوت است. در سوی دیگر، این نکته نیز درخور تأمل است که جامعه غیرمتمدن میتواند برخوردار از فرهنگ باشد. مثلاً بومیان استرالیا و آفریقا تمدنی ندارند، ولی دارای فرهنگ بومی خود، یعنی مجموعه ای از باورها، آداب و رسوم هستند. بنابراین، اجتماعات بشری هر چند ابتدایی باشند از فرهنگ خاص خود بهره مندند."

عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدنها عوامل متعددی در زایش و اعتلای تمدنها نقش دارند. یکی از این عوامل امنیت و آرامش، یعنی امکان کاهش اضطرابها و دل مشغولیهاست. عامل دیگری که در واقع روح اصلی هر تمدن آسته گونه ای از غرور و همبستگی ملی یا به تعبیر ابن خلدون، عصبیت است. عامل بعدی اصل همکاری و تعاون است تا گروهی هم نظر، بر اساس آن و با تکیه بر اخلاقیات بتوانند شالوده تمدن را پی

ریزی کنند. در کنار این عوامل، اخلاق را نیز نباید نادیده انگاشت. تسامح به معنای تحمل، بردباری و

صبوری؛ و نیز حفظ وحدت و یکپارچگی و دین از دیگر عوامل تمدن ساز به شمار می آیند

در کنار این هفت مؤلفه اصلی، از دو عامل دیگر نیز باید نام بردن رفاه نسبی و فشار اقتصادی و اجتماعی،

عامل نخست می تواند برای هر جامعه ای زیرساخت یک تمدن باشد که با دستیابی بدان شرایط بروز و

آشکار شدن تواناییها هموار می گردد، و عامل دوم این ویژگی را دارد که نیاز جامعه را عیان ساخته، افراد را

گرد یک محور قرار میدهد و بدین ترتیب، شرایط را برای زایش یا اعتلای تمدن فراهم میکند."

—

عوامل و علل زوال و انحطاط تمدنها برخی صاحب نظران معتقدند که هر تمدنی در طول حیات خود مراحل

را طی می کند. دورانت بران است که مردمان هر تمدنی بر اساس رشد عقلی پس از مدتی به جای توحید و

پرستش معنوی، به ستایش عقل و علم می پردازند، از این پس جنگ بین ارزش و دانش آغاز شده و محرک

جوامع به تدریج متوقف می شود و دوره انحطاط آن تمدن آغاز می گردد.

به نظر ابن خلدون، هر تمدن سه مرحله را طی می کند: مرحله پیکار و مبارزه اولیه؛ مرحله پیدایش

خودکامگی و استبداد؛ و سرانجام مرحله تجمل و فساد که پایان تمدن به شمار می رود. مالک بن نبی

دانشمند معاصر الجزایری، نیز بر همین اساس، مراحل سه گانه تمدن اسلامی را روح، عقل و غریزه دانسته و

معتقد است در تمدن اسلامی، از قرن هشتم هجری به بعد، مرحله تسلط غریزه بر روح آغاز گشته و تمدن

اسلامی از مرحله رشد خود دور شده است.<sup>۱</sup>

عوامل متعدد دیگری را نیز برای انحطاط تمدنها برشمرده اند، از جمله فقدان وحدت و انسجام جامعه، هجوم

دشمنان خارجی، آشفته گی در بافت طبقاتی جامعه و تولیدات تصنعی و رویکرد سوداگری و واسطه گری |

۲. چکیده ای از تاریخ و فرهنگ اسلام از عصر دعوت تا دوره فتوح مورخان تاریخ عرب را به سه دوره تقسیم

می کنند: ۱. دوره سبا و چمیر که از دوردست ترین زمان آغاز و در همان دوره ها پایان می پذیرد؛ ۲. دوران



جاهلیت که از سده ششم میلادی آغاز و به ظهور اسلام ختم می گردد؛ ۳. دوره اسلامی، از صدر اسلام تاکنون

بر اساس شواهد تاریخی و باستان شناسی، نحله ها و آرای فرهنگی و تاریخی متعددی در شبه جزیره عربستان وجود داشته است. ابراهیم و در این سرزمین دعوت خود را آغاز کرد. اعراب اُل غسان و آل منذر در بین النهرین و شمال شبه جزیره و نیز مردمان نجران و یمن در جنوب مسیحی بودند، بازارها (اسواق)، مانند بازار عکاظ، محل حضور شعرا و ادبا بود که مظهر مهم ترین رکن فرهنگی اعراب یعنی شعر بودند و مردم قبیله ای که در آن شاعری زبردست و توانا ظهور می کرد بر

—

دیگران فخر می فروختند

از نظر اجتماعی نیز، مناسب سیاسی و حکومتی نه بر اساس لیاقت و قدرت، بلکه بر پایه سنت و مواریث گذشتگان تقسیم می شد و به همین سبب، استعدادهای درخشان فرصت ظهور نداشتند. مردم مکه، به یمن وجود کعبه و همجواری آن در نوعی آرامش متکی به روابط خاص ناشی از مراسم جاهلی روزگار می گذرانیدند و در دفاع مشترکه شرکت می کردند. در عین حال، بین مکه و یثرب تفاوت های آشکاری وجود داشت. مردم مکه تاجرپیشه و دوراندیش و اهل یثرب کشاورزانی سخت کوش به شمار می آمدند در چنین حال و هوایی، در حدود سال ۶۱۰م، پیامبر اسلام الله دعوت خود را از مکه آغاز کرده این دعوت منجر به پیدایش جمعی تازه مسلمان در مکه شد که با کج رفتاری و مقابله اهل مکه روبه رو شدند. در سال یازدهم بعثت گروهی از قبیله خزرج، ساکن مدینه، که به حج رفته بودند در نشستی در عقبه با پیامبر این دیدار کردند. در این دیدار، حضرت با این فرصت یافت تا خود و آیینش را به آنان بشناساند و با اقبال آنان روبه رو شود. یک سال پس از آن، دوازده مرد از قبیله خزرج و یک زن در همان مکان با پیامبر بیعت کردند که در تاریخ اسلام به بیعت عقبه نخستین مشهور شد. پیامبر بر اساس این بیعت، مصعب بن عمیر را به عنوان نخستین داعی اسلام به مدینه فرستاد تا به اهل مدینه قرآن و تعلیم اسلام و آداب نماز بیاموزد و

چون دانسته شد. مدینه پناهگاه مناسبی برای اسلام و مسلمانان خواهد بود پیامبر هجرت تاریخی خود را در روز دوازدهم ربیع الاول سال چهاردهم بعثت صورت داد. از این پس، اصحاب پیامبر به دو گروه تقسیم شدند: مهاجران که از مکه آمده بودند و انصار، یعنی ساکنان مدینه که در همان شهر پذیرای پیامبر ناله شدند. پیامبر اسلام بنای «جامعه اسلامی» را در مدینه بر سه پایه مهم، یعنی بنای مسجد، عقد برادری میان مهاجران و انصار، و پیمان همکاری میان مسلمانان و غیر مسلمانان پی افکند. در واقع، جامعه سیاسی اسلامی نیز پس از هجرت به مدینه شکل گرفت، حکومت اسلامی مدینه همه ویژگیهای لازم را برای یک دولت، شامل برخورداری از قلمرو زمینی، جمعیت، حاکمیت و نظام اداری و اجرایی در اختیار داشت. این جامعه اسلامی ویژگی دیگری نیز داشت که تا آن زمان در تاریخ بشر بی سابقه بود: رکن مهم تشکیل جامعه

---

حاکمیت قانون بود. یعنی وجود یک نظام حقوقی واحد برای تمام افراد جامعه بدون هیچ گونه تبعیض در پی این اقدامات، پیامبر و به تدریج ساختار سیاسی و اداری موردنظر خویش را در مدینه مستقر کرد؛ با بهره گرفتن از درونمایه حفظ و گسترش عقاید دینی، که هدف اصلی ایشان در جامعه نیز بود، بدنه سیاسی و اداری جامعه محکم شد، همچنین، در طول ده سال حکمرانی پیامبر ما در مدینه حدود هشتاد جهاد کوچک و بزرگ نیز صورت گرفت که پیامبر یا شخصا در آنها حضور داشت و فرماندهی میکرد یا خود در شهر میماند و یکی از اصحاب را برای فرماندهی سپاه روانه می کرد. این جهادها در تثبیت موقعیت سیاسی و نظامی حکومت تازه تأسیس اسلام نقش بسیار اساسی داشتند.

پیامبر همچنین پیمان نامه ها و عهدنامه هایی با قبایل گوناگون، از جمله قبایل یهودی و مسیحی منعقد کرد. در این پیمانها، پیامبر با سیاستی حساب شده و موفقیت آمیز حفظ و ثبات دولت نوپای مدینه را تضمین کرد. به علاوه، نامه هایی برای پادشاهان و سران کشورهای همسایه، از جمله ایران، روم، مصر، یمن و حبشه ارسال کرد. این نامه ها از دید تاریخ نگاران بخشی از سیاست خارجی پیامبر به شمار آمده است.<sup>۱</sup>

بر اساس این اقدامات و بر پایه شواهد بشمار دیگر، می توان گفت از همان روزهای نخستین هجرت، ابعاد تمدن سازی اسلام نمود یافت و این مطلب در تغییر لحن آیات نازل شده به خوبی پیداست. برخلاف دوران نخستین دعوت، در مدینه آیات الهی بیشتر جنبه احکام و حدود یافت و سخن از قوانین شرع و احکام اجتماعی به میان آمد.

پس از این، پیامبر بالا برای تشکیل مقدمات نظام اداری و ساختار دیوانی کوشش کرد، برای خود دبیرانی برگزید و به هر یک وظیفه ای سپرد. در گام بعدی، کارگزاری را برای بسط حاکمیت اسلامی مأمور کرد. برخی به گردآوری زکات و صدقات مشغول و گروهی دیگر به ساماندهی امور اجتماعی مامور شدند. در این دوره، که ده سال به طول انجامید، در آیات الهی نیز به تحکیم ارکان حاکمیت اسلامی تصریح شده بود. در این سالها همچنین اقدامهای دیگری نیز صورت گرفت که دقت در آنها می تواند تصویری واقع بینانه از مأموریت اصلی پیامبر باله و تمایلات درونی ایشان ارائه کننده

پس از درگذشت پیامبر اسلام در سال یازدهم هجری، بر سر جانشینی پیامبر و اختلاف پیدا

—

شد و سرانجام بر اثر ماجرای سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت شد. ابوبکر با گوششهای بسیار و پس از دو سال جنگ و ستیز با کسانی که سلطه خلیفه، و اصولاً حکومت واحد مرکزی را نمی پذیرفتند سراسر شبه جزیره را زیر فرمان آورد. سپس به قصد گسترش آیین اسلام به شام و عراق لشکر فرستاد. ابوبکر در سال سیزدهم فوت کرد، اما پیش از درگذشت عمر بن خطاب را به خلافت برگزید خلافت عمر با آغاز فتوح در مصر و ایران و شام و افریقا همزمان بود. همزمان با قدرت گرفتن اعراب در پرتو دین اسلام، دولتهای روم و ایران پس از نبردهای طولانی و بی حاصل خسته و فرسوده شده بودند. بیزاری مردمان این کشورها از دولت خود استقبال آنان از لشکر اسلام را در پی داشت و در فاصله ای کمتر از نیم قرن اسلام دین غالب ایران و افریقا گشت. با آشنایی مسلمانان با باورها و آداب مردم این کشورها فضای اجتماعی مدینه دستخوش تحول شد. از دیگر سو، ساماندهی امور سرزمینهای فتح شده آگاهیهها و تجربه های متعدد و گوناگونی را پیش روی

مسلمانان گذاشت. از همین دوران است که اندک اندک سازمانهای دیوانی برای انتظام ارکان سیاسی به وجود آمد.

# بخش دوم زمینه های شکل

## گیری تمدن اسلامی

. جایگاه علم و دانش در اسلام اگر آنچه در آیات و اخبار درباره فضیلت علم و دانش و معرفت آمده بدون هیچ تفسیر و توضیحی کنار هم قرار دهیم، کتاب یا کتابهای بزرگی به وجود خواهد آمد و اگر این اندازه اولیای اسلام بر فضیلت دانش و دانش اندوزی تأکید نکرده بودند، هرگز تمدن اسلامی پدین پایه از عظمت نمی رسید. اصل کلمه علم، بجز مشتقات آن، حدود هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع مختلف به کار رفته است و اگرچه

کلمه عقل در قرآن نیامده، ترکیب «اولی الالباب» را که به معنای خردمندان است می توان در قرآن . یافت. همچنین، واژگانی چون حکمت، برهان، فکر و فقه بارها در قرآن به کار رفته اند. خداوند مؤمنان را از اینکه بر اساس تقلید کورکورانه به او ایمان آورند نهی فرموده و حتی در یکی از آیات (روم، ۵۶) علم و ایمان را در کنار هم قرار داده است. افزون بر این، به کلیات اکتفا نشده و در زمینه دانش اندوزی آیات بسیاری وجود دارند، از جمله آل عمران، آیه ۱۹۰؛ انعام، آیه ۹۷، یونس، آیه ۵. حتی در آن دسته از آیات قرآن کریم که به نقل سرگذشتها اختصاص دارد، و هدف آن عبرت آموزی است، می توان آشکارا موضوعات تاریخی و تشویق به تاریخ نگاری و مشاهده آثار تاریخی و روحیه واقع نگری را دید (انعام، ۱۱). در احادیث مأثور از اقوال حضرت رسول الله و ائمه اطهار و نیز موارد بسیاری در تجلیل از علم و فضیلت علما یافت میشود. این تأکید پیامبر اسلام که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است، یا ساعتی

اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است، نمونه هایی از تأکید بر دانش اندوزی در اسلام است. در دوره حیات ائمه، به ویژه از دوره امام جعفر صادق که دانش و دانش آموزی رونق تمام داشت، آن حضرت باران خویش را به دانش اندوزی تشویق می فرمودند. اینکه در روز قیامت قلم دانشمندان بر خون شهیدان سنگینی خواهد کرد، نمونه ای از این

—

تشویقهاست. البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که دانش آموزی در اسلام شرایطی دارد؛ اسلام میان علم و اخلاق فاصله ای نمی بیند و همواره بر پیوستگی این دو تأکید ورزیده است. در اسلام، دانشمند صاحبها مسئولیت است و دانشمند بی اخلاق جز به گمراهی هدایت نمی کند. این موضوع خود از امتیازهای اسلام است که در زمینه آموزش و پرورش مکتبی خاص دارد.

گذری بر تاریخ نگارش در فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه ای از اطلاعات پراکنده در دست است که نشان می دهد عرب جاهلی از امر نگارش اطلاع داشته ولی زندگی بدوی آنان به گونه ای نبوده که امر نگارش را بر قوم عرب محتوم نماید. فرهنگ غالب در آن عهد شفاهی بوده است. در مورد دیگر بخشهای شبه جزیره نیز سنگ نوشته ای از حجاز به دست آمده که مربوط به دوران کهن در این منطقه است و دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که خط رایج در آن ناحیه گونه ای از خط تبطی بوده است. و

وجود پاره ای از لغات خاص کتابت در قرآن نشان می دهد که همزمان با ظهور اسلام اعراب تصویری از گونه های کتابت داشته اند، از جمله این موارد لفظ کتاب است که البته روشن نیست که مقصود همان چیزی باشد که ما بدان کتاب اطلاق می کنیم، ولی به هر حال، اشاره ای است به نوشته و اثر مکتوب. واژه صحیفه نیز که به صورت جمع، یعنی غف، در قرآن به کار رفته یقیناً مقصود از آن اثر مکتوباً بوده است، اصرار بر کتابت قرآن کریم نیز با وجود میلی که اعراب به حفظ و از بر کردن داشتند خود نکته ای سخت جالب و مهم است و نشان می دهد، از همان روزهای نخست، مسلمانان می دانسته اند که در آیات این کتاب آسمانی نباید کلمه ای تغییر یا تبدیل یابد. یکی از وسایلی که قرآن بر آن نوشته می شد پوست بود که علت استفاده

از آن در ثبت مسائل مهم ماندگاری بیشتر آن بود. ولی تهیه این ماده حتی برای ثروتمندان نیز دشوار بود. از این رو، اعراب از مواد مناسب دیگری هم برای کتابت استفاده میکردند، مانند پوست خشکیده درخت نخل یا حتی شاخه خشک شده آن آشنایی مسلمانان با تمدنهای اطراف نیز در آشنایی آنها با ادوات کتابت بسیار تأثیر داشت. مثلاً مسلمانان پس از فتح سرزمینهای مصر و شام با قرطاس یا پاپيروس آشنا شدند و از آن پس، ظاهراً کتابت بر آن را به مواد دیگر ترجیح می دادند. ولی پاپيروس نیز بسیار گران بها بود. گزینه مناسب برای

—

تهیه ماده ای برای نوشتن، کاغذ بود. پیشینه آشنایی مسلمانان با کاغذ به زمان فتوح در ماوراءالنهر (فرارود) باز می گردد. این صنعت از سمرقند، که در آنجا تعدادی از کاغذسازان چینی به کار اشتغال داشتند، به دیگر سرزمینهای اسلامی راه یافت، تفاوت در میزان مصرف مواد اولیه موجب پدید آمدن انواع کاغذ در سده های نخستین هجری بوده است. این کاغذها در جنس، استحکام، ضخامت روشن و رنگ با یکدیگر تفاوت داشته اند و این مسئله نشان میدهد که مسلمانان فقط به آموختن روش کاغذسازی از چینیها اکتفا نکرده و خود به تکمیل این صنعت پرداخته اند. به مرور در همه شهرهای اسلامی و در سرزمینهایی چون عراق و مصر و ایران و اندلس کاغذ ساخته می شد، صنعت کاغذسازی در پایان سده دوم هجری به کوشش فضل بن یحیی برمکی، وزیر بافرهنگ هارون الرشید، در بغداد راه اندازی شد و به سرعت جای پوست را گرفت. این صنعت در سده پنجم هجری از عراق به شام رفت و در آنجا نیز تحولی شگرف پدید آورد. به گونه ای که ناصر خسرو، در سفرنامه ی خود، از شهر طرابلس در لبنان یاد میکند و می نویسد که در این شهر ورقهای زیبا همچون ورقهای سمرقندی ساخته می شود و از آن نیز بهتر است. بدین گونه مسلمانان در بسط و گسترش یکی از مهم ترین عوامل ارتباط فرهنگی، یعنی کاغذ، نقش اساسی داشتند. این صنعت از طریق مصر و اندلس به اروپا رسید و نخستین کارخانه های کاغذسازی در ایتالیا در حدود سده سیزدهم میلادی تأسیس و راه اندازی شد. ..

۲. انتقال علوم و جذب دانشمندان به جهان اسلام منبع اصلی علوم عقلی که به جهان اسلام راه یافت یونان و محفل علمی آن بود. اگرچه بیشترین علوم غیر مستقیم و با ترجمه آنها به زبانهای سریانی و لاتینی، مأخوذ از یونانی، به دست مسلمانان رسید بخش دیگر علوم یونانی نیز از اسکندریه (در مصر) و مرکز علمی آنجا، یعنی مدرسه اسکندریه، به مسلمانان رسید. "علوم که مسلمانان از یونانیان فراگرفتند عبارت اند از ریاضی، نجوم، پزشکی و علوم طبیعی، آثار دانشمندان اسلامی نشان میدهد که مسلمانان تا چه حد از نوشته های بقراط جالینوس، افلاطون، فیثاغورس و ارسطو بهره گرفتند. این نکته نیز مهم است که اولین برخورد و آشنایی در این زمینه نه از راه ترجمه آثار یونانی، بلکه از طریق پزشکان انجام گرفت؛ پزشکانی که در

---

زمان فتوح در سرزمینهای یونانی میزیستند، با انتخاب دمشق به پایتخت خلافت، تماس با دانشمندان یونانی به مراتب آسان تر شد. بخشی از علوم هم از هند به جهان اسلام راه یافت. در اوایل دوره عباسی، این ارتباط علمی برقرار شد و ترجمه هایی از متون هندی در پزشکی و نجوم و جز آن صورت گرفت. در سال ۱۵۴ ق نیز، چند دانشمند هندی، که در میان آنها اخترشناسی برجسته نیز حضور داشت، نزد منصور خلیفه عباسی آمدند. منصور از این اخترشناس خواست مختصری از این علوم را به دانشمندان دربارش آموزش دهد. به این طریق، دانسته های هندی به صورت وسیعی وارد حوزه علوم اسلامی گردید.

یکی دیگر از مراکز علمی که از طریق آنجا علوم گوناگونی وارد قلمرو تمدن اسلام شد ایران و به ویژه شهر گندی شاپور (میان شوشتر و دزفول) بود. در گندی شاپور، از زمان حکومت خسرو انوشیروان، مدرسه و بیمارستانی ساخته شده بود و در آنجا پزشکان و دانشمندان متعددی از کشورهای مختلف به کار اشتغال داشتند. یکی از دلایل رشد گندی شاپور ورود نسطوریان به این شهر است. هنگامی که نسطوریان رانده شده از مدرسه آدسا به سوی ایران آمدند و در شهر گندی شاپور اقامت گزیدند، ترجمه های سریانی کتب یونانی را با خود آوردند و برخی از حکمای اشراقی یونانی که از آن تبعید شده بودند به آموزش فلسفه پرداختند و به دستور انوشیروان برخی از کتابهای افلاطون و ارسطو را به پهلوی ترجمه کردند. پس از فتح ایران به دست



مسلمانان، انتظار ترجمه از فارسی به عربی امری طبیعی بود. به طور مشخص در عصر خلافت عباسی، کتبی از پهلوی به عربی ترجمه شد. یکی از این کتابها زیچ شهریار است که ابوسهل بن نوبخت آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. این کتاب بعدها به یکی از مهم ترین منابع تکمیل دانش نجوم اسلامی تبدیل شد. در حوزه علوم طبیعی، یکی از مهم ترین دانشها داروشناسی بود که از طریق یونان به دنیای اسلام رسید. کتاب دیسکوریدس، دانشمند اهل آسیای صغیر، که به نام حشائش یا الهیولی فی الطب به عربی ترجمه شده نزد یونانیان از اهمیت بسیاری برخوردار بود. این کتاب به دست اعراب به دقت ترجمه و تحقیق شد. به واسطه آثاری کلاسیک از این دست بود که مسلمانان در دانش داروشناسی و مفردات طبی به مقامی چشم گیر رسیدند؟

—

۳. نهضت ترجمه پس از آنکه اوج دوران فتوح فروکش کرد و قلمرو حکومت اسلامی ثبات یافت و مسلمانان از تدوین اساسی علوم اسلامی فراغتی نسبی یافتند، در پرتو اهتمام و سیاستهای تشویقی برخی از خلفای عباسی، با استفاده از ثروتهای کلان بیت المال، توجه جامعه مسلمانان رفته رفته به سوی علوم و صنایعی جلب شد که عمدتاً در اختیار تمدنهای غیر مسلمان قرار داشت. منبع اصلی این توجه آیات قرآن و احادیث بسیاری بود که مؤمنان را به کسب علم و فن ترغیب میکرد. آنچه بیش از همه در فراهم آوردن شرایط این حرکت اهمیت داشت فتوح مسلمانان و به ویژه استیلای آنان بر سراسر قلمرو ساسانیان و بخشهایی از امپراتوری روم شرقی بود. این سرزمینها هر یک فرهنگ و تمدنی دیرپا داشتند، افزون بر آنکه، در هزاره قبل از این، با لشکرکشی اسکندر مقدونی، کم و بیش یونانی مآبی نیز در میانشان رسوخ کرده بود. فاتحان مسلمان از سرزمینهای مغلوبه قلمرو یکپارچه ای ساختند و در کنار دیگر فرهنگها با یونانی مآبان دور و نزدیک نیز مبادله و مشارکت فرهنگی جدیدی را تجربه کردند. در مدتی کوتاه، اشتیاق و فعالیت حکام، اندیشمندان و دوستان دانش در جهان اسلام چنان بالا گرفت که بعدها آن دوره را «عصر نهضت ترجمه» نام نهادند. این نهضت، اگرچه در عصر بنی امیه آغاز شد، تأثیر اصلی خود را در

عصر بنی عباس برجای گذاشت. بیشتر مطالب ترجمه شده در عهد بنی امیه، اسناد اداری، دیوانی، سیاسی و بازرگانی بود که به اقتضا و ضرورت ارتباط بین حکام جدید و اتباع غیرعرب زبان ترجمه شد و حتی متونی را که می توان آنها را فرهنگی نامید نیز به ضرورت نظامی یا اداری ترجمه شده بود. نهضت ترجمه آگاهانه ای که آثار تاریخی و اجتماعی و فرهنگی عمیق و دامنه داری از خود برجای گذاشت با ظهور نخستین خلفای عباسی آغاز شد. این نهضت علمی بیش از دو سده تداوم یافت. به ویژه از زمان حکومت منصوری دومین خلیفه عباسی (حک : ۱۳۶-۱۵۸ ق)، اقدامات مهمی در زمینه ترجمه علوم بیگانگان به دو روش تحت اللفظی و معنایی صورت گرفت. در این دوره، نخستین ترجمه ها از فارسی به عربی بود. مترجمان این آثار معمولاً زرتشتی زادگانی نومسلمان بودند. ترجمه چند کتاب ادبی از جمله کلیله و دهنده، به دست عبدالله بن مقفع، نویسنده ایرانی (م ۱۴۱ ق) از آن جمله است. طی دوره های بعدی مترجمان اسلامی در فنون ترجمه تبحر بیشتری یافتند و بر اساس تجربه ای که در این راه یافتند آثاری از زبانهای سریانی و یونانی به عربی ترجمه کردند. در این دوره، حنین بن اسحاق، مشهور به

---

شیخ المترجمین، پزشک حاذق نسطوری مذهب که به زبانهای یونانی و سریانی و عربی و تسلط داشت، نخستین مترجمی بود که گروهی را گرد آورد و به کار ترجمه نظم بخشیده اند شاگردان او در ترجمه فرزندش اسحاق و خواهرزاده اش بیشین اعسم بودند، حنین د ترجمه های بسیاری از مترجمان دیگری را با اصل متن آنها مقابله و اصلاح میکرد

به طور کلی، نهضت ترجمه در دوره عباسی را می توان به دوره هایی تقسیم کرد. در هر کدام دوره ها، پسته به علاقه خلیفه یا عواملی دیگر، تفاوتی در موضوع یا تعداد ترجمه ها رخ می دهد، به ویژه از زمان خلافت پنجمین خلیفه عباسی، هارون الرشید (حک : ۱۷۰-۱۹۳ می توان چنین دسته بندی کرد:

الف) دوره هارون الرشید: در این دوره، تکیه اصلی بر ترجمه آثاری در علوم بود و یحیی بن خالد برمکی، وزیر هارون، برای به دست آوردن مترجمانی قابل کوشش بسیاری کرد. در زمان هارون، کتابخانه شهرهایی که به

دست مسلمانان می افتاد کلا به بغداد منتقل می شد. نخستین آثار علوم یونانی، از جمله کتابهای اصول هندسه نوشته اقلیدس و مجسطی، نوشته بطلمیوس و نیز آثاری در پزشکی از زبان هندی در این دوره به عربی ترجمه شد. |

ب) دوره مأمون (حک : ۱۹۸-۲۱۸ ق): مأمون، دوره کوتاهی پس از هارون الرشید به حکومت رسید، و هنگام به خلافت رسیدن او اوج دوره رواج مباحث کلامی بر اساس برداشتهای متفاوت از آیات قرآن کریم بود. در این دوره به ویژه آثار فلسفی متعددی به عربی ترجمه شده

ج) دوره پس از مأمون: پس از مأمون، و در دوره متوکل عباسی (حک : ۲۳۲-۲۴۷ ق) کار ترجمه همچنان ادامه داشت. از جمله حنین بن اسحاق همچنان در دوره متوکل به کار ترجمه اشتغال داشت؛ اما انتقال مرکز حکومت اسلامی از بغداد به سامرا در دوره معتصم (حک: ۲۱۸-۲۲۷ ق) باعث تغییراتی در چگونگی ترجمه آثار مختلف به عربی شد. مهم ترین علت این تغییر کاسته شدن اهمیت بیت الحکمه، مهم ترین نهاد علمی این دوره، بود. .

د) پایان نهضت ترجمه: نهضت ترجمه در بغداد پس از دو قرن کار جدی به تدریج رو به افول نهاد البته افول نهضت ترجمه به معنای کاهش علاقه به علوم ترجمه شده یا کم شدن شمار دانشمندان مسلط به ترجمه از زبان یونانی نبود، بلکه سبب اصلی خاموشی نهضت ترجمه را فقط می توان عدم ارائه مطالب تازه دانست. به عبارت دیگر، این نهضت موضوعیت اجتماعی خود را از دست داده بو

—

عدم ارائه مطالب تازه به این معنا نبود که کتاب غیردینی یونانی دیگری برای ترجمه وجود نداشته بلکه به این معنا بود که کتاب یونانی دیگری که به ملاحظات و خواسته های بانیان، عالمان و دانشمندان مربوط شود وجود نداشت. در بیشتر رشته های علمی، متون اصلی از مدتی پیش تألیف شده بود. در نتیجه، همه رشته ها به سطحی بالاتر از سطوح آثار ترجمه شده رسیده بودند و بانیان و حامیان، اکنون بیش از گذشته، به جای سفارش و پشتیبانی از ترجمه، پشتیبان و سفارش دهنده مطالب اصیل و به زبان عربی بودند

۴. مراکز علمی در تمدن اسلامی با استقرار نظام نوبنیاد اسلامی و تکامل درونی این اجتماع، به تدریج نهادهای آموزشی به وجود آمد که نقش برجسته ای در پرورش و گسترش علوم و فنون داشت. نخستین مرکز مهمی که به همین منظور تأسیس شد بیت الحکمه نام داشت که در بغداد ساخته شد. این مرکز، که به هزینه خزانه دولتی یا بیت المال اداره می شد، محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و به ویژه مترجمان شایسته ای بود که کتابهای علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه میکردند. اساس بیت الحکمه را، که نخستین کتابخانه مسلمانان در بغداد بود، هارون الرشید پایه ریزی کرد. پیش از آن منصور عباسی، که از زمان وی کار ترجمه آغاز شده بود، دستور داد کتابهایی از زبانهای دیگر به عربی ترجمه شود و همین کتابها پایه بیت الحکمه گردید. در زمان مأمون، بیت الحکمه توسعه یافت. او صد بار شتر کتاب به بغداد حمل کرد و ظاهراً این کتابها به دنبال قرار صلحی که بین وی و امپراتور روم، میشل دوم، بسته شد، به مسلمانان داده شد. مأمون همچنین ۳۰۰ هزار دینار صرف ترجمه کتاب کرد. علاوه بر بیت الحکمه، مراکز علمی متعدد دیگری نیز وجود داشت؛ یکی از این مراکز دارالعلمها بودند. این دارالعلمها کتابخانه های عمومی به حساب می آمدند. از جمله این مراکز، دارالعلم فاطمیون در مصر است. در این نهاد، که در ۳۹۵ق و به دستور الحاکم بامرالله، خلیفه فاطمی مصر، در قاهره تأسیس شد، تقریباً یک میلیون جلد کتاب وجود داشت. دارالعلم موصل را نیز جعفر بن محمد حمدان موصلی بر پا ساخت. این مرکز نخستین مرکزی بود که در آن کتابهایی از همه رشته های علمی گردآوری شده بود. در طرابلس،

—

از شهرهای لبنان کنونی نیز، در اواخر سده پنجم هجری، دارالعلمی با ۱,۶ میلیون جلد کتاب وی داشت از دیگر مراکز علمی و بسیار مهم و مشهور دوره اسلامی، نظامیه ها بودند. در نیمه دوم سده پنجم هجری، خواجه نظام الملک با ساخت مدارس به نام نظامیه در بغداد و نیشابور و شهرهای دیگر بنای این نظامیه ها را پدید آورد. در نظامیه بغداد، که در ۴۵۹ق تأسیس شد، ابواسحاق شیرازی تدریس میکرد. پس از آن بزرگ ترین مقام تدریس در این مدرسه به امام محمد غزالی رسید و از آن پس تأسیس مدارس در جهان اسلام

گسترش یافت، مدارس و مراکز علمی که به امر خواجه در قلمرو سلجوقیان تأسیس شد به سبب انتساب به خواجه نظام الملک به نظامیه مشهور شدند، بجز نظامیه بغداد، نظامیه های دیگر را نیز می توان نام برد: نظامیه نیشابور، که به خاطر توجه خواجه نظام الملک و دیگر پادشاهان سلجوقی به شهر نیشابور در این شهر تأسیس شد و افراد مشهوری چون امام موفق نیشابوری، حکیم عمر خیام، حسن صباح، امام محمد غزالی و برادرش امام احمد و امام محمد نیشابوری در آنجا تربیت شدند. نظامیه نیشابور، به خاطر شمار مدرسان و فقهای مشهوری که در آن به تعلیم مشغول بودند، پس از نظامیه بغداد، در جایگاه دوم قرار گرفت. نظامیه اصفهان و بلخ نیز استادان ناموری داشت

به طور کلی، می توان گفت مراکز آموزشی و علمی در قلمرو اسلامی بسیار متعدد و متنوع بوده اند. یکی از فراگیرترین مراکز آموزشی مساجد بود که در سراسر قلمرو اسلامی پراکنده شده بود. مساجد نخستین مراکز اجتماعات دینی برای مسلمانان به شمار می آمد و حتی ساختمان مدرسه ها نیز مانند نقشه مساجد بود و مساجد معروف که یا از همان آغاز تأسیس یا چندی بعد کتابخانه نیز در آنها تشکیل شد. در شهرهای مهم اسلامی فراوان بودند. برخی از آنها عبارت بودند از جامع بصره، جامع فسطاط، جامع کبیر قیروان، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس، جامع قرویین فاس و جامع الخصبیه اصفهان بیمارستانهای جهان اسلام، که «مارستان» نیز خوانده می شدند، ضمن درمان بیماران مراکز تحقیق و مطالعه پزشکان به شمار می آمدند و کتابخانه های تخصصی داشتند که برخی از آنها

—

عبارت اند از: مارستان فسطاط، مارستان الکبیر منصوری قاهره، مارستان نوری بغداد و بیمارستان ری از دیگر مراکز علمی رصدخانه ها بودند. در قلمرو جهان اسلام، رصدخانه های متعدد و بزرگی ساخته شد که در نوع خود از مهمترین و بزرگترین رصدخانه ها به شمار می آمدند و پیشرفته ترین پژوهشهای ریاضی و نجومی در آنها صورت می گرفت. بسیاری از یافته های دانشمندان اسلامی در این رصدخانه ها تا سده ها بعد در اروپا بررسی و تحلیل میشد، از جمله این رصدخانه ها رصدخانه مراغه و سمرقند را می توان نام برد.

در مورد مراکز آموزشی اسلامی، توجه به دو مرکز علمی دیگر بسیار واجد اهمیت است. از این دو، یکی ربع رشیدی، محل آمد و شد علما و دانشمندان متعدد فراوانی بود که به کار علمی اشتغال داشتند، و دومی، شنب غازانی، که در دوره ایلخانان تأسیس شد و در آن دانسته های علمی بسیاری بین افراد مبادله می شد.

## بخش سوم شکوفایی علوم در تمدن اسلامی

مستقنعل لتملین طبقه بندی علوم در یک نگاه کلی، نگاه دانشمندان اسلامی به طبیعت و به ویژه به انسان، در همان چارچوب نظریه های انسان - جهان شناختی یونانی، یعنی نظریه پزشکی جالینوسی در عرصه پزشکی و نظریه زمین مرکزی بطلمیوس در گستره دانش ستاره شناسی بوده است. اما نتایج پژوهش دانشمندان اسلامی آنان را با رویکردهایی متفاوت از این نظریه ها نیز روبه رو ساخته است. در هر یک از زمینه های پزشکی، ستاره شناسی، ریاضیات و فیزیک در جهان اسلام مواردی یافت شده که نمی توان آن را به هیچ روی آگاهیهای اخذ شده از یونان با رشد نطفه ای از آگاهی یونانی در اسلام دانست. برای بررسی در این زمینه، لازم است پیش از همه چیز نگاهی به روش طبقه بندی علوم در حوزه تمدن اسلامی بیندازیم و سپس ضمن معرفی دانشمندان اسلامی و دستاوردهای آنان در هر یک از شاخه های علوم، اصلی ترین موارد خروج از معیار دانش یونانی را بررسی کنیم. در اسلام، روشهای متعددی برای دسته بندی علوم وجود داشته است. این روشها عموماً از نوع نگرش پدیدآورندگان آنها به جهان اطراف نشئت می گرفته است. در طبقه بندی نخست، علوم به نظری و عملی تقسیم می شوند، بدون آنکه کیفیت و چگونگی انجام علوم عملی مطرح باشد. در علوم نظریه که میتوان به آن «حکمت نظری» نیز گفت، تنها اصل شناخت و معرفت مطرح است. علوم نظری به سه قسمت تقسیم می شود علم الاهی) «علم اعلی (که مخصوص امور مجرد از ماده) متافیزیک است؛ «علم حساب و ریاضی) «علم اوسط ( که بحث ان علوم تماماً ذهنی و مجرد از ماده است؛ و «علم طبیعی) «علم ادنی ( به امور متعلق به ماده، چه در صورت ذهن و چه در خارج از آن، می پردازد.

«علوم عملی نیز سه دسته اند»: «علم اخلاق «مربوط به زندگی شخصی»: «علم تدبیر منزل «من به خانواده؛ و» «علم سیاست» مربوط به مسائل جامعه. این طبقه بندی تحت تأثیر فلسفه یونان، بلورد ارسطو، صورت گرفته است. در طبقه بندی دوم، علوم بر حسب ارتباط مستقیم خود با هدف اصلی، یعنی استفاده از علوم و دانشهای مختلف برای رسیدن به هدفی معین، بررسی می شوند. مثلاً در حکمت نظری یا علوم شرعی، شناخت و معرفت هدف اصلی هستند و دیگر علوم مانند صرف و نحو برای فهم مطالب به یاری می آیند. در طبقه بندی سوم، دانشها به «علوم اسلامی «و» غیراسلامی «تقسیم می شوند. علوم اسلامی علمی هستند که به طور خالص از تفکر مسلمانان برخاسته اند و علوم غیراسلامی نیز علمی هستند که اصل آنها از تمدنهای دیگر به اسلام رسیده و مسلمانان آنها را بسط داده و ساخته و پرداخته کرده اند. در طبقه بندی چهارم، دانشها به «علوم شرعی «و» غیر شرعی «تقسیم می شود. علوم شرعی آن چیزی هستند که از پیامبر اکرم ا و ائمه اطهار به ما رسیده اند، شامل اصول و فروع و مقدمات و متممات، و علوم غیرشرعی نیز علوم عقلی محض اند مانند ریاضیات در طبقه بندی پنجم، علوم به «عقلی «و» نقلی «تقسیم می شوند. مقصود از علوم عقلی همان حکمت، کلام و فلسفه و علوم نقلی نیز امور شرعی و دانسته های معرفتی مربوط به دانشهای مختلف چون نجوم و پزشکی است. در میان دانشمندان اسلامی که به بررسی موضوع طبقه بندی علوم پرداخته اند، توجه به ارای دو نفر بسیار حائز اهمیت است: ابونصر فارابی (م ۳۲۹ق) و محمدین یوسف خوارزمی (م ۳۸۷ق: التتمند اسلامی است که به طبقه بندی علوم توجهی ویژه کرده است. او با نگاه و به تعبیر خاص فلسفی خود در کتاب احصاء العلوم علوم را طبقه بندی کرده و به طور کلی، اداهای خودش معرفت، را به پنج فصل تقسیم کرده است: علم زبان، منطق، ریاضیات، علوم طبیعی حکمت عملی یا اخلاق. فارابی علوم طبیعی و الهی را در فصل چهارم، از آن رو یکم هر دو علم به موجودات طبیعی می پردازند، با این تفاوت که در یکی موجودات به جب الوجود متصل می شوند و در دیگری خود واجب الوجود مورد توجه قرار میگیرد یا هی را در فصل چهارم، از آن رو یکجا مطرح کرده که ت، که در یکی موجودات به وجود مطلق یا

: \_اگرچه خوارزمی مانند فارابی علوم را با نظامی منطقی و فلسفی مرتب نکرده اما به ایران سه با علم دیگر بر اساس موضوع و غایت نهایی آن علم توجه داشته است. از نظر خوارزمی علوم خود هدف اند و برخی دیگر وسیله برای رسیدن به هدف. و طبیعی است که علوم اول از و برتر است. او در کتاب خود، مفاتیح العلوم، که کوششی جدید برای ارائه طبقه بندی علوم بود، علوم را به دو مقاله یا بخش تقسیم کرده است: نخست «علوم شرعی» و دوم دانشهای بیگانه یا «علوم عجمی». «او بخش نخست از کتابش را به علوم اسلامی که در قلمرو فرهنگ و تمدن اسلامی به وجود آمده یا پرورش یافته اند و بخش دوم را به علوم مختلفی که مهد آنها در ایران یا یونان یا هند بوده و مسلمانان در رشد و بالندگی آن نقش مؤثری داشته اند اختصاص داده است. الف (علوم غیراسلامی) ۱. ریاضیات در جریان نهضت ترجمه، آثار بسیاری از ریاضیدانان یونانی به عربی برگردانده شد و به سرعت ریاضیدانان اسلامی از سطوح دانسته های ریاضیدانان یونان گذشتند، بر آثار آنان شرحهای بسیاری نوشتند و بسیاری از دانسته های آنان را توسعه بخشیدند. مهم ترین اثر ریاضی به زبان یونانی که در این دوران به عربی ترجمه شد و بر آن شرحهای بسیاری نوشته شد کتاب اصول نوشته اقلیدس بود. اما این مهم ترین نقش ریاضیدانان مسلمان در تکوین دانش ریاضی نبود. نقش درهم آمیزنده ریاضیات اسلامی بین مکتبهای ریاضی شرق و غرب، یعنی بین ریاضیات یونان و هند از ارزنده ترین دستاوردهای ریاضیات اسلامی برای نوع بشر به حساب می آمد. این نقش بسیار مهم ریاضیات اسلامی بود که توانست دانسته های ریاضیات هندسی، و از همه مهم تر، شیوه عددنویسی الهی را با دیگر مفاهیم ریاضی طرح شده در یونان در می آمیزد و از آن صورت واحدی در آورد و به عرب ارائه دهد. با آنکه ریاضیات یونانی در چند شاخه، از جمله مثلثات و علم گره ها، پیشرفت فراوانی نبود یک روش عددنویسی ساده مانع پیشرفت علم اعداد در یونان شده بود. به طور کلی ریاضی دانان اسلامی را در شاخه های گوناگون دانش ریاضیات چنین می توان ع دستگاه عدد نویسی هندی با تکمیل حساب دستگاه اعشاری آن، از جمله عنوان کرد: اصلاح دستگاه علید



\_المواد الاولو النا را ل مواد ابداع كسرهای اعشاری؛ به وجود آوردن مفاهیم جدید در تئوری اعداد؛ به وجود آوردن علی جبر؛  
 کشفیات مهم و جدید در دانش مثلثات و نیز علم کره ها و ابداع روشهای گوناگون برای بافتن پاسخهای عددی معادلات درجه  
 دو و سه .مسلمانان از طریق کتاب محمد بن ما خوارزمی با نام الجمع و التفریق بالحساب الهند با شیوه عددنویسی هندی آشنا  
 شدند .این کتاب خوارزمی کهن ترین کتابی است که درباره علم حساب در عالم اسلام نوشته شده است .امروزه فقط ترجمه  
 لاتین آن باقی مانده است .نقش خوارزمی را از این دید نیز باید بررسی کرد که این کتاب نخستین کتاب حساب نیز هست که  
 از عربی به لاتین ترجمه شد و مغرب زمین کنونی در علوم مربوط به ریاضیات و رایانه، برای نشان دادن هر روش معین در  
 محاسبه پدیده ها، اسم خوارزمی را به شکل تحریف شده آن، یعنی به صورت « الگوریتم »به آن اطلاق میکند .خوارزمی در  
 پدید آوردن دانش جبر نیز نقش فراوانی داشت .اگرچه پیش از دانشمندان اسلامی موضوع علم جبر در یونان وجود داشت و  
 دانشمندان یونانی بسیاری همچون فیثاغورس، ارشمیدس و دیوفانتوس در آثار خود به حل مسائل جبری نزدیک شده بودند، اما  
 دانشمندان مسلمان با کاربرد منطقی و تنقیح آرای دانشمندان یونانی پایه گذار این علم به شمار می آیند .بر این اساس، علم  
 جبر در نزد دانشمندان اسلامی تعمیم اعمال علم حساب به اعداد، و تحقیق در روابط حاکم بین اعداد به حساب آمد، با کاربرد  
 حروف به جای اعداد .مهم ترین دستاورد علم جبر نیز به دست آوردن مقادیر مجهول به وسیله معادله مندرکدن این مقادیر و  
 حل این معادلات بود .بی دلیل نیست که نخستین و یکی از مهم ترین آثار دانشمندان اسلامی و علم جبر، کتاب محمد بن  
 موسی خوارزمی الجبر والمقابله نام دارد، زیرا در این نام، روح کلی حاکم بر علم جبر نهفته است که در آن « جبر »به کلی  
 منفی در یک طرف معادله برای حل آن و « مقابله »استفاده از جملات مثبت در حساب می آید .دانشمندان اسلامی جبر را به  
 صورت یک علم و به روشی علمی بررسی کرده دسته از ریاضیدانان اسلامی از خوارزمی آغاز و با دستاوردهای خیام، ماهانی،  
 ابویی .اسلم، ابوالوفای بوزجانی، خجندی، ابوسهل کوهی و ...ادامه پیدا میکند .طبقه بندی معادلات جبری، به ویژه معادلات  
 درجه اول و دوم و سوم، یکی از مهم ترین میس به استفاده از جملات مثبت در حل معادلات به . از ماهانی، ابوکامل شجاع بن  
 دانشمندان اسلامی برای منظم کردن علم جبر و تعبیر « علم »بخشیدن به آن است .به ویژه با خیام در حل معادلات درجه  
 سوم، به عنوان کسی که برای نخستین بار به تحقیق در حل ای == . . . . بات

معادلات پرداخت بسیار درخور توجه است. داخت بسیار درخور توجه است. در عین حال، ریاضیدانان اسلامی نخستین کسانی نیز دید که جبر را به علم هندسه وارد کردند و از طریق معادلات جبری به حل مسائل هندسی پرداختند. داد و عمق نفوذ نقش ریاضیات اسلامی در تبیین دانش جبر در مغرب زمین، بیش از هر چیز، را بالاتر این نام (جبر) در غرب پیداست. جبر در غرب Algebra صورت لاتین شده نام عربی آن، نامیده میشود !! ۱۱۱۱.۱ مدتی پس از خوارزمی، ابوالحسن احمد بن ابراهیم اقلیدسی، ریاضیدان دمشق الأصل، کسرهای اعشاری را در کتاب خود درباره ریاضیات هندسی، با نام الفصول فی الحساب الهندسی ابداع کرد. یکی دیگر از گامهای بسیار مهم مسلمین در حوزه علم اعداد طرح اعداد منفی بود. برای نخستین بار در عالم اسلام ابوالوفا بوزجانی در بخش دوم از رساله بسیار مهم خود، کتاب فی ما یتحتاج الیه الکتاب و العمال من علم الحساب اعداد منفی را ابداع کرد. او برای نامیدن این اعداد از واژه «دین» استفاده کرده است. در دیگر بخشهای دانش ریاضی، از جمله مثلثات و هندسه نیز دانشمندان اسلامی آرای گرانبهایی از خود به یادگار گذاشتند. در این بخشها، دانشمندان اسلامی افزون بر بسط روابط حاکم بر مثلثات یونانی، خود به یافته های جدیدی نیز رسیدند، یکی از این یافته ها در کتاب شکل القطاع از خواجه نصیرالدین طوسی متبلور می شود. در این کتاب، طوسی به درستی و زیرکی از تقابل دو بخش از علم مثلثات سود جسته است، یکی نقش جدولهای مثلثاتی در تبدیل زوایا و اندازه های زاویه های هندسی و دیگر، مفروضات برآمده از مثلثات یونانی در تبیین شکلهای هندسی، خواجه در علی القطاع با استفاده از کوشش دانشمندان پیش از خود در بسط و گسترش جدولهای مثلثاتی به ها بسیار دقیقی از روابط حاکم بر زوایا در اشکال هندسی پرداخته است. نمونه برجسته این دقت و ما نشئات، به ویژه در حوزه علم کرهها که خواجه نصیر نیز چند بخش از کتاب شکل القطاع خود هم داده، تبدیل مختصات هندسه سه بعدی به هندسه دو بعدی است. این کار به ویژه - انواع اصطلاحها حایز اهمیت است. - را بدان اختصاص داده، تبدیل مد در ساخت انواع اصطلاحها جایا امت اسلامی، از سده دوم هجری تاکنون، ریاضیدانان بسیاری را به تاریخ علم دوره تاریخ ریاضیات اسلامی، از سده دوم هج

—جهان هدیه داده است. سیاه بزرگی از نام این افراد می توان عرضه کرد، از جمله :احمد بن عبدالله مروزی، ملقب به « حبش حاسب»، صاحب کتاب فی معرفة الکرة و العمل بهاب ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، صاحب کتاب مشهور شرح اصول اقلیدس؛ موسی بن شاکر، یکی از سه برادری که به « بنو موسی » مشهورند، صاحب کتاب معرفة مساحة الاشكال البسيطة والكروية ابوالحسن ثابت بن قره حرانی، که آثار متعددی در زمینه ریاضیات نوشته است؛ از جمله کتاب فی الأعداد المتحابة؛ ابوالفتح محمد بن قاسم اصفهانی، صاحب کتاب تلخیص المخروطات :ابوجعفر محمد بن حسین صاغانی خراسانی، صاحب تفسیر صدرالمقالة العاشرة من کتاب اقلیدس، ابوسعید احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی، صاحب کتاب فی مساحة الا کر بلا کر با ابوالحسن علی بن احمد نسوی، صاحب کتاب الأشياء فی شرح الشكل القطاع، ابوحاتم مظفر بن اسماعیل اسفزاری، صاحب کتاب اختصار فی اصول اقلیدس؛ غیاث الدین جمشید کاشانی، پژوهشگر بسیار مهم و بزرگ و صاحب آثار متعدد از جمله مفتاح الحساب و رساله محیطیها علاءالدین علی بن محمد سمرقندی، مشهور به ملاعلی قوشچی، صاحب رساله محمدیه، و البته بسیاری افراد دیگر که ذکر نام آنها در این بخش نمی گنجد ۲. نجوم در زمینه نجوم اسلامی، دانسته های دانشمندان اسلامی از ترجمه آثار نجومی یونانی و به ویژه نوشته های بطلمیوس آغاز شد و با نوشتن شرحهایی بر نوشته های او ادامه یافت. به دنبال آن، ایرادهایی بر نوشته های بطلمیوس گرفته شد و به طرح نظریه های نجومی خلاف نظر بطلمیوس انجامید. این نظریه های دانشمندان اسلامی به نظریه های « پیش کوپرنیکی » مشهور شده اند، زیرا سده ها پیش از طرح ایرادهای دانشمند لهستانی، کوپرنیک بر تئوری نجومی بطلمیوس وضع شدند. مهم ترین دانسته های نجوم اسلامی چه در بخش نظری آن و چه در زمینه داده های رصدی، از طریق ترجمه مهم ترین کتاب نجومی بطلمیوس، مجسلی به دست آمد. دست کم سه ترجمه و شروح متعددی بر مجسطی را در جهان اسلام میشناسیم. مطالعه مجسطی در عالم اسلام باعث به وجود آمدن مکتبی شد که عمده کار آن رصد ستارگان و تهیه جدولهای نجومی، که به آنها زیج گفته می شود، بود. تعداد زیجهایی که در جهان اسلام از سده دوم تا سده دوازدهم هجری نوشته شد به بیش از ۲۲۰ عنوان می رسد. در هر کدام از این زیجها، ستاره شناسان اسلامی کوشیده اند هر چه

تشنیسیمبلمهیلیوشن تو به مشخصات نجومی ستارگان پی ببرند و در نتیجه این کوششها داده های نجومی دقیق تری بدست آمد. یکی از مهم ترین این داده های نجومی تعیین طول سال شمسی بود. رصدهای فراوان ل باسان اسلامی برای به دست آوردن طول سال شمسی باعث شد روشهای متعددی نیز برای با کیسه در انواع گاهشماریهای طرح شده در جهان اسلام طراحی و پیشنهاد شود. انجام موهای پیاپی برای تهیه زیج ها همچنین باعث دست یافتن ستاره شناسان اسلامی به مفهوم نجومی «تقدیم اعتدالین»، یعنی افزایش طول دایره البروجی ستارگان بر اثر حرکت کردنایی زمین در طول سالیان به اندازه ۵۰ ثانیه قوسی در هر سال بود. ستاره شناسان اسلامی به تدریج متوجه تفاوت مختصات دایره البروجی ستارگان در زمان رصد خود نسبت به داده هایی که بطلمیوس در همین زمینه در کتاب مجسطی ذکر کرده بود شدند و تقریباً همه آنها مقدار اختلاف تقدیم اعتدالین را در زیجهای خود ذکر کرده اند. یکی از مهم ترین این کوششها را جابر بن عبدالله بتانی انجام داد که مقدار تقدیم اعتدالین را ۵۰ / ۲ ثانیه قوسی به دست آورد. بر اساس تئوری زمین مرکزی بطلمیوس، که نسل اول ستاره شناسان اسلامی آن را پذیرفتند زمین در مرکز جهان قرار داشت و خورشید و ماه و چهار سیاره دیگر در دایره هایی دور زمین میچرخیدند. اما دو سیاره نزدیک به زمین در این تئوری، یعنی عطارد و زهره، بر اساس رصدهای پیشینیان در درجاتی معین از خورشید دور می شدند و مسیر ۳۶۰ درجه را بر روی دایره البروج طی نمی کردند. در تئوری زمین مرکزی بطلمیوس چنین تصور می شد که این دو سیاره بر روی خطوطی خاص که از مرکز خورشید خارج شده و مرکز آنها را در بر می گرفت، هماهنگ با خورشید به دور زمین حرکت می کنند. این روش باعث شده بود مسیر ظاهری این دو سیاره در آسمان تقریباً با چرخش آنها در عالم واقعیت هماهنگ شود، اما رصدهای دقیق ستاره شناسان اسلامی بذر تردید را در این تئوری داشت. از مهم ترین این رصدها، نوشته های ابن سینا در شرحی است که بر مجسطی نوشت و در سده هشتم هجری در بازنویسی ای که خواجه نصیرالدین طوسی از مجسطی تهیه کرد وارد شده بر اساس این نوشته طوسی، ابن سینا نوشته است که سیاره زهره را همچون خالی بر سطح خورشید دیده است. و سنه ابن سینا تردیدهایی بسیار اساسی در تئوری زمین مرکزی بطلمیوس به وجود آورد، زیرا ما این نظریه دیده شدن زهره بر سطح خورشید، یعنی عبور آن از سطح خورشید غیرممکن

است. از اینجا خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان شارح مجسطی ایرادی مهم بر ت و زمین مرکزی بطلمیوس وارد کرد، و آن موضوع ترتیب چرخش ستارگان به دور زمین بر خلاف نظر بطلمیوس است. این تردید را طوسی در شرقی ترین قلمرو عالم اسلام، و هم زمان با اون بطروجی اشبیلی، ستاره شناس مسلمان اندلسی، در غربی ترین نقطه همین تمدن، یعنی در اسپانیای اسلامی، مطرح کردند. بجز این مورد، موارد بسیاری دیگر را می شناسیم که در آنها ستاره شناسان مسلمان به آرای نجومی بطلمیوس تردید کردند. ابن هیثم، ستاره شناس و فیزیکدان مشهور اسلامی، در کتاب خود، الشکوک علی بطلمیوس، به روش او در اثبات ریاضی حرکت سیارات به دور زمین و الگوی پیچیده بطلمیوس برای تبیین ظاهری این حرکتها با آنچه در واقعیت دیده می شود ایرادهای مفصلی گرفت. ابوریحان بیرونی در کتاب قانون مسعودی از کلیات نجومی حاکم بر مجسطی انتقاد کرد و بطروجی اشبیلی اصولا با چگونگی ترتیب گردش سیارات به دور زمین بنابر رأی بطلمیوس مخالفت ورزید. این ایرادها بر نظریه زمین مرکزی بطلمیوس با کارهای خواجه نصیر به اوج رسید. طوسی در اثر بسیار مشهور خود با نام التذکره فی الهیئة اساسی ترین ایرادهای خود بر آرای بطلمیوس را به دقت شرح داده است. این ایرادها گذشته از ترتیب گردش سیارات به دور زمین، به اثبات هندسی چگونگی گردش سیارات نیز وارد شده است. طوسی که از دلایل ضعف تبیین حرکت سیارات براساس نظریه زمین مرکزی بطلمیوس آشنا بود، با وارد کردن مدلهای حرکت این سیارات بر روی کره هایی تودرتو، که در تاریخ نجوم اسلامی به «جفت طوسی» معروف شد، جدی ترین ایرادها را بر بطلمیوس وارد کرد مدتی کوتاه پس از طوسی، ابن شاطر نیز مانند او، ایرادهایی بر اثبات هندسی حرکت سیارات بر اساس نظریه بطلمیوس وارد کرد و پس از او مؤیدالدین غرضی دمشقی نیز نگاهی از سر انتقاد به بطلمیوس انداخت. امروزه تقریبا اثبات شده است که کپلر و کوپرنیک پایه گذاران مهم ترین کشف نجومی عالم، با عنوان مدل خورشید مرکزی منظومه شمسی، در ارائه آرای خود تحت تأثیر دانشمندان اسلامی و از همه مهم تر خواجه نصیر بوده اند. بجز افرادی که نام بردیم، نجوم اسلامی دانشمندان بسیاری به عالم بشریت وارد کرده از جمله محمد بن موسی خوارزمی، مؤلف زیج السند؛ بنوصباح، سه برادران

به نام های ابراهیم، محمد و حسن، مؤلف رساله فی عمل الساعات المبسوطة بالهندسة فی با این یونس، مؤلف زیچ کیر حا کمی الغ بیگ، دانشمند و سیاستمدار مشهور و مؤلف بولنگ نظام الدین عبدالعلی بیرجندی معروف به فاضل بیرجندی، مؤلف ابعاد و اجرام ۳۰. فیزیک و مکانیک دانش مکانیک نزد مسلمانان «علم الحیل» خوانده می شد. علم حیل، دانش یا شناخت ابزارهای شگردساز در اصطلاح پیشینیان بود که بر اساس آن، معرف آشنایی با انواع وسایلی بود که هر یک کاری انجام می دادند. هر چند برخی از اندیشه هایی که در کتابهای مربوط به حیل آمده است در خاور دور و ایران ریشه دارد، به یقین مهندسی اسلامی را می توان دنباله سنت خاورمیانه و مدیترانه دانست. مصریان و رومیان در مکانیک پیشرفتهای فراوانی کرده بودند، اما سهم یونانیان از همه بیشتر بود. در دوره خلفای بزرگ عباسی در بغداد، بسیاری از آثار یونانی و گاهی سریانی به عربی ترجمه شد که از جمله کتاب پنوماتیک نوشته فیلون بیزانسی (بوزنطی) (و مکانیک نوشته هرون اسکندرانی و رساله ای از ارشمیدس درباره ساعتهای آبی را می توان نام برد. بررسی و برآورد توان مهندسان مسلمان کار ساده ای نیست، ساختن و سوار کردن وسایل به توانایی در هندسه مسطحه و حساب و اندازه گیری مساحتها نیاز داشت، هرچند سوارکردن ابزار معیار منسجمی نداشت، اما علت کامیابی مهندسان مسلمان در ساخت ابزارهای نوین، چون مجسمه ای با حرکات خودکار و فواره های مکانیکی این بود که آنان در طرح این ابزار از دانش تجربی استاتیک ایستاشناسی (استفاده میکردند و نیز می توانستند قطعات لازم را از موادی که داشتند ببرند، شکل بدهند و سوار کنند. سونفتخر والی نعت سنین مهندسان عالم اسلام سه برادر به نامهای احمد و محمد و حسن، فرزندان موسی کر، مشهور به بنو موسی، بودند. کتاب الحیل بنوموسی نخستین اثر مدون شناخته شده در لیک در جهان اسلام به شمار می رود. در این کتاب، یکصد دستگاه شرح داده شده اند که به صورت خودکار و با استفاده از خواص مکانیکی سیالات کار می کنند. این که بیشتر آنها به صورت خودکار و با است

لا ترمی و پمپ - وسایل شامل انواع فواره های خودکار، ساعت‌های آبی، انواع بالابرهای آب و چرخهای آفتابه های خودکار و وسایلی مانند این هستند. نکته جالب در مورد پژوهشهای این سه برادر آن است که آنان پانصد سال پیش از اروپا، و برای نخستین بار، میل لنگ را در حوزه دانشهای فنی به کار برده اند. ۱۰ دیگر مهندس مشهور اسلامی و نامدارترین مکانیک مسلمان جزری است. او در نیمه دوم سده ششم با آغاز سده هفتم هجری در شهر آمد یا دیار بکر امروزی می زیسته کتاب مشهور او در مورد مکانیک، کتاب فی معرفه الحیل الهندسیه یا الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعه الحیل نام دارد که آن را به درخواست امیر دیار بکر، نوشت. کتاب جزری جامع علم و عمل است، یعنی هم کتابی نظری و هم عملی به شمار می رود. او مقام رئیس الاعمال، به معنی « رئیس مهندسان»، را نیز داشته است؛ در هنر رسم فنی مهارت داشت؛ همچنین در تشریح مطالبی که در ذهن داشته و در وصف آسان و ساده دقیق ترین و پیچیده ترین ابزارها استاد بوده است. کتاب وی بهترین نوشتار درباره ابزارهای مکانیکی و هیدرولیکی در سده های میانه است و در آن، واقعه بین علم و عمل، مباحث نظری و راههای عملی را مطرح کرده است. این کتاب به شش بخش (نوع تقسیم شده است .. :ساعت‌های آبی و شمعی؛ ۲. وسایل سرگرم کننده؛ ۳. وسایلی برای شستن دست و صورت و وضو گرفتن؛ ۴. فواره ها و نیهای دایمی؛ ۵. ماشینهایی برای بالا کشیدن آب؛ ۶ وسایل جزئی و گوناگون دیگر. ارزش این کتاب به اهمیت روشها و شیوه ها و اجزای آن منحصر نمی شود، بلکه جزئیات روش ساختن هر وسیله با تفصیل تمام و آن هم توسط شخصی که خود صنعتگر ماهر بوده شرح داده شده است؟ ابوالفتح عبدالرحمان خازنی، دیگر مکانیک دان و فیزیکدان اسلامی است. او در شهر مرو به دنیا آمد و در دستگاه سلجوقیان به امور علمی پرداخت. مشهورترین اثر وی میزان الحکمه (نوشته حدود ۵۱۵ ق (و از مهم ترین کتابهای علم الحیل است. مکانیک آبگونه ها) هیدرولیک (، ایستابشناسی هیدرواستاتیک (، به ویژه دیدگاههای وی درباره گرانیگاه، تعادل اجسام، وزن مخصوص، چگالی سنجی، بالابرها، ترازوها، زمان سنجها و فنون ساختن و به کار بستن ابزارهایی در این زمینه، جملگی

نشان دهنده تبحر او در حوزه دانش مکانیک به شمار می رود : .دیگر دانشمندان مسلمان در این زمینه، ابن هیثم بصری، جیانی قرطبی، و البته ابوریحان بیرونی، را می توان نام برد .پژوهشهای ابوریحان بیرونی در به دست آوردن وزن مخصوص پنج ماده و کان امروزه آن چنان به معیارهای قرن بیستمی ما نزدیک است که تعجب همگان را بر می انگیزد .هرگاه از دید کارکردگرایانه به دستاوردهای مهندسان اسلامی بپردازیم و طراحی انواع آلات سرگرمی و شعبده بازی و بالابره های آب را به کناری بنهیم، مهم ترین دستاورد مسلمانان در حوزه علم حیل، آشنا ساختن اروپا با باروت و سلاحهای آتشین است .پیشینه ذکر استفاده از انواع سلاحهای آتشین در جنگها و به ویژه هنگام محاصره شهرها به سده هشتم هجری می رسد .ابن خلدون در کتاب العمر از کاربرد انواع سلاحهای آتشین و آن هم نه فقط در به کاربردن توپها و انواع ابتدایی توپهای دستی (شمخال) یا تفنگها، بلکه در انواع گوناگونی از پرتابه ها در نبردهای سلاطین اسلامی افریقا یاد کرده است .بررسی آرای چند تن از دانشمندان اسلامی درباره این پرتابهها، نوشته های شهاب الدین بن فضل الله العمری، ابن ارتبخاء و حسن الرماح، ما را با دنیای عجیب و شگفتی آور سلاحهای آتشین آشنا می سازد. \* \* \* ۴ .طب علم طب از نخستین دانشهایی است که بین مسلمانان رواج یافت .اهمیت این علم به حدی بود که علم ابدان در ردیف علم ادیان شمرده می شد .نکته ای که به ویژه به عنوان مهمترین عامل در بررسی دانش پزشکی در حوزه تمدن اسلام باید بدان توجه شود، خاصیت بومی شدن زود هنگام پزشکی در اسلام است .شکی نیست که کلی ترین دانسته های نظری پزشکی به ویژه از راه ترجمه آثار دانشمندان یونانی و از همه مهمتر بقراط و جالینوس به دست مسلمانان رسید .اما بسیاری از مسائلی که پزشکان مسلمان در خصوص بیماران خود با آن روبه رو بودند، به سرزمینهای اسلامی و شرایط خاص آن اختصاص داشت که در نوشته های یونانی از آن ذکری به میان نیامده بود . بدیهی است که صرف عدم ذکر این موارد در آثار پیشینیان، پزشکان اسلامی نمی توانستند به آنها بی اعتنا باشند .بنابراین، رویکردی ویژه درباره این موارد پدید آمد.



و بیشتر از آن چیزی و از نکات مهم و بیماریهایی که در بخشهای گوناگون الحاوی، نوشته رازی بررسی شده، بسیار بیشتر .: است که در آثار جالینوس، بقراط و دیگر پزشکان یونانی آمده است. یکی دیگر از نکات برجسته در تاریخ پزشکی اسلامی، کتاب قانون ابن سیناست. در همه دوران پزشکی فر هیچ کتابی که چنین جامع و مانع و دانشنامه گونه مبادی و موضوعات پزشکی را در بر گرفته باشد، به وجود نیامده بود. بی دلیل نبود که قانون به سرعت و پس از ترجمه آن به لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت، و به عنوان کتاب درسی در دانشکده های پزشکی تدریس شد. اما نوآوری در حیطه پزشکی اسلامی در این حد نیز متوقف نماند. مهم ترین دستاوردهای پزشکی اسلامی هنگامی به وجود آمد که چند تن از پزشکان اسلامی توجه خود را به ناهماهنگی برای جالینوس با آنچه خود بر اثر تجربه به دست آورده بودند منعکس کردند. یکی از نخستین ایرادهای دانشمندان اسلامی بر جالینوس را ابونصر فارابی مطرح کرد. او در رساله خود با عنوان الرد علی الجالینوس فیما نقض علی اوسطاطالیس لأعضاء الانسان به طور کلی ترتیب ساختاری اعضای بدن انسان را بین آرای جالینوس و ارسطو مقایسه کرده و با توجه به آرای خود، حق را به ارسطو داده است. احتمالاً این نگرش فارابی منشأ همان انتقادهایی شد که پس از او ابن سینا از جالینوس مطرح کرد. رازی نیز در مقام پزشکی بزرگ، جامع نگر و صاحب نظر، به آرای جالینوس در پزشکی ایرادهایی مهم وارد کرد. مهم ترین نقد رازی بر آرای جالینوس هنگام طرح دیدگاه های خود درباره دیدن، شنیدن و رسیدن پرتوهای نوری از جسم به چشم ارائه شده است. رازی فرایند دیدن را درست برعکس آرای جالینوس بسته به پرتوهایی می دانست که به چشم می رسند نه آن گونه که جالینوس گفته بود با پرتوهایی که از چشم ساطع می شود. در ادامه این انتقاده ابن سینا نوشته های جالینوس در این زمینه را مثنوی نوشته های آشکارا مهمل نامید. اما مهم ترین نقد آرای پزشکی جالینوس را در جهان اسلامی، که مایه شهرت و افتخار برای پزشکی اسلامی به شمار می رود، ابن نفیس دمشقی، پزشک سده ششم هجری، مطرح کرد. ابن نفیس پزشکی تجربه گرا و اهل نظر بود که یکی از بزرگترین کشفیات پزشکی اسلامی را صورت داد. از این رو او در قرون گذشته بین نویسندگان اسلامی به جالینوس (عرب) اسلامی، همان لقبی که در مراجع مختلف به رازی نیز داده اند، مشهور شده است. ابن نفیس در دو اثرش، شرح تشریح قانون، شرحی که بر

د رجۀ ممتعة --- . - - - . یرمی با ۱۰ بار اول تا سوم قانون نوشته شده است، و شرح قانون، شرحی که به طور کلی بر موضوعات طرح وی در قانون نوشته، کشف خود موسوم به گردش ریوی خون را شرح داده است. تنها در سده بیستم و دانشور جدید با این کشف مهم ابن نفیس آشنا شد. بر اساس نظر جالینوس در مورد گردش خون. آن راه شریان وارد بطن راست قلب شده و از راه منافذی که بین بطنهای راست و چپ قلب وجود دارد به بطن چپ وارد شده و در بدن می چرخیده است، اما ابن نفیس نوشت که خون از بطن راست و از. ادريد به ريه رفته و پس از آنکه در ورید با هوا آمیخته شد از راه وریدی دیگر به بطن چپ رفته و از آنجا در سراسر بدن پخش می شود. بی شک، ابن نفیس این اطلاعات را از راه تشریح بدن انسان به دست آورده است. این کشف او سه سده پیش از آنکه میگل سروتو، پزشک ایتالیایی سده شانزدهم، آن را شرح دهد، به طور آشکار و روشن توضیح داده شد. بنابراین، لازم است در انتساب این کشف به سروتو تردید کرد. حتی درباره این موضوع که سروتو از راه ترجمه های لاتین آثار پزشکی اسلامی با آرای ابن نفیس آشنا شده یا اینکه خود به توارد، این موضوع را دوباره کشف کرده، بحثهای بسیاری در تاریخ پزشکی جهان پیش آمده است. باری کنار هم قرار دادن آرای ابن نفیس، فارابی، ابن سینا و چند پزشک دیگر نشان میدهد پزشکی اسلامی بسیار جدی به دنبال طرح مدلی غیر جالینوسی از پزشکی بوده است. در شاخه های علوم وابسته به پزشکی، مهم ترین سهم در ارائه پژوهشهای اصیل و مبتکرانه متعلق به چشم پزشکی است. چشم پزشکان اسلامی افزون بر بسط آرای پزشکان و چشم پزشکان یونانی در مورد بیماریهای چشم و راههای درمان آنها، خود بیماریهای متعددی را شناسایی و راههای درمان آنها را ارائه کردند. انواع جراحیهای چشم، برداشتن آب مروارید با بیرون کشیدن مایع جمع شده از قرنیه و طرح انواع داروهای گیاهی، معدنی و حیوانی برای چشم از جمله این نوآوریهاست. از بین هم پزشکان اسلامی نیز سهم دو تن بیش از همه چشمگیر است، یکی حنین بن اسحاق، مؤلف و مقالات فی العین و دیگری علی بن عیسی مؤلف تذکره الکحالیین. هر کدام از این دو کتاب منشأ که بسیاری در زمینه چشم پزشکی شد و نویسندگان آنها در زمره بزرگترین چشم پزشکان هی درآمدند. باید اذعان کرد اروپا تنها پس از گذشت هفت سده از رواج چشم پزشکی در اسلام توانست از مجموعه دانسته های چشم پزشکان اسلامی گذر کند. |:::|. ::.

در زمینه گیاه شناسی و گیاه داروشناسی نیز وضع کمابیش به همین گونه است. مدیا یونانی که در این زمینه به دست گیاه شناسان اسلامی رسید، کتاب الحشائش، نوشته دیوسکورید نویسنده اهل آسیای صغیر در سده اول میلادی بود. این کتاب به قلم حنین بن اسحاق و چند تن د از مترجمان نهضت ترجمه به عربی ترجمه شد. در سراسر این کتاب، تقریباً خواص دارویی بانو گیاه مطرح شده است، در حالی که تنها در بخش مربوط به گیاهان دارویی کتاب الحاوی نوشته رازی تقریباً خواص دارویی هفتصد گیاه بررسی شده است. این تعداد در دیگر اثر مهم گیاه شناسی اسلامی که نشانه بسیار مهم آشنایی پزشکان اسلامی با داروشناسی است، یعنی کتاب الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية، نوشته ابن بیطار به ۱۴۰۰ فقره رسیده است؛ یعنی نزدیک به سه برابر بیش از آنچه در کتاب دیوسکوریدس ذکر شده است. این گسترش سریع و بی سابقه در شمار گیاهان، نشان می دهد پزشکان و داروشناسان و البته گیاه شناسان اسلامی بسیار بیش از آنچه پیرو دیوسکوریدس به شمار آیند، خود به دنبال نوآوری و شناسایی خواص دارویی گیاهان بوده اند.<sup>۵</sup>. کیمیا مقوله کیمیاگری برآیند علم و فن و جادو بود که تدریجاً شکل اولیه شیمی را به خود گرفت. موضوع کیمیاگری، تبدیل مواد در حضور عاملی روحانی بود که غالباً «حجر الفلاسفه» نامیده می شد. کیمیا یکی از انواع علوم مخفی بود که اصطلاحاً به آنها «کله سر» برگرفته از حرف اول نام پنج علم کیمیاء الیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا گفته می شد. در کیمیا، از ماده ای بحث می شد که با به کار بردن آن تبدیل فلزات پست چون آهن و مس به زر و سیم ممکن می شد. آن ماده را کیمیگران «اکسیر» می نامیدند. در کیمیای اسلامی که به سرعت پس از ظهور اسلام، در سده نخست هجری، پیدا شد و سنتی پیوسته تا زمان حال دارد، متون فراوانی در دست است که در دوازده سده گذشته نوشته شده و در همه مراحل این صنعت بحث می کند. مهم ترین این مجموعه از آن جابر بن حیان است که نه تنها در جهان اسلام، بلکه در مغرب زمین نیز بزرگترین حجت در کیمیا به شمار می رود. با ظهور جابر، کیمیا در نزد مسلمانان از صورت «صنعت زر خرافی، به صورت» دانش تجربی آزمایشگاهی «درآمده است. جابر به تقطیر مایعات خالص مانند آب و شیر و روغن و خون،

اله در آن می پرداخت و چنین می پنداشت که هر بار که آب را تقطیر می کند، مادهای تازه بر مادهای پیشین افزوده می شود، تا عدد این تقطیر به هفتصد برسد. به نظر او دست یافتن به کیر از طریق جوشاندن و تقطیر طلا در مراحل خلوص گوناگون تا هزار بار مقدور بود. شمار آثاری که نویسنده آنها نام جابر دارد چندان فراوان است که درباره درستی انتساب برخی از آنها به جابرین حیان تردید شده است. به نظر بعضی از دانشمندان غربی و پژوهشگران درباره جابر، تعدادی از این رسائل را پیروان فرقه اسماعیلیه و در سده چهارم هجری نوشته اند. پس از جابر، دیگر کیمیاگر مشهور دوره اسلامی بدون شک محمدبن زکریای رازی است. رازی پیش از آنکه به تحصیل پزشکی بپردازد کیمیاگر بوده است و نقل شده که بر اساس تجربه های بیش از حد و سخت گیمیاپی دید چشمان او کاهش یافت و به همین سبب، مایوسانه دست از کار کیمیا کشید. رازی خود را شاگرد جابر می شمرد و حتی عنوان بیشتر نوشته های کیمیاپی او مانند عناوین مجموعه جابری است ولی کیمیاپی جابری بر پایه تفسیر و تاویل باطنی طبیعت به عنوان کتاب تکوین بوده است که در تشیع و تصوف یکی از ارکان اعتقادی است. با به کار بردن این روش تاویلی معنای باطنی اشیای هر علم جابری و به ویژه کیمیا، هم بر جنبه نظری و نمونها مربوط می شده است و هم به معنی رمزی و باطنی آنها. رازی، با انکار تاویل روحانی، از جنبه رمزی کیمیا چشم پوشی کرده و آن را به صورت شیمی درآورده است. بر این اساس، کتابهای کیمیاپی رازی در اصل نخستین کتابهای علم شیمی است. کتاب سرالاسرار که مهم ترین اثر کیمیاپی رازی است در واقع کتابی شیمی است که با اصطلاحات کیمیا بیان شده است. در این کتاب، ذکر فرایندها و آزمایشهایی از شیمی به میان آمده که خود رازی آنها را انجام داده است و می توان آنها را با اشکال برابر آن اعمال در شیمی جدید همچون تقطیر و تکلیم و تبلور و غیره مطابق دانست. رازی در این کتاب و دیگر آثارش بسیاری از آلات را همچون قرع و انبیک و دیگ و چراغ نفتی شرح کرده است که بعضی از آنها تا زمان حاضر کاربرد دارند. در سده چهارم هجری، ابن سینا و فارابی درباره اکسیرها و برخی از موضوعات مربوط به یا چیزهایی نوشتند. اما هیچ کدام از این افراد رساله جداگانه ای درباره کیمیا تألیف نکردند. از دیگر رانی که در این دوره و پس از آن می شناسیم باید از ابوالحکیم محمدبن عبدالملک صالحی که صاحب رساله عین الصنعة و عون الناع یاد کرد. پس از او، ابوالقاسم عراقی که در سده، کتاب المکتب فی زراعة الذهب را به رشته تحریر درآورد. عبدالله بن علی کاشانی انعام هفتم میزیست، کتاب المکتب فی زراعة اله در ۱۴۲۱ ه: م و

-- . - - - - - . - \_کیمیادان سده هفتم و اوایل سده هشتم نیز از اشخاص صاحب نام به شمار می آید . آخرین دی فروزان در آسمان کیمیا در دوره اسلامی عزالدین جلدکی است که نوشته هایش از مآخذ درس و می فهم زمان او و پس از او بوده است . المصباح فی اسرار علم المفتاح و البدر المنیر فی اسرارالاکسیرجند نمونه از آثار کیمیایی او به شمار می روند . فلسفه فلسفه از واژه یونانی الاصل و مشتق از فیلا سوفیا یعنی دوستدار حکمت است، و آن علم شناخت مبدأ و معاد آفرینش بر پایه استدلال عقلانی است . در جهان اسلام، فلسفه بر دو بخش تقسیم می شود .. فلسفه مشایی : که منسوب به ارسطو است کلمه (مشاء) راه رونده (از آنجا اقتباس شده است که ارسطو و شاگردان او بر حسب عادت بحثهای فلسفی خود را در حال راه رفتن انجام می دادند . در فلسفه مشایی اساس بحث استدلال و اعتبار عقل است . ۲۰ . فلسفه اشراق : این فلسفه همان فلسفه مشرق زمین و حکمت رایج میان حکمای ایرانی بوده است که شیخ شهاب الدین سهروردی احیاگر آن بود . بنیاد آن بر کشف و شهود یعنی کنار رفتن پرده از حقایق و دیدن آشکارای آن با درک و دریافت درونی) در عین پذیرش استدلال و برهان (استوار است . ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی) ۲۶۰-۱۸۵ ق (اولین فیلسوف مسلمان به شمار می آید . او نخستین کسی بود که به پژوهش و مطالعه در علم و فلسفه پرداخت و از این رو، او را « فیلسوف العرب نامیده اند . کوفه در سده دوم و سوم هجری کانون مطالعات علوم عقلی بود و کندی در چنین فضایی به تحصیل پرداخت و علم و فلسفه را فرا گرفت، یونانی و سریانی آموخت و آثاری ارزشمند به عربی ترجمه کرد . آثار کندی، که در حدود ۲۷۰ اثر برشمرده شده است، به هفده دسته تقسیم می شود از جمله فلسفیات، منطقیات، حسابیات، کریات، موسیقیات، نجومیات و هندسیات . کندی نخستین کسی بود که بین دین و فلسفه آشتی ایجاد کرد و مسیر را برای فارابی، ابن سینا و ابن رشد هموار

بود. او از یک سو، در نظریه اولیه خود روش منطقیون را پیمود و دین را تا مرتبه فلسفه پایین آورد و: طرفی، در نظریه دوم، دین را علمی الهی دانست و از حد فلسفه بالاتر برد، به گونه ای که این علم با و به پیامبری شناخته می شد. از این رو با تفسیر فلسفی دین، با فلسفه اُستی برقرار کرد. دیگر فیلسوف بزرگ در قرون اولیه عالم اسلام محمدبن زکریای رازی است که، به نوشته ابن ندیم، فلسفه و علوم را به خوبی می دانست. شمار آثار رازی ۱۴۷ اثر برشمرده شده است که امروزه دست کم شش رساله فلسفی او باقی مانده است. رازی در فلسفه نظامی منسجم نداشت ولی در قیاس با شرایط عصر خود به منزله یکی از قوی ترین دانشمندان و متفکران اسلامی در تاریخ تفکر بشری مطرح شده است. او قایل به اصالت عقل بود و به نیروی آن بی اندازه تکیه می کرد و به حرکت به سوی خدای متعال ایمان داشت، ولی به سبب سرسختی در مورد اصالت عقل و حملات شدید به پیروان نظر و قیاس و به معتقدان جمع میان دین و فلسفه و معارضه با ادیان و توجه به برخی از مبانی فلسفی ایرانیان و فلاسفه پیش از ارسطو، به ویژه دیمقراطیس و باورهای خاصی که داشت، خشم دستهای بزرگ از علمای اسلامی بر ضد او برانگیخته شد. دستهای او را تنها متطبب خواندند و حق ورود به مباحث فلسفی را به او ندادند. بسیاری از نویسندگان، علما و متفکران اسلامی او را ملحد، نادان، غافل و جاهل نامیدند و بسیاری دیگر از متفکران اسلامی، از جمله افرادی چون ابونصر فارابی، ابن حزم اندلسی، ابن رضوان، ناصر خسرو و فخرالدین رازی بر آثار او رديه نوشتند. پس از رازی، بزرگترین فیلسوف مسلمان که در تاریخ علوم عقلی و به ویژه در تأیید فلسفه افلاطون و ارسطو و نزدیک کردن آن دو به یکدیگر، به پیروی از افلاطونیان جدید و منطبق ساختن مبانی حکمت در اسلام مقامی شامخ دارد، ابونصر فارابی است که به درستی لقب «معلم ثانی» بدو، است. فلسفه فارابی از گذشته متفاوت است؛ به گونه ای که وی، با مطالعه آرای فلاسفه نه آنها را با محیط فرهنگی خاصی که در آن زندگی می کردند تطبیق داده است. او بر این باور بود \* اساساً یک مفهوم واحد است که هدف آن جستجوی حقیقت است. از این رو، حقیقت د حقیقت فلسفی از نظر او) سوای مسائل صوری (با هم هماهنگی دارند و باید با تلفیق آنها دان

۱۵۲\_ فرهنگ و تمدن اسرار می فلسفه نوینی را پایه گذاری کرد. دیگر فیلسوف بزرگ ابن مسکویه (۴۲۱ حدود ۳۲۰ ق) است که دست کم چهارده رساله در فلسفه از وی باقی مانده است. ابن مسکویه در یکی از مهم ترین آثار خود به نام الفوز الاصغر یک دیدگاههای نوین خود را در مورد آفرینش انسان مطرح کرده است. در این نظریه او می کوشد اثبات کند که آفرینش از عدم محقق شده و صورتها به تدریج دگرگون می شوند، ولی ماده به شکل ثابت باقی می ماند. در مورد انسان، او معتقد است آفرینش و تکامل انسان چهار مرحله جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی دارد و در انسان چیزی به نام روح وجود دارد که امور حاضر و غایب و محسوس و معقول را درک میکند و می تواند امور پیچیده مادی را ادراک کند. ابن سینا نیز به عنوان بزرگترین فیلسوف اسلامی دارای نظام فلسفی استوار و درخشان است. ویژگی مهم و برجسته او، که از وی نه تنها در جهان اسلام، بلکه در کل قرون وسطای مغرب زمین شخصیتی یگانه ساخته، این است که توانسته از برخی مفاهیم اساسی در فلسفه به طور مستدل تعریفی خاص و منحصر به فرد عرضه کند. ابن سینا در مورد هر یک از نظریه های شناخت، نبوت، خدا و جهان، انسان و حیات، رابطه نفس با بدن و مانند اینها گزارش مفصل و البته جداگانه ای داده است. این آرای او طی قرون وسطا به شدت در شرق و غرب نفوذ کرد و در مدارس و دانشگاههای مهم اروپا تدریس می شد، او به نوعی به دو جهان عقلی و دینی که فلسفه یونان و مذهب اسلام را شکل داد، تکیه کرد. از لحاظ عقلانی، ضرورت و لزوم وحی را به طور مستدل ثابت کرد و بیان کرد که بصیرت عقلی - روحی عالی ترین موهبتی است که به پیامبر اعطا شده است. روح پیامبر آن چنان نیرومند است که مفاهیم عقلانی را به صورتی زنده و پویا در می آورد و با عنوان ایمان بر مردمان عرضه می شود. ۲۰ طی سده چهارم هجری، جمعیتی سنی با اهداف فلسفی، دینی و اجتماعی به نام «اخوان الصفا» در بصره شکل گرفت. از بزرگان شناخته شده این جمعیت می توان زیدبن رفاعه، ابوالعلاء معری این راوندی و ابوحیان توحیدی را نام برد. اخوان الصفا گروهی متفکر بودند که به اندیشه های عرفانی افلاطون و فیثاغورسیان و صوفیان و فیلسوفان مشائی و مبانی شیعه اعتقاد داشتند. اعضای این جمعیت به چهار دسته مبتدیان، برادران نیکوکار دانا، برادران فاضل کریم و حکیمان تقسیم می شدند

-----  
نام نویسنده آن، بلکه با امضای کلی اخوان الصفا منتشر می شد. اخوان الصفا مجموعاً ۵۱ والی نوشتند. از دید آنها علوم الهی به پنج دسته به شرح زیر تقسیم میشد: ۱. معرفت پروردگار و بنات حق؛ ۲. علم روحانیات؛ ۳. علم نفسانیات؛ ۴. علم معاد یا رستخیزشناسی؛ ۵. علم سیاسیات که خود به پنج دسته سیاست نبوی، سیاست ملوکی، سیاست عامه، سیاست خاصه و سیاست ذات تقسیم می شد. از این دوره به بعد، همچنان شاهد ظهور و رشد فلاسفه متعددی در عالم اسلام هستیم که هر یک، اندیشه خاصی را نیز با خود به جهان عرضه کردند. در اینجا برخی از مشهورترین افراد به اختصار معرفی می شوند ابوحامد محمد غزالی طوسی، که مهم ترین اثر او، احیاء علوم الدین، به عربی نوشته شده و به دفاع از اندیشه های دینی در مقابل آرای دیگر فلاسفه اختصاص دارد. این کتاب به چهار قسم عبادات، عادات، مهلکات و منجیات تقسیم شده است. عمر خیام، از جمله کسانی بود که به فراگیری علوم یونانی اهتمام داشت. اندیشه های خیام نزدیک به اندیشه های اخوان الصفا و طرز بیان او با طرز بیان آنان یکسان است. خیام به وجود خداوندی معتقد است که خیر مطلق است و عقاب و عذاب از او صادر نمی شود. اند ابن باجه، ابن میمون قرطبی، ابن طفیل، و ابن رشد از فیلسوفان بزرگ متعلق به مکتب اسپانیا اندلس (هستند). در همان دوره که این فلاسفه در اسپانیا به دنیا آمدند و رشد کردند، در ایران نیز شاهد درخشش افراد بسیاری بودیم؛ از جمله این افراد شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق را می توان نام برد، که آثار گوناگونی هم به فارسی و هم به عربی تألیف کرده است. از جمله مهم ترین نوشته های\* روردی حکمة الاشراق، التلویحات و هیا کل النور به عربی، پرتو نامه و عقل سرخ به پارسی هستند. او، فخرالدین رازی را نیز که تقریباً معاصر سهروردی بود، باید نام برد. فخرالدین رازی از گروه وفاقی است که در آسان نویسی بسیار ماهر بود و از آنجا که در حکمت و کلام تبحر داشته و آن را با الساعرائه می آمیخته است، استدلالهایش نیز استوار و شیواسته



کسی که به ویژه به عنوان فیلسوف، دانشمند، سیاستمدار و اندیشه پرداز در این بخش باید دید توجه بسیار قرار گیرد خواهی نصیرالدین طوسی است که در شرایط بسیار سخت اجتماعی و سایر ایران، یعنی همزمان با یورش مغولان ظهور کرد. طوسی به طور کلی در فلسفه پیرو ابن سینا است، اما عقاید خاص خود را نیز دارد<sup>۱</sup>. پس از طوسی، مهم ترین فیلسوف، میرداماد استرآبادی است که تقریباً در عصر صفویه می زیست. از جمله آثار مشهور او القبسات است که در آن بحث نوینی را در مورد حدوث و قدم عالم عنوان کرده و در ضمن آن، عالم معقولات مجرد را حادث دهری (زمانی) دانسته است. فیلسوف مشهور دیگر این دوره، میرفندرسکی است. از صفات او آنکه ظاهری ساده داشت و مصاحب درویشان بود. افکار و اندیشه های میرفندرسکی در چارچوب کلمات و آرای ابن سینا و فلسفه مشاء قرار می گیرد. میرفندرسکی در تمام مواردی که بین فلسفه مشاء و طرفداران سهروردی اختلاف نظر بود از فلاسفه مشاء دفاع میکرد. میرفندرسکی، از میان فلاسفه اسلامی، تنها کسی است که طی سده های گذشته، زبان سنسکریت می دانسته و از این رو، یکی از مهم ترین آثار فلسفی و اعتقادی فلاسفه هند، یعنی مهابهاراته را شرح کرده است. در سده یازدهم هجری، بلافاصله پس از میرفندرسکی، ملاصدرای شیرازی مشهور به صدرالمتألهین پا به عرصه وجود گذاشت. او بزرگترین فیلسوف این سده و به ویژه در زمینه فلسفه اشراق است. ملاصدرا از آغاز تحصیلات خود تا زمان پختگی اندیشه، سه مرحله شاگردی، روزگار عبادت و عزلت، و دوران تألیف و بیان افکار و آرا را پشت سر گذاشت. از تألیفات مهم فلسفی ملاصدرا الأسفار الاربعه و المبدأ و المعاد است. یکی از مهم ترین جنبه های بررسی فلسفه در عالم اسلام، پویایی، زندگی و ادامه حیات این دانش در اعصار مختلف است و چنان که ملاحظه شد، از صدر اسلام و به ویژه از زمان زندگی کندی تا زمان ملاصدرا، جریان پیدایش حرکت های فکری اسلامی جوشش داشته و هیچگاه از ظهور فیلسوفی بزرگ خالی نبوده است. این پویایی از ملاصدرا به بعد نیز ادامه یافت. ملاصدرا آرای خود را در نهضت بزرگ و تمام عیار فلسفی، به نام مکتب فلسفی تهران، به یادگار گذاشت که پس از او، در دوران حکومت خاندان زندیه و البته در دوره حکومت قاجار، در تهران به حیات خود ادامه داد و فلاسفه بزرگ

و متعددی را از خود به یادگار گذاشت. مکتب فلسفی تهران هنوز هم جریان دارد. منطق منطق، دانش قواعد درست اندیشیدن و درست استدلال کردن و نتیجه گرفتن است. مسلمانان طی سده های نخستین اسلامی راه و روش منطقی خاص خود را داشتند. این روش منطقی را آشکارا میتوان در علم کلام و اصول فقه دریافت. در این نوع منطق، مسلمانان با آن که از منطق ارسطویی الهام می گرفتند اما به ندرت تحت تأثیر آن بودند. بطور مشخص علم اصول فقه، منطق فقها به شمار می آمد که بر ساخته مسلمانان بود و متکلمان نیز تا سده پنجم کمتر از منطق ارسطویی استفاده می کردند و روش منطقی خاص خود را داشتند. برای نخستین بار در جهان اسلام ابن مقفع، دانشمند ایرانی، به ترجمه عربی معقولات و عبارات و قیاس مبادرت ورزید و مترجمان دیگر هم رسائل منطقی را ترجمه کردند. کندی، فارابی، ابن سینا، بهمنیارین مرزبان و حکیم لوگری در این زمینه فعالیت کردند. ولی بوعلی سینا با اینکه در کتاب شفا استخوان بندی منطق ارسطو را دست نزد و به طور کامل آن را شرح داد، در کتابهای دیگر خود در این روش منطقی (روش ارسطو) (دخل و تصرف بسیار کرد. او در دیباچه کتاب منطق المشرقین تأکید کرده که همچنان بر سنت مشائیان وفادار مانده است. خواجه نصیرالدین طوسی نیز در منطق بررسی بسیار کرد و کتابهای متعددی را از جمله اساس الاقتباس، شرح منطق اشارات، تعدیل المعیار، التجرید فی المنطق، در این زمینه نگاشت. او منطق را هم علم و هم ابزار می دانست، علم شناخت معانی و کیفیت آنها و کلید ادراک و فهم دیگر علوم تلقی کرده است. ابن تیمیه) م ۶۶۱ق (نیز از منطقیون بزرگ اسلامی است. از جمله مهم ترین کتابهای او در این زمینه کتاب الرد علی المنطقیین و نقض المنطق است. در پس از ابن تیمیه، ابن خلدون به عنوان نقاد منطق ارسطویی مطرح است. او در فصول گوناگون از قاب مهم خود، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر، از منطق سخن گفته است. او از دید تاریخی به منطق نگریسته و چگونگی پیدایش آن را بیان کرده و نفوذ آن را در جهان اسلام معین کرده است. او به صورت فشرده ماهیت منطق را تعریف کرده و سپس به ذکر مبادی و اساس آن پرداخته است. با ظهور صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) (در سده یازدهم، فعالیت فکری و عقلی در تمدن اسلامی

و پیروی از مشائیان، علوم را تقسیم به اوج خود رسید. ملاصدرا در فصول مقدماتی کتاب الاسفار، به پیروی از مشائیا ۱. کرده و از منطق نیز سخن رانده است. روش منطقی او شباهت بسیاری به روش ابن سینا دارد. ۸. تاریخ و تاریخ نگاری فرهنگ عرب جاهلی اساساً شفاهی بود و بر همین منوال نیز از نسلی به نسل دیگر منتقل میشد. تا پیش از ظهور اسلام و تأکید آموزه های قرآنی بر عبرت گرفتن از سرگذشت اقوام پیشین، اعراب جاهلی درک درستی از پیوستگی زمان به منزله مفهومی تمدنی نداشتند. اما مهم ترین مایه ترغیب مسلمانان به تاریخ نگاری و تاریخ آموزی همانا آموزه های قرآن و حدیث بود. بنابراین، ابتدای پیدایش دانش تاریخ و تاریخ نگاری را نزد اعراب باید از همان ابتدای ظهور اسلام دانست، مسلمانان در مطالعات تاریخی خود، با تأثیر از آموزه های قرآن و حدیث، نخست به موضوع سیره و مغازی پیامبر پرداختند و پس از آن متوجه دیگر موضوعات تاریخ نگاری شدند. از نخستین مورخان مسلمان باید از ابومخنف) م ۱۵۷ ق (نام برد. او مؤلف تاریخهای تکموضوعی متعددی است که بخشهایی از آن در تاریخ طبری آمده است. ابن اسحاق) م ۱۵۰ ق (نیز نخستین کسی است که به نگارش سیره نبوی دست زد. کتاب او، جز بخشهایی که در تاریخ طبری نقل شده، مستقیماً به دست ما نرسیده، اما همه آن در سیره ابن هشام آمده است. واقدی) م ۲۰۹ ق (کتابی معروف به نام المغازی درباره جنگهای پیامبر نوشته است. ابن سعد، شاگرد واقدی، نیز کتاب الطبقات را مشتمل بر شرح احوال پیامبر، صحابه و تابعین نوشت. در سده سوم، بلاذری) م ۲۷۹ ق (دو اثر پرارزش تاریخی به نامهای فتوح البلدان و انساب الاشراف از خود به جای گذاشت. در نیمه دوم همین سده، طبری) م ۳۱۰ ق (، بزرگ ترین مورخ این دوره، کتاب عظیم تاریخ الامم و الرسل و الملوک را نگاشت. در سده پنجم، چند مورخ بزرگ وجود داشتند: ابن مسکویه مؤلف تجارب الأمم، عتبی مؤلف تاریخ مینی که آن را برای سلسله غزنوی نگاشت و خطیب بغدادی مؤلف تاریخ بغداد. در سده ششم، اسد نتیج ۷

تا ۵۴ ق (الاعتبار را، که به نوعی شرح حال به شمار می رود، نوشت و عمادالدین اصفهانی) م با ما ۵۸۹ ق (نصره الفتره را در تاریخ سلجوقیان نوشته در سده هفتم، با مورخان بزرگی روبه رو هستیم .ابن اثیر) م ۶۳۲ ق (که از مشهورترین مورخان عرب زبان است و کتابهای کامل فی التاریخ و اسد الغابۀ را نگاشت .دیگر مورخ بزرگ این سده ابن خلکان است که رساله مهم وفيات الاعیان را نگاشت که فهرست گونه ای از تذکره رجال و تاریخ ادب است . در سده هشتم، ابن ابی زرع) م ۷۲۷ ق ( کتاب مهم خود روض القرطاس را در تاریخ مغرب و ابوالفدا کتاب المختصر فی اخبار البشر را تألیف کرد .در سده نهم، تقی الدین قاسی تاریخ مکه را نوشت .در همین سده، مقریزی مهم ترین اثر خود، الخطط و الاثار، را درباره تاریخ و جغرافی مصر نگاشت .در سده یازدهم نیز، مقری کتاب نفع الطیب را در تاریخ اسپانیا به نگارش در آورد .همانند دوره ای که درباره تاریخ نگاری به زبان عربی بر شمردیم، تاریخ نگاری به زبان فارسی نیز موازی با آن به حرکت خود ادامه داده و رشد کرد .همچون تاریخ نگاران عربی نویس، نویسندگان ایرانی هم در دوره های متعددی کتب تاریخی تألیف کردند یا از عربی به فارسی برگرداندند .از کهن ترین کتابهای تاریخ عمومی به زبان فارسی که تاکنون باقی مانده است، تاریخ بلعمی نوشته ابوعلی بلعمی در سال ۳۵۲ ق است .پس از آن، زین الاخبار گردیزی) تألیف نیمه اول سده پنجم)، را می توان نام برد .اما مهم ترین دوره تاریخ نگاری در ایران و به زبان فارسی، دوره مغول یعنی از سده هفتم به بعد است .در این دوره شاهد رستاخیزی در نگارش کتابهای تاریخی به فارسی هستیم .مهم ترین کتابهای تاریخی این دوره، تاریخ جهانگشای جوینی نوشته عطاملک جوینی، طبقات ناصری نوشته عثمان بن محمد جوزجانی) تألیف ۶۵۸ ق)، نظام التواریخ نوشته عبدالله بن عمر تصاوی، جامع التواریخ نوشته رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ بنا کی تألیفه فخرالدین داود بناکتی، یخ زده تالیف حمدالله مستوفی، تجزیة الامصار یا تاریخ وسان نوشته شرف الدین عبدالله وصاف شیرازی و مجمع الأنساب تألیف محمد بن علی شبانکارهای است .مجد و عظمت تاریخ نگاری به زبان ، در دوره تیموری و ترکمانان نیز ادامه یافت .از آثار این دوره می توان مجمع التواریخ السلطانیه انط ابرو، ظفرنامه نوشته شرف الدین علی یزدی، روضه الصفا نوشته میرخواند، و تاریخ

\_\_جیب السیر نوشته خواند میر را نام برد<sup>۱</sup>. پس از ترکمانان و با استقرار دولت صفوی، تحول مهمی در تاریخ نگاری به زبان فارسی و روان آن، شکل جدیدی از تاریخ نگاری بر اساس تفکر شیعی بود. از مهم ترین این گونه کتابهای تاریخی باید صفوه الصفا نوشته ابن بزاز، تاریخ عالم آرای عباسی نوشته اسکندر بیک منشی ترکمان البالتواریخ نوشته یحیی بن عبداللطیف قزوینی و تاریخ جهان آرا از قاضی احمد غفاری را ذکر کرد. بخش مهمی از تاریخ نگاران این دوره تاریخ حکومت پادشاهان صفوی را به عنوان اصلی ترین موضوع تاریخ نگاری انتخاب کرده و آثار متعددی در این زمینه تألیف کردند که از آن جمله جواهر الأخبار، تألیف بوداق منشی قزوینی، قابل ذکر است. در دوره افشاریه و زنده سنت تاریخ نگاری صفوی با همان گرایش شیعی ادامه یافت. از مورخان مهم این دوره میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی مخصوص نادرشاه، بود که آثار متعدد تاریخی از جمله ده نادره و جهانگشای نادری را تألیف کرد. در دوره زندیه نیز، از وجود مورخانی همچون ابوالحسن گلستانه صاحب مجمل التواریخ، میرزا محمد کلانتر، مؤلف روزنامه میرزا محمد کلانتر، و میرزا صادق موسوی اصفهانی، مؤلف تاریخ گیتی گشا، خبر داریم. در دوره قاجار، رخداد مهم دیگری در تاریخ نویسی ایران به فارسی صورت گرفت که تحت تأثیر آن باید تاریخ نگاری این دوره را به دو قسمت تقسیم کرد. تا پیش از آشنایی ایرانیان با علوم جدید و از آن میان، تاریخ نگاری، یعنی در بخش اول دوره حکومت قاجار، تاریخ نویسی این دوره همانند تاریخ نویسی در دوره صفویه و زندیه و طبق همان سبک و سیاق و نشر ادبی سابق بود، که یک قسمت از تاریخ نگاری دوره قاجار را تشکیل میدهد و، در دوره دوم، تاریخ نگاری این دوره از آشنایی ایرانیان با روش جدید تألیف تاریخ اروپایی آغاز می شود. شکست ایران از روسیه و توجه به دلایل این شکست و روی آوردن به ترجمه از زبانهای اروپایی آغازگر بخش دوم تاریخ نگاری قاجار است از آثار مهم تاریخ نگاری در بخش اول دوره قاجار، تاریخ محمدی و تاریخ ذوالقرنین نوشته میرزا فضل الله خاوری شیرازی؛ مآثر سلطانی نوشته عبدالرزاق مفتون دنبلی؛ و تاریخ عضدی نوشته عضدالدوله سلطان احمد میرزا و ناسخ التواریخ نوشته محمدتقی سپهر را می توان نام برد. در دوره دوم تاریخ نگاری قاجاریه بر اساس ترجمه از زبانهای اروپایی نمونه های چندی از کتابهای تاریخ = ده<sup>۱</sup>"

—اروپایی، از جمله تاریخ انحطاطون سرجان ملکم نیز کتاب تارینا به تاریخ انحطاط و زوال امپراتوری روم نوشته ادوارد گیبون به فارسی ترجمه شده کی نیز کتاب تاریخ ایران را به انگلیسی تالیف کرد که بعداً به فارسی برگردانده شد.<sup>۱۰</sup> با عملگی مواردی از تاریخ نگاری بودند که بدانها اشاره شد. یکی دیگر از مباحثی که باید در و بررسی تاریخ نگاری در دوره اسلامی بدان توجه شود این است مورخان به لحاظ رونق تاریخ نگاری از سبک و سیاق متنوعی در تألیف کتب پیروی می کردند. از این رو، آثار تاریخی آنان را به چند دسته می توان تقسیم کرد که عبارت اند از: الف (تاریخ نگاری خبر: که در موضوعات متعددی مانند حدیث، قصه، مقتل، سیره و مغازی دسته بندی می شود. ب (وقایع نگاری: که تدوین رویدادها و حوادث بر اساس نظم تاریخی به شکلی پیوسته و یکپارچه است ج (ذیل نویسی و مختصر نویسی: نوشتن ذیل و تکمله هایی بر آثار تاریخی گذشتگان د (تاریخ نگاری عمومی: ذکر وقایع ممالک اسلامی، بدون دخالت عناصر قومی و جغرافیایی و مانند آن، به روش تقویم و سال شماره ه (تاریخ نگاری بر اساس نسب شناسی: ذکر حوادث تاریخی بر اساس شناسایی پشت به پشت و شجره شناسی و پیوند آن با قبایل و طوایف، که پیشینه آن به دوره جاهلی بازمی گردد. و تاریخ نگاری به سیاق طبقات: این روش، کهن ترین روش تاریخ نگاری در کار مورخان اسلامی است. در کتب تاریخی «طبقات» مورخ شرح احوال بزرگان دینی و علمی و سیاسی هر دوره یا نسل را در یک طبقه مجزا از دیگر دورهها یا طبقات، به ترتیب زمانی تدوین میکرد. السرگذشتنامه ها: که شمار بسیاری از متون تاریخی را در بر می گیرد و تدوین کتابهایی درباره دست خلفاء، فرمانروایان و دانشمندان است. این شیوه تاریخ نگاری تحت تأثیر سیرههای الیف شده درباره پیامبر را به وجود آمد. حاسده نامه ها: این روش تاریخ نگاری از سده هفتم متداول شد. در این روش سرگذشت رجال در یک سده مشخص به شیوه عام و الفبایی آورده می شود. ای محلی: ذکر رویدادها و حوادث تاریخی یک محله یا سرزمین یا شهر بر اساس ط (تاریخ نگاری محلی: ذکر

\_\_تقویم نگاری تاریخی و سال شماری ی (تاریخ نگاری دودمانی :تالیف کتب و رسالاتی بر محور دوره حکمرانی خلفا و سلاط ..روش تاریخ نگاری، که از روش ایرانیان پیش از اسلام اقتباس شده، تاریخ دادند تنظیم میکردند . در هر یک از این تقسیم بندیها کتابها و رسالات گوناگون به زبانهای فارسی و عربی تدوین شده است .نمونه این کتابها را باید در کتابشناسیها یا منابع مفصل تاریخی جست وجو کرد . جغرافیا مسلمانان در زمینه دانش جغرافیا نیز مانند دیگر رشته های علوم اوایل، همچون ریاضی، پزشکی و نجوم به میراث تمدنهای پیشین به ویژه یونان، ایران و هند تکیه کردند .آنان با مطالعه و ترجمه آثار آنها توانستند این دانشها را گسترش دهند .فتح ایران و مصر و سند این فرصت را به مسلمانان داد که از موفقیتهای علمی و فرهنگی مردمان این سه مهد تمدن اطلاعات دست اولی کسب کنند .مهم ترین منبع مسلمانان درباره جغرافیای هندی، از طریق کتاب سوریا سدهانته، که در زمان خلافت منصور عباسی از سنسکریت به عربی ترجمه شد، به دست آمد .معلومات جغرافیایی و نجومی یونانیان نیز با ترجمه آثار بطلمیوس و دیگر دانشمندان یونانی به مسلمانان انتقال یافت .کتاب جغرافیای بطلمیوس چند بار در دوره عباسی ترجمه شد .ولی آنچه امروزه در دست است، اقتباس محمدین موسی خوارزمی از این کتاب است که با دانش مسلمانان نیز در آمیخته است .جغرافیای علمی در فرهنگ اسلامی در دوران خلافت منصور عباسی آغاز و به ویژه در دوران خلافت مأمون تشویق شد .در عصر خلافت مأمون جغرافیا بسیار پیشرفت کرد :اندازه گیری یک درجه از قوس کره زمین، تهیه جداول نجومی و نقشه های مختلف جغرافیایی، از جمله این پیشرفتها به شمار می آیند .پیش از سده سوم هجری نوشته های جغرافیایی مستقلی وجود نداشت، بلکه گاه و بیگاه به

- - و در تمدن اسلامی و ۶۲ اطلاعات پراکنده جغرافیایی از آن دوران و دانش جغرافیا در تمدن اس گرفت و به دنبال آن، ترجمه‌هایی بدید و جغرافیایی از آن دوران برمی‌خوریم، اما سده سوم هجری دوران نوآوری و پیشرفت . نادر تمدن اسلامی است؛ زیرا در این سده از یک سو، آشنایی با آثار بطلمیوس صورت‌الآن، ترجمه‌هایی پدیدار شد که رشته جغرافیای علمی با آن آغاز شد .از دیگر سو، برجای گوناگون جغرافیای وصفی به وجود آمد و در اواخر همین سده، آثار جغرافیایی چندی تألیف شد و سفرنامه‌های گوناگونی نیز به نگارش درآمد .در سده چهارم هجری با پیدایش مکتبهای جغرافیای اسلامی که به وصف «مسالک و ممالک» اهمیت ویژه می‌داد و با اطلس اسلام یعنی بهترین نمونه‌های ترسیم جغرافیایی ارتباط نزدیک داشت، نوشته‌های جغرافیایی به اوج رسید .در به نظر می‌رسد دگرگونی دانش جغرافیا در تمدن اسلامی را میتوان به دوره‌های مختلفی تقسیم کرد .در ا ران است .. دوره اول) سده‌های سوم و چهارم هجری : (در این دوره دانش جغرافیایی رو به رشد و بالندگی گذاشت، نوشته‌های جغرافیایی این دوره به دو مکتب، که هر کدام زیرشاخه‌هایی دارند، دسته‌بندی می‌شوند : ۱ . متونی که درباره جهان و به طور کلی عالم نوشته شده ولی قلمرو خلافت اسلامی به عنوان مرکز جهان اسلام در آنها با تفصیل بیشتری مطرح شده است؛ ۲ . آثاری که به وضوح تحت تأثیر آرای ابوزید بلخی بوده‌اند و فقط به گزارش سرزمینهای اسلامی پرداخته و هر ناحیه یا ایالت از آن را اقلیم جداگانه‌ای دانسته‌اند و جز در نواحی مرزی، کمتر به سرزمینهای غیراسلامی پرداخته‌اند . 'دوره دوم) سده پنجم : (این سده دوره رونق جغرافیای اسلامی است .در این دوره دانش جغرافیائی مسلمانان اعم از آنچه از یونانیان و دیگران اقتباس کرده یا خود از راه پژوهش و مشاهده و سیاحت به دست آورده بودند، در بالاترین سطح پیشرفت قرار داشت ۲۳ . سوم) سده‌های ششم تا دهم : (این سدهها دوره تلفیق در جغرافیای اسلامی به حساب از این دوره، غیر از آثار کسانی چون ادریسی، سطح نوشته‌ها در مقایسه با کتب دوره پیشین است و روحیه علمی و انتقادی به موضوع جغرافیا و تأکید بر اعتبار و اصالت اطلاعات،



خود را به تلخیص و نقل معلومات سنتی و که ویژگی کار نویسندگان پیشین به شمار می رفت، جای خود را به تلخیص و نقا نظری از کتب نویسندگان گذشته داد. دوره چهارم) سده های یازدهم تا سیزدهم: (در این دوره، شاهد آن هستیم که دانش جغرافیا اسلامی به ندرت آثاری از پیشرفت را در خود می بیند، به طور کلی، این دوره را می توان دوره سکی نهاد. در پایان این دوره اتفاق مهمی در دانش جغرافیای اسلامی روی داد و آن، آشنا شدن مسلمان با جغرافیای اروپایی است که از طریق ترجمه آثار جغرافیایی غربی به دست مسلمانان رسید. ۲ از گروه نویسندگان دوره اول، یعنی جغرافیدانان سده های سوم و چهارم، می توان به این خردادبه اشاره کرد که بیش از ده عنوان کتاب در زمینه جغرافیا و دیگر علوم تألیف کرد. المسالك و الممالك از جمله آثار او در جغرافی است. دیگر عضو این گروه، یعقوبی مؤلف البلدان و ابن فقیه همدانی مؤلف اخبار البلدان است. مشهورترین عضو این گروه، که خود مشهورترین جغرافیدان سده چهارم به شمار می آید، ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی است. مسعودی دانش جغرافیا را بخشی از دانش تاریخ میدانست؛ از این رو، دانسته های خود را در مورد جغرافیا در کتاب مهمش در تاریخ، یعنی مروج الذهب و معادن الجواهر آورده است. همچنین باید از جغرافیدانان دیگری در همین دوران یاد کرد. اصطخری مؤلف المسالك و الممالك، ابن حوقل مؤلف کتاب صورة الارض یا المسالك و الممالك و مقدسی مؤلف کتاب أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم از این جمله اند. در دوره زمانی دوم، یعنی سده پنجم شاهد پدید آمدن جغرافیدانان بزرگی هستیم که مهم ترین آنها، ابوریحان بیرونی است. بیرونی پایه گذار یکی از فنی ترین و پیچیده ترین شاخه های دانش جغرافیا، یعنی جغرافیای ریاضی است. کتاب بیرونی در این زمینه، تحدید نهایات الأماكن نام دارد دیگر دانشمند معاصر و هم طراز بیرونی در جغرافیا، ابوعبدالله بن عبدالعزیز بکری قرطبی، دانشمن اهل اسپانیا است. کتاب او در زمینه جغرافی معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع نام دارد دوره سوم، یعنی سده های ششم تا دهم، را دوره تلفیق در جغرافی اسلامی نام نهادیم. آثار تألیفی این دوره را به هشت دسته کلی می توان تقسیم کرد ۱۰. وصف جهان، ۲. متون کیهان شناسی

- ۱۰ سب اسلامی و ۶۵ فرهنگهای جغرافیایی، ۴۴ جغرافیایی، ۴ کتابهای زیارتنامه ای، ۵ سفرنامه ها، ۶ متون دریانوردی، ۷ آثار نجومی، ۸ - متون جغرافیای محلی - امام اسا - نه : F آثار متعددی که در هر یک از دسته های هشتگانه فوق تألیف شده اند، عبارت اند از : دواء فی تقسیم الأفلاک نوشته محمد بن أحمد فرقی در وصف جهان، معجم البلدان نوشته یاقوت حموی درباره فرهنگها و رحلة ابن جبیر در حوزه سفرنامه ها . مهم ترین جغرافیدان این دوره . بطوطه است که مؤلف اثر مشهور (رحله) سفرنامه (است . این کتاب نتیجه ربع قرن سفر او در سرزمینهای مختلف اسلامی است . طی این دوره کتابهای بسیاری درباره جغرافیای محلی به عربی و فارسی، تألیف شد . از جمله آثار فارسی باید از فارس نامه نوشته ابن بلخی، نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی، جهان نامه نوشته محمد بن نجیب بکران، مطلع السعدین نوشته عبدالرزاق سمرقندی و هفت اقلیم نوشته امین احمد رازی یاد کرده اند \* ۱ : = د ان تر است ۱۰، ادبیات الف (ادبیات عربی از آغاز گسترش اسلام، ادبیات عرب به ویژه شعر مورد توجه قرار گرفت و پیروزیهای اسلام در شعر عرب بازتاب یافت به تدریج با ظهور شاعران برجسته ای چون عبدالله بن رواحه، کعب بن مالک حسان بن ثابت و دیگران، کلمات و مضامین قرآنی در شعر عرب نفوذ کرد . حسان بن ثابت به مدت ده سال پیامبر اکرم الله و یاران او را مدح و ستایش کرد . او مرثیه هایی در درگذشت پیامبران سروده پس از قرآن کریم، نخستین آثار منشور اسلامی احادیث نبوی است که نثری روان و بی پیرایه دارد . خطبه ها، از خطبه « حجة الوداع » تا سخنان گهربار امیرالمؤمنین بالا دارای نثری فاخر، آهنگین و مسجعاند . نامه ها، پیمان نامه ها و مانند آنها در قالب متون دینی جای می گیرند و شامل مضامین سی و اجتماعی اند . در سراسر سده نخست هجری نثر عربی از این محدوده فراتر نمی رود . مذهبی، به طور عام و شیعی به طور خاص با هاشمیات کمیت (۱۲۶-۶۰۰ق)، به صورت از درآمد و روحانی تر شد . مهم ترین شعر دینی او چهار قصیده است که به هاشمیات - و با ما داد لباس مکتبی استوار در آمد و روحانی تر شد . مهم مره

شهرت یافته است. ادبیات عرب با گذشت زمان فرهنگ اسلامی را بیشتر در خود جذب کرد؛ به گونه ای خطبه و نوشته ای می توان یافت که با نیایشهای قرانی و ستایش پیامبر اسلام را آغاز نشد آنکه بسیاری از واژه های جاهلی مربوط به ارزشهای اخلاقی به تدریج تغییر محتوا داد و واژه ها مانند شجاعت، وفا، صداقت و صبر و سخاوت به واژه های ارزشی و معنوی تبدیل شد. ۲۰ در زمان بنی امیه، شعر و شاعری به دلایل سیاسی مورد توجه قرار گرفت. آنان تلاش کردند با شعر، مردم را به خود جلب کرده یا به باور خودشان با صله و جایزه زبان منتقدان را کوتاه کنند. از این رو، شعر در این دوره مورد توجه زمامداران قرار گرفت و هدف آنها مبارزه با مخالفان و رقیبان (اهل بیت پیامبر) بود. بنی امیه به خوبی می دانستند که مردم خلافت را حق اهل بیت می دانند و آنان را غاصب می شمارند؛ به گونه ای که با وجود بذل و بخششهای امویان شاعران غالباً حقایق را بیان میکردند. "از سرایندگان برجسته دوره اموی باید از فرزددق، اخطل و جریر یاد کرد. بر اثر آزادی نسبی ای که با روی کار آمدن عباسیان پدید آمد، شاعران شیعه باورهای خود را همراه با ستایش اهل بیت بیان می کردند. از جمله این افراد سعید میری و دعل را می توان نام برد. دیگر شاعر مشهور عباسی ابوالعتاهیه است. رشته اصلی شعر دینی که شریف رضی آن را به اوج رسانید، با مهیار دیلمی دنبال شد. مهیار دیلمی مردی زرتشتی بود که اسلام آورد و کوشید گرایشهای آشکار خود را به نژاد ایرانی با دوستی اهل بیت آشتی دهد. به طور کلی، گرچه شعر عرب در دوره اسلامی فراز و نشیبهای بسیاری داشت و شاعرانی برجسته تربیت شدند، اما نباید گمان کرد که مضامین تمامی اشعار صرفاً مذهبی است، بلکه شاعران عرب در زمینه های گوناگون طبع آزمایی کرده اند، از جمله ابونواس در شعر طرب، ابوالعتاهیه در شعر زهد و حکمت، بشار بن برد در شعر هجایی و بحرری در مدیحه سراییا اشعاری سروده اند. نثر نیز مانند شعر دوره های گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در برخی از دوره ها به علل گوناگون نویسندگان بزرگ پرورش یافته اند و در برخی دیگر از اعصار شکوفایی چندانی دیده نمی شود، در

-- ی من در تمدن اسلامی د ۶۷ سندگان عرب ابن مقفع) م ۱۴۲ ق (از درخشان ترین چهره های ادبی است .تا حدی که وی را اپنی خواننده اند؛ اگرچه آثار او، یا دست کم آنچه از آثار او موجود است، منحصرأ کتابهایی است که از زبان پهلوی ترجمه شده است. ۱. و دیگر چهره های مهم و مشهور ادب عربی باید از ابن قتیبه دینوری) م ۳۲۲ ق(، ابوعثمان و وین بحر جاحظ) م ۲۵۵ ق(، ابوالعباس محمدبن یزید مبرد) م ۲۸۵ ق(، قدامه بن جعفر ام ۳۳۷ ق(، ابوالفرج اصفهانی) م حدود ۳۶۲ ق (و ابومنصور ثعالبی) م حدود ۴۲۹ ق (یاد کرد .عصر درخشان شکوفایی ادبیات عرب با نام ضیاء الدین ابوالفتح ابن اثیر، نگارنده المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر پایان می پذیرد؛ زیرا پس از او تا مدتها در تاریخ ادبیات عرب سیمایی درخشان پدید نمی آید .در عصر رکود، آثار ادبی بیشتر شرح و حاشیه آثار گذشتگان یا تخلص و تکرار اقوال علمای پیشین است .این رکود که در عهد استیلای مغول در ادب و فرهنگ عربی آغاز شد، در عهد استیلای عثمانی به نهایت رسید و لغت و ادب عرب در عهد سلطنت و خلافت ترکان هیچ مروج و مشوقی نداشت .ب (ادبیات فارسی ۱ .شعر فارسی :سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم هجری دوره پیدایش و اوج ادب فارسی به شمار می آید .علت اساسی این پیشرفت و رواج روزافزون شعر در این دوره تشویق بی سابقه شاعران و نویسندگان از سوی شاهان بوده است .سامانیان به ویژه به نثر و نظم پارسی بسیار اهتمام ورزیدند و شاعران پارسی گوی را مورد تکریم قرار دادند .یکی از علل ترویج نظم و نثر پارسی به وسیله آنها تعقیب فکر استقلال ادبی ایرانیان و توجه به اعتلای جایگاه پایتخت شان، بخارا، در برابر بغداد، پینت خلفا، بود .بجز بخارا که مهم ترین مرکز ادبی ایران در سده چهارم هجری بود، مراکز مهم دیگری هم تا نیمه سده پنجم هجری مانند زرنج سیستان، غزنین، گرگان، نیشابور، ری و سمرقند برای شکوفایی ادب فارسی وجود داشت .در سده چهارم هجری شعر فارسی دری منحصر به گویندگان خراسان و فرارود بود، زیرا

—اصفهان نیز مرکز ادبی بزرگی فارسی، زبان مادری آنها شمرده می شد. در اواخر سده ششم هجری اصفهان نیز مری ۱۰ شد و مراکز سخنوری از فرارود و سند تا نواحی غربی و جنوبی ایران پراکنده بود. از نیمی به ویژه در پایان این سده دگرگونی بزرگی در سبک شعر فارسی پدید آمد که علت عمده آن انت فارسی از مشرق ایران به شاعران عراق عجم و آذربایجان و فارس بود. عامل اصلی آن تغییرات العلا الالتهها شاهدهٔ مسلسلات که از نظر اسلوبهای فکری و عقاید و افکار به وجود آمد. در شعر سده هفتم و هشتم هجری قم لتهنسالان مخلفات الفنیه طلقها ل به تدریج متروک شده و به همان نسبت، غزلهای عاشقانه و عارفانه لطیف جای آن را گرفت. سی شعر در این دوره دنباله سبک نیمه دوم سده ششم است که اکنون «سبک عراقی» نامیده می شود؛ زیرا مرکز شعر در این دو سده نواحی مرکزی و جنوبی ایران بوده است. شعر فارسی در سده نهم هجری به علت بی ثباتی اوضاع سیاسی و اجتماعی و رکود بازار علم و ادب و کم شدن أمرا و شاهان شاعر دوست از رونق افتاد و تشویق برخی از شاهان و شاهزادگان تیموری مانند بایسنقر میرزا از اهل سخن نیز برای رونق آن کافی نبود. گسترش زبان پارسی در عهد صفویان و سدههای پس از آن در هندوستان بیشتر و قوی تر بود. در عهد شاهان گورکانی هند بر اثر توجه و علاقه ای که امیران مسلمان آن کشور به زبان فارسی اظهار داشتند و نیز در نتیجه مهاجرت بسیاری از ایرانیان به آن سرزمین، شاعران فراوانی در آن سرزمین به ظهور رسیدند و موجب اعتلای زبان فارسی شدند و بدین سان سبکی نوین به نام «سبک هندی»، یا به عبارت درست تر «سبک اصفهانی»، در ادبیات پا گرفت. ۱۰ تکفله القاملسمانه سهام شدمند دلها همه وسایل LIL از نیمه سده دوازدهم تا نیمه سده چهاردهم هجری، خاندانهای افشاریه، زندیه و قاجاریه ۲ ایران حکومت می کردند. شعر فارسی در این دوره بر اثر نارضایتی گویندگان اوایل این دوره، به ویژه اعضای انجمن ادبی در اصفهان، نسبت به شیوه شاعران دوران صفویه پدید آمد. این دسته برای باور بودند که شاعرانی مانند کلیم کاشانی و صائب تبریزی از فصاحت دور شده اند و پیروان نهضت نو، که در آغاز در اصفهان و سپس در شیراز و تهران شکل گرفت، بر آن بودند که باید به شیوه استادان بزرگ سخن در خراسان و عراق، از حدود سده پنجم تا هشتم هجری شعر گفت. به "سبب، دوره سخنوری این گروه را «دوره بازگشت» نامیدند.

۲\_ .نثر فارسی :از سده سوم هجری نثر فارسی . گوناگون، ظهور کرد و در سده چهارم به . اعاده استقلال ایرانیان و در سایهٔ حیان از سده سوم هجری نثر فارسی، همزمان با شعر فارسی و تحت تأثیر عوامل امیر کرد و در سده چهارم به شکوفایی رسید . نخستین عامل اساسی رونقی بود که در نتیجه ایرانیان و در سایه حیات ملی و اجتماعی آنان ایجاد شد و به استقلال ادبی انجامید .دیگر نیاز ایرانیان به پیدایش ادبیاتی در برابر ادبیات عربی بود و دیگر اینکه در سده های ... اسلام شمار کسانی که در ایران به زبان عربی آشنا باشند اندک و نیاز ایرانیان به داشتن میریام فارسی بسیار بود .همچنین برخی از بزرگان آن دوره مانند خاندان جیحانی و بلعمی مشوق نویسندگان در نگارش کتابهایی در زمینه های گوناگون و ترجمه هایی از عربی و مانند آن بودند .در سده پنجم و ششم هجری نیز نثر فارسی به گونه ای شایسته به تکامل رسید .در این دوره چندین نویسنده بزرگ کتابهایی چشمگیر در زمینه های گوناگون از خود به جای گذاشتند .در موضوعات تاریخ و سیاست و مطالب اجتماعی و مسائل ادبی و نیز حکمت، طب، طبیعیات، ریاضیات، نجوم، فقه، تفسیر، کلام، جغرافیه شرح احوال و به ویژه تصوف کتابهای گوناگونی نگاشته شد و زبان فارسی به پختگی و رسایی رسید .ولی از سال ۱۶عق با حمله چنگیزخان مغول همه امور اجتماعی و عملی و ادبی و علمی و حتی زبان فارسی در سراسری سقوت افتاد و با وجود کوشش ایرانیان در سدهٔ هفتم برای پاسداری از فرهنگ خود، پس از سده هشتم آثار رکود آشکار شد .نثر فارسی در عهد صفویه نیز متداول بود، اما از حیث موازین ادبی وضع مطلوبی نداشت .به بارت دیگر، اگرچه در این دوره در ابواب گوناگون آثار متعدد نوشته شد، ولی چون در بیشتر آنها چنان رعایت موازین لغوی و ادبی و بلاغی نشده است، نمی توان این عهد را دورهٔ ممتازی در نثر مرده به طور کلی، سستی و کم مایگی نثر دوره صفوی از دوره تیموری هم بیشتر است و در و حتی به آثار منشیان عهد تیموری نمی رسد .نثر فارسی ای که در این دوره در هند رواج نشرهای مصنوع حتی به آثار منشیان عهد داشت همین گونه است . . را . و ا و که در عهد افشاریه و زندیه و قاجاریه اندک اندک از سستی و بی مایگی دور شد و در دوره به نسبت مطلوب، که به روش پیشینیان نزدیک بود، پیدا کرد . پیداست که در مورد صاحت و بلاغت گفتار نویسندگان پیشین سرمشق بود، ولی در این مورد معمولاً قاجاریه شیوه ای به نسبت مط نثر هم مانند نظم، فصاحت و بالغ بیشتر از روش و روش نویسندگان سده ششم و هفتم تقلید میشده نویسنده

ج (ادبیات ترکی ادبیات ترکی از همان آغاز گرایشی چشمگیر به پردازش عناصر دینی داشته است. بخشی مور او آئی ن ادبی کهن ترکی از خاور آسیای مرکزی است که نوشته هایی از پیروان دو دین بزرگ مانوی و بودای در بر میگیرد و مفاهیم و تعالیم دینی بسیاری را در خود دارد. آشنایی ترکان با دین اسلام در دیا سده نخست هجری که از باختر به خاور در حال پیشروی بود، گسترش یافت و راه برای نفوذ مفاهیم اسلامی به فرهنگ اقوام ترک باز شد. در نگرش نسبی و عمومی، باید اذعان داشت که شعر ترکی در نواحی آسیای مرکزی، آناتولی، قفقاز و حوزه ولگا در ابعاد گوناگون از ادبیات فارسی و عربی بسیار تأثیر پذیرفته و در آلتایی و سیبری جنوبی و شرقی که از فرهنگ اسلامی دور مانده و بیشتر با فرهنگ بومی اقوام آلتایی مرتبط بوده، حتی در شکل و قالب، سبک باستانی خود را حفظ کرده است. در سده های پنجم و ششم هجری، همزمان با استیلای کامل قراخانیان بر حوزه سیردریا و آمودریا در باختر ترکستان نیز ادب ترکی اسلامی پا گرفت. در سده های نهم تا یازدهم هجری نیز شکل گیری یک حوزه محدود ادبی در میان اغوزان سالار در خاور ترکستان به چشم می خورد و در میان آثار بر جای مانده از آنان آثاری با نامهای «عبادت «و» قصه قربان «کاملا از مفاهیم دینی متأثرند. در سده های اخیر نیز شاعران و نثرنویسان از گروههای گوناگون زبانی، چون ترکی آذربایجانی، عثمانی و ترکمنی از نظر تأثیرپذیری از فرهنگ اسلامی بیشتر در مجموعه آثار صوفیانه و عرفانی در ادبیات مشترک ملل اسلامی طبقه بندی می شوند. از شاعران بزرگ ادبیات ترکی، می توان از امیر علی شیر نوایی (م ۹۰۶ق،، نجاتی) م ۹۱۵ق (باقی) م ۱۰۰۹ق (، فضولی) م ۹۶۴ق (و شیخ غالب) م ۱۲۱۳ق (نام برد \*\* . . .

ب (علوم اسلامی ۱. قرائت علم قرائت از کهن ترین علوم اسلامی است و در واقع، پایه گذار قرائت قرآن خود پیامبر است. پس از علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود و ائمه اطهار، نخستین کسی که قرآن را با الحان متداول در سده اول قرائت کرد، شخصی به نام عبیدالله بن ابی بکره ثقفی بود. از آنجا که روایت صحابه از پیامبر په درباره برخی از الفاظ قرآن کریم و کیفیت حروف و ادای

—آنها، به طرق مختلف صورت گرفته وسیله قاریان نقل شده و و صورت گرفته این امر سبب اختلاف قرائت شده است و چون این اختلاف به و نقل شده و تداوم یافته است، در حین فتوحات اسلامی مسلمانان در هر یک از بلاد و د قرائت یکی از قاریان مشهور را پذیرفتند و در نتیجه، پنجاه قرائت که مشهورترین کشورهای اسلامی قرائت یکی از آنها» قراء سبعة «است، پدیدار شد. نزمتهنتی سلطه اون کسی که قرائتها را در یک کتاب جمع آوری کرده ابوعبید قاسم بن سلام) م ۲۲۴ ق (بود قرائتها را با همان هفت قرائت معروف، در بیست و پنج قرائت خلاصه کرد. پس از وی احمد سیر کوفی کتابی درباره قرائتهای پنجگانه، که برای این کار از هر شهر معروف یک قاری را انتخاب کرده بود، نوشت. پس از وی قاضی اسماعیل بن اسحاق مکی) م ۲۸۲ ق ( در کتابی قرائت بیست تن از علمای قرائت را، که این هفت تن نیز در آنها بودند، گردآوری کرد. پس از وی محمدبن جریر طبری) م ۳۱۰ ق (کتابی به نام الجامع تالیف کرد و بیش از بیست قرائت را در آن گرد آورد. قرائت کنندگان هفتگانه) قراء سبعة (به قرن دوم هجری تعلق دارند و عبارت اند از: نافع بن عبدالرحمان) م ۱۶۹ ق (، عبدالله بن کثیر) م ۱۲۰ ق (، ابوعمر بن العلاء) م ۱۵۴ ق (، عبدالله بن عامر) م ۱۱۸ ق (، عاصم بن اُبی نجود) م ۱۲۹ ق (، حمزه بن حبيب) م ۱۵۴ ق (و کسائی ابوالحسن علی بن حمزه) م ۱۸۹ ق .. (در اوایل سده چهارم هجری در قرائت قرآن گروهی پیدا شدند که اقوال شادی را پدید آوردند و این اقوال شاد سبب اختلاف میشد. برخورد شدید خلفای عباسی با آنان مانع تداوم اختلاف در قرائت قرآن شد و اعتماد به قرائت قاریان هفتگانه مسجل شد. در سده پنجم هجری علم قرائت قرآن اهمیت خود را حفظ کرد؛ به گونه ای که در سراسر محوره‌های اسلامی از اندلس گرفته تا فرارود علمای بزرگی به تحقیق در قرائت قرآن اشتغال ورزیدند و که بسیاری نگاشته شد. در اندلس از جمله ابو عمرو عثمان بن سعید دانی) م ۲۳۳ ق (و ابو ممد نفیرتین خلف شاطبی اندلسی) م ۵۹۰ ق ( کتابهای متعددی در زمینه قرانت پد و کتابهای بسیاری نگاه قاسم بن فیره بن خله ! در ایران، عالم بزرگ قرائت، ابوالفضل محمدبن طیفور سجاوندی غزنوی صاحب در سده ششم در ایران، عالم بزر : الموجز و عین المعانی فی تفسیر سبع المثانی ظهور کرد".



— روی هم رفته، علم قرائت طی سده های چهارم تا ششم هجری رو به پیشرفت و یا به وجود آمدن قاریانی که به اقوال شاذ در قرائت قرآن می پرداختند، موجب پیدا شدن بحمام بالطبع موجب ایجاد برخی از فروع علم قرائت شد و از دیگر سو با گسترش جغرافیایی تمدن ایر علم قرائت قرآن به اندلس و حوزه های جدید سرزمینهای اسلامی گسترش یافت. اما در سده هفت هشتم و نهم هجری علم قرائت به وسعت سده ششم رشد نکرد. در این دوران دو قاری بزرگ و می شناسیم. یکی منتجب الدین بن ابی العز ابی یوسف همدانی) م ۶۴۳ق (و دیگری شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن یوسف جزری) م ۸۳۳ق. (جزری زمانی ظهور کرد که این علم رو به ضعف نهاده بود. وی با مطرح کردن کتب منسوخ قرائت و گردآوری محتوای آن با سبکی نو، به ویژه در دو کتاب النشر و عنایة النهایة، درواقع دانشنامه ای در علم قرائت تدوین کرد که سایه آن تا به امروز بر این علم گسترده است. آنچه به این دو کتاب جنبه دائرة المعارفی میدهد، ویژگیهایی است که در آثار پیش از وی دیده نمی شود. در در سده های دهم تا دوازدهم، به سبب همراه شدن دین و سیاست در ایران و قدرت گرفتن صفویه باب جدیدی در حوزه علوم اسلامی گسترده شد. علم قرائت نیز از فضای جدید بهره گرفت و گامهای تازه و مثبتی در مسیر ترقی طی شد. هر چند آثاری که در این سه سده در زمینه علم قرائت به نگارش درآمد ارزش کتب قدیم را نداشت. برخی آثار این دوره عبارت اند از: الکشن من القراءات السبع نوشته قاضی سعید قمی) م ۱۱۰۳ ق(؛ تحفة القراء، به فارسی از ملامصطفی قاری تبریزی؛ و رساله تجوید، به فارسی از محمد بن محسن بن سمیع قاری. طی سده های اخیر آثار متعدد دیگری نیز در این زمینه و در شرح لغات و کشف آیات قرآن پدید آمده است. . دود ۲. تفسیر مسلم است که ظهور مرحله تدوین تفسیر در اواخر عهد بنی امیه و اول عهد بنی عباس یعنی در سال ۱۳۳ ق و آغاز تفسیر همزمان با تدوین حدیث بوده است؛ زیرا نخست تفسیر قرآن کریم از جمله بخشی از روایات بود که بعدها با کوشش علما و بزرگان اسلام روایات تفسیری از مجموعه احادیث

\_جدا گردید و مدون شد. به نظر بسیا --- T " \* سر مې لا ۷۲. شد. به نظر بسیاری از اهل سنت و شیعه سعیدبن جبیر نخستین تدوین کننده برود. او شاگرد عبدالله بن عباس و از فرهیخته ترین تابعینی بود که به سبب تشیع و حضرت علی ابتلا به دست حجاج بن یوسف به شهادت رسید. اگر در پی پاسخ به پرسشی را باشیم که نخستین مفسر قرآن کریم چه کسی بود، بی تردید نام حضرت محمد ما و علی الطالب ای می درخشد. درواقع، تفسیر امام علی ان را باید آغاز تفسیر عقلی از قرآن کریم دانست. منظور از تفسیر عقلی تبیین و تفسیر آیات قرآن بر اساس روش تعقلی است و این روش در حقیقت همان سیاقی است که کتاب خدا به اهل ایمان می آموزد. اوج رشد این مکتب تفسیری از قرآن در عصر امام محمد باقر و فرزندش امام جعفر صادق الا بود. تفسیر عقلی که از سده دوم آغاز شده بود، در سده ششم هجری به اوج شکوفایی خود دست یافت. پس از آنکه در دوره عباسی بحثهای تفسیری بر اساس مشربهای مختلف و متضاد کلامی گسترش یافت، گروهی از دانشمندان مسلمان بر اساس تخصص و مذهب خود به تفسیر قرآن کریم پرداختند؛ مثلا دانشمندان علم نحو از دیدگاه ادبیات و علوم بلاغت به تفسیر و تبیین آیات مبادرت کردند و دانشمندان علوم عقلی قرآن را بر اساس قواعد و مبانی فلسفی و اقوال و آرای حکما و فلاسفه اسلامی تفسیر کردند. براین اساس، نحله ها و روشهای تفسیری متعددی به وجود آمد که به معرفی مهم ترین آنها می پردازیم.

۱. تفسیر قرآن به قرآن: یعنی کمک گرفتن از برخی آیات قرآن برای فهم و تبیین آیات دیگر. . تفسیر اجتهادی: استفاده از معانی آیات قرآن بر اساس منطق و اصول و روشهای اجتهاد برای تبیین این آیات: . تفسیر موضوعی که در آن، مفسر برای تبیین یک موضوع و مسئله، آیات هم موضوع و هم مضمون و مرتبط را در کنار هم قرار می دهد. " . . شیر تطبیقی: مفسر میکوشد تعالیم و دستورهای کلی قرآن را بر زندگی انسان معاصر تطبیق دهد. مانند سیر عصری: مفسر نظریات پیشین را در تفسیر بررسی میکند و عقاید مفسران گذشته را که قابل دفاع نمی یابد، کنار می گذارد

ع تفسیر تاریخی: مفسر به تبیین وقایع تاریخی قرآن به ویژه قصص انبیای الهی میریدا عبرت آموز را تشریح و استخراج میکند. . تفسیر فلسفی: مفسر از معلومات فلسفه اسلامی برای ادراک معانی و مقاصد آیات قرآن بهره می گیرد ۸. تفسیر ادبی: مفسر با بهره گیری از علوم ادبی به استنباط و کشف معانی قرآن می پردازد ۹. تفسیر نقلی یا مأثور: مفسر با استفاده از اقوال و احادیث پیامبران و امامان به تبیین آیات می پردازد ۱۰. تفسیر هدایتی و تربیتی: ارائه نتایج اخلاقی و تربیتی آیات و استخراج پیام دعوت قرآن از آیات کلام الله است ۱۱. تفسیر فقهی: بررسی احکام عملی قرآن در زمینه عبادات و معاملات و تصرفات و عقوبات و مانند آن و تبیین آیات از این دیدگاه است ۱۲. تفسیر کلامی: مفسر با کمک گرفتن از آیات قرآن از عقاید دین و مذهب خود دفاع کرده و به رفع شبهات آیات قرآن می پردازد ۱۳. تفسیر رمزی: مفسر بیان می کند که آیات قرآن رمز و اشاره هستند و برای درک معانی و رمزگشایی آیات از لفظ و قواعد ادبی و معانی متعارف فراتر رفته و حقایق را بیرون از آن جست و جو میکند ۱۴. تفسیر عرفانی: از نظر مفسر، قرآن فقط بیانگر پیامهای ظاهری و لفظی نیست و آموزه‌های عرفانی و ذوقی و اسرار سیر و سلوک نیز در آن نهفته است که از راه کشف و شهود به دست می آید. در اینجا با رویکردی تاریخی مهمترین تفاسیر را معرفی میکنیم. در نیمه نخست سده سوم هجری، بخاری بخشی از کتاب خود صحیح، را به بررسی تفاسیر پیش از خود اختصاص داد. جامع البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر طبری از دیگر تفاسیر مشهور سده سوم به شمار می رود. در سده چهارم، تفسیر نعمانی از محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی در خور توجه است. در سده پنجم، البیان فی تفسیر القرآن اثر محمد بن حسن طوسی به نگارش در آمده که نخستین تفسیر شیعی است که به سبک عقلی و اجتهادی تألیف شده است. در همین سده، تفسیر سورابادگا دا ما را به پای او

— یو - ( بسبب استرمی با ۷۵ تفاسیر نوشته عتیق بن محمد سורابادی نیشابوری پدید آمد و، ششم، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، اثر شیخ طبرسی نوشته شد. او افزون بر این تفسیر دو دیگر به نامهای الکافی الشافی و جوامع الجامع نیز نگاشت، در همین سده روض الجنان و روح : ۱۰ \* "؛ : : ۱ : : الله أحيان فی تفسیر القرآن اثر ابوالفتح رازی نیز نوشته شد. در سده هفتم الجامع لأحكام القرآن نوشته ابوعبدالله محمد بن محمد انصاری خزر جی قرطبی پدید آمد. این شخص از علمای معروف مذهب مالکی است. در سده هشتم، عبدالله بن عمر بن محمد، نار التنزیل و اسرار التأویل را نوشت. در سده دهم، جلال الدین سیوطی الدر المنثور فی تفسیر المأثور را نوشت. و در سده یازدهم، ملا محسن فیض کاشانی تفسیر صافی را پدید آورد. از آغاز تدوین تفسیر تا قرن چهاردهم تغییر سبک چشمگیری در سیاق نگارش آثار تفسیری مشاهده نمی شود، اما در سده چهاردهم بوسیله محمد حسین طباطبائی صاحب تفسیر المیزان، در سبک تفسیر تحولی پدید آمد. امتیاز این کتاب بر تفاسیر گذشته این است که در تفاسیر گذشته معمول بود که درباره آیهای دو یا سه معنا بیان می شد و احتمالات مختلف نقل می شد؛ اما نهایتاً قول مرجح روشن نبود؛ در حالی که تفسیر المیزان با روش تفسیری «قرآن به قرآن» یکی از چند معنی آیه را به کمک دیگر آیات ترجیح می دهد. تفسیر المیزان از مهم ترین و جامع ترین تفاسیر شیعه در دوره معاصر و به طور مطلق، مشهورترین تفسیر در سده اخیر نزد امامیه است -،، له ه ل ! ل یه ب . . " " . " " . " " : " " و . حدیث در میان فرقه های اسلامی در موضوع نگارش حدیث، از آغاز اختلاف نظر وجود داشت؛ در حالیکه شیعیان از همان زمان به اهمیت حدیث پی برده و با کتابت آن به حفظ این میراث تاریخی اقدام من اهل سنت تا نیمه دوم سده دوم هجری مجموعه مدونی از احادیث نداشتند؛ زیرا خلیفه دوم شیث را نهی کرده بود. نخستین کتاب حدیث از آن علی بن ابیطالب عالی بود که در حقیقت پر لیواله بوده است. به گزارش برخی از محققان، این کتاب نزد امام باقر از وجود داشته و من عتیبه (نشان داده است. به گزارش شیخ مفید و محقق حلی و شهید اول، شیعیان املائی پیامبران بوده آن را به « حکم بن عتیبه » نشه

از عهد امیرالمؤمنین تا عهد امام حسن عسکری ای در نیمه سده سوم هجری و حدیث) اصول أربعمائه (تألیف کرده اند. علا در نیمه سده سوم هجری چهارصد کتاب از سده چهارم هجری علمای شیعه با نگارش و تدوین چهار کتاب مهم حدیث گام ور ارزنده ای در تکامل این دانش برداشتند. بر این اساس، محمد بن یعقوب کلینی) م ۳۲۹ق (الکن. نگاشت، محمدبن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق من لایحضره الفقیه را تألیف کرده و در سده پنجم محمد بن حسن طوسی) م ۴۶۰ ق ( کتابهای تهذیب و استصار را به نگارش درآورد. از سده ششم تا یازدهم هجری، علم حدیث تقریباً دوره رکود را طی کرد به همین دلیل در این فاصله آثار زیادی به چشم نمی خورد. اما با ظهور صفویه دوباره توجه به این دانش افزایش یافت. در این دوره، ملامحسن فیض کاشانی الوافی، و محمدبن حسن حر عاملی وسائل الشیعه و علامه مجلسی بحارالانوار را پدید آوردند. در سده چهاردهم نیز سید حسین طباطبایی بروجردی کتاب ارجمند جامع احادیث الشیعه فی أحكام الشریعه را تألیف کرد. طی سده های دوم تا چهاردهم هجری دانشمندان اهل سنت نیز آثاری را در زمینه علم حدیث نوشتند که مشهورترین آنها به نامهای صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ابوداود و سنن نسائی، جامع ترمذی به صحاح سته معروف اند. این آثار همه در سده سوم هجری تألیف شدند. در شمار دیگر آثار حدیثی اهل سنت باید از جامع الأسانید نوشته ابوالفرج ابن جوزی) م ۵۹۷ ق (و کتاب المنتقی فی أخبار مصطفی از ابن تیمیه) م ۶۵۲ ق (نیز یاد کرد. لباس البا | ۴. فقهی وجود دارد الف (فقه شیعه نظام فقهی شیعه از آغاز تاکنون دوره های گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در اینجا به اختصار از این دوره ها و نامدارترین فقههای هر دوره یاد می کنیم: ۱۰. دوره حضور ائمه: در این دوره مرجع اصلی احکام شرعی و فقه و اجتهاد، امامان علیهم السلام بودند. با این حال، یکی از دستاوردهای مهم ایشان، ایجاد زمینه تفکر و استدلال در

—امور شرعی است. چنانکه درد می داد بر ملء الحب: است. چنانکه در موارد متعددی آشکارا وظیفه خود را بیان اصول و قواعد کلی دانسته و احکام فرعی و جزئی را به دیگران وامی گذاشتند. وجود گرایشهای مختلف در مسائل علمی، و کلامی در پیروان و اصحاب ائمه، مانند گرایش متکلمان، محدثان، اثبات یا انکار عصمت یا پرهیز از ائمه، بحث پیرامون علم امام از ویژگیهای این دوره است. بسیاری از یاران ائمه - که سخت مورد تأیید ایشان بودند - باورهای متضادی داشته اند. ۲۲. آغاز تدوین فقه: در این دوره سه گرایش عمده فقهی در جامعه شیعی دیده می شود: گرایش اهل حدیث، که به شدت با اجتهاد مخالف بودند و فقه را در حدیث و نقل آن خلاصه می کردند، مانند کلینی و ابن بابویه قمی؛ گرایش اجتهاد در فقه، که دو دانشمند بزرگ، ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافیه آن را رهبری میکردند و با وجود اختلاف مبانی، این دو تأثیر عمیقی در فقه برجای گذاشتند؛ گرایش سوم، فقه متکلمان است. شیخ مفید از چهره های ممتاز این گرایش است. ۳۰. دوره تلفیق: در این دوره شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تلفیقی از گرایش اهل حدیث و متکلمان در فقه پدید آورد و کوشید با حفظ چهره تعقلی فقه، اعتبار احادیث را اثبات کند. او با آثار گسترده خود، آفاق جدیدی برای فقه شیعی گشود. مهم ترین آرای فقهی شیخ الطائفه را می توان در این آثار مشاهده کرد. ۱۰: النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ۲. المبسوط؛ ۳. الاستبصار. تهذیب الاحکام. ابتکار فقه تفریعی و فقه تطبیقی از دستاوردهای اوست. این مکتب فقهی سه

قرن بر جامعه شیعی حکمفرما بود. مهم ترین چهره های این دوره، افزون بر شیخ طوسی، عبارت ان از: قطب الدین راوندی، ابن شهر آشوب. ۴۲. دوره نقد مکتب تلفیق: یک سده پس از شیخ طوسی، دسته ای از فقها تلاش کردند تا م فقهی متکلمان را احیا کرده و بر این اساس به نقد مکتب تلفیق بپردازند. چهره اصلی این دو ابن ادريس حلی "است .. دوره تهذيب و تکامل مکتب تلفیق: فقه شیخ طوسی با وجود ابتکارات فراوان، نیازمند انسجام، ترتیب و تهذيب بود. به ویژه آنکه نقادان مکتب تلفیق خدشه زیادی به آن وارد ساخته بودند بر این اساس، محقق حلی و شاگرد بزرگ او، علامه حلی، کوشش گسترده ای در این باره به عمل آوردند. آثار فقهی آنها تا امروز مورد استفاده پژوهندگان فقه است. در واقع اگر تلاش این دو چهره فقهی بزرگ نبود، میراث مکتب تلفیق در همان دوره نقد به فراموشی سپرده می شد. ۶۰. دوره شهید اول: شهید اول، در جریان تکامل اندیشه فقهی کوشید قواعد و اصولی بنیادین برای فقه شیعه بیاید، تا بدون نیاز به مکاتب فقهی اهل سنت، هویتی مستقل داشته باشد. این ویژگی موجب شد تا آثار او از تصنیفات پیشینیان ممتاز گردد. دانشمندان پس از او تا یک قرن و نیم، بیشتر پیرو او بوده و اساس کار خود را بر شرح آثار وی گذاشتند. معروف ترین فقیه این مکتب شهید ثانی است ۷. فقه دوره صفوی: در این دوره که از سده دهم تا دوازدهم هجری ادامه می یابد، سه گرایش وجود دارد: الف (فقه محقق ثانی: نقش مهم محقق ثانی در دو نکته خلاصه می شود: استوار ساختن و استحکام استدلالهای قوی فقهی و توجه به مسائل حکومتی در فقه، مانند حدود اختیارات فقیه، نماز جمعه و خراج. تأثیر محقق ثانی بر فقهای پس از عصر خود کاملاً آشکار است. ب (فقه مقدس اردبیلی: مقدس اردبیلی گرچه تغییری در بنیان فقه پدید نیاورد، اما روشی

ای مستقل و ویژه داشت. ویژگی مهم تحقیقهای او این بود که بی توجه به آرا و نظریات گذشتگان، را بر اجتهاد تحلیلی و اندیشه خویش اتکا داشت. شجاعت او در بحثهای علمی از یک سو، و موشکافیهای او از سوی دیگر موجب شد تنی چند از فقهای پس از وی روش او را پیگیری کنند. ج (فقه اخباری ها: نهضت اخباری که در اوایل سده پنجم هجری بر اثر تلاشهای علمی متکلمان، تقریباً در هم کوبیده شده بود، در سده یازدهم به وسیله محمدمامین استرآبادی دوباره تجدید حیات یافت. گرچه فقهای اخباری توانستند به مدت چند دهه بر همه مراکز فقهی و علمی شیعه ایران و عراق تسلط یابند، اما شمار فقهای مشهور این گرایش چندان زیاد نیست. ۸۰. احیای اجتهاد اصولی: وحید بهبهانی، که از نوایغ فقه در سده دوازده هجری است، در پی تلاش علمی گسترده توانست با مبانی اخباری ها مقابله کرده و دوباره شیوه اجتهاد عقلانی را زنده کند. او با فقه و تنقیح اصول فقه و اعمال دقیق آن کوشید فقه شیعه را به صورت یک مکتب حقوقی و فقهی پیشرفته، استوار و هماهنگ درآورد. موفقیت مهم وحید، افزون بر این حرکت، تربیت فقهایی ارزنده است که با خلق آثار گران بها، بر اساس مبانی فقهی و اصولی او، به استحکام دستاوردهای وی کمک شایان توجهی کردند. مشهورترین آنان عبارت اند از: بحرالعلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء، ملا احمد نراقی، حسن بن جعفر کاشف الغطاء. ۹۰. دوره شیخ انصاری: شیخ مرتضی انصاری، نابغه بزرگ سده سیزدهم هجری، مبتکر روشهای دقیقی در فقه و اصول فقه بود که موجب شد چهره فقه به کلی دگرگون شود. مجموعه فقهی به جا مانده از وی، چنان دقیق و ظریف است که به کلی ناسخ ماسبق گردید. این مکتب از آن روزگار ممتعه



\_ ۸۰ با ترس و --- ..... ی خصیتهای بزرگ تا امروز تغییری تاکنون بر جوامع علمی و فقهی حکمفرماست و با وجود پیدایش شخصیت‌های بنری پر اساسی در آن پدید نیامده است. مهم ترین فقه‌های این دوره عبارت اند از: میرزای شیرازی، محمدکاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، محمد حسین نائینی ۴ عبد الکریم حائری یزدی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین طباطبایی بروجردی سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم موسوی خویی و امام خمینی. ۱۰ این بزرگان هر یک به تربیت دهها یا صدها شاگرد همت گماشته اند که هر کدام از ایشان در برهه‌ی اخیر در حوزه فقه و فقهات، ایفای نقش کرده اند. اما نکته قابل ذکر آن است که فقها و اصولیان شیعه با وجود اینکه طبق نظر معروف، باب اجتهاد در شیعه مفتوح است، بسیار کم دیده شده که این باب را بر ساحت اجتماع و نظام حاکم بر آن به گونه‌ای مدون مفتوح دارند، هر چند گونه غیر مدون آن غیرقابل انکار است. از فقیهان و اصولیان نامدار معاصر و صاحب مکتبی که شاید بتوان او را یکی از نخستین عالمان

شیعی دانست که با استفاده از ای که با استفاده از دانش و روش سنتی اجتهاد، سعی بر معرفی و نهادینه کردن برخی از حقوق اساسی داشته و به فقه دولت همت گماشته است، مرحوم میرزا حسین نائینی است. به وی با استناد به وجوب مقدمه واجب، حکم به وجوب استقرار مشروطیت داد و در رأیی دیگر دس گنده یا حکومت را در قبال مالیات دهنده یا مردم ملزم به پاسخگویی دانست. از دیگر معاصرانی که به فقه دولت در چهارچوب فقه سنتی توجه شایانی کردند امام خمینی بود که در کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی نظریه ولایت فقیه را رفعت و توسعه بخشید و در نهایت آن را اجرا کرد. از کسان دیگری که در قالب فقه سنتی به فقه دولت همت گماشت، شهید سید محمد باقر صدر بود. دیدگاههای اجتهادی و ابداعی وی در فقه دولت قابل توجه است؟ در همین راستا از نقش بزرگانی چون استاد شهید مرتضی مطهری نیز نباید غافل بود. وی در سایه روش سنتی اجتهاد، بیش از همکیشان خود در ارائه طریق جهت حل معضلات اجتماعی کوشید. از همین رو معتقد بود احراز شرایط اجتهاد برای شخص، بدون اطلاع کافی او از نظر اسلام نسبت به جهان، انسان، جامعه، تاریخ، اقتصاد، سیاست و ... امکان پذیر نیست. اما این اس ت ان مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین نیز از مجتهدانی بود که در تدوین اجمالی فقه دولت، کوشش درخور اعتنایی کرد و در این میان آرای خود را نوشت. ب (تحولات فقه اهل سنت: ما در تماس با ا با ما در میان اهل سنت، فقه و تحولات آن به شش مرحله تقسیم شده است: د ر این ۱. دوره پیامبر و دسترسی مستقیم به نص) از آغاز اسلام تا یازده هجری . (دوره صحابه؛ که مستقیماً با پیامبر در تماس بوده و می توانستند از ایشان نقل قول کنند) از ما مع

ـقا قول می‌کردند) از حدود سال یازده تا حدود چهل هجری (۳. دورهٔ تابعین؛ که با یک واسطه با پیامبر در تماس بوده و از ایشان نقل قول می‌کردند و چهل تا حدود صد هجری . (۴. دوره ائمه چهارگانه یا دورهٔ تأسیس مذاهب فقهی) از سده دوم تا چهارم هجری (۵. دوره تقلید از ائمه چهارگانه) از سده سوم تا چهاردهم هجری (۶. دوره نهضت جدید فقهی و حقوقی و افتتاح باب اجتهاد. فقه اهل سنت، در واقع با دوره چهارم، یعنی ظهور ائمه اربعه و تأسیس مذاهب فقهی به کمال می‌رسد، زیرا دوره‌های پیشین مقدمات این دوره را فراهم و راه را برای تأسیس این مذاهب هموار کرد. گردآوری قرآن کریم در زمان خلیفه سوم، گردآوری احادیث نبوی از سده دوم، ظهور و بروز باورهای گوناگون، آشنایی مسلمانان با فرهنگهای دیگر، پیدایش مکاتب کلامی، توسعه حکومت و پیامد آن، گسترش نیازهای حقوقی از علل پیدایش این مذاهب فقهی اند.؟ نخستین مکتب فقهی اهل سنت را ابوحنیفه (۱۵۰-۸۰ ق) "تأسیس کرد. این مکتب که بعدها به حنفی شهرت یافت، به علت قبول حکومت و اعزام قضات حنفی به بلاد اسلامی، به سرعت گسترش یافت. مهدی، هادی و هارون الرشید، خلفای عباسی، امر قضاوت را به قاضی ابویوسف (۱۱۳ - ۱۸۲ ق)، که شاگرد و یاور ابوحنیفه بود، سپردند. او نیز تنها قضاتی را اعزام میکرد که مبانی فقه حنفی را می پذیرفتند و رواج می دادند. از این رو فقه حنفی نخست در عراق و سپس در مصر، ماوراء النهر، آناتولی و شبه قاره و حتی در چین گسترش یافته ای ایران شاگردان و تربیت یافتگان مکتب ابوحنیفه، فقه حنفی را گسترش دادند. بی تردید در این میان قاضی ابو یوسف و محمدبن حسن شیبانی بیشترین نقش را داشتند.

م ابوحنیفه، تربیت یافتگان این مکتب در واقع مروج و شارح فقه حنفی بوده و مطالب نو | | - و بدیع در برابر وی نیآورده اند. دومین مذهب فقهی اهل سنت به وسیله مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ ق) (پایه گذاری و فقه مالکی داده شد. وی که در برابر آرای ابوحنیفه، به ویژه استفاده از رأی و قیاس فقهی در تشخیص حکم شرعی، نظریات دیگری داشت، کوشید با نگارش کتابی حدیثی، به روش فقهی، آرای خود را عرضه کند. در این کتاب که موط "نام دارد، مالک نخست حدیث را نقل کرده، سپس فتوای فقهای مدینه را ذکر و آنگاه نظر فقهی خود را بیان می کند. وی معتقد بود با داشتن مستند روایی برای احکام شرعی نمی توان به رأی و قیاس روی آورد. مذهب مالکی به تدریج در بخشهایی از شمال آفریقا، مصر و اندلس رواج یافت.؟ سومین مکتب فقهی اهل سنت را ابوعبدالله محمد بن ادریس شافعی (۲۰۴-۱۵۰ ق) (پایه گذاری کرد. وی که با هر دو مذهب حنفی و مالکی آشنایی داشت، کوشید پیوندی میان مبانی مختلف این دو مذهب بیاید و براین اساس فقه جدیدی را پایه گذاری کند. در عین حال، او با استحسان حنفی و استصلاح مالکی مخالفت می کرد. وی مبانی آرای فقهی خود را در رساله ای در اصول فقه نگاشت. فقه شافعی در مصر توسط صلاح الدین ایوبی ترویج شده و در عراق و مکه نیز - طرفدارانی یافت. ۶. چهارمین مکتب فقهی، به احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ ق) (منسوب و به نام حنبلی مشهور تاه احمد بن حنبل از رهبران بزرگ فکری اصحاب حدیث به شمار می رود. وی که نزد شافعی درس خوانده "توانست با تدوین مسندی حدیثی مشتمل بر سی هزار حدیث توجه دیگران را به خود جلب فقه وی بر اساس کتاب، سنت، فتوای صحابه، قیاس، استحسان، مصالح و ذرایع شکل گرفته به کند؟ فقه وی بر انه

و داد است. مذهب او به طور عمده در منطقه حجاز پیروانی یافت. نکته ای که در مورد فقه حنبلی وجود دارد، این است که به علت مخالفت احمدی بای نظریات به صورت مکتوب، در منقولات شاگردان وی، و به طبع در آثار نسلهای بعدی جنبلا متفاوت و گاه متضادی از وی در موضوعات گوناگون نقل شده است، و گاه شماره اقوال نقل شده و یک مسئله به چهار یا پنج نیز می رسد. پس از این چهار امام اهل سنت، فقه سنی پویایی خود را از دست داد و از سده چهارم تا سیزدهم هجری، تنها به شرح، تفسیر و تحشیه آثار آنان توجه می شود. فقههای هریک از این مذاهب، تقریباً هیچ نکته جدیدی بر دستاوردهای آنان نیفزودند. از این رو اجتهاد در فقه اهل سنت به تقلید از این چهار نفر تبدیل شد. گرچه انحصار اجتهاد به این چهار رهبر، فاقد هرگونه استدلال عقلی و نقلی بود، ولی به تدریج و بی تردید با انگیزه های سیاسی و فعالیت های حکام، اجماعی در این خصوص پیدا شد که شکستن آن کار آسانی نبود. اما از حدود سده سیزدهم هجری، که تحولاتی چشمگیر در جهان اسلام رخ داد، ضرورت بازنگری در احکام فقهی با توجه به شرایط زمانی و دگرگونیهای ژرف و گسترده در زندگی و روابط اجتماعی، برخی از فقههای اهل سنت را بر آن داشت تا نسبت به ضرورت پیروی از آرای ائمه چهارگانه تردید کنند. به تدریج فقههای اهل سنت دریافتند هیچ دلیل عقلی و نقلی متقن و معتبری بر تقلید وجود ندارد و آنان نیز می توانند بسان فقههای چهارگانه در مسائل اجتهاد کنند. توجه به آرای فقههای شیعه و اعلام جواز تبعیت از آرای فقههای شیعی، مانند فقههای چهارگانه، از سوی مفتی بزرگ مصر، شیخ محمود شلتوت، گام مهمی در این زمینه بود. داد شایان ذکر است که در کنار مذاهبی که از آنها یاد شد، مذاهب دیگری نیز پا به عرصه نهادند که بعضی از آنها مانند مذاهب زیدیه و اسماعیلیه در شمار مذاهب شیعه قلمداد شده و دارای فقه و پیرد هستند و برخی دیگر مانند مذهب اباضی مستقل بوده و از خوارج باقی مانده است یا مذاهبی \* الم. = .

( :اعی) م ۱۵۰ ق (و مذهب سفیان ثوری) م ۱۶۱ ق (و مذهب داوودبن علی ظاهری و ۲۷۰ ق (از مذاهب سنی به شمار می روند که عمل بدانها، به سبب پیروان اندک به درازا نینجامید. ۱ اما در یک مقایسه نسبی بین این مذاهب، مذهب زیدی از جهت پیروان بیشتر و علما و محدثان و فقهای صاحب نام و مؤلفان بیشمار و متقن، از جایگاه ویژه ای برخوردار است، برخی از آثار ایشان عبارت است از :المجموع منسوب به زیدبن علی بن الحسین ، جامع الأحکام فی الحلال و الحرام، تألیف یحیی بن حسین (۲۴۵-۹۸ ق)، البحر الزخار، تألیف أحمد بن یحیی المرتضی (۸۴۰ - ۷۷۵ ق)، الروض فی الحاقل شرح الکافل، تألیف ابراهیم بن محمد، ضوء النهار فی شرح الأزهار، تألیف حسن بن احمد) م ۱۰۴۸ ق)، الدرر البهیة و السیل الجرار و نیل الأوطار، تألیف محمد بن علی الشوکانی) م ۱۲۲۱ ق. (۳ پس از مذهب زیدی، با فاصله زیادی، می توان از مذهب ظاهری منسوب به داوودبن علی الظاهری نام برد زیرا پیروان آن اندک و امروزه تقریباً وجود ندارند و کتاب اصلی فقه آن المحلي، تألیف ابن حزم ظاهری است که قوام و استمرار مذهب مذکور را مرهون خدمات وی دانسته اند. ۴ ۵. اصول فقه دانشی شامل قواعد قطعی و کلی که در راه استنباط احکام شرعی به کار آید .این دانش از آغاز تأسیس تا کنون به مرحله را پشت سر گذاشته است : ۱. دوره تأسیس : در این دوره نخستین کوششها برای تدوین این علم و بیان مبادی آن صورت گرفت .برابر نظر محققان شیعه، علم اصول را امام باقر و امام صادق لا تأسیس کردند .اگرچه عده ای از محققان معاصر معتقدند که به کاربردن قواعد اصولی، ولو به صورتی ساده، از همان صدر اسلام معمول بوده است .در

۲. دوره آغاز تصنیف: در این دوره علم اصول، که تا آن زمان در خلال مسائلی می شد، مستقل شد. به نظر می رسد اولین تصنیف در علم اصول از آن هشام بن حکم، شیخ منی امامیه، باشد که کتاب الفاظ و مباحثها را تصنیف کرد. دوره اختلاط علم اصول با علم کلام: در این دوره، که بیشتر به اهل سنت اختصاص داد متکلمان اهل سنت به ویژه معتزله در علم اصول وارد شدند و آن را از مسیر اصلی خود که استنتاج احکام فرعی است، منحرف ساختند. از نویسندگان اهل سنت در این دوره می توان به محمد بن عبدالوهاب بن سلام جبائی (م ۳۰۳ ق) مؤلف آراء اصولی ابوعلی، ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر تمیمی اسفراینی (م ۴۲۹ ق) مؤلف التحصیل و ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ق) مؤلف المستصفی اشاره کرد. ۴. دوره کمال و استقلال مجدد: در این دوره که به شیعه اختصاص دارد، علم اصول به تدریج پخته تر شد و از آمیختگی با مسائل علم کلام تا حدودی رهایی یافت. از آثار مهم این دوره، که علم اصول را به غایت کمال عصر خویش رساند، باید از نوشته های ابن ابی عقیل، شیخ مفید و شیخ طوسی یاد کرد. ۵. دوره رکود استنباط و توقف علم اصول: با توجه به عظمت و نبوغ علمی شیخ طوسی حدود یک سده آرا و مبانی وی در دانشهای گوناگون از جمله اصول فقه بدون منازع باقی ماند و روح تقلید از آثار او در نوشته های نویسندگان این دوره، از جمله در سدیدالدین حمصی رازی مؤلف المصادر و حمزه بن عبدالعزیز معروف به «سار» مؤلف التقریب دیده می شود. به طور کلی، استنباطهای فقهی این دوره سخت تحت تأثیر آرای شیخ طوسی بود. دوره نهضت مجدد: ویژگی برجسته این دوره از یک سو احیای روح اجتهاد و از سوی دیگر شرح و تعلیق یا تلخیص کتب گذشتگان و نیز ورود برخی مسائل فن منطق در علم اصول است. در این دوره دانشمندان و بزرگانی همچون محمد بن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق)، محقق حلی، علامه حلی فاضل مقداد و شیخ بهایی به ظهور رسیدند. ۷. دوره ضعف علم اصول: رشد گرایش اخباری در جامعه علمی شیعه موجب از دست رفتن رونق گذشته علم اصول شد. در این دوره درگیری شدیدی میان اخباریان و اصولیان وجود داشته تالیف اخباری این دوره، کتاب فوائدالمدینه از محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۳ ق) است: ۴.

\_نان - م دور جدید علم اصول :با ظهور وحید بهبهانی) م ۱۲۰۶ ق (به تدریج علم اصول توانست روند کند .وی و شاگردانش با قدرت علمی شگفت انگیزی تمام شبهات و اتهامات اخباریها رفته و در راه اثبات اینکه استنباط مسائل فرعی به قواعد اصولی نیازمند است، کوشش فراوانی کردند .از بزرگترین شخصیت‌های این دوره بجز وحید بهبهانی باید از سید مهدی بحرالعلوم و ۱۲۱۲ ق کاشف الغطاء) م ۱۲۲۷ ق (و سید علی طباطبایی) م ۱۲۲۱ ق (یاد کرد .و دوره معاصر :این دوره که در حقیقت اوج کمال علم اصول تلقی می شود، با ظهور شیخ مرتضی انصاری) م ۱۲۸۱۰ (آغاز شد و پس از وی با کوشش شاگردان وی ادامه یافت .در حقیقت پیشرفت اصول در این دوره با هیچ یک از دوره های گذشته قابل مقایسه نیست و تحقیقات اصولی هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ کمیت بسیار وسعت و عمق یافته است .این ۱۱ " . ساخت انواع من ۶ کلام دلایل چندی باعث پیدایش علم کلام بر دامنه تمدن اسلامی شد .از جمله این دلایل ارتباط بین مسلمانان با غیر مسلمانان همچون ایرانیان، رومیان و مصریان بود .بر اثر این ارتباط اختلاف عقاید آشکار شد و مسلمانان برای دفاع از دین اسلام به فراگیری روشهای نوین فکری و استدلالی پرداختند .دلیل دیگر پیدایش این علم، اسلام آوردن اقوامی بود که در مذهب آنان عقایدی در باب صفات خدا، توحید، قضا و قدر، جزا و سزا و مانند آن وجود داشت .با توجه به این سابقه، تازه مسلمانان می کوشیدند باورهای دین دیرین خود را در قالب دین اسلام تبیین کنند .از این رو، مسلمانان کوشیدند با بهره گیری از استدلالهای عقلی، اصول عقاید اسلامی را مستحکم کنند " .علم کلام از آغاز صرفا به بحثهایی در مسائل اعتقادی به ویژه توحید و مانند آن می پرداخت و که در امور اعتقادی استدلال میکرد متکلم خوانده می شد، خود بحث و جدل در امور اعتقادی و دینی را علم کلام «نامیدند .از متکلمان بزرگ اسلامی که در ساختن و پرداختن اندیشه ها و عالمی تاثیرگذار بودند، باید به حسن بصری) ۱۱۰ - ۲۱۱ ق (اشاره کرد .او در مورد گناهان بسیار کاشت و باور داشت همه افعال با مسئولیت انسان صورت میگیرد .در سده دوم هجری، دا : t= سخت می گرفت و باور



معتقدان این مذهب، ایمان تنها راه ابومحرز جهم بن صفوان مذهب جهمیه را بر پا کرد. به نظر معتقدان این مذهب، این شناخت خداست و با عبادات دیگر ارتباطی ندارد و کسی فعلی را انجام نمی دهد، مگر به ارادنیای تعالی؛ پس انسان در افعال خود مجبور است در سده سوم، ابوسهل بشر بن معتمر هلالی کوفی بغدادی (م ۲۱۰ ق (مذهب بشریه را پایه گنا کرد. او معتقد بود خداوند قادر است و بندگان خود را بر انجام دادن اعراض توانا کرده است، ولی با .. ندانسته است اموری مانند حیات و موت و قدرت را به انسانها واگذارد. در سده چهارم، شاهد به وجود آمدن چند متکلم مشهور و معروف هستیم. یکی از این افراد، شیخ مفید است. او حدود دویست اثر از خود برجای گذاشت که بیشتر آنها رذیه بر عقاید فرقه های گوناگون کلامی است. دیگر متکلم مشهور سده چهارم، شیخ الطایفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی است. او نخستین کسی است که نجف را به پایگاه علمی و دینی شیعه تبدیل کرد. کتابهای مشهور وی در کلام عبارت اند از: تلخیص الشافی، الاقتصاد الیهادی إلى الرشاد و تمهید الأصول. در سده پنجم، متکلم مشهور، ابوحامد محمد غزالی، به دنیا آمد. غزالی معتقد بود. متکلمان زمانی به یاری دین قیام کردند که اختلاف بین فرق دینی بالا گرفته بود و ایمان در قلوب مردم متزلزل شده بود. و آنان با استدلالهای عقلی و منطقی راه شبهه پراکنی را بر آنها مسدود کردند. او معتقد بود عوام را از علم کلام باید بازداشت و اگر این گروه از معنای «و» «فوق» و «استواء بر عرش» پرسیدند، حتی باید آنها را تازیانه زد؛ همان طوری که عمر خلیفه دوم با هر کس که از آیات متشابه می پرسید، این گونه رفتار می کرد. متکلم معروف دیگر سده پنجم ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن أحمد شهرستانی نام دارد. معتبرترین کتاب کلامی او نهایه الأقدام فی علم الکلام نام دارد که مشتمل بر ش بیست قاعدة کلامی و تشریح فروع آن مسائل است. اما مشهورترین متکلم سده ششم امام فخر رازی یا امام المشککین است. وی در اصول و کلام، اشعری مذهب و در فروع دین ساله اعتراضات و تشکیکات او بیشتر در مسائل فلسفی، کلامی و علمی بود و در تقریر عقاید

: . : ایم و بنا به اصول اشعریه و فقه اهل سنت عمل می کرد . برجسته ترین متکلم سده هفتم خواجه الدین طوسی است . از آنجا که خواجه، هم شیعه بود و هم نزد هلاکوخان مغول مقام داشت، بسیاری از دانشمندان اهل سنت به مقام او حسد ورزیده و بعضاً او را دشنام داده اند، مهم ترین کتاب کلامی او تجریدالاعتقاد نام دارد . در سده هفتم ابن تیمیه متولد شد . او که در علوم قرآنی، حدیث، فقه، کلام، فلسفه و حتی هندسه ورزیده شده بود، به دفاع از سنت مسلمانان پرداخت و پیروان بسیاری از مذاهب دیگر اهل سنت با او به رویارویی پرداختند . وی هر چند به مذهب حنبلی تعلق داشت، ولی اصول آن را با اجتهاد می پذیرفت . با بدعتها مخالفت می کرد و به این پرستش اولیا و زیارت قبور انبیا خرده می گرفت . گروهی از دانشمندان اسلامی او را نکوهیده و در مقابل، گروهی دیگر او را ستایش کرده اند . تنها عالم اسلامی که طی قرون گذشته به لقب « آیت الله » مفتخر شد، علامه حلی است که در سده هفتم به دنیا آمد . شمار تألیفات او از چهارصد رساله گذشته است . او بحث سیاست را نیز در آثار کلامی خود طرح کرده است . از آنجا که او سیاست و دیانت را همزاد می داند، بحثهای کلامی اش نمایانگر باورهای سیاسی و شیعی او نیز هست . مهم ترین کتاب کلامی او الباب الحادی عشر است که در ابواب آن موضوعات مختلف کلامی شیعه، از جمله نبوت، وجوب عصمت پیامبر، افضلیت پیامبر، دور بودن پیامبر از نقص، امامت، معصوم بودن امام و امامت حضرت علی علی بحث و بررسی شده است . ۳ ایم کیو تخته .. ال ۱۳ . لم ، تصوف، عرفان و فتوت تصوف از نظر لغوی به معنی « صوفی شدن » است . ظاهراً کهن ترین کتابی که واژه صوفی و صوفیه در آن استفاده شده، کتاب البیان والتبیین جاحظ ( م ۲۵۵ ق ) است " . ابن خلدون در مقدمه، تصوف را روش صحابه و تابعین و سلف آنان ذکر کرده است . برخی صوفی را برگرفته از صفا دانسته اند که به معنی روستی و پاکیزگی است و صفوت به معنی برگزیده است ولی مشهور صوفی منسوب به صوف به معنی

پشم است و صوفی یعنی پشمینه پوش. عرفان را به زبانهای اروپایی میستیک "نامیده اند که از واژه یونانی میستیکوست گرفته است و مفهوم آن به معنی امر مرموز، پنهانی و مخفی است و اصطلاحاً به جنبه دینی خاصی امداد میشود که در آن امکان ارتباط مستقیم و شخصی و فردی انسان با خداوند جهان و اتصال به ای دارد و وصول آدمی را به آفریدگار جهان از راه شهود و تجربه باطنی امکان پذیر می کند. به عیا. دیگر، عرفان طریقه ای است که از جهت نظری آن را علم حضوری و از جهت عملی عبادت مجاهدت و تمسک به زهد و ریاضت میدانند. ۴ در سده دوم هجری، خواص مردم، کسانی را که توجه بسیاری به مسائل دینی داشتند، زاهد و عابد و متصوف خواندند. تصوف در این زمان عبارت بود از اعتکاف بر عبادت و انقطاع الی الله و دوری جستن از زخارف و خوشیهای دنیوی و زهد و پرهیز از آن چیزی که عامه مردم به آن اقبال نشان می دادند، مانند ثروت اندوزی و جاه طلبیه داستان را با جاحظ و ابن جوزی در حدود چهل نفر از صوفیان نخستین را معرفی کرده اند. ابوذر، خذیفه بن یمان، خباب بن آژث و بلال حبشی، سلمان فارسی، عمار یاسر و مقداد و دیگران را که به زهد و عبادت مشهور بوده اند از این جمله اند. شخصیت هایی که بیشتر آنها از شیعیان صدر اسلام به شمار می آیند. از میانه سده سوم هجری، صوفیان به لحاظ تشکیلاتی به تدریج منسجم شدند و مهم ترین تجمع آنها در بغداد بود. صوفیان معروفی، مانند ابوسعید خراسانی م ۲۷۷ ق. (جنید بغدادی) م ۲۹۸ ق. (ابوبکر شبلی) م ۳۳۴ ق. (انجا زندگی میکردند. به طور کلی وجوه افتراق و اختلاف بین صوفیان از نظر مسائل کلامی و اعتقادی باعث تفاوت در نحله های فکری و باطنی آنها می شد. برای نمونه،

اَوْنَةُ خواجه عبدالله انصاری و ابوسعید ابوالخیر با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. ۱۰ از سده سوم هجری، انسجام بین صوفیان دیگر مناطق با مرکز بیشتر شد تا اینکه حلاج در بغداد در ۳۰۹ ق به قتل رسید و این امر موجب شد تا رفته رفته بغداد از محوریت خارج شود. از میانه همین سده بود که صوفیان بزرگ بغداد به تدریج نوشتن را آغاز کردند. کتابهای مهم این دوره عبارت بودند از: تهذیب الاسرار، نوشته خرگوشی نیشابوری، م ۴۰۶ ق، التعریف لمذهب اهل التصون، نوشته ابوبکر کلاباذی و کتاب اللمع فی التصوف، نوشته ابونصر سراج طوسی در سده چهارم هجری به بعد نیز، سنت نگارش ادامه یافت. کتاب التعریف کلاباذی، توسط ابواسماعیل مستملی به فارسی برگردانده شد. کتاب کیمیای سعادت را ابوحامد غزالی م ۵۰۵ ق (به عربی نوشت. کتاب عوارف المعارف را نیز شهاب الدین عمر سهروردی در سده هفتم هجری درباره تصوف به عربی تألیف کرد. از نیمه سده چهارم هجری، تاریخ گذشته صوفیان از اهمیت خاصی برخوردار شد. ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری در کتاب طبقات الصوفیة، ۱۰۳ صوفی معروف را برای نخستین بار در کتاب خود معرفی و حتی برخی از سخنان آنان را نیز ذکر کرد. کتاب حلیة الاولیاء را نیز ابونعیم اصفهانی به نگارش در آورد که تقلید گونه ای از کتاب طبقات الصوفیة است. ۲۰ از سده ششم هجری به بعد، سلسله هایی شکل گرفتند که نام آنها از نام رئیس طریقت اخذ می شد. مثلاً سلسله سهروردیه به شهاب الدین عمر سهروردی و سلسله مولویه به مولانا جلال الدین بلخی منتسب است. این سلسله ها را از طریق واسطه ها به صدر اسلام و حضرت رسول اکرم الله بر میگرداندند که این انتساب پایه و اساس محکمی نداشت. ۳۰ به طور کلی در سده های پنجم، ششم و هفتم هجری، اختلاف نظرها بین شیعه و سنی و جدالهای ما میان مذاهب تسنن، به ویژه حنفیه و شافعیها و اختلاف بین فقها و فلاسفه و جنگهای نظامی نجوم مغولان باعث شد تصوف از جاذبه زیادی برخوردار شود. در این دوره صوفیان بزرگی چون ه

\_\_سیری، حجت الاسلام غزالی، عبدالقادر گیلانی، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر ، باباطاهر عریان، ابوالقاسم قشیری، حجت  
الا . ابونعیم اصفهانی، احمد غزالی، عین القضات همدانی، احمد جامیه، عبدالقادر سهروردی ، نجم الدین کبری، فریدالدین  
عطار نیشابوری، شمس تبریزی، جلال الدین مولیه به ویژه محی الدین ابن عربی ظهور کردند .در سده پنجم و ششم، تصوف در  
ادبیات نفوذ کرد و بیشتر شاعران به عرفان و تصوف روی آوردند .برای نمونه، مولوی شعر عرفانی را به اوج رساند .افزون بر آن  
با ظهور افرادی مانند غزالی و سهروردی جنبه فلسفی تصوف نیز به کمال رسید؛ سرآمد این اندیشه محی الدین ابن عربی است .  
معروف ترین آثار او فتوحات مکیه و فصوص الحکم است .او تصوف و عرفان و حکمت اشراق را در کتب خویش به وجه  
استدلالی و برهانی آورده است و در حقیقت واضع مذهب وحدت وجود در اسلام است .داستان در سده ششم عین القضات  
همدانی( م ۵۲۵ ق)، عارف و فقیه وارسته ظهور کرد .او در برابر اتهامات وارده به خود، از عقاید خویش درباره ایمان به خداوند  
و ایمان به نبوت و آخرت، به طور شایسته‌ای دفاع کرد؛ ولی او را به اتهام کفر و زندقه، در ۳۳ سالگی کشتند که پس از قتل  
حسین بن منصور حلاج حادثه جانگدازی در تاریخ تصوف اسلامی به شمار می آید.۱۰ نمونه دیگری از تعصبات خشک در این  
سده قتل شهاب الدین سهروردی، فیلسوف نامی ایران است که در سال ۵۴۹ ق در سهرورد زنجان زاده شد و به سال ۵۸۷ ق به  
فرمان صلاح الدین ایوبی و به تحریک متعصبان در شهر حلب در ۳۸ سالگی به قتل رسید .در سده هفتم هجری، مکتب

\_سهروردی شکل گرفت : ... == : \* \* \* ای شکل گرفت .در این قرن تصوف از « وجد و حال » به مرحله « قال » درآمد و به طریق علمی و شیوه تعلیل و توجیه نیز گرایش یافت. ۱۰ در سده هشتم هجری، مکتب عرفانی سهروردی و ابن عربی و ابن فارض رونق یافت و تصوف و فان با یکدیگر آمیخته شد و علوم عرفانی و رسوم خانقاه را با هم تدریس می کردند .در این قرن عارف بزرگ و سخنسرای ایران، حافظ شیرازی ظهور کرد و شیخ صفی الدین اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰ ق (و ابو الوفاء) م ۸۳۵ ق (و زین الدین ابوبکر تایبادی) م ۷۹۱ (و زین الدین ابوبکر محمد خوافی) م ۸۳۸ ق - (که از بزرگان عارفان ایران در سده هشتم و آغاز سده نهم و از پیشروان طریقه سهروردیه و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمان قریشی مصری بودند - ظهور کردند .از عارفان بزرگ دیگر در این عصر و کمی پس از آن می توان به سید حیدر آملی، نویسنده جامع الاسرار و علاءالدوله سمنانی (۶۵۶۷۳۶ ق (و شیخ محمود شبستری) م ۷۲۰ ق (، نویسنده گلشن راز، شاه نعمت الله ماهانی کرمانی، معروف به شاه نعمت الله ولی، پایه گذار سلسله نعمت اللهی و نورالدین عبدالرحمان جامی) م ۹۱۲ ق (صاحب کتب و منظومه های عرفانی اشاره کرد . سیر تکاملی تصوف در حقیقت در سده هشتم هجری پایان گرفت و از این تاریخ به بعد رو به انحطاط و زوال نهاد.؟ در عهد صفویه، تصوف وارد مرحله نوینی شد .در سده های گذشته وظیفه پیشوایان صوفیه، ارشاد و تهذیب نفس مریدان بود؛ آنها به دنیا توجهی نداشته و می کوشیدند سعادت را در وصول به حق و کمال انسانی ببینند .در سده نهم هجری یکی از مشایخ صوفیه، یعنی شیخ جنید، جد شاه اسماعیل درصدد برآمد که از گروه صوفیان و مریدان خود برای دستیابی به قدرت استفاده کند .بدین منظور، صوفیان را به جهاد با کفار برانگیخت و خود را سلطان جنید خواند .از این تاریخ صوفیان به لباس رزم درآمدند .در آغاز کار شاه اسماعیل، مریدان و پیروانش، او را تا مدتی همچنان صوفی می خواندند و سپس عنوان صوفی و قزلباش با یکدیگر ملازم شد .در زمان شاه تهماسب، گروهی از شیعیان و اولاد مریدان قدیم صوفیه از دیاربکر و دیگر نواحی آسیای صغیر به ایران آمدند و به جمع صوفیان پیوستند مع صوفیان به هنگام مرگ شاه تهماسب در قزوین به ده هزار تن رسید .صوفیان از دیگر طوایف - == = متعختتعملتشیع : ت-

می‌نامیدند و رئیس تمام صوفیان را قزلباش به شاه نزدیک تر بودند و رئیس هر طایفه را خلیفه می‌نامیدند و رئیس ت خلیفه الخلفاء «می‌خواندند. شاه عباس صوفیان را از نظر انداخت و مشاغل مهمی که در دست آنها بود، از آنها گرفت. آن درباره صوفیان در عصر صفویه نوشته اند، تنها مخصوص پیروان شیخ صفی الدین و جانشینان این از اواسط دولت صفویه قدرت علمای شریعت افزایش یافت و به همان نسبت کار صوفیان رو به زوال گذاشت و مخالفت با آنها فزونی گرفت، تا جایی که صحبت از ارتداد و کفر و زندقه به میان آمد. در عصر قاجار نیز هر چند کار صوفیان رونقی نداشت، اما بر اثر استقرار حکومت و آرامش نسبی از حمله و آزار مصون بودند، ولی آن خانقاههای منظم و پرشور دیگر وجود نداشت. در فتوت، در لغت عربی صفتی است که از کلمه «فتی» مشتق شده و صفت کسی است که به جوانی و شباب قدم گذاشته باشد. در منتهی الارب به جوانمردی و مردمی معنی شده است. این کلمه در عصر جاهلی دو معنی مجازی یافت: شجاعت و سخاوت. مشتقات کلمه فتوت در سوره های کهف، یوسفی نساء و نور در قرآن کریم آمده است که در تفسیر آن به معانی مختلف، جز در دو یا سه مورد، یادی از جوانمرد و جوانمردی نشده است. در جنگ احد، حضرت رسول اه امام علی علی را، که دلیرانه با کفار می جنگید، فتی خواند و گفت: «لافتی الأعلی». «در دوره امویان، معنی فتوت گسترش یافت که شامل جنبه های مختلفی از مردانگی و مروت می شد؛ ولی رکن اساسی آن ایثار بود که اولین ویژگی فتوت صوفیانه محسوب می شد و در صدر اسلام، زاهدان و مسلمانان راستین آن را وظیفه خود می دانستند؛ مانند رفتن به جهاد و جنگ در راه اسلام پس از این دوره، صوفیان در خانقاهها متمرکز شدند و از جهاد اصغر به جهاد اکبر، یعنی مبارزه با نفس، پرداختند. به همین سبب، معنی فتوت، که مترادف با شجاعت و بخشندگی بود، به اخلاق و ایثار تغییر یافت و دارای سه نشانه شد: ۱. وفای بیخلاف؛ ۲. مدح بدون چشمداشت بی سؤاله: أ. مدح بدون چشمداشت؛ ۳. بخشش

عالم ۱۱ء اس فتوت، همچون تصوف، تعریف جامع و مانعی وجود ندارد. اما ابن عمار حنبلی بغدادی، که قدیمی ترین کتاب فتوت به نام کتاب الفتوة از آن اوست، چنین گفته است: «و اما در سنت، وی در فتوت وارد شده است که بهترین آنها از امام جعفر صادق لا است که از پدر و جدش روایت کرده است و میگوید رسول خدا عیان گفت: جوانمردان امت مرا که علامت است که عبارت اند راستگویی، وفای به عهد، ادای امانت، ترک دروغ، بخشش بر یتیم، دستگیری سائل، بخشیدن آنچه رسیده است، بسیاری احسان، خواندن مهمان، و سر همه آنها حیاست.» ۲ تعاریف فراوانی از این قبیل در کتب مختلف راجع به تصوف و فتوت یافت می شود که کتابهای الفتره الصوفیه و طبقات الصوفیه از ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری (م ۴۱۲ ق (و رساله قشیریه از امام ابوالقاسم قشیری) ۳۷۶-۴۶۵ ق (از مهم ترین آنهاست. ۳ آنچه مسلم است از مطالعه همه اینها چنین استنباط می شود که فتوت از همان آغاز کار مذهبی از مذاهب تصوف شناخته می شده است. معمولاً، جوانمردان برای فتوت خویش و شعار آن، که «سراویل یا کسوت» خوانده می شد، اسنادی داشتند که مبدأ عملی آن از رفتار و سیرت حضرت علی التلا گرفته شده است. ۴ از سده سوم به بعد، فتوت و جوانمردی گذشته از منابع مذهبی و دینی در کتابهای صوفیان، فتوت نامه ها، داستانهای عوامانه و شعر و ادب فارسی نیز مورد ستایش شاعران و گویندگان قرار گرفته است. ه ه است. داران . . یکی از منابع معتبر و متقدم در باب فتوت کتاب قابوسنامه از عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس است که آخرین باب آن) باب چهل و چهارم (به آیین جوانمرد پیشگی اختصاص یافته است. از توضیحات قابوسنامه چنین استنباط می شود که در آن زمان و پیش از آن، فتوت به صورت دستورهای علی اخلاقی در میان طبقات جامعه متداول بوده و هر کس سعی داشته است در کار خود جوانمرد باشد و اصول فتوت را مراعات کند. اما\* .:



سب و آدابی خاص برای آن پدید آمد. به نورگران و سپاهیان و عیاران خویشتن را | از سده دوم، آیین فتوت با عیاری آمیخته شد و راه و رسم و آدابی خام دامن همین علت است که از سویی پهلوانان و ورزشکاران و زورگران و سپاهیان وعادا جوانمرد می خوانند و از سوی دیگر، پیشه وران و بازاریان، آداب و رسوم و قواعدی برای جوانی مخصوص به خود دارند. صوفیان و خانقاه نشینان نیز در مکتب خویش راه و رسم جوان مراعات میکنند و کسی را که در این راه از دیگران کو شاتر باشد در فتوت برتر میدانند. بی تردید، تشکیلات حزبی فتوت، گذشته از ایران در همه بلاد اسلامی، نظیر سوریه و مصر دایر بوده است. افزون بر این، جمعیت سواران بیت المقدس، به نام شوالیه، در فرانسه و سایر کشورهای اروپا، در طی جنگهای صلیبی، از جوانمردان و سواران و فتیان مسلمان که مخلوطی از گرد و لوو فارس و ترک و عرب بودند، تقلید شده و به اروپا رفته است. برخی از مورخان عقیده دارند که اساس تربیت و اصلاح اخلاق اروپا به ویژه فرانسه، پس از رسوخ شوالیه ها در آن کشور بوده است که آیین جوانمردی و اصیل زادگی و شجاعت را در آن کشور رایج کردند؟ ملک الشعرا بهار، در حاشیه ای بر تاریخ سیستان، می نویسد: «عرب، اشخاص کاری و جلد و هوشیار را که در هنگامه ها و غوغاها خودنمایی کرده یا در جنگها جلدی و فراست به خرج می دادند عیار نامیده است. در زمان بنی عباس، عیاران در خراسان و بغداد فزونی گرفتند. خاصه در سیستان و نیشابور و یعقوب لیث صفار هم از سرهنگان این طایفه بوده است. عیاران در هر شهری رئیسی داشتند که وی را سرهنگ می خواندند و گاهی در یک شهر چند سرهنگ و چند هزار عیار موجود بوده است.» ۳ در دوره غزنویان و سلجوقیان، عیاران طبقه مخصوصی از جامعه شهری بودند که در شهرها جزو توده های عوام یا به اصطلاح متابع شرقی، «اوباش» در می آمدند. آنها برای جهاد با کفار، دسته های مسلحی را تشکیل می دادند که «عیار» خوانده می شد. ۴ پیوستن الناصر لدین الله، خلیفه عباسی، به گروه جوانمردان و پوشیدن سراویل قوه " پایانی سده ششم هجری، از جمله وقایع بسیار بزرگ تاریخ فتوت به شمار می آید. نفوذ آیین جوانمردی در جامعه اسلامی آگاه شده بود، آن را برای استحکام پایه های حکومت عباسی

بسیار مفید می دانست تاب بردارد و مجد و عظمت گذشته می دانست تا بدین وسیله فتور و انحطاطی را که در دستگاه خلافت راه یافته بود از میان بجد و عظمت گذشته عباسیان را احیا کند. تصرف بغداد به دست هولاکوخان مغول و : عباسیان در بغداد، در ۶۵۶ق، موجب رکود در کار فتوت شد. چند سال بعد، از بقایای دولت ای در مصر با حمایت دولت ممالیک، نوعی خلافت اسمی ظاهر شد که فتوت نیز همراه آن دوباره امور کرد و در مصر و شام رواج و رونق گرفت. این رونق در روزگار بعد هم دوام یافت. اما در عراق با سقوط عباسیان فتوت به انحطاط گرایید، گرچه ریشه های آن از میان نرفت ناصر طریقه فتوت ناصری را در قلمرو سلاجقه روم گسترش داد. عثمانیها نیز از وجود «آخی» ها و فتوت داران آناتولی به منزله پلی برای رسیدن به قدرت استفاده کردند. وجود اخیان اهل فتوت در اطراف شیخ صفی الدین اردبیلی و اینکه شاه اسماعیل صفوی در دیوان شعر ترکی خود عنوان «آخی» را درباره باران و تابعان خود به کار می برد، افزون بر آنکه رابطه میان فتیان و قزلباش و شیعه را نشان میدهد، نقش سیاسی و اجتماعی آنان را در قلمرو حکومت، انکارناپذیر می سازد. به ویژه آنکه آنها از جمله کسوت پوشان و صوفیان باصفا، یعنی فداییان شاه محسوب می شدند "در دوران فرمانروایی خاندانهای ایرانی بر ایران، عیاران یا در کسوت پهلوانان کشتی گیر در دربار سلاطین بودند یا در زمره جنگاوران در سپاه به میهن خود خدمت می کردند. و بالعکس در مواقعی که بیگانگان بر ایران تسلط داشتند، عیاران در کسوت عیاری با آنان مبارزه می کردند؛ چنان که در اواخر دوره استیلای مغول، طایفه ای از دراویش و جماعت عیاران خراسان، به رهبری عبدالرزاق بن خواجه شهاب الدین بیهقی، قیام کردند و نهضت سربداران را به وجود آوردند. آنها خود را از شیعیان و جان نثاران علی ا میدانستند و مانند عیاران و به آیین فتیان مبارزه میکردند. مشهور است که چنگیز خان کسی رانزد شیخ نجم الدین کبری که مؤسس سلسله کبرویه و از امیر عرفا و اکابر صوفیان سده ششم و هفتم، فرستاد که: «فرموده ام که در خوارزم قتل عام کننده باید از آنجا بیرون آیی تا کشته نشوی. شیخ جواب داد که هشتاد سال در زمان خوشی با خوارزمیان و تم ناخوشی از ایشان تخلف کردن بی مروتی باشد. «وی که در سن ۶۱۸ق در خوارزم

شهید شد، از عیاران و صوفیان بزرگ زمان خود بود و مبارزه اش با مغولان زبانزد خان در سده هفتم تا نهم، که اولاد چنگیز و تیمور بر ایران دست یافتند، عیاری، همانند دوری اعراب، رونق و قوت داشت و همه جا شهرت عیاران در جنگ با حکام غیرایرانی بر سر زبان ها بی تردید، پس از رواج تصوف اسلامی در ایران، ورزش و پهلوانی هم به تصوف آمیخته شد آنجا که زورخانه ها شباهت فراوانی با تکایا و خانقاههای متصوفه دارد، برخی آداب و القایی ورزش هم، همان آداب و سلوک اهل تصوف است. مانند خواندن اشعاری به نام قول در رقص بسیار صوفیان یا کشتی گرفتن و چرخ زدن در زورخانه که اشعاری به نام گل کشتی و گل چرخ اجرا می شود یا معامله نوچه با پهلوان و مرید و مراد که در زورخانه بر اساس اخوت است. همچنان که عده ایران پهلوانان سده هفتم و هشتم، که در روزگار خود از بزرگان و عارفان اهل تصوف بوده اند و بزرگترین آنها پوریای ولی است که به قولی، بوسیدن خاک گود زورخانه نموداری از قدم بوسی اوست. ۳ پهلوان محمود خوارزمی، ملقب به پوریای ولی و معروف ترین پهلوان زورخانه ای ایران، علاوه بر پهلوانی، شاعری توانا و عارفی دل آگاه بود. وی احتمالا در سال ۶۵۳ق در اورگنج، خوارزم، زاده شد. پوریا در سال ۷۰۳ ق مثنوی «کنزالحقایق» را سرود که در نوع خود بی بدیل است. آنچه مسلم است فتوت، از نیمه سده هفتم و با سقوط دولت عباسی، از صورت یک تشکیلات رسمی سیاسی و اجتماعی خارج شد و این مسلک به صورت یک آیین صنفی خودنمایی کرد.؟ بسیاری از بزرگان، کتابهایی را که در تصوف به نظم و نثر فارسی و عربی نوشته اند، آثاری هم در فتوت به نثر و نظم در آورده اند که بیشتر آنها را «فتوت نامه» خوانده اند. از سده هشتم بدین سو، به ویژه در دوران معاصر، آیین جوانمردی و فتوت همپای تصوف، در سرزمین ایران رواج داشته و در جامعه عوام مؤثرترین وسیله بقا و همبستگی ایرانیان و قیام آنان در برابر ستمگران و بیگانگان بوده است. به

## بخش چهارم

### سازمانهای اداری و اجتماعی تمدن اسلامی

۱. دیوان بدیهی است که اداره سرزمین پهناور اسلامی، به ویژه پس از عصر فتوحات، نیازمند دستگاه اداری متمرکز، دقیق، پیچیده و گسترده ای بود. این دستگاه اداری باید به دقت بر درآمد سرزمین نظارت میکرد، میزان آن را به دقت به دست می آورد و به تناسب بین کسانی که از بیت المال مستمری می گرفتند، تقسیم می کرد. در عین حال، باید بر اعزام نیرو و سپاه به اطراف سرزمین اسلامی نظارت میکرد و در فواصل زمانی معین به ارسال وجوه مورد نیاز سپاهیان که در حدود و مرزها مستقر شده بودند، اقدام می کرد. در عین حال باید در داخل سرزمین نیز نهادهای نظارتی بر زندگی مردم نظارت میکردند و دستگاه قضایی نیز به حل و فصل دعاوی مردم می پرداخت و دهها مورد دیگر وظایفی بود که کل تشکیلات سرپرستی کشور اسلامی به عهده داشت.

از دیگر سو، برای شکل دادن به دستگاه پیچیده کشورداری اسلامی، به زیرساختها و بنیانهایی نیز احتیاج بود. باید معلوم میشد کل درآمد سرزمین ولو به طور تقریبی چقدر است و این مقدار درآمد از چه مساحت زمین، بر اساس چه نوع مالیات و چه موقع به دست می آید. باید وجوه و مسکوکاتی که در سرزمین رایج بود به گونه ای تدوین می شد تا بتوان در تمامی نواحی این قلمرو پهناور از آن استفاده کرد. راهها شناسایی و جاده ها و پلها ساخته می شد تا دستورهایی که از مرکز خلافت صادر می شد، به سرعت به مقصد برسد. براین اساس، و با توجه به آرامشی که به طور نسبی پس از دوران فتوحات در سرزمینهای اسلامی حاکم شده بود، خلفا اقداماتی برای سروسامان دادن به امور اداری صورت دادند. بسیاری از این اقدامها از سوی خلیفه دوم، و به ویژه با راهنمایی حضرت علی، صورت گرفت. از جمله این اقدامات بود: ۱. تقسیم سرزمین به

واحدهای سیاسی کوچکتر و معین و تعیین فرماندار

برای هریک؛ ۲. تعیین مساحت و اندازه گیری سرزمین، به ویژه نواحی حاصل خیز، برای برآورد تقریبی مقدار درآمد سالانه آنها؛ ۳. وضع تقویمی جدید برای استفاده در زمینهای کشاورند واحدهای روند و حجم و مساحت ۵. یکسان سازی مسکوکات و رواج اوراق بهادار و البته عوامل متعددی از این دست.

طی سالهای پس از فتوحات، شهرهای بزرگی در ممالک اسلامی به وجود آمده بودند. این شهرها با ادامه حیات شهرهایی بود که پیش از اسلام نیز وجود داشت یا به طور کلی پس از اسلام بنیان گذارده شده بودند. زندگی مردم در شهرهای بزرگ آنها را نیازمند می ساخت تا در سایه قوانینی که باید دستگاه حکومت وضع می کرد، به زندگی ادامه دهند و زندگی اجتماعی باعث تعدی حقوق افراد به یکدیگر نشود. در هر صورت، با توجه به پیدایش شهرهای بزرگ، برپایی دیوانها و به طور کلی دستگاه اداری، یکی از الزامات تمدن اسلامی بود.

دیوان خراج یا استیفا: یکی از نخستین دیوانهای تشکیل شده در اسلام، که در عین حال یکی از مهم ترین آنها نیز به شمار می رود، «دیوان خراج» یا «استیفا» نام داشت. وظیفه این دیوان سرپرستی بخش بزرگی از امور مالی سرزمینهای اسلامی بود. در این دیوان فهرستی وجود داشت که اموال و داراییهای سرزمین اسلامی در آن نوشته میشد. چگونگی گردآوری خراج از سرزمینها، حواله کردن آنها به مرکز خلافت، چگونگی تقسیم آن بین مسلمانان، و رتبه بندی مسلمانان برای تعیین خراج دریافتی، از جمله وظایف این دیوان بود. با گسترش سرزمینهای اسلامی و آشنا شدن مسلمانان با روشهای اقتصادی دیگر، از جمله انواع روشهای بهره برداری از زمین، به مرور ایام وظایف دیوان خراج نیز گسترده تر و، در عین حال، پیچیده تر می شد. در دوره ای از زمان، محاسبه عایدات عمومی کشوره تنظیم و برآورد هزینه ها و نظارت بر خرج آنها، فهرست برداری از اموال افراد سرشناس به ویژه سلاطین و حاکمان، و نیز اعزام افراد به نقاط مختلف کشور برای گردآوری مالیات، از وظایف دیوان خراج به حساب می آمد. دیوان خراج یا استیفا در نقاط مختلف سرزمینهای اسلامی،

از ایران تا اسپانیا، وجود داشت. در سرزمینهایی که این دیوان به نام دیوان استیفا نامیده میشد، سرپرست آن مستوفی، مستوفی خاصه یا مستوفی الممالک نام داشت. در ایران تا سده دوازدهم هجری، یعنی تا

—

هنگام آشنا شدن ایرانیان با مبانی تمدن جدید و تغییر ساختار اداری کشور به تقلید از غرب، این نهاد وجود داشت و به کار خود ادامه میداد.

دیوان برید: به نظر می رسد مسلمانان طراحی تشکیلاتی دیوان برید را از ایرانیان یا از رومیان اُخته باشند. وظایف این دیوان در دوره اسلامی بسیار متعدد و البته مهم بوده است. از جمله وظایف این دیوان خبررسانی، انتقال فرمانها و اخبار از اطراف و اکناف سرزمین به مرکز خلافت و اعمالی از این دست بوده است. به مرور زمان بر وظایف این دیوان نیز افزوده شد و آن را به یکی از عناصر مهم امنیتی سرزمینهای اسلامی تبدیل کرد. با توجه به اهمیت بسیار زیاد خبردار شدن از اتفاقاتی که در اطراف و اکناف سرزمین روی میداد، به مرور زمان وظیفه خبررسانی، و در شکل رشد یافته و پیچیده تر آن، وظیفه جاسوسی از نقاط مختلف به عهده این دیوان نهاده شد. از این جهت، این دیوان به یکی از مهمترین ستونهای نگاهبانی از قلمرو سرزمین درآمد و صاحب برید، مسئول و رئیس این دیوان، یکی از چهار رکن برپایی خلافت نامیده می شد. از دیگر سو، برای تسریع در امر خبررسانی و آگاه شدن از اتفاقاتی که در اقصی نقاط سرزمین می افتاد، خلافت اسلامی به طراحی و ساخت شبکه گسترده ای از راهها، و در عین حال، برپایی کاروانسراهایی در نقاط مختلف اقدام کرد. در هر کدام از این کاروانسراها همیشه تعدادی اسب تیز رو حاضر و آماده وجود داشت تا به محض رسیدن یک پیک از مسافتی دور به یکی از آنها، اسب او با اسب تازه نفسی تعویض شود و پیک بدون معطلی به راه خود ادامه دهد. در منابع اشاره شده است که این پیکها می توانستند مسافتهایی را مافوق تحمل انسانهای عادی بدون استراحت پشت سر بگذارند؟

دیوان انشا: این دیوان در نقاط مختلف سرزمینهای اسلامی به نامه‌های «دیوان رسائل»، «دیوان ترسل» نیز نامیده می شد. مهمترین وظیفه این دیوان تنظیم و ارسال نامه های دولتی، به ویژه فرمانهای خلیفه مسلمین

به سراسر نقاط قلمرو عالم اسلام بود. اما به مرور زمان بر وظایف این دیوان نیز افزوده شد. از نظر تاریخی، چنین به نظر می رسد این دیوان نخستین دیوانی باشد که در اسلام، در صدر اسلام و در طول حیات پیامبر، پدید آمده است. روش ایشان در برپایی دستگاهی برای تهیه و ارسال نامه هایی به سران و بزرگان تمدنهای همسایه شبه جزیره عربستان، به عنوان الگویی

—

برای برپایی این دیوان، شاهد و سندی است که قائلان به نخستین دیوان اسلامی، در این زمینه مطرح می کنند.<sup>۱</sup>

دیوان جیش: این دیوان که به نام «دیوان لجند» نیز نامیده شده در زمان خلافت خلیفه دوم برپا شد. وظیفه این دیوان، در آغاز پیدایش، سرشماری و تهیه فهرستی از نام مردمانی بود که در جنگهای صدر اسلام شرکت می کردند؛ تا با در دست داشتن آماری صحیح از آنها هزینه بیت المال مسلم بررسی شده و میزان سهم هر یک از مردم از بیت المال روشن شود. در تهیه این فهرست آنچه مورد توجه قرار می گرفت، نزدیکی مردمان به پیامبر اسلام ای بود. به مرور زمان بر وظایف این دیوان نیز افزوده شد. سرپرستی امور لشکری مسلمین، تهیه انواع آمارها از تعداد جنگاوران، تعداد کشته شدگان، زخمیان و وظیفه وجوه پرداختی به هر کدام از جنگاوران از جمله وظایف این دیوان بود. سرپرست این دیوان ناظر الجیش» نامیده می شد.

دیوان بیت المال: این دیوان در آغاز تنها محل خاصی برای نگهداری اموال منقولی بود که از - محل خراج یا جزیه یا درآمدهای دیگر به دست می آمد و باید بین مسلمین تقسیم می شد. در زمان - خلافت عمر، بخشی از مسجد پیامبر به عنوان محل حفظ بیت المال انتخاب شد و چند تن نیز برای نگاهبانی آن گمارده شدند. به مرور زمان این نهاد به یکی از مهم ترین نهادهای مالی حکومت اسلامی تبدیل شد و مدیریت خاصی بر آن اعمال میشد. دیوان بیت المال درآمدها و مصارف معینی داشت. در یک تقسیم بندی کلی، درآمدهای این دیوان به سه دسته «فیء»، «غنیمت» و «صدقه» تقسیم میشد. مصارف آن نیز عبارت بود از تهیه نیازمندیهای مردم و بالا بردن سطح زندگی مسلمانان در مراتب بعدی بیت المال باید به مصرف حقوق

رزمندگان اسلام، تهیه اسلحه آنان، اداره زندگی فقرای مسلمان و آزادسازی اسیران مسلمان و مانند اینها میرسید؟

روشن است که اداره تمام سرزمینهای اسلامی با این چند دیوان ممکن نبود و طبیعی است که دیوانهای متعددی در تمام سرزمینهای اسلامی وجود داشت که هر یک وظایفی، اما کوچکتر از وظایف چند دیوان مهمی که بر شمردیم، بر عهده داشتند. برخی از این دیوانها، عبارت بودند از:

دیوان نفقات: این دیوان مسئول بررسی هزینه ها و حسابهای مالی کارکنان دولت و برخی

—

دیوانهای کوچکتر زیردستی خود بود.

دیوان اقطاع؛ وظیفه این دیوان بررسی و نظارت بر اداره زمینهای حاصلخیزی بود که از سوی کی خلافت برای کشت و کار در اختیار افراد دیگر قرار داده می شد

عرض: تشکیلات این دیوان دفتری بود که مربوط به سپاهیان می شد و اسامی آنان در دفتری نوشته می شد تا در موقع لزوم از سرنوشت آنان آگاهی حاصل شود.

دیوان العماثر یا دیوان الأبنیه المعمورة: وظیفه این دیوان بررسی عمر ساختمانها و بازسازی آنها و آبادان بودن همیشگی ساختمانهای شهر بود.

دیوان مظالم: این دیوان نیز به نوبه خود از دیوانهای مهم سرزمینهای اسلامی به شمار می آمد. وظیفه این دیوان رسیدگی به شکایات و کیفرخواستهای طرح شده از سوی مردم بود. به عبارت دیگر، این دیوان وظیفه نهاد دادگستری امروزی را به عهده داشت. مسئول و رئیس این دیوان، قاضی، و در مراتب عالی تر قاضی القضاات نام داشت،

۲، خراج



خراج همواره یکی از مهم ترین منابع درآمد در سرزمینهای اسلامی و برای خلافت اسلامی بوده است، به وجود آمدن شهرهای جدید، لزوم حفظ امنیت در سرحدات سرزمین اسلامی و دستمزدهایی که باید به سپاهیان داده می شد و دیگر هزینه ها برای خلافت اسلامی، آنها را با موضوع مهم تعریف منابع درآمد برای چرخاندن چرخهای حکومت روبه رو کرده بود. تا پیش از دوران فتوحات مهم ترین نحوه تولید ثروت در شبه جزیره عربستان بجز نواحی جنوبی و یمن که کشاورزی در آنها صورت میگرفت، تجارت و اخذ مالیات از کاروانهای تجارتي بود. اما طبیعی است که هزینه های سرزمین بزرگ اسلامی را نمیشد تنها از محل مالیات کاروانهای تجارتي به دست آورد. بنابراین، خلفای مسلمین به تعریف روشهای دیگر تولید ثروت روی آوردند و مهم ترین این راهها تعیین خراج بود..

به نظر می رسد مسلمانان صدر اسلام روش گردآوری خراج و روی هم رفته، اخذ مالیات زراعی از زمین را از ایرانیان آموخته باشند؛ زیرا از وضع خراج در ایران پیش از اسلام اطلاعاتی وجود دارد. در عین حال، تا پیش از فتح ایران مالیاتی که از زمینهای زراعی و باغها در شبه جزیره اخذ می شد، ای که از زمینهای فدک گرفته می شد، به روش مقاسمه بود، نه خراج، از دیگر سو، مسئله

—

مهمی بر سر چگونگی اخذ خراج از زمینهای ایران و دیگر زمینهایی که در جریان فر مسلمانان افتاده بود، وجود داشت و آن موضوع روشن شدن ماهیت شرعی چگونگی اخذ مالیات - این زمینها بود. بر اساس نظر پاره ای از فقهای صدر اسلام زمینهایی که در جریان فتوحات وبها جنگ به دست نیروهای مسلمان افتاده بود، جزء غنیمت محسوب شده و باید بین لشکریان مسلمان تقسیم می شد. اما این موضوع مشکلات چندی را پیش رو داشت. یکی اینکه در این صورت زمینهای حاصل خیز کشاورزی به قسمتهای بسیار کوچک تقسیم می شد و این خود پایین آمدن محصول را در پی داشت؛ دیگر اینکه لشکریان مسلمان حاضر در کشورهای مفتوحه، فاقد تجربه لازم برای امر کشاورزی و پرداختن به زمین بودند و در نهایت اگر هم می توانستند کشاورزی کنند، خود این موضوع آنها را از پرداختن

به امور لشکری و همراهی سپاه اسلام باز می داشت. بر این اساس، در مرکز خلافت جلسات متعددی برگزار شد و در نهایت تصمیم گرفته شد که زمینهای ممالک مفتوحه در اختیار کسانی که تا پیش از این بر روی آنها کار میکردند، گذاشته شود و در عوض سالانه مبلغی به عنوان مالیات زراعی یا خراج از آنها گرفته شود. براین اساس برای هر جریب زمین مقدار معینی خراج معین شد. البته با این شرح که خود زمینها نیز بر اساس مرغوب بودن یا مرغوب نبودن، حاصل خیز بودن یا نبودن و نوع محصولی که در آنها کاشت می شد به انواع متعددی تقسیم می شدند. اما با گذر زمان عیوبی بر شیوه گردآوری خراج وارد شد. یکی از آنها زمان گردآوری محصول بود. بسیار اتفاق می افتاد که موعد زمان جمع آوری خراج و مالیات بر اساس تقویم قمری پیش از رسیدن و جمع آوری محصول بود. این موضوع مشکلات بسیاری را سر راه کشاورزان می انداخت و برای رفع این مشکل خلافت اسلامی دست به تدوین خراجی زد که اساس آن، بر هنگام گردآوری محصول تعیین شده بود

با گذشت زمان، نظام بهره برداری از زمین از شکل ساده و صرف خراج خارج شد و به سمت نظامهای پیچیده تر حرکت کرد. طی سده های چهارم هجری به بعد، شاهد پیدایش نظامهای بهره برداری متعددی هستیم که اندک اندک عرصه را بر نظام مالیاتی خراج تنگتر میکردند. از جمله این نظامها نظام اقطاع و نیز نظام سیورغال را می توان نام برد که به ویژه پس از استیلای مغول در

---

سرزمینهای اسلامی به شدت مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۱</sup>

۳. چسبۀ به نظر می رسد مسلمانان ایجاد دستگاهی نظارتی را برای نظارت بر کار افراد در جامعه، به ویژه اصناف بازار، از همسایگان خود، به ویژه از روم شرقی آموخته باشند. البته باید اذعان کرد آنچه که مسلمانان نمی توانسته اند آن را از دیگران اخذ کرده باشند بررسیهای فقهی و زمینه های دینی برای پیدایش این نهاد مدنی است. همچنین، برای احراز رتبه محتسب، یعنی به دست گرفتن مقام اجرای چسبه، شرایط خاصی وضع شد و البته بحثهای فقهی عمیقی نیز برای تبیین این شرایط، چه بین علمای شیعه و چه بین علمای

اهل سنت، در گرفت. به طور کلی، این شرایط را میتوان به سه دسته .. عادل بودن؛ ۲، رسیدن به درجه اجتهاد؛ ۳. مرد بودن، تقسیم کرد. از دید علمی و با توجه به نقش و کارکرد محتسب در میان جامعه، به ویژه نقش او در بازار، وظایف محتسب را نیز می توان به این موارد کلی دسته بندی کرد: ۱. نظارت بر بازارها و جرف؛ ۲. نظارت بر اخلاق عمومی جامعه؛ ۳. نظارت بر قیمتها و ترازوها؛ ۴. نظارت بر اجرای عبادات مردم؛ ۵. نظارت بر راهها و ساختمانها ۶ وظایف قضایی محدود مانند بررسی کم فروشی و حيله در فروش؛ ۷. وظایف موردی و متفرقه. ۳

چسبه به منزله نهادی نظارتی، مسئله باریک و بسیار حساسی نیز بوده است. بررسی جایگاه چسبه در میان افراد و نقش نظارتی آن در شئون زندگی مردم، اگرچه آن را نهادی نظارتی در جامعه معرفی می کند، اما نداشتن موقعیت اجرایی چسبه را نیز باید بر آن افزود. محتسب فقط وظیفه نظارت بر اجرای قوانین اسلامی را داشته و در موقعیتی نبوده است که بتواند خطاکاران را تنبیه کند و به مجازات برساند؛ بلکه این وظیفه بر عهده نهادهای قضایی و کیفری، شامل قضاء مظالم، شرطه و نقابت بوده تا هر یک، به اعتبار محدوده فعالیت خود، به کار پردازند و مجرمان را به سزای خویش برسانند. ۴

—

از دید تاریخی، در قرون اولیه هجری تقریباً در همه شهرهای بزرگ عالم اسلام و در سرزمینهای و پیدایش نهاد چسبه هستیم. فرد یا افرادی که عهده دار مسئولیت چسبه در گوناگون شاهد تأسیس شهری بوده اند، محتسب یا ولی چسبه نامیده می شدند. در ایران، به ویژه از سده ششم هجری به انتصاب محتسب یکی از مهم ترین وظایف سلطان یا حاکم به شمار می آمده و وزرا و نویسندگی چنین افرادی را به سلطان توصیه می کردند. در مصر، عثمانی، اندلس، هندوستان - در دوران حکومت بابریان - نیز نهاد چسبه و محتسب وجود داشت. در مصر، از جمله در دوران خلافت فاطمیان محتسبها قدرت بسیاری داشتند و حتی قادر به نظارت بر اعمال سلطان فاطمی بودند. در دوره

عثمانی، نهاد حسبه با تشکیلات دقیق و خاصی وجود داشته و افراد عهده دار این مسئولیت محتسب یا احتساب آغاسی نامیده می شدند. در کنار وظایف احتساب، یکی از وظایف محتسبان در دوره عثمانی جمع آوری مالیات نیز بوده است. در هند، در دوره حکومت بابریان، از سده هشتم هجری، نهادهای نظارتی و حسبه برپا شد و بسته به پایبندی یا عدم پایبندی حکمران مسلمان این سرزمین، این نهاد تقویت یا تضعیف میشد. گاه شأن محتسب چنان بالا می رفت که سلطان خود عهده دار وظیفه محتسب میشد و گاه این شغل در محاق قرار می گرفت، اما همچنان این نهاد در سراسر دوران حکومت مسلمانان در هند وجود داشت. افزون بر این سرزمینها، از وجود نهاد نظارتی و دستگاه حسبه در شمال افریقا، الجزایر، تونس و مغرب نیز آگاهیهایی وجود دارد.

بحثهای گوناگون فقهی و اصولی در مورد حسبه باعث پیدا شدن ادبیات خاصی بین فقهای مسلمان شد. این ادبیات شامل آثار و کتابهایی بود که درباره این نهاد نوشته شده و در آنها بحث فقهی و اصولی درباره حسبه انجام شده بود. این آثار را به دو دسته می توان تقسیم کرد. یک دسته آثاری هستند که جامعیت عام داشته و در کنار دیگر بحثهایی که درباره تشکیلات سرزمینهای اسلامی میشده، بخشی نیز به حسبه اختصاص می یافته و در دسته دوم کتابهایی قرار دارند که به ویژه درباره حسبه نوشته شده است. از میان آثار دسته نخست می توان از کتابهای احکام السلطانیة نوشته ماوردی، و نیز احیاء علوم الدین غزالی، و از آثار دسته دوم نیز می توان از کتاب محاکم القریة فی احکام الحسیة نوشته عبدالرحمان شیزری و کتاب الحسبة فی الاسلام از ابن تیمیه یاد کرد.

## هنر در تمدن اسلامی

.. معماری، نقاشی، خطاطی، صنایع مستظرفه بدیهی است که اقوام و ملل جهان در آشنایی با هنر و بهره وری از آن تقدم و تأخر دارند. ایرانیان و رومیان، سدهها پیش از ظهور اسلام با هنر آشنا شده بودند و هر یک از این دو قوم، هم زمان با ظهور

اسلام، سنتهای هنری چند صد ساله داشتند. اند عربستان پیش از اسلام، از نظر هنری به استثنای خط عربی که بالقوه آمادگی پذیرش زینتهای هنری را داشت، و بعدها، از سده سوم تا نهم هجری، آن زینتها را یافت، از درون مایه چندانی برخوردار نبود. شعر و سرود بیشترین هنر عرب بود تا آنکه فتوحات مسلمانان موجب شد تا آن چادر نشینان ناگهان دیده بر کاخهای باشکوه ایرانیان و کلیساها و پرستشگاه های یونانیان و رومیان بگشایند. به همین سبب، هنر صنعتگران ایرانی و یونانی و مصری و سوری با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام، به شیوه هایی مبدل شد که امروزه هنر اسلامی نامیده میشود.؟ از پایان سده اول هجری فرمانروایان مسلمان، در نواحی فتح شده، ساخت مسجدها و کاخهای با شکوه را آغاز کردند و کوشیدند تا آثار بزرگ تر و با شکوه تری از بناهای دوران پیش از اسلام به وجود آورند. اما از اوایل سده دوم هجری به بعد که کمکم سنتی معین و مشخص در هنر اسلامی به وجود آمد و رو به کمال گذارد، هنرمندان ناگزیر، ویژگیهای قومی و ملی را از بناهایی که نیاز به تجدید مییافتند می گرفتند و همه را بر سنت هنر اسلامی منطبق می ساختند. معماری اسلامی در هیئت و شکل سه نوع بنای عمده به ظهور رسید: مساجد، مدارس و مقابر یا

بقاع متبرک». مسجد جامع دمشق «که بین سالهای ۸۷ تا ۹۶ ق به روزگار» ولد «بر جای پرستشگاه ژوپیترا» خدای خدایان روم (ساخته شد، در شمار کهن ترین بناهای اسلامی است. ۱۰ بنای دیگر آغاز عهد اسلامی، کاخ هشام بن عبدالملک (حک : ۱۲۵-۱۰۵ ق (است که» مشته سرای زمستانی خوانده می شد و در بیابانی در نزدیکی اریحا برافراشته گشت .وجود شیرهای بالدار و برخی دیگر از جانوران افسانه ای که از ویژگیهای فلزکاری و پارچه بافی عهد ساسانی به شمار می آید - نشانه ای آشکار از تأثیر هنر ایرانی در آن کاخ با شکوه است .مسجد جامع قرطبه با مناره های بلند و ستونهای متعدّدش یکی دیگر از نمونه های زیبای هنر اسلامی در اسپانیا و در جهان اسلام است .این مسجد امروز به کلیسا بدل شده، اما هنوز قداست اسلامی اش بر نضت مسیحی اش می چربد برای عبدالرحمان سوم در نزدیکی قرطبه در طول سیزده سال کاخی برافراشته گشت که مدینه الزهرا «خوانده شد و اگرچه امروزه رو به ویرانی گذاشته، اما بخشهایی از آن مرمت شده و محافظت می شود .قاهره یکی دیگر از کانونهای تجلی هنر اسلامی به شمار می آید .البته شهر فسطاط، پایتخت پیشین مصر در کنار رود نیل، همچنان مرکز بازرگانی صنایع مصر بود .سخن از هنر اسلامی مصر بدون یادآوری از» سوق القنادیل «با بازار چراغان در فسطاط ناتمام می ماند .سوق القنادیل، یکی از مراکز دادوستد اشیای هنری و صنعتی آن روز جهان اسلام بود .در فسطاط و قاهره، نه تنها ظرفهای شیشه ای سبز شفاف، همچون زمرد درخشان، و شیشه های سفید لعاب دار و گلدانهای بلند مسین دمشقی به چشم ناصر خسرو خوش آمده بود، که پارچه های دستباف و اطلسهای موج دار و حریر و کتان و مليله دوزیهای زیبای آن نیز حیرت او را برانگیخته بود .د ر سرانجام با هجوم ترکان سلجوقی، که به سال ۳۶۴ ق به فلسطین رسیدند، سلجوقیان، مصریان را از فلسطین رانند و بیت المقدس را تصرف کردند و این باعث شد تا صلیبیان به قصد تصرف دوباره بیت المقدس به قلمرو حکومتهای اسلامی بتازند و در این نبردها با بسیاری از شگفتیهای فرهنگ و به سال ۶۹ق، در بیت المقدس به امر عبدالملک بن مروان در بخش شمالی مسجدالاقصی و

زبان صخره، گنبدی با شکوه به نام قبة الصخره ساخته شد که با گنبد کلیسای مزار عیسی اش اهم می کرد و صلیبیان مهاجم را به حیرت می افکند. دسته ای از صلیبیان که به سرزمینهای خود داشتند، گنجینه هایی از هنر اسلامی را با خود بردند و این آثار الهام بخش هنرمندان و صنعتگران صلاح الدین ایوبی، در اواخر سده ششم هجری، نبرد با صلیبیان را آغاز کرد و بیت المقدس را آزاد ساخت. در روزگار او، بر تزئینات هنری مسجدالاقصی افزوده شد. منبری از چوب سدر، ساخت حلب را آوردند و محرابی دیگر در مسجد ساخته شده و پوشش زرین گنبد تجدید گشت. . او را - با این همه، وقتی سخن از هنر اسلامی در میان است، ایران و ایرانی جایگاهی ویژه در رشد و اعتلای آن دارد. از سده چهارم هجری تا آغاز سده دهم هجری که قیام صوفیان صفوی آغاز شد ایران مهد هنر و هنرآفرینی در جهان اسلام بود، در حقیقت تشکیل دولت سلجوقی در ایران و بین النهرین و آسیای صغیر و قفقاز نقطه عطفی در بازگشت دوباره ایرانیان به فعالیت های هنری است. در معماری، نخستین بنای اصلی که به دست معماران ایرانی در اوایل سده چهارم هجری ساخته شد، بنای آرامگاه شاه اسماعیل سامانی در بخارا بود، که سرمشق برای ساخت دیگر آرامگاه های باشکوه قرار گرفت. بنای آرامگاهها، که در کنار مساجد و مدرسه ها نوع سومی از معماری اسلامی به شمار می رود، از حدود سال ۳۹۰ ق تا پایان سده نهم هجری رواج داشت. این بناها در آغاز بیشتر ساده بود، مانند بنای آرامگاه قابوس وشمگیر در گنبد قابوس) به سال ۳۹۷ ق (که بعدها نمای خارجی آن تزیین یافت. کم کم آرامگاه هایی ایجاد شد که به نقشهای مفصل کاشی معرق مزین شد و بیشتر به دوره تیموریان تعلق دارد، مانند مزار خواجه عبدالله انصاری در نزدیکی هرات که به سال ۸۳۲ق بنا شده است. . . . یا ش م الی در مسجدسازی، ایرانیان مسلمان ابتدا از همان شیوه مسجدسازی با ستون - که در جهان عرب معمول بود - پیروی کردند؛ اما چندی نگذشت که پایه های آجری را جانشین ستونهای سنگی شناختند و طاقهای قوس دار گوناگونی را ابداع کردند که با آجر بسته می شد. شیوه خاص مسجدسازی امی نیز با استفاده از ایوان و رواق، از خانه ایرانی به مسجد، و از آن به بنای مدارس رسمی، که از دوم سده پنجم هجری برای طالبان علوم ساخته می شد، راه یافت. سلجوقیان ایران، اصفهان را

- که از مدتها پیش از ایشان کانون صنعت و هنر بود - پایتخت خود قرار دادند. هنوز بنای مسجد جامع سلجوقی اصفهان پابرجاست؛ اگرچه از کاخ شاهان آن سلسله و میدان بزرگ مقابل آن خبری نیست مسجد جامع اصفهان یا مسجدی که به سال ۵۳۰ ق در زواره ساخته شد و هنوز بر جای مانده، باید نخستین مسجد تاریخ داری باشد که در آن، از معماری چهار ایوانی استفاده شده است. در دوره سلجوقی، آجر در زینت بخشیدن به بناها نقش اساسی داشت؛ در همین دوره کم کم حواشی نما و متن داخل آن را با کاشی زینت بخشیدند. این طرح کلی بنای مسجد، مشتمل بر چهار ایوان به اضافه نماز خانه گنبددار، از عهد سلجوقیان به بعد در ساختن تمامی مساجد ایرانی به کار رفت، آن زینتکاری با گچ و گچبری از اواخر سده پنجم هجری متداول شد که گاهی همان نقشهای حاصل از آجرکاری تزئینی را تکرار میکرد و گاهی نقوش گیاهی و اسلیمی‌هایی به وجود می آورد که اسم گرن (ک) با شکل اصلی بنا پیوندی نداشت. کاشی معرق هم در حوالی سال ۴۹۴ ق به ظهور رسید. در آغاز به رنگهای فیروزه ای و لاجوردی محدود بود، اما بعدها رنگهای سورمه ای، سفید، سیاه، ارغوانی و زرد هم بر آن افزوده شد. دست ها را نشان دادند هنر عصر سلجوقی به بنای مساجد و کاشیکاری آنها منحصر نبود. ساختن ظروف سفالین زیبا، بخش دیگری از هنر آن دوره به شمار می آمد و ممتاز ترین نمونه های آن، در دوران سلجوقیان تا سده هفتم هجری در ری و کاشان پدید آمد. کاسه ها، کوزه ها و گلدانهای مزین به آب طلا و رنگهای دیگر یا دارای پوششی از لعاب سیاه و فیروزه ای و آبی کم رنگ از آن جمله اند. برخی از آنها با هفت رنگ زینت می یافت. ۴۰ پس از استیلای مغول هنرمندان به ظروف چینی دوره های یوان و مینگ، که به رنگهای سفید و آبی ساخته می شد، تمایل نشان دادند. هنرمندان ایرانی عصر سلجوقی افزون بر سفال، روی ابریشم و پارچه های زربفت و قطعات فلز نیز کار می کردند. در عهد سلجوقیان کار روی طلا چندان معمول



بود، اما کنده کاریهای زیبایی بر روی برنج، مس و نقره از آن عصر بر جای مانده است.... در عهد چیرگی مغولان، هنرهای دستی در ایران اندک اندک رو به انحطاط گذارد، اما با این حال از و تیموری شاهکارهایی از فلزکاری به دست آمده است؛ همچنین فولادهای دوره صفویه، به ویژه انواع مشبک آن، بی نظیر است. در همین هنگام در ایران هنر ظریف و زیبای دیگری آغاز شد و آن آراستن نسخه های خطی به مینیاتورهای زیبا و مجالس دلربا بود که اندک اندک رونق گرفت. با خطاطی باید دنباله فن قرآن نویسی در صدر اسلام باشد. بسیاری از برگزیده ترین خطاطان، ایرانی بودند و در میان انواع شیوه های خطاطی دو شکل عمده آن، یعنی نستعلیق و شکسته، از نوآوریهای ایرانیان بود. و اراک د . . . . از سده ششم هجری، که سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی حکومت خود را در آسیای صغیر استوار ساخت، چون خود او هم خطاط بود و هم نقاش و هم درودگر، پایتخت خود، قونیه را به کانون هنرمندان و دانشمندان بدل ساخت. در حقیقت باید گفت، اگرچه حکومت ترکان آسیای صغیر از سده پنجم هجری از زیر فرمان سلجوقیان خراسان و عراق بیرون رفت و مستقل شد، اما هنر و معماری آنان همچنان وابسته به هنر و معماری ایرانی بود. در هجوم مغولان به ایران بی آنکه خود بخواهند یا بدانند با متواری ساختن هنرمندان ایرانی به آسیای صغیر، باعث راه یافتن این سنت هنری به آن سرزمین گردیدند " . . . . و باران . . . پهنآوری جغرافیایی جهان اسلام و تعدد و تنوع حکومتهای درونش، این ویژگی را به آن بخشیده بود که هرگاه، بنابر حوادث، در یکی از بخشهای آن موجبات افول هنر فراهم می آمد، در بخشی دیگر آسیاب پیشرفت آن حاصل می گشت. هم زمان با هجوم وحشیانه مغولان به ایران، در مصر سلطان بیبرس از هنرمندان و جنگاوران حمایت می کرد. در دژی، که به فرمان بیبرس بر روی تپه ای بلند در کنار آن بارو ساخته بودند، سنگهای اهرام باستانی جیزه به کار رفته بود. در همین روزگار شیشه گرانی که شاهکارهایشان را صلیبیان می پسندیدند و می خریدند، در حلب و دمشق مستقر بودند و ظرفهای شیشه ای خود را با آب طلا و لعاب براق به رنگهای زرد و سرخ و سبز و آبی می آراستند. هنر جلدسازی اسلامی هم در شکلهای هندسی و بر روی چرمهای جلد کتابها، هنرمندان مصر و شمال آفریقا را به سوی خود می کشید و این درست زمانی بود که کم خط کوفی از داخل این نسخه های خطی رخت

بریسته و جایش را به خط نسخ که از انحنای بیشتری برخوردار است، داده بود. غازان خان هفتمین ایلخان مغول) حک :

۷۰۳ - ۶۹۴ق (پایتخت خود، تبریز را به کانون دانش و هنر اسلامی مبدل ساخت. او که رسماً مسلمان شده بود، در جنوب تبریز شهری نو بنا کرد و در آنجا مدرسه های دینی و کتابخانه و بیمارستان و یک کاخ ساخت. وزیرش، رشیدالدین فضل الله همدانی هم که از فرهیختگان زمان خود بود، در جانب شرقی تبریز مجموعه ای به نام ربع رشیدی، مشتمل بر بناهای فرهنگی و خانه های متعدد برای طالبان علوم، نقاشان، خطاطان و مینیاتورسازان بنا کرد. خود او کتاب جامع التواریخ را تألیف کرد که امروزه بخشهایی از آن، با تصویرهای اصیل پرداخته شده در عهد مؤلف، در دست است. از کهن ترین مینیاتورهای موجود ایرانی تصویرهایی است که برای کتاب | منافع الحيوان ساخته اند و آن کتاب در سال ۶۹۹ق و به فرمان ایلخان مغول در مراغه برونویسی شده است. در میان مینیاتورهای این کتاب و نیز تصویرهای یک نسخه نفیس از شاهنامه فردوسی، که به سال ۷۲۰ ق در تبریز نسخه برداری شده، تأثیر هنر چینی را در نقاشی ایران اسلامی آشکارا می توان دید. سفالگری ایرانی هم مانند نقاشی مینیاتور از هنر سفالگری چینی تأثیر پذیرفت و سفالگران به جای آنکه همان شیوه سلجوقی را ادامه دهند، اقدام به ایجاد طرحهای آزاد و پراحنا کردند. رنگهای مورد استفاده کم جان و رقیق و شامل سیاه، خاکستری، فیروزه ای، ارغوانی و آبی است که به ویژه در کاشیهای دیواری بسیار زیبا و دلربا مینماید. . . . تلاش فرهیختگان ایرانی و اسلامی، در ایجاد این روح مدنی در مغول زادگان عصر ایلخانی، تازه به بار نشسته بود که این حکومت گرفتار مخالفت های درونی و داخلی شد و از هم پاشید. پس از آنان تیمور لنگ بر ایران مسلط شد؛ حملات وحشیانه او، هیچ کدام از سرزمینهای ایران، هند، سوریه، مصر و آسیای صغیر را بی بهره نگذاشت اما فرزندان و نوادگان تیمور، به ویژه شاهرخ و بایسنقر و الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا و آن تیره از فرزندزادگان تیمور، که با نام «گورکانیان هند» یا «حکومت مغولی کبیر هند» معروف شدند، باعث ایجاد آثار هنری فراوان در زمینه های گوناگونی شدند که به آن خواهیم پرداخت. . . در پایان سده پانزدهم میلادی) نهم هجری (اندلس از دست مسلمانان خارج شد. با این همه،

. \_مرکز کوچک حکومت اسلامی، در سالهای پایانی حیاتش به هنرهای بسیار زیبا آراسته بود». «قصر الحمراء» «کاخ سرخ» یکی از بناهای باشکوه آن دوره است. هنگامی که محمد بن احمد، نخستین امیر دودمان بنی نصر، به سال ۶۳۴ ق/ ۱۲۳۶ م غرناطه را گشود، کاخ خود را بر روی بخشی از یک کوه بلند و پر صخره بنا کرد و از آن پس، هریک از امیران آن دودمان بخشهایی را بر کاخ اصلی افزودند. از آن میان، «محمد پنجم» در سده هشتم هجری الحمراء را به صورت زیبایی در آورد که امروز برجای تقریباً در همان زمان که کاخ الحمراء ساخته می شد، در قاهره «مدرسه سلطان حسن» بنا گردید، البته با معماری کاملاً متفاوت. آن سوی مدرسه سلطان حسن، که رو به قبله دارد، به آرامگاه سلطان متصل است و از بنای مکعب شکل یافته و گنبد آن اقتباسی از گنبدهای بیزانسی است. دندان استاندارد زیبایی کاخهای اسلامی در معماران مسیحی اسپانیا، اثری شگرف داشت. شاهان مسیحی در شهرهای گشوده شده اسپانیا، صنعتگران مسلمان را به ساختن بنا به شیوه اسلامی میگماشتند و چون با خانه های حیاط دار مسلمانان خو گرفتند، این شیوه را به آمریکا بردند، خود را در این در ایران عهد تیموریان نیز، همان گونه که اشاره شد، با وجود غارت و مردم کشی تیمور، هنر راه بالندگی را در پیش گرفت. فرزند تیمور، شاهرخ، پایتخت را از سمرقند به هرات برد و به ترمیم ویرانیهایی که به دست پدرش پدید آمده بود، پرداخت. همسر شاهرخ، گوهرشاد، در کنار آرامگاه امام رضا الیا، مسجدی به نام خودش بنا کرد. در روزگار فرمانروایی شاهرخ و دیگر شاهان پس از او، هنر موزاییک سازی با کاشیهای ریز لعابی رنگین در بناهایی که در مشهد و اصفهان ساخته شد، به اوج خود رسید. همچنین عهد تیموریان، به ویژه دوران شاهرخ و بایسنقر، عصر طلایی هنر تهیه کتابهای خطی نفیس بود. هنر جلدسازی، خطاطی، صحافی و تصویرگری این دوره هرگز در دوره های بعد ماندنی نیافت. نگارگران در مینیاتورسازی شیوه ای را ابداع کردند که «مکتب هرات» خوانده شد. مینیاتور به سبک و شیوه هرات با آنچه در مکتب بغداد و شیراز پدید می آمد، کاملاً متفاوت بود. مینیاتورهای سبک بغدادی و شیرازی در سده هشتم و نهم هجری بیشتر تحت تأثیر هنر چینی عهد ایلخانی قرار داشت، مکتب هرات پس از شاهرخ نیز ادامه یافت. بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ، که امیری هنر دوست و آرام خو بود، چهل تن از بهترین نقاشان و نگارگران ایران را در هرات گردآورد تا

برای نسخه های خطی کتابخانه او مینیاتور بسازند. مشهورترین اثری که در پی این دلبستگی او به هنر مینیاتور به وجود آمد، شاهنامه معروف بایسنقری است که در ۸۳۳ ق کار نگارگری آن به پایان آمد. هنرمندان شیرازی در روزگار فرمانروایی ترکمانان «قراقوینلو» و «آق قوینلو» به شیوه ای نو دست یافته بودند که به شیوه «ترکمان» معروف شد. در اواسط سده نهم هجری کودکی دیده به جهان گشود که بهزاد نام گرفت و چون بالنده گشت در دربار سلطان حسین بایقرا در هرات به کار پرداخت و چیزی نگذشت که نامش در نقاشی ایرانی جاودانه شد. کمال الدین بهزاد، شیوه های نو در پیش گرفت و در آن به وصف جزئیات واقعی زندگی روزانه پرداخت. بهترین و گویاترین این گونه مینیاتورها در آغاز سده دهم هجری و در عهدشاه تهماسب صفوی در تبریز و قزوین و مشهد پرداخته شده و آراسته ترین شیوه رنگ آمیزی را با نمودهای گویایی از زندگی روزانه مردم ایران، در خود گرد آورد. د. قلمرو فرمانروایی ترکان عثمانی در آسیای صغیر نیز یکی دیگر از مظاهر بروز هنرهای اسلامی بود. تأثیر «ایاصوفیه»، که در آغاز کلیسا بود و سپس مسجد شد، در روحیه آنان به درجه ای بود که بازتابهایی از معماری آن در بسیاری از مسجدهای ساخته شده از پایان سده نهم هجری به بعد، در شهر قسطنطنیه یا دیگر نقاط امپراتوری عثمانی، باقی و مشهود است. یکی از بزرگترین و با عظمت ترین آنها، «مسجد سلطان احمد اول» است، که به سال ۱۶۰۹ تا ۱۶۱۶ م ساخته شده مسجد سلیمانیه»، که به فرمان «سلطان سلیمان قانونی» و با معماری و طراحی «سنان پاشا» ساخته شد، یکی دیگر از نمونه های معماری اسلامی است. سنان پاشا که به سال ۹۶۸ ق بنای مسجد سلیمانیه را به پایان برد، مسجد دیگری را به نام «رستم پاشا» برپا کرد. کاخی را که سلطان محمد فاتح ساختن آن را آغاز کرده بود، در عهد سلیمان قانونی به اندازه شهری کوچک بود که چهار حیاط بزرگ و چند دروازه داشت. ..ات این امر مسلم است که صنعت قالی بافی از سده پنجم پیش از میلاد در خاور نزدیک، به ویژه ایران، معمول بوده است. نشست کردن آب، به درون مقبره یکی از فرمانروایان سده پنجم پیش از میلاد در سبیری جنوبی در محلی به نام پازیریک و تبدیل آن به یخی جاودانی، یک قالیچه پشمین را به گونه ای معجزه آسا برای ما محفوظ نگاه داشته است. این فرش به نام جایی که در آنجا یافته شده به

وقالی پازیریک «مشهور شده است. با این همه، بافت انواع قالی به تعداد زیاد و با روشی پیوسته از هفتم هجری رواج داشته است و مجموعه کاملی از آنها در مساجد بزرگ سلجوقی در قونیه و شهرهای دیگر به دست آمده است. دگرگونی در قالی بافی ایران هنگامی رخ داد که قالیبافان دربار صفوی، همان ترکیب کلی تذهیب کاری نسخه های خطی را به کار بردند. رنگ آمیزی قالیها از همان هنگام و با ایجاد تضادی چشم نواز میان ترنج و نقشهای زمینه و حاشیه غنی تر شد. در دوره صفویه نفیس ترین فرشهای ایرانی برای اهدا به مساجد و مقابر و اماکن متبرکه بافته شد. یکی از آنها که هنوز باقی است، فرشی است که برای آرامگاه شیخ صفی بافته شده بود. این فرش یا طرح آن، کار مقصود کاشانی است که در سال ۹۴۶ ق بافت آن به پایان رسید و اکنون در گنجینه لندن است... فرشهای عصر صفوی بیشتر از پشم بافته می شد، اما در زمان شاه عباس بزرگ گهگاه فرشهای ابریشمی و گاه با نخهای زرین و سیمین نیز تهیه می شد. ناحیه قفقاز برخی از نقشهای قالی ایران را به وام گرفت و آنها را با شیوه ای که در آن شکلهای گل و بوته همراه با جانوران طراحی شده بود، به کار برد. پارچه های ابریشمی و زربفت ایرانی عصر صفوی نیز در میان اروپاییان خواهان داشت و زمینه های آن را بیشتر گل و بته و گاه صورت جانوران یا آدمیان پر میکرد... .

داست ن در میان شاهان صفوی شاه عباس بزرگ از دیگران ممتاز بود. او پادشاهی هنردوست و هنرپرور بود و در حقیقت، اصفهان ساخته و پرداخته اوست. میدانها، مسجدها، کاخها، بازارها و باغهایی که او در اصفهان (نو) در جنوب غربی اصفهان کهنه (برپا داشت، از اصفهان نصف جهان «ساخت. در زمان شاه عباس برای معماری شهری و عمومی، نقشه منطقی تهیه شد، بدین گونه که میدان بزرگی به نام میدان نقش جهان «ایجاد شد و سپس در وسط هر یک از چهار ضلع آن، بنایی بزرگ برپا گردید؛ به گونه ای که طرح کلی آن بازتابی از یک ساختمان چهار ایوانی بسیار بزرگ بود که در معماری ایرانی از دوره باستان به این سو سابقه داشت. چهار بنای عمده آن عبارت بود از: مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله، سر در بازار قیصریه، و عمارت عالی قاپو. میدان شاه در قلب شهر به درازای بیش از پانصد متر، هم بازار بود و هم میدان چوگان بازی و تیراندازی با کمان. اطراف میدان را یک بنای دو طبقه می پوشانید. طبقه زیرین آن، دکانهایی بود که فلزکاران، کنده کاران و پیشه وران در آن به آفرینشهای هنری خود می پرداختند. در جانب شرقی میدان، مسجد معروف و زیبای شیخ لطف الله ساخته شد

( \_ ۱۰۱۲ ق / ۱۶۰۳ م؛ البته مسجد شاه اصفهان از مسجد شیخ لطف الله بزرگتر است و حیاطی در وسط دارد و شکوه آن چشمگیر است. در جانب غربی میدان شاه، کاخ عالی قاپو در شش طبقه ساخته شده و در طبقه چهارم آن یک ایوان پر ستون برای نشستن شاه و دیدن بازیها و جشنها فراهم آمده است. شاه عباس در مرکز شهر خیابانی عریض و دلگشا به نام چهارباغ با چندین رده درخت چنار أحداث کرد که پایان آن به سی و سه پل یا پل الله وردیخان می‌رسد. شاید حسن حق دارد که اوایل سده یازدهم هجری / نیمه اول سده هفدهم میلادی را آخرین مرحله شکوفایی نبوغ اسلامی در جهان معماری به شمار آورده است؛ زیرا در آن برهه از زمان بود که سه شاهکار هنری در سه گوشه جهان اسلام رخ نمود: مجموعه بناهای میدان شاه اصفهان در ایران، بنای آرامگاه «ارجمند بانو بیگم» یا تاج محل در هند، و مسجد سلطان احمد اول در عثمانی در اصفهان عصر شاه عباس، نقاشیهای یک یا دو تن از نقاشان برجسته رواج فراوان داشت و مورد پسند عموم قرار گرفت؛ آقا رضا و سپس رضا عباسی که در عین حال پیشوایان آن شیوه هنری شناخته شدند. نامدارترین هنرمند این سبک، رضا عباسی بود که به دربار شاه عباس تعلق داشت و کارهای او به سرعت سرمشق هنرمندان معاصر او شد. یک هنرمند نامی دیگر در ربع اول سده یازدهم هجری معین مصور «بود که به ویژه نقاشیهای او در موضوعهای افسانه ای و تاریخی شهرتی به هم رسانده بود. . د. . راننده دارد. د. ر - در هند تحت توجهات» بابر میرزا «ی هنردوست، نواده تیمور، برخی از آثار مکتب هرات، به ویژه کارهای بهزاد گردآوری شد. فرزندش همایون، که عشق پدر به هنر را به ارث برده بود، پس از یک زندگی یک ساله در ایران به هنگام بازگشت گروهی از هنرمندان را با خود به هند برد و موجب نفوذ دوباره فرهنگ و هنر ایرانی در هند شد. در واقع، شیوه گورکانی هند در نقاشی، از دل همین آمیزه نگارگری ایرانی و هندی بیرون آمد و میر سید علی تبریزی و عبدالصمد شیرازی پایه گذاران مکتب گورکانی هند شدند. تهیه یک رونویس از داستان امیرحمزه با کارهای میرسیدعلی و پنجاه هنرمند هندی تا روزگار پادشاهی اکبر، فرزند همایون، به درازا کشید. این اعداد را دارند. . . اکبر که بزرگترین پادشاه گورکانی هند است، به معماری دلبستگی فراوان داشت. او در آگره و فتح پور سیکری «گنبدها و قبه ها و کاخها برآورد. مسجد بزرگ فتحپور آمیخته ای از معماری ایرانی و

بود. او به سال ۱۰۱۴ ق درگذشت و فرزندش، جهانگیر، بر تخت نشست. او نیز به نقاشی و اتار علاقه ای فراوان نشان می داد. از این رو، رونق هنر نقاشی در هند ادامه یافت و چون در ۱۰۳ ق شهاب الدین فرزند جهانگیر ملقب به «شاه جهان» بر تخت شاهی نشست، نقاشی هند پیشرفت فراوانی کرده بود. با این همه، او به معماری بیشتر گرایش نشان میداد. به دستور وی بنای زیبا و مجلل «تاج محل» به عنوان آرامگاه همسرش، «ارجمند بانو بیگم» ساخته شد. سبک این بنا متأثر از معماری ایرانی عهد تیمور است، این آرامگاه را اگرچه شاه جهان برای همسرش ساخت، اما خود او نیز در کنار همسر خفت. . . . .

داد ایران در پایان عصر صفوی و هند در پایان عهد گورکانی، هر دو گرفتار جنگها و اختلافات داخلی شدند و نادر شاه افشار، به دوران احتضار طولانی این دو امپراتوری پایان بخشید. در آن ایام امپراتوری عثمانی از آرامشی نسبی بهره داشت و سلطان احمد شیفته جشن و سرور بود، به همین سبب، مینیاتورها و مجالسی از هنرمندان روزگار او، مانند لونی بر جای مانده و از صد متجاوز است. با ورود صنعت چاپ به استانبول به سال ۱۱۴۰ ق/۱۷۲۷ م دوران رونویسی کردن و مصور ساختن نسخه ها و کتابها به سر آمد و به همان نسبت که معماری عثمانی از پایان عهد سلطان احمد سوم زیر تأثیر معماری اروپا، دارای کلاه فرنگی شد و دیگر هنرهای اسلامی، مانند نقاشی، سفالگری و کاشی سازی، آن رونق و رواج سده دهم هجری خود را از دست داد؛ هر چند که یکباره تمدن و هنرهای چون گهرگری، زری بافی و سوزن دوزی توانست تا اواسط سده هجدهم میلادی به حیات خود ادامه دهد || . . . " . . . . . ایران عهد قاجاریه اگرچه می کوشید تا جایگاه هنری عصر صفوی را برای خود محفوظ دارد، اما چندان موفق نبود. با اینکه بسیاری از شاخه های هنری دوره قاجاریه رو به افول گذارد، اما هنر خوشنویسی در سه بخش نستعلیق، شکسته نستعلیق و نسخ به اوج خود رسید. همچنین گل و مرغ سازی و به ویژه آثار لاکی، بسیار پیشرفت کرد و تنها در این دوره است که نقاشی مستقل از کتاب و به صورت مکتبی ایرانی شکل گرفت. ا. ی

و قرار ده ی د ۲۰. علم موسیقی در دوره عباسیان و همزمان با اوج گیری نهضت ترجمه کتابهای موسیقی ایران و هند و یونان نیز ترجمه شد و خلفای عباسی در ترویج و توسعه فن موسیقی و دانش آن کوشیدند؛ در اینجا شرحی از آثار و نوآوریهای علمی دانشمندان موسیقی در دوره خلافت عباسیان را به اختصار می آوریم: ابراهیم بن ماهان موصلی (۱۸۸-۱۲۵ ق)؛ پدرش ماهان از دهقانان ارجان یا ارگان فارس بود و از فارس به کوفه مهاجرت کرد و در آنجا با خانوادههای اصیل و ایرانی وصلت کرد. ابراهیم با پیشرفتی شگفت اور موسیقی را نزد کسانی چون جوانویه ایرانی فرا گرفت و به سرعت شهرت او به دربار خلیفه عباسی، مهدی، رسید. ابراهیم به دعوت مهدی خلیفه عباسی و پسر او هارون الرشید در دربار مقام و منزلتی خاص یافت. بیشتر خوانندگان و نوازندگان بغداد و دربار خلفا، به ویژه بزرگان دانش موسیقی چون اسحاق موصلی، از شاگردان و تربیت شدگان او بودند. ایسنا، با بیان ا ایرانی و استانی اسحاق موصلی، فرزند ابراهیم موصلی در حدود ۱۵۰ ق در ری زاده شد. او اصول و قواعد علم موسیقی را نزد پدر و دایی اش منصور لزل فرا گرفت و در روزگار خود به مقامی بی مانند در دانش موسیقی دست یافت. آثاری مکتوب درباره موسیقی چون الاغانی و الکیر؛ التعم الايقاع؛ أعانی معبد و کتاب الرقص که از میان رفته اند، منسوب به این دانشمند است. وی معاصر هارون الرشید، مأمون، معتصم و واثق عباسی بود. اسحاق به سال ۲۳۵ ق چشم از جهان فرو بست. . در بالا ابوالحسن علی بن نافع، ملقب به زریاب و معروف به «بصری»، ایرانی الاصل و از شاگردان اسحاق موصلی بود. نوآوری مهم او در آلت موسیقی ایرانی تربط «بود. زریاب با افزودن یک تار به چهار تار تربط و استفاده از ناخن عقاب و روده تابیده بچه شیر در ساخت تربط جدید، نوای حاصل از زخمه تربط را مطبوع تر کرد. زریاب در مکتب خود، اصول و قواعدی تازه برای آموزش فن موسیقی ترتیب داد و این همان شیوه ای است که در مغرب زمین هم رواج دارد و در واقع، یکی از روشهایی است که از مکتب اسپانیایی بر ساخته زریاب به مغرب زمین رفته است. دارد تربط بود. منصور زلزل، موسیقی دان بنام ایرانی در دوره عباسی، استاد خوانندگی و استاد کم نظیر نوازندگی



ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۹ یا ۲۶۰ ق) فیلسوف و ریاضیدان و موسیقیدان بزرگ ایرانی است. فارابی گرانسنگا ترین کتابها را در موسیقی به نگارش درآورد. از کتابهای او در موسیقی، المدخل إلى صناعة الموسيقى و کلام فی الموسیقا و احصاء الايقاع و کتاب فی النقره مضافه إلى الايقاع و رسالهای موسوم به مقالات است که بخشی از آنها از بین رفته است. مهم ترین آثار فارابی در موسیقی احصاء العلوم و الموسیقى الکبیر است. از این رو، فارابی را بزرگترین نویسنده کتب موسیقی در قرون وسطا می دانند. . . او در مورد دو پرده معروف موسیقی، «وسطای زلزل» و «وسطای فرس»، مطالعاتی دقیق کرده و فواصل آنها را به دست آورده است. ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق) افزون بر آثار گرانسنگ در طب، فلسفه و منطق، در موسیقی نیز صاحب آثاری بسیار با ارزش است. او در کتاب شفا یابی را به عنوان «فن» به موسیقی اختصاص داده است. ابن سینا نخستین کسی است که پس از اسلام از وی درباره موسیقی به زبان فارسی کتابی باقی مانده و این همان کتاب النجاة است که شاگرد او ابوعبید جوزجانی ترجمه کرده و آن را دانشنامه علایی نام نهاده است. داده بودند صفی الدین عبد المؤمن ارموی (۶۱۹ - حدود ۶۱۳ق) ستاره ای درخشنده در آسمان دانش موسیقی ایران در سده هفتم بود. از مطالعه در کتاب معتبر او، یکی الادوار و دیگری رساله الشرفیه این واقعیت آشکار می شود که وی پس از فارابی بزرگ ترین و مهم ترین کسی است که در اصول فن موسیقی تحقیق کرده است. کهن ترین نت نویسی فارسی و عربی در کتاب الادوار آمده است (عبدالقادر غیبی مراغی) م ۸۳۸ق (از مهم ترین عالمان موسیقی نظری در عصر تیموری) دربار تیمور و شاهرخ است. بزرگترین کتاب او جامع الالحان است. مقاصد الالحان از جامع الالحان کوتاه تر است و شرح الادوار نیز نگاشته مراغی بوده که اکنون موجود است. کنزالالحان کتاب گران بهای مراغی که برای آشنایان به فن موسیقی ارزش بسیار دارد و حاوی آوازیهای اوست از میان رفته است. پسر و

\_نوه غیبی نیز از موسیقیدانان هستند .پسرش که عبدالعزیز نام داشت نقاوة الادوار و نوه اش کتاب مقاصد الادوار را نگاشت .  
پس از سده نهم هجری دیگر در ایران موسیقیدان بزرگی ظهور نکرد .گاه به گاه چهره هایی پیدا می شدند، ولی هیچ کدام  
نواوری نداشتند .نفوذ و تأثیر موسیقی ایران بر موسیقی ترک و شبه قاره و کشورهای عربی و حتی خاور دور امری مسلم و از  
اصطلاحات موسیقی فارسی، که به زبان و فرهنگ آن بلاد راه یافته، به روشنی آشکار است.

# تأثیر تمدن اسلامی بر تمدن غربی

تمدن فعلی جهان برآیندی از کوششهای ملل جهان در طول تاریخ است. با وجود آنکه تمدن معاصر ویژگیهای کاملاً متفاوتی با تمدنهای دیگر ملل داشته، اما در حقیقت ترکیبی از تمدنهای پیشین است که مسلماً سهم تمدن اسلامی در پیدایش این تمدن جدید و توسعه آن کمتر از سهم دیگر تمدنها نیست. به نظر می رسد که ترکیب تمدنهای گوناگون و تبادل فکری بین ملل در پیدایش و گسترش این تمدن تأثیر فراوانی داشته و اسلام نیز در فراهم کردن مقدمات این ترکیب نقشی مؤثر و کلیدی داشته است. آنچه در این بخش مورد توجه است، نقش اسلام در ترکیب تمدنها و چگونگی فراهم شدن زمینه و مقدمات این تبادل فکر، فرهنگ و علوم بین تمدنهای گوناگون و آماده کردن زمینه انتقال آن به غرب است. انتقال علم و تمدن از قلمرو اسلامی به غرب از سه راه انجام گرفت. آمیزش مسلمانان با مسیحیان در اسپانیا، ایتالیا، سیسیل و در جنگهای صلیبی و آشنا شدن با فرهنگ و تمدن اسلامی در نقاط گوناگون جهان اسلام و مرزهای آن با جهان خارج. ترجمه کتب عربی به زبانهای اروپایی از سده پنجم تا هفتم هجری. . . ۳. تدریس و استفاده از کتب عربی که دانشمندان مسلمان آنها را در مراکز علمی نوشته یا ترجمه کرده بودند - یکی از مهم ترین پایگاههای آشنایی غرب با فرهنگ و تمدن اسلامی اسپانیا بود. نفوذ افکار کی را در مسیحیان اسپانیا می توان از تأثیرپذیری رهبران مسیحی از اندیشه های اسلامی خیس داد، چنان که گفته اند الیپندوس، اسقف شهر تولدو (طلیطله) تحت تأثیر عقاید اسلامی بن عیسی ان را انکار کرد و گفت که وی بشر و فرزندخوانده خداست. از دیگر سو، مردم اسپانیا در کار لباس عربی به تن می کردند و آداب اسلامی و عربی اجرا می کردند. گفته شده است که از الوهیت عیسی عاتیئ آن روزگار لباس عربی به تن

—دویست هزار جمعیت مسلمان شهر غرناطه) گرانادا (تنها پانصد تن عرب بودند و بقیه را اسپانیاییها تشکیل می دادند. ترجمه آثار اسلامی به زبانهای اروپایی در یک نگاه کلی، دلایل رواج ترجمه از زبان عربی به زبانهای اروپایی را می توان به دو دسته بیرونی و درونی در حوزه قلمرو مسیحیت دسته بندی کرد. آشنا شدن آنان با تمدن اسلامی از زمان جنگهای صلیبی و روبه رو شدن مسیحیان با مجموعه ای از میراث و کتابهای مسلمانان را می توان به عنوان دلایل بیرونی برشمرد و مهم ترین عامل درونی برای ترجمه از عربی به زبانهای اروپایی را نیز باید در چگونگی برخورد دانشمندان مسیحی با آثار دانشمندان یونانی و به ویژه افرادی چون ارسطو، سقراط، بطلمیوس و جالینوس جست وجو کرد. دلایل متعددی وجود داشت که باعث می شد دانشمندان و فلاسفه مسیحی قادر به استفاده از متن اصلی و یونانی این آثار نباشند. دور شدن زبان معیار یونانی از زمان کتابت این آثار تا سده های میانه تاریخ اروپا یعنی چیزی بیش از دوازده قرن باعث شده بود حتی بهترین زبان شناسان حوزه زبان لاتین نیز از درک آنها ناتوان باشند. این در حالی است که بسیاری از آثار کلاسیک یونانی در طول زمان از دست رفته و تنها راه بازیابی آنها استفاده از ترجمه های عربی آنان بود. بر این اساس نهضتی برای ترجمه آثار عربی به لاتین آغاز شد این نهضت به دو دوره بزرگ تقسیم می شود. دوره اول از دوره به قدرت رسیدن سیلوستر دوم، پاپ واتیکان (دوره پای ۱۰۰۳ - ۹۹۸ م) آغاز شده و در زمان حکومت آلفونسوی دهم، از حاکمان محلی اسپانیا، پایان می پذیرد و دوره دوم از زمان سلطنت این آلفونسو (۱۲۸۴-۱۳۵۳ م) شروع میشود. تفاوت مهم دوره های اول و دوم نهضت ترجمه از عربی به لاتین در این است که در دوره اول، آثار عربی عموماً به لاتین ترجمه می شدند، اما در دوره دوم غلبه با ترجمه آثار به زبانهای اسپانیایی و رومی بود. در این دوره، به مرور افراد و مترجمان بسیاری پدید آمدند که تعداد آنها حدود ۱۵۰ نفر تخمین زده شده است، از جمله این افراد می توان افراد زیر و دامنه فعالیت آنان را برشمرد | از کنستانتین آفریقایی طیف وسیعی آثار ترجمه شده درباره آثار جالینوس در پزشکی و نوشته های فلسفی ارسطو وجود دارد. از هوگوی سانتالایی ترجمه هایی از آثار ارسطو، یعقوب بن اسحاق کندی، ابومعشر بلخی و دیگران را می شناسیم. از پوهاس هیسپانسیسی ترجمه های فراوانی

از نوشته های ارسطو، بتانی، فارابی، فرغانی، قبیسی، محمد بن موسی خوارزمی، یعقوب بن اسحاق کندی و ابومعشر بلخی وجود دارد. مهمترین کار او مجموعه آثاری است که از ابن سینا به لاتین ترجمه کرده است. از مایکل اسکات، ترجمه های فراوانی به جای مانده است. اهمیت کار او به ویژه در ترجمه مجموعه آثار ارسطو است. از پلاتوی تیولیایی آثار متعددی در زمینه های گوناگون چون نجوم ریاضی، هندسه و فلسفه به لاتین ترجمه شده است. هر اما بی شکور گاردوی کرمونایی را باید مهم ترین مترجم در جریان نهضت ترجمه از عربی به لاتین به شمار آورد. تعداد آثاری که به زبان لاتین ترجمه کرده به بیش از هفتاد می رسد. این آثار موضوعات گوناگون چون پزشکی، فلسفه، نجوم، اخلاق، سیاست و مانند اینها را در بر میگیرد. آثار پزشکی ترجمه شده به قلم او، یعنی نوشته های جالینوس و بقراط، عملاً یک دوره پزشکی یونانی را با شرح آثار دانشمندان اسلامی در بر میگیرد. تأثیر علوم عقلی، فلسفه اسلامی و علوم الهی در تمدن غرب است... ادامه در اولین سالهای سده دوازدهم میلادی مغرب زمین با ترجمه های دومینیکوی گوندیالوی و خوان سقوبی، از آثار ابن سینا، فارابی و غزالی با باورهای ارسطو آشنایی پیدا کرد. در حقیقت، مغرب زمین اطلاعات خود را درباره ارسطو به مسلمانان مدیون است و تردیدی نیست که اروپاییان در نتیجه آشنایی با افکار مسلمین به فلسفه عشق ورزیدند و به مطالعه آثار ارسطو پرداختند. تعلیمات ارسطو و ابن رشد با هم آمیخته بود و روش و باورهای ابن رشد به طور مبسوطی در بین یهود شایع بود. از همین طریق بود که در میان مسیحیان نفوذ عمیقی یافت و این گونه باورها تهدیدی برای کلیسا به شمار رفت تا جایی که سن توماس مترجمان عرب را مورد انتقاد قرار داد و بین افکار ارسطو و شارحان آثار وی تفاوت قائل شد. بجز این رشد، آرای ابن سینا نیز در غرب بسیار مورد توجه قرار گرفت. از جمله شقاییدی که از ابن سینا به مغرب زمین منتقل شد، موضوع معقولات - به معنی آنچه به وسیله عقل قابل درک است - بود. دیگر اینکه وی معتقد بود اساس هر موجود جزء غیرقابل تجزیه است و ماده خود اساس تعدد و اختلاف است، شماری از دانشمندان مغرب زمین مانند راجر بیکن معتقد بودند فلسفه ارسطو در مغرب زمین تأثیر نداشت و آن به علت کمیاب بودن کتب و رسالات او بوده یا به سبب

مشکل درک رسالات، تا آنکه پس از پیامبر اسلام الله فلاسفه ای مانند ابن سینا و ابن رشد فلسفه ارسطو را در معرض درک و معرفت قرار دادند. با آنکه برخی از آثار ارسطو را بوئیتوس ترجمه کرد، فقط از زمان مایکل اسکات که بخشهایی از کتابهای ارسطو درباره طبیعت و حکمت را از عربی به لاتین ترجمه کرد، فلسفه ارسطو در غرب مورد تحسین قرار گرفت. نام دارد.

نخستین مرکز و مکتب خاورشناسی دور از و یا به دستور مبلغان مسیحی در سال ۶۴۸ ق در شهر تولدو دایر شد و زبان عربی و علوم دینی مسیحیت و یهودیت در آن تدریس می شد تا افرادی را برای تبلیغ در میان مسلمانان آماده کنند. بزرگترین شاگرد این مدرسه ریموند مارتین بود که اطلاعات او درباره نویسندگان مسلمان در اروپا بینظیر بود. او نه تنها با آیات قرآن و احادیث اسلامی آشنایی داشت، بلکه نکاتی را نیز از علمای علم الهی و فلسفه اسلامی از فارابی تا ابن رشد می دانست. ریموند مارتین کتاب مشهور تهافت الفلاسفه غزالی را بررسی کرده و بخشهایی از آن را در کتاب خود به نام پرگوید آورده است. افکار و عقاید غزالی پس از آنکه آثار او به دست اروپاییان رسید، برای متفکران مسیحی حائز اهمیت بود و هنوز هم برای آنان مفید است. به ما نشان داد. این از دیگر مفاخر اسلامی در فلسفه که در اروپا به شهرت رسید ابن رشد بود. در ایتالیا نفوذ افکار او تا سده شانزدهم میلادی ادامه داشت و عقاید او مجادلات فراوانی را بین علمای مسیحیت برانگیخت. پیروی از فلسفه ابن رشد که در مغرب زمین اصطلاحاً آن را ازوئیسیم می نامند تا پیدا شدن علوم جدید یکی از عوامل بقای فلسفه در اروپا بوده است. با مامان با .. آنچه مسلم است، سهم خدمات مسلمانان به علم الهی از نهایت اهمیت برخوردار است و آنانی که متفکران اسلامی را فاقد عقاید بکر و اساسی خوانده اند، بی تردید آثار ابن رشد و غزالی را نخوانده اند. کتاب مشهور توماس آکوئیناس به نام سوما نیز دلیلی بر این کوتاه بینی است. با او افزون بر چهار سده تمدن و فرهنگ اسلامی در تمام مراکز فرهنگی اروپا نفوذ و برتری داشت و هنگامی که برتری اندیشه های اسلامی در اروپا پایان یافت، ارتباط فرهنگی مشرق و مغرب باز هم ادامه داشت؛ به گونه ای که در سده سیزدهم میلادی به اوج خود رسید و چنانچه آثار باقی مانده از آن دوران را بررسی کنیم، خواهیم دید که نفوذ اسلام پیوسته ادامه داشته و بسیار گسترده تر از آن بوده | است که امروزه از آن یاد می شود. دو سه تار: نه.

۲\_ . تأثیر پزشکی اسلامی در تمدن غرب پزشکی اسلامی به طرق گوناگون در پزشکی غرب تأثیر گذاشت . یکی از این راهها، ترجمه متعدد آثار پزشکان اسلامی بود که به زبان لاتین ترجمه شد . یکی از مهم ترین این پزشکان محمد بن زکریای رازی است که آثار متعددی از وی به لاتین ترجمه شد و هر کدام از این آثار بارها به چاپ رسید . بسیاری از مورخان و دانشمندان غربی بر این باورند که کتاب الجدری و الحصبة ( آبله و سرخک رازی بزرگ ترین نوشته وی است . این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۴۹۸ م به لاتین ترجمه و چاپ شد . افزون بر این، این کتاب نزدیک به چهل بار در اروپا چاپ شده است . بنابراین به نظر میرسد که تعداد ترجمه ها و چاپهای این کتاب از بسیاری از دیگر کتب طبّی اسلامی در تمدن اسلامی بیشتر است . دیگر کتاب رازی، الحصى المتولدة فی الکلی والمثانة در سال ۱۸۹۶ در پاریس چاپ شده است . کتاب الحاوی رازی در سال ۱۲۷۹ م در زمان شارل یکم توسط پزشکی یهودی به نام فرج بن سالم به لاتین ترجمه شد و در سال ۱۵۴۲ م پنج بار چاپ و منتشر شد . این کتاب در اروپا از مهم ترین کتب درسی مرجع دانش پزشکی به شمار می آمد . ا. ام اس با م ا دیگر پزشک تأثیرگذار در پزشکی غربی ابن سینا است . کتاب مهم پزشکی او قانون، سالها مهم ترین کتاب پزشکی غرب به شمار می آمد . در اواخر سده پانزدهم میلادی این کتاب شانزده بار در اروپا چاپ و منتشر شد که پانزده بار آن لاتین و یک بار هم به عبری بوده است . تفسیرهایی که بر این کتاب به لاتین و عربی نوشته شده، بیشمار است . این کتاب تا نیمه دوم سده هفدهم میلادی بارها \* به چاپ رسید و مدتها از کتابهای درسی به شمار می آمد . شاید هیچ کتابی در علم طب تاکنون به اندازه آن رواج نداشته است . و ... را دارند و می دانم : . بجز این موارد، در دیگر زمینه های مربوط به دانش پزشکی نیز پزشکی اسلامی در پزشکی غربی تأثیر گذاشت . به طور کلی، به نظر می رسد تأسیس بیمارستان در اروپا بنا به تعریف جدید از بیمارستان، تحت تأثیر بیمارستانهای شرقی - اسلامی بوده باشد . در پس این رفتارها، پزشکان اروپایی یکی دیگر از دستاوردهای خود را مدیون مسلمانان هستند و آن چگونگی درمان انواع بیماریهاست . این را می دانیم که پزشکان اروپایی چگونگی درمان بسیاری از بیماریها، از جمله سرخک، حصبه و طاعون و بسیاری از جنبه های عملی پزشکی، از جمله انواع جراحیها را از مسلمانان آموختند . بطوری که رساله های پزشک مسلمان، زهراوی قرطبی، اباس علم جراحی کنونی در اروپا

دانشته شده است. ۳۰ ۱. تأثیر ریاضیات اسلامی در تمدن غرب ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ تأثیر ریاضیدانان اسلامی در تکامل ریاضیات در غرب بسیار دامنه دار بوده است. اروپاییان از طریق مسلمانان با شیوه عددنویسی دهدهی، و نیز شکل اعداد هندی که اکنون نیز از آن استفاده می شود، آشنا شدند و این تأثیر به ویژه از طریق ترجمه کتاب المختصر فی الجبر والمقابلیه صورت گرفت. این کتاب بارها به زبان لاتین، و با نام لیبرالگورسمی، یعنی کتاب خوارزمی ترجمه شد. از همین ترجمه کتاب خوارزمی به لاتین است که کلمه **algorism** به معنای حساب و روش محاسبه از آن گرفته شده این کتاب در قرون وسطا نزد اروپاییان شهرتی فراوان داشته و تا سده شانزدهم و زمان فرانسوا ویت، ریاضیدان فرانسوی، مبنای مطالعات ریاضیدانان اروپایی بوده است. اثر مهم دیگر خوارزمی کتابی است به نام حساب کند که اصل آن از میان رفته، ولی ترجمه لاتین آن که مربوط به سده چهاردهم میلادی است، وجود دارد. در مآخذ اسلامی این کتاب به نام الجمع و التفریق بحساب الهند شناخته می شود. بجز خوارزمی، در موارد دیگر و در دوره های زمانی بعدی آثار دیگری نیز به لاتین ترجمه شد. از جمله از خیام، خواجه نصیرالدین طوسی و فارابی کتابهایی در دانش ریاضی به لاتین ترجمه شد. آخرین ریاضی دان مسلمان که طی قرون وسطا و پس از آن آثاری از وی به لاتین ترجمه شد بهاء الدین عاملی، مشهور به شیخ بهایی است که کتاب او با نام خلاصه الحساب به انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده پرداختن به جنبه های عملی ریاضیات، از جمله طرح انواع شکلهای چندضلعی منتظم و نامنتظم، انواع راه حلهای عددی و هندسی معادلات جبری، دستیابی به میزان بسیار دقیقی از عدد پی (۱) و سرانجام، روشهای متعدد برای تعیین محیط و مساحت انواع چند ضلعیها و مواردی مانند این، دستاوردهای دانشمندان ریاضی اسلام بود که به غرب منتقل شد. . . . ۴. تأثیر دانش ستاره شناسی اسلامی در تمدن غرب نام دارد و با دانسته های ستاره شناسان اسلامی شامل انواع داده های نجومی، از جمله طراحی تقویمهای مختلفه



\_\_داده های نجومی مربوط به ستارگان، تئوریهای جدید در مورد حرکت سیارات و موارد دیگری مانند اینها، مهم ترین دستاوردهایی بود که دانش نجوم اسلامی در اختیار غرب نهاد. امروزه کاملاً روشن شده است که مهم ترین ستاره شناسان غربی نظیر نیوتن، کپلر و کوپرنیک با دانش نجوم اسلامی آشنا بوده و از دستاوردهای ستاره شناسان اسلامی بهره بسیاری برده اند. یکی از نخستین ستاره شناسان اسلامی که در قرون وسطا در مغرب زمین شهرتی بسیار یافت احمدین کثیر فرغانی است که کتاب ستاره شناسی او به نام جوامع علم نجوم توسط گاردوی کرمونایی و یوهانس هیسپا لنسیس ترجمه شد. این کتاب هفت سده در اروپا مرجع و مورد استفاده بوده است. زرقالی اندلسی، دانشمند قرن پنجم هجری، دیگر دانشمندی است که آرای او در غرب مورد توجه قرار گرفت. کتاب مشهور او در نجوم، به نام زج طلیطلی بسیار مورد توجه ستاره شناسان لاتین زبان بود. پس از آنکه مسلمانان رصدخانه های بزرگی در سراسر کشورهای تحت حکومت خویش برپا کردند و دستاوردهای نجومی درجه اولی به دست آمد، نام ستاره شناسان اسلامی در سراسر جهان پراکنده شد و از دور و نزدیک برای علم آموزی به آنان مراجعه شد. پادشاهان مغرب زمین نیز نه تنها به علمای مسلمان اندلس مراجعه می کردند، بلکه برای حل مشکلات علمی خود نمایندگانی را به ممالک شرقی اسلام فرستادند تا مشکلات نجومی خود را حل کنند. آلات نجومی متعدد اسلامی شامل انواع اصطربها، کردهای نجومی، ساعتها و آلاتی مانند این، از جمله دستاوردهای ستاره شناسی اسلامی بودند که به مغرب زمین منتقل شدند و از طریق این وسایل، دانش ستاره شناسی غربی رو به تکامل گذاشت. تقریباً قطعی شده است که استفاده از پاندول برای تعیین زمان از طریق مسلمانان و از راه اسپانیا به غرب رسید و مسلم است که همین وسیله اساس بسیاری دیگر از اختراعات علمی است. مانده بود. و ب. ا. در حقیقت، می توان گفت پیشرفتهای جدید در علم ستاره شناسی براساس تازه شناسی اسلامی و به وسیله یک یهودی اهل اسپانیا که در سال ۱۱۰۶ م مسیحیت را پذیرفت و به نام پدرو الفونسو معروف شد، آغاز گشت، از نوشته های او مقدار ناچیزی باقی مانده است، اما وی تأثیر فراوانی بر اخترشناسان پس از خود، به ویژه اخترشناسان فرانسه و انگلیس داشت. رابرت گروستاست که مدتی سرپرست دانشگاه آکسفورد بوده و به سازمان ریاضی برای جهان ماده اعتقاد داشت؛ محرک اصلی برای پیشرفت علمی تماس مستقیم با سنت زنده اسلامی و ترجمه آثار علمی از عربی به جو اس بتغیرتحتها قاتل در علم اشتعلت است ۱۱ السادا و ی ا می دانی به تا . . با و ردپا. بنده را در-

\_\_\_\_\_ ۱۱۱۱۱۱۱۱ .. - ۱۱ لاتین بود. را برای این بازار ۵. تأثیر جغرافیای اسلامی در تمدن غرب . ام . دان و دیده شده مطالعه و تحقیق در مورد نفوذ تاریخی مسلمانان در جغرافیای غرب و تأثیر آن در پیشرفت این علم در اروپا کار چندان ساده ای نیست؛ زیرا کاملاً روشن نیست که اطلاعات جغرافیایی مسلمین تا چه اندازه متکی بر اطلاعات تحصیلی و تا چه حد بر اساس مشاهدات تجربی و گشت و گذار ایشان بوده است . با آنکه در سده های سوم تا هشتم هجری کتابهای بسیاری به زبان عربی نوشته شده، اما همه آنها را نمی توان کاملاً درست و بی‌کاستی دانست و از طرف دیگر کتابها، تجارب و دیدگاههای بازرگانان و دریانوردان که مسافرتها بسیار کرده بودند، کمال اهمیت را دارد . بی تردید، نویسندگان کتابهای جغرافیا از این گونه اشخاص بهره فراوان برده اند و همانها بوده اند که روابط اسلام و اروپای قرون وسطا را رقم زده اند و فرهنگ و تمدن اسلامی را به اروپا منتقل ساخته اند . در زمینه جغرافیا انواع گوناگونی از سفرنامه ها، کتابهای جغرافیایی و تشریح پوسته زمین، انواع نقشه های جغرافیایی و کتابهای راهنمای ستاره شناسی جغرافیایی مورد استفاده دانشمندان دریانوردان و جغرافیدانان غربی بوده است . آثار جغرافیایی ستاره شناسان اسلامی بیش از کتب جغرافیایی دیگر در علوم قرون وسطای اروپا نفوذ و تأثیر مستقیم داشته است و برخی از آنها نیز به زبانهای اروپایی ترجمه شده اند . نخستین جایی که استادان جغرافیایی ، مسیحی جغرافیای اسلامی را آموختند، شهر تولدو در اسپانیا بود و نخستین چیزی که یاد گرفتند، کرویّت زمین بود که بدون درک آن کشف قاره آمریکا امکان نداشت . . با ما در استان ستاره شناسان اسلامی جغرافیا را بیشتر از جهت تعیین طول و عرض جغرافیایی مطالعه می کردند و ربع مسکون را بر حسب تقسیمات هفتگانه بطلمیوس نمایش می دادند . مانند همین تقسیمات در نقشه های دریایی پرتغالیها در سالهای ۴-۱۵۰ م تنظیم شده است و برخی از نقشه های این تقسیمات حتی تا پایان سده هجدهم در نقشه های جغرافیایی اروپا دیده می شود . داد : ای | یکی از مهم ترین اقدامات جغرافیای دریانوردی مسلمانان، استفاده از قطب نما بود . با آنکه این وسیله اختراع چینیه‌ها بود، ولی روشن نیست که آیا از آن در کشتیرانی استفاده می کرده اند یا نه؟ چون الهه تمام : خمی +له بلغ ۴

— آنها هیچگاه از ساحل دور نمیشدند. ولی وضع مسلمانان متفاوت بود. هنگامی که اروپاییان از وجود کشور چین بی خبر بودند، مسلمانان با این کشور روابط تجارتی داشتند و گمان قوی بر آن است که مسلمانان قطب نما را به اروپاییان معرفی کرده باشند؛ زیرا اروپاییان پیش از سده سیزدهم میلادی از قطب نما استفاده نمی کردند. در حالی که ادریسی، جغرافیدان و مورخ بزرگ اسلامی در نیمه سده دوازدهم میلادی از آن سخن گفته و کاربرد آن را در میان مسلمانان رایج دانسته است، انتقال آن را به اروپا از طریق مسلمانان می داند. از دیگر سو، سدهها پیش از آنکه واشکودوگاما بتواند از طریق راههای دریایی به مشرق زمین برسد، مسلمانان این سرزمینها را می شناختند. وی با راهنمایی دریانوردی مسلمان به نام احمد بن ماجد توانست از دماغه امیدنیک به سواحل آسیا قدم بگذارد. در حقیقت، راه دریایی هند و چین پنج سده پیش از مارکوپولو، توسط یک دریانورد مسلمان ایرانی به نام سلیمان سیرافی شناخته شده بود. در ادیان و مردان در داندلود سوالات ت با ما " مناخیه لبنین تو . ا و آماده : \* روش نمونه ۶ هنرهای اسلامی و نفوذ آن در اروپا و در ادامه دارد را باید ا و را با ... با آنچه مسلم است هنرهای اسلامی مربوط به سرزمینهایی است که در قلمرو نفوذ گسترش اسلام واقع شده اند. از د وستان ... را ب ا نام " مسلمین، افزون بر نوآوری و پیشرفت در علوم و دانشهای گوناگون، در هنر و به کار بردن ذوق و سلیقه در هنرهای زیبا نیز شخصیت خویش را ابراز کردند و با الهام از تعالیم اسلام در صدد فراگیری و گسترش هنر و صنعت برآمدند. ا.ه. کریستی، در این باره می گوید: «بیش از هزار سال اروپا با نظر تعجب به هنرهای زیبای دنیای اسلامی نگاه میکرد و آنها را اشیاء خارق العاده ای میشمرد.» در هنرهای زیبا اصطلاح تازه ای برای نوعی از مصنوعات اند که گشایشی در نفس پدید می آورند. ملتهای متمدن، پیش از اسلام، کم و بیش دارای هنرهای زیبا بوده اند. استعداد مسلمانان در هنرهای زیبا، از بسیاری ملل دیگر بیشتر بوده است. تنها شماری از دانشمندان مغرب زمین بر این باورند که هنر نقاشی در اسلام به علت محدودیت، از پیشرفت چندانی برخوردار نشده است، در حالی که این

۱۳۸\_ ل درست ر - " ---- نظریه در مورد همه مسلمانان صادق نیست و مسلمانان، به ویژه ایرانیان، در این بخش هم . پیشرفتهای مهمی کرده اند .. ها ... در ... پر و پا را گسترش اسلام و تماس با ملل دیگر، از تعصبات بی مورد مذهبی کاست . مسلمانان در هنرهای گوناگون، مانند معماری، مهندسی، حجاری، منبت کاری و خوشنویسی بسیار استاد بودند، ولی مجسمه سازان و نقاشان و نگارگران خوبی نداشته با تعداد اندکی داشته اند . انا خوشنویسی در میان مسلمانان بسیار رشد کرد . در همین راستا، به تدریج صنعتگران اروپایی با خطوط عربی - اسلامی آشنایی پیدا کردند، در حالی که نمی توانستند آن را بخوانند، اما شبیه آن را مینوشتند . از سوی دیگر، میل به زیارت اماکن مقدسه، علاقه مندی اروپاییان به اخذ علوم اسلامی و شوق بازرگانی و مواردی دیگر، مردم اروپا را به سمت سرزمینهای اسلامی سوق داد و در بازگشت زمینه انتقال علوم و هنرهای اسلامی را به سرزمینهای اروپایی فراهم آورد . . یکی از اشیایی که در این سفرها دانش پژوهان اروپایی از دارالعلمهای اسلامی به اروپا بردند اصطربلاب بود . کهن ترین اصطربلاب موجود که در آکسفورد نگهداری می شود، در سال ۹۸۴م به دست پسران ابراهیم، اصطربلابساز اصفهانی، ساخته شده است . و و و و و و و و و و و ب ام و با این نمونه ای از فلزکاریهای اوایل اسلام، جعبه ای است در کلیسای ژرونا در قرطبه که از چوب ساخته شده و روی آن را با ورقه ای از نقره و شاخ و برگهایی از این فلز پوشانیده اند که به حکام دوره دوم حکومت اموی (۷۶-۹۶۱ م (تعلق دارد . ۱۱۱۱۱۱۱۱ از آثار طلا و نقره کاریهای اوایل اسلام چیزی باقی نمانده و تنها در این زمینه می توان ظروف برنجی، مسی و مفرغی متعلق به ثروتمندان را بررسی کرد . صنعتگران اسلامی غیر از طرحهای برجسته، نقش و نگارهای زرین و سیمین را در زیباسازی آلات فلزی به کار می بردند . در اواسط سده دوازدهم (طلاکوبی و زر نشاندن در فلزات با اوج کمال رسید . حمله مغولان به شهرهای عراق،

صنعتگران این منطقه را پراکنده ساخت و موجب نفوذ این صنعت در مصر گردید. با . از اشیای دیگر، ابریکها و طشتهایی متعلق به سدههای سیزده و چهارده میلادی است که نمونه هایی از آنها در گنجینه ویکتوریا و آلبرت وجود دارد که برخی از آنها بسیار عالی است و در هیچ اداری نانو هارده ما شاند دفات ۲ . پایان سده نینا للعالم قد نها در سده پانزدهم میلادی، ایتالیاییها به واسطه تجارت با مشرق، از این صنایع در شهرهای ونیز و ورونا تقلید کردند. همچنین دسته ای از صنعتگران ایرانی ساکن ونیز، ساختن اشیای فلزی زیبا را آغاز کردند. نقره و طلا نشانی روی فلزات، به دست صنعتگران اسلامی در قرون وسطا، مانند میناکاری اروپاییها بوده، با این تفاوت که اروپاییها به جای تزئینات فلزات قیمتی، نقوش را با شیشه های رنگارنگ پر میکردند "و. . . را به درد و راه ه ا را هر چند مسلمانان برخی از طرحهای این صنایع ظریف را از جاهای دیگری می گرفته اند، ولی به اندازهای ذوق و سلیقه خود را در آن دخالت می دادند که طرحی جدید به وجود می آوردند. مسلمانان در ساختن لوزه های لعبی مهارت بسیار داشتند و تعدادی از این کوزهها که متعلق به سده چهارم هجری است، در خاور نزدیک، شمال آفریقا و اسپانیا کشف شده که نشان دهنده پراکندگی فراوان آن است. ری یکی از مراکز بزرگ این صنعت به شمار می آمده و نمونه های بسیاری از این هنر زیبا از آنجا به دست آمده است که در گنجینه لوور نگهداری میشود. . . . صنعتگران اروپایی، نقاشی گلهایی را که در آن روزگار در مغرب زمین یافت نمی شد، از ایرانیها تقلید می کردند و ظروفی که از طریق شامات و عثمانی به اروپا می آمد، برای آنها سرمشق قرار می گرفت. صنعت شیشه سازی و تزئین و میناکاری بر روی آن نیز توسط مسلمانان به اروپا راه یافت. ۶۰ پیش از حمله اعراب به ایران و سوریه و مصر، در این نواحی صنعت نساجی و پارچه بافی رونق داشت و در همسایگی روم شرقی مراکزی بود که در آن پارچه های ابریشمی می یافتند که از نقش و

نگار و تصاویر گوناگونی برخوردار بود و مراکز بزرگی از این صنعت پیدا شد و واژگان و اصطلاحات مربوط به آن به زبانهای اروپایی وارد شد .. مدار بماند و از | پارچه هایی را که از فسطاط، پایتخت اولیه مسلمانان در مصر، به انگلیس مسی بردند، فاستونی می نامیده اند .همچنین پارچه هایی که امروز دمسک) دمسه (یا دمیاطی می نامیم از بزرگترین مراکز بازرگانی آن روز، یعنی دمشق، وارد می شده است .پارچه های مسلمانان را بازرگانان ایتالیایی از دمشق وارد می کردند .پارچه های گرانادا در بازارهای اروپا، به نام گرانادین معروف بود و تافته های ایران نیز در اروپا بسیار رواج داشت .با ایران است و در ادامه با بیان این بار در ایر ان در جشنهای بزرگ دربارهای اروپا، خانمها با لباسهای ابریشمی بافته شده ایران شرکت می کردند .قطعه هایی از پارچه های ابریشمی بافت بغداد و ایران امروزه در گنجینه های برلن، لوور و الیون موجود است که آنها را در پایان سده دهم میلادی بافته اند .هر روز بازار این گونه ابریشم کاریهای شرقیها در غرب گسترش می یافت؛ در جزیره سیسیل در قصر پالرمو، مسلمانان کارخانه ابریشم بافی تأسیس کردند که مدتها پارچه های نفیس از آنجا به دیگر نقاط اروپا صادر می شد .جوان - در این هنگام، هنرهای آسیای غربی و شرقی مبادله می شد و در چین جمعیتی از مسلمانان پیدا شدند که به عربی گفت و گو میکردند و هنرشان در تمام دنیای اسلامی شهرت داشت .تأثیر و نفوذ بسیاری از این هنرهای شرقی و اسلامی در اروپا به درجه ای بود که کارشناسان فن از تشخیص نمونه های شرقی و غربی از یکدیگر ناتوان بودند .او باور دارد . با ایران را در بدن ما را در تهران . | قالی یکی دیگر از هنرهای اسلامی و از لوازم زندگی به شمار می آید .در سده شانزدهم میلادی، مهارت قالی بافان ایرانی بلر اوج خود رسید، به گونه ای که پیش از آن و حتی تا کنون، قالیهای آن زمان مانند پیدا نکرده است .از شاهکارهای آن روزگار فرش است در گنجینه ویکتوریا و آلبرت که در مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی در شهر اردبیل بوده است؟ از دیگر هنرهای زیبای مسلمین ساخت اشیایی زیبا از جنس عاج بود که روی آن را با نقوش برجسته و رنگ آمیزی پر می کردند .

نمونه هایی از این عاجکاریها در لندن، پاریس و جاهای دیگر

وجود دارد. ظاهراً این اشیا با هم شباهت دارند، ولی نقوش برجسته ای که بر روی آنهاست اغلب با یکدیگر فرق دارد. در را . . . . . یکی از بهترین کنده کاریهای اسلامی، ابریقی است که هم اکنون در گنجینه بسنت مارک و نیز قرار دارد و از در کوهی ساخته شده و اهمیت بیشتر آن از جهت تاریخی است که نام «عزیز»، دومین خلیفه فاطمی در مصر، بر آن نوشته شده است. از دیگر هنرهای زیبای مسلمین که به غرب انتقال یافت و اروپاییان را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داد هنر تراشکاری فلزات و سنگهای گران بها است. ۳۰ آنچه مسلم است، اساس چاپ و صحافی کتاب نیز مسلمانان قرون وسطاست. گرچه صنعت چاپ از سده پانزدهم به وسیله اروپاییان تکمیل شد، ولی چاپ سنگی در قدیم طرفداران بسیاری داشت. اولین کارخانه های کاغذسازی در اروپا توسط مسلمانان در سیسیل و اسپانیا ساخته شد و بعداً در ایتالیا آن را ادامه دادند. در سده پانزدهم، هنگامی که چاپ کتاب گسترش پیدا کرد، کاغذ از مواد اساسی این کار به شمار رفت - - - . امام الزمات اور اتنا درد ناک رات ایران جای داده اند تا در آغاز سده شانزدهم هنرمندان اروپایی در نتیجه تفکر در هنرهای زیبای اسلامی طرحهای جدیدی به وجود آوردند. از این طرحها و دیگر طرحها و نقاشیها معلوم می گردد که تا چه اندازه هنرهای آنان از روی نمونه های اسلامی برداشته شده است. اروپاییان در همان آغاز اسلام در هنر اسلامی ویژگیهای خاصی را مشاهده کردند و علاقه خود را به دریافت این ذوق و سلیقه نشان دادند. در سده هجدهم، طرحهای مرمریت و ابر و بادی که بر روی کاغذهای جلد و حاشیه یا گوشه جلد کتاب در اروپا مرسوم بوده، مستقیماً از منابع شرقی و اسلامی گرفته شده است. "نفوذ نقاشی ملل اسلامی در نقاشی های غرب و ب ا ما بر اساس برخی اقوال، کشیدن صورت انسان و موجودات زنده نزد مسلمانان مکروه شمرده می شد، اما به گونه ای که از آثار باقی مانده تمدن اسلامی معلوم می شود، این امر با گذر زمان اهمیت خود را از دست داده است. به اعتقاد آرنولد، در اوایل دوره اسلامی نقاشی های شرقی نفوذ فراوانی در نقاشیهای غربی نکرده است، اما آثاری که قابل توجه بوده و علائم نفوذ را محقق می سازد متعلق به

دورانی است که مسلمانان بر آبهای مدیترانه تسلط داشته اند. نمودار هوا اور دو در دوره جنگهای صلیبی، که میان مسلمانان و مسیحیان تماس بیشتری برقرار بوده است، اشیاء و صنایع و هنرهای زیبای بیشتری، که نمودار ذوق و سلیقه مسلمانان بود، وارد اروپا گردید و شهرهای ونیز، جنوا و پیزا، از مراکز بازرگانی و دادوستد این گونه هنرها بوده است که بی تردید، این اشیای زیبا با نقش و نگارهای جالب خود در نقاشی مغرب زمین بی تاثیر نبوده است. ر.ا - از چیزهای دیگری که بیشتر مورد تحسین و تقلید نقاشان مغرب قرار می گرفت، تصاویر فرشها و لباسهای گوناگون رایج در آن دوره بود. . . و یکی از مشهورترین جامهای اسلامی که صورت انسانی بر آن نقاشی شده، جامی است که در گنجینه لوور فرانسه موجود است و معروف به جام «سن لوئی» است که مدتها کودکان را در فرانسه با آن غسل تعمید می دادند. ای. از سده دوازدهم میلادی به بعد، همراه تألیفات دیوسکوریدس و جالینوس، حیوانات افسانه ای در کلیله و دمنه و مقامات حریری با نقوشی تصویر شده که از جهت قدرت نقاشی و رنگ آمیزی به پای نقاشیهای غربی می رسد و گاهی برتر از آنهاست. این نسخه ها و نقاشیهای مینیاتور، از نظر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون وسطا از ارزش فراوانی برخوردار است. اند تأثیر موسیقی اسلامی در موسیقی غرب پیش از پایان سده دهم میلادی چندان تفاوتی میان موسیقی اسلامی و موسیقی غرب وجود نداشته است. هنگامی که اختلاف موسیقی شرقی و اروپایی اندک بود، دوره ای بوده است که هر دو مکتب مقیاس فیثاغورس را به کار می بستند و از سبک یونان و سوریه استفاده میکردند. او آنچه مسلم است، پیش از ظهور اسلام موسیقی اعرابا تحت تأثیر موسیقی ایران و اروم شرقی قرار داشت که هر دو مقیاس فیثاغورس را به کار می بردند. با توجه به تغییرات جدیدی که در اوزان موسیقی پیدا شد، اسحاق موصلی، گامهای فیثاغورس را دوباره متداول کرده و باران در ایران د موسیقیدانهای مسلمان افزون بر اختراع آلات موسیقی جدید و ساختن آهنگهای جدید



کتابهایی نیز در علم موسیقی تألیف کردند. مهم ترین آلات موسیقی متداول عبارت بود از: عود، زبَاب، قانول، نی (دف و طبل در حقیقت این آلات در ارکسترهای کوچک به کار می رفت، ولی در موزیکهای نظامی یا اجتماعات بزرگ از شرنا (ریوق) سنج دهن و غیره استفاده می شد. گفتنی است که ملل اسلامی بر این باور بودند که موسیقی در معالجه امراض نیز مؤثر است و حتی برخی از حیوانات تحت تأثیر آهنگهای موسیقی قرار می گیرند و عرفا را عقیده بر آن بود که پیوستگی تأثیر روحانی موسیقی بر روح، امری ازلی است و به هنگام استماع موسیقی، بار دیگر کلام حق را می شنوند. ۲۰ ایرانیان و اعراب، مخترع و کامل کننده ادوات موسیقی بوده اند؛ چنان که فارابی از نویسندگان موسیقی و مخترع باب و قانون بوده است. در آغاز سده سوم هجری، مسلمانان را اختراع کردند. البیاض و ابوالمجد در سده پنجم هجری ارغنون را ساختند و صفی الدین عبدالؤمن از هاشمتون چهارگوش را اختراع کرد. محمد بن احمد خوارزمی نیز در این دوره کتابی به نام مفاتیح العلوم تألیف کرد که در آن برخی از مسائل موسیقی را حل کرده است. پس از فارابی، ابن سینا و حسن بن هیثم در موسیقی نام بردارند. با این ملاحظات سده ششم هجری دوره فراوانی نویسندگان موسیقی به شمار نیا: به انگلستر الا . || اعش و هلته ده ته هه یه آنچه مسلمانان به جهان موسیقی داده اند، بسیار مهم و گرانبها است. نفوذ موسیقی اسلامی در آسیا تا هندوستان هم گسترش یافت، اما بیشتر از هند، نفوذ موسیقی اسلامی در اروپا بود. در قرون وسطا، کتابهای فراوانی در موسیقی به قلم مسلمانان نوشته شد و برخی از آنها به لاتین ترجمه گردید، ولی منابع مهمی در دست نیست؛ بجز ترجمه لاتین کتابهای فارابی توسط یوهانس هیسپانسیس و جرارد و کتابهای ابن سینا، به وسیله یوهانس و اندریاس الیاکوس و ترجمه لاتین کتاب ابن رشد توسط میکائیل اسکات. راجر بیکن در بخشی از کتاب خود درباره موسیقی نام فارابی را با بطلمیوس و اقلیدس ذکر می کند و از ابن سینا هم نام می برد. والتر ادینگتن و انگلیرت نیز در کتاب موسیقی خود، بخشهایی از کتاب ابن سینا را نقل می کنند. گروم مراوی یک فصل از کتاب خود به نام موزیکا را به فارابی اختصاص داده است. بزرگترین چیزی که مسلمانان به جهان عرضه کردند موسیقی موزون بود که ابتدا کندی آن را وصف کرد و سپس فرانکو و شاگردانش اوزان و گامهای موسیقی اسلامی را به

\_\_کار بردن اسپانیایی ها نیز در سده سوم هجری از اوزان و بحرهای موسیقی اسلامی استفاده میکردند و بیشتر آلات و ادوات موسیقی را مسلمانان به اروپا وارد کردند .. و نفوذ و تأثیر معماری اسلامی در معماری اروپا بی تردید، مسلمانان در فنون گوناگون اروپا به ویژه در فن معماری آن تأثیرگذار بوده اند . با آنکه بسیاری از نویسندگان طاقهای گوتی (جناغی) (را در اروپا، اقتباس از مسلمانان می دانند و معتقدند که آنها این گونه طاقها را در سده دهم میلادی در مصر، سیسیل و ایتالیا به وجود آورده اند، ولی این مطلب چندان هم درست نیست که ما طرز معماری گوتی را کاملاً مدیون مسلمانان بدانیم . ما عده ای معتقدند که اصولی از معماری اسلامی از ملل غیر مسلمان اخذ و اقتباس شده و برخی دیگر بر این باورند که معماری غربی در همان معماری رومی ریشه داشته است و بعضی دیگر همه چیز را به ایران و ارمنستان نسبت می دهند که بحث درباره این نظریه درخور توجه فراوان است، زیرا کاوشهایی که در ارمنستان، ایران و عراق و فرارود به عمل آمده، ارتباط معماری غربی را با معماری رومی مشکوک می سازد . آنچه مسلم است و سرزمینهای سوریه، بخشی از ارمنستان و ناحیه مسکونی شمال آفریقا و مصر (جزو سرزمینهایی بود که مسلمین، آنها را از امپراتوری روم شرقی جدا کردند و گذشته از این، اسپانیا نیز که در دست ویزگوتها بود، به دست مسلمانان افتاد . مسلمانان در فتح این سرزمینها با ساختمانهای بسیار و مهندسان و معماران زبردستی روبه رو شدند که سبک معماری آنان با معماری رومی تفاوت داشت . به عقیده برخی از پژوهشگران این مهندسان و معماران فنون بسیاری را به معماران بیزانسی آموختند .. به بخشی از ارمنستان اول مع واحد منج معالج ج-لیلۀ زستان با وجود اعتقاد برخی از محققان مبنی بر بی اطلاعی اعراب از معماری در آغاز فتوحات، نکته قابل اهمیت این است که معماری اسلامی در تمام قرون، با آنکه از منابع گوناگونی سرچشمه گرفته و ویژگیهایی دارد که آن را از دیگر سبکهای معماری ممتاز می کند) .

د یوبند بعد ما جه نخستین ساختمانهایی که در آغاز مسلمانان بنا کردند، مساجد و اقصراها بوده است. مسجد قدیمی بودند که در دوره رسول اکرم نه در سال ۶۲۲م ساخته شد، مسجد کوفه که در سال ۶۳۹م بنا شد و حدی که در سال ۸۴۲م در فسطاط) قاهره (ساخته شد از نمونه های مساجد ساخته شده مسلمین هستند. ای ن در واپسین سالهای رسیده هفتم میلادی، پس از فتح بیت المقدس به دست مسلمین در سال ۶۳۹ م، در نزدیک مسجد عمر، ساختمانی باشکوه به نام قبة الصخره ساخته شد. پس از قبة الصخره، مسجد بزرگ دمشق که در سالهای اول سده هشتم میلادی بنا گردید از ساختمانهای مهم مسلمین است که ممکن است ساختمان آن تحت تأثیر آن دسته از کلیساهایی که در سوریه ساخته شده قرار گرفته باشد. مناره مسجد دمشق نخستین منارهای بود که برای فراخواندن مردم به نماز ساخته شد. ۲۰ (مسجد بزرگ قرطبه در اسپانیا که بنای آن از ۷۸۶م آغاز گردید، از مساجد بزرگ اسلامی است که دوازده جناح دارد که هر کدام به وسیله حلالهایی از دیگری جدا می شوند و هر جناح بیست ستون دارد که در اصل رومیاند، " مسجد بزرگ سامرا نیز از بناهای تاریخی اسلام است که محراب عمیقی در صحن آن قرار دارد و با چند ایوان احاطه شده است. مسجد این طولون در قاهره نیز از جمله مساجدی است با ویژگیهای مساجد کهن بین النهرین. ه واد ا ران. در فاصله سدههای نهم و دوازدهم میلادی گذشته از مساجد، قلعه های نظامی بستیری نیز به دست مسلمانان بنا شد که در جنگهای صلیبی، مسیحیان طرحهای ساختمانی آنها را از مسلمانان آموختند و همین طور اروپاییان ساختن کنگره هایی به نام «ماچیکولیشن» را از مسلمانان فراگرفتند. این گونه کنگره ها در ساختن قصرها و قلعه های کشورهای فرانسه و انگلیس در سده چهاردهم صورت دیگری پیدا کرد. با تو -- در اسپانیا، قصرهای معروف و مهمی مانند قصر الحمراء و الکازار) القصر، از نمونه های معماری اسلامی پس از قرن سیزدهم میلادی به شمار می آیند. بقایای کاخ المرابطين در سویلا) اشبیلیه (و کنیسه های قدیمی در طلیطله، نشان میدهند که چگونه از طرف مراکش، سبک مغربی در اسپانیا

\_\_گسترش یافت . در آن ا جدا کنید .اما ب ا این کا ساختمان مساجد در قرون وسطا در سبکه و طرح ساختمانی پیشرفت چشمگیری کرد و به صور گوناگونی درآمد .نوع گنبدهای ساراسن) اسلامی (نفوذی در گنبدهای عصر تجدد ارورا نداشته است؛ اما سبک ساختن مناره های مسلمانان در سده های چهاردهم و پانزدهم در ایتالیا معمول بوده است همان گونه که معماری اسلامی پیشرفت کرد، هلالهای مدور و نوک دار نعل اسبی، نیم دایره ای و دو مرکزی و نوعی هلال به نام ایرانی نیز متداول گردید .همچنین پنجره هایی معمول شد که با شیشه های الوان تزئین میشد، درحالی که در آن زمان استفاده از شیشه های الوان در اروپا متداول نشده بود .گذشته از تأثیر ساختمانهای سنگی پیش از اسلام ارمنستان و سوریه و معماریهای آجری ایران در ساختمانهای قرون وسطایی اروپا، ساختن هلالهای نوک دار را باید از نوآوریهای ها و ، فوندا خ او اااا!.. وین \* ۵ فه مسلمانان دانسته بی تردید ارتباط مسلمانان در جنگهای صلیبی از یک سو و روابط دوستانه قرون وسطا از سوی دیگر، نفوذ معماری اسلامی را در مغرب زمین در پی داشت .در کتاب تاریخ پاریس، نوشته دولور آمده است» :برای بیاختن کلیسای نتردام پاریس جمعی از معماران اسلامی را استخدام کردند .در بیشتر ساختمانهای بنا شده در دوران حکومت اسلامی در اسپانیا فنون اسلامی این ساختمانها بر فنون مسیحی آن برتری دارد، مانندرقصر معروف سقوییه که در سده یازدهم به دستور آلفونس ششم ساخته شد .با.اااااااااا . مسیو لونورمان می نویسد» :تأثیر معماری مسلمانان در بسیاری از کلیساهای فرانسه به آشکارا نمودار است «و نیز مسیو پریس اوینی، که از کارشناسان فن معماری اسلامی است، بر این باور است که» :ساخت برجهای زیبایی که تا اواخر سده شانزدهم میلادی در اروپا متداول بود، از مسلمانان نمونه برداری شده است.»؟ لیا.

## بخش هفتم علل بیرونی و درونی رکود تمدن

**اسلامی** الف (علل درونی ۱. استبداد در هر عصر و دورهای از تاریخ تمدن بشری شاهد برهه های زمانی مختلفی

هستیم که از آنها به عنوان دوره استبداد یاد می شود. به عقیده برخی استبداد بیشتر مختص جوامع شرقی است و برخی دیگر نیز این پدیده را به تمامی جوامع تعمیم میدهند و معتقدند که هر کشوری در دوره هایی از تاریخ خود با استبداد پادشاهان دست و پنجه نرم کرده است. هدف ما در این گفتار کوتاه این است که تأثیر استبداد را بر فرهنگ و تمدن اسلامی بررسی کنیم و ببینیم که به راستی چرا استبداد به عنوان یکی از دلایل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی معرفی می شود و اصولاً استبداد چیست، چرا به وجود می آید و ویژگیهای جوامع اسلامی استبداد زده کدام است. تعریف استبداد در لغت به معنای «یکه و تنها»، «به خودی خود به کاری پرداختن» و «خودرأی بودن» است. عبدالرحمان کواکبی اندیشمند عرب میگوید: «استبداد در لغت آن است که شخص در کاری که شایسته مشورت است، بر رأی خویش اکتفا نماید.» «کواکبی استبداد را از لحاظ سیاسی» تصرف کردن یک نفر با جمعی... در حقوق ملتی بدون ترس از بازخواست میداند. براین اساس می توان استبداد را خودرایی و خودکامگی دانست که مستلزم و متضمن نظامی است

که در آن دولت، و در تحلیل نهایی، فردی که در رأس دولت قرار دارد در مقابل ملت، هیچ گونه توده مسئولیتی ندارد. یعنی نظامی که در آن اساس حکومت بر بی قانونی است؛ به این معنی که قوانین مقررات موجود فقط تا زمانی نافذند که مستبد کل یا گماشتگان او صلاح خود را در آن بدانند. درست به همین علت است که اصطلاحات قانون و ضابطه، در نظام استبدادی، معنا و محتوایی ندارند. منشأ استبداد در کشورهای اسلامی درباره منشأ استبداد نظریه های مختلفی ارائه شده است. تجزیه و تحلیل اقتصادی جوامع شوقی اسلامی نشان می دهد که سلطه اختاپوس استبداد در این کشورها تصادفی نبوده است و به شیوه های تولید، نحوه تعاملات اجتماعی و پایگاههای مختلف حاصل از آن بر می گردد. مثلاً، بررسی جامعه ایران نشان دهنده آن است که قدرتهای نامحدود استبدادی از تأثیر سه عامل پدید آمده اند: الف) (اقتصاد و شیوه آبیاری: از جمله مشکلات عمده کشاورزان ایران از گذشته های دور تا کنون، مسئله آب و آبیاری بوده است، بیشتر مناطق کشاورزی ایران جزو مناطق خشک جهان به شمار می آیند و همین عامل از دیرباز منجر به انحطاط اقتصادی کشورمان شده است. این موضوع، دولتهای مقتدر وقت را بر آن می داشت تا از یک سو با بستن سدها و ایجاد قنوت و غیره، فعالیت های کشاورزی را ممکن و گاه توسعه دهند. و به روستاییان کمک می کرد تا از عهده هزینه های سنگین کشاورزی بهتر برآیند. و از سوی دیگر موجب می شد که قدرت مرکزی از این امتیاز نهایت استفاده را بکند و به تحکیم بیش از پیش توان و سلطه خود بپردازد. ب) (مالکیت عمومی: افزون بر اینکه مسئله آبیاری باعث شد قدرت مرکزی کشاورزان را تحت انقیاد خود در آورد. وسعت این سرزمین، نیاز به شبکه های علیم آبیاری و اداره آن را برای بهره برداری از اراضی مزروعی اجتناب ناپذیر ساخت. همچنین، نیاز حیاتی به آبیاری مصنوعی، پیدایش سازمانهای مقتدر مرکزی) دستگاه اداری و استقرار قدرت مطلقه فردی را به همراه می آورد فرمانروای مستبد، از لحاظ صوری، به نمایندگی اجتماع «مالک فرضی کلیه اراضی و عهده دار امور آنها بود. به علاوه دولت، مالک بخش اعظم مؤسسات آبیاری و منابع آبی کشور نیز محسو

شد. بدین طریق، قسمت اعظم زمین و آب، یعنی وسایل اصلی تولید به دولت تعلق داشت. ج (بوروکراسی) دیوانسالاری: مالکیت عمومی مالکیت خصوصی را لگدمال می کرد و لمسیقه سوریه به صورت مدیران و کارگزارانی تجلی می کرد که زیر نفوذ فرمانروای مطلق بر اراضی و شبکه زرداری نظارت داشت و آن را تحت اختیار خود می گرفت. از طریق همین شبکه، دستگاه اداری عظیمی بر سراسر جامعه سایه می افکند و بدین ترتیب در مرحله معین و مشخصی از تاریخ ایران بوروکراسی ارضی، امور آبیاری، خدمات عام المنفعه و غیره رشد می یافت و موجودیت خود را بر زیربنای اقتصادی - اجتماعی تحمیل می کرد. ایفای وظیفه حفظ، تجدید حیات و توسعه نظام موجود تنها از طریق تمرکز مازاد تولیدات اجتماعی و جذب آن میسر می شد. بنابراین، فرمانروای مستبد ریاست عالیه کلیه ادارات دولتی، ارتش و خلاصه، بوروکراسی را به عهده داشت و قدرت وی مطلق و نامحدود بود البته باید گفت که پادشاهان مستبد برای توجیه قدرت خود از ایدئولوژی نیز مدد می جستند. آنان در فرایند تاریخی، نظریه خدادادی بودن قدرت خود را مطرح کرده و به عنوان یک خاستگاه مقدس و آسمانی سعی داشتند تا حکومت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند. و این گونه تبلیغ می کردند که خدمت به شاه خدمت به خداست و فرمان پادشاه نیز فرمان خداست. مسلماً هدف آنها از این کار نهادینه سازی رعب و وحشت مافوق بشری در قلب رعایا بود؛ به گونه ای که آنها اندیش ملغیان را به مخیله راه ندهند و همواره تابع و فرمانبردار پادشاه باشند. پیامدهای استبداد همان گونه که گفته شد، در جامعه استبدادی همه مسائل تحت تأثیر علایق و سلیقه های یک فرد قرار دارد و شاید بتوان گفت که کمترین آسیب آن، از بین رفتن حقوق فردی است. در جامعه استبدادزده، مخروط استبداد شکل می گیرد؛ به گونه ای که حق و حقوق نامحدود هر عنصر و یا عناصر یک رده به رده های پایین تر، بدیل خود را در بی حقوقی مطلق آن عنصر یا عناصر در پیوند با رده بالاتر می یابد؛ یعنی تلفیقی از بی حقوقی و قدرتمندی هم زمان، ذهنیت آدمیان را به تباهی می کشاند و

\_۱۵۲۰ برند و بعدی - تحمل این وضعیت ناهنجار به خصوص برای ذهن های آزاد بسیار مشکل خواهد شد . چون فودیت یافتن فرد مستلزم برخورداری او از حقوق تزلزل ناپذیر است، در چنین جامه ای، برای اکثریت چنین حقوقی وجود ندارد و مادام که چنین جامعه ای از اساس دگرگون نشود، چنین پیش گزاره ای هم عینیت نمی یابد . آنچه در نهایت تجلی می یابد، بی حقوقی مطلق است، نه قدر قدرتی اکثریت . به همین سبب، فردیت در این جوامع شکل نمی گیرد . بنابراین، وقتی همه چیز تحت تأثیر عوامل مختلف مبتنی بر استبداد ، مهم تر از همه، اراده فرمانروای مستبد شکل بگیرد، چگونه می توان منتظر رشد و پیشرفت تعاملات اجتماعی از جمله روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و به طور کل، فرهنگی آن جامعه باشیم . یک جامعه از لحاظ فرهنگی تنها در صورتی توسعه می یابد که شرایط و فضای لازم را برای رشد داشته باشد . پس در جوامع استبدادزده نمی توان انتظار داشت که فرهنگ آن جامعه توسعه یابد و گسترش پیدا کند و اگر احتمالاً در زمینهای پیشرفتی هم به دست آید، آن دستاورد به درستی حفنا شود . استبداد در جوامع اسلامی نلهور دین اسلام تحول بزرگی در اندیشه بشر به وجود آورد . هدف عمده این دین الهی رهاسازی انسان ها از کلیه قید و بندهایی است که در طول زمان بر دست و پای او پیچیده شده است . اسلام با خودرأی بودن مخالف و بنای حکومت را بر اصل مترقی مشورت قرار داده است . رسول اکرم نیز در بیشتر مسائل با اصحاب خود مشورت می کردند پس از پیامبر نیز خلفای راشدین به گونه ای رفتار می کردند که مردم از آنها با میل و رضایت درونی اطاعت میکردند و حتی اگر مجازاتی برای کسی در نظر گرفته می شد، از آنها پیروی و دستور را اجرا می کردند . اما از زمان به قدرت رسیدن بنی امید بسیاری از مسائل تغییر یافت و سیاست مدارا و تحمل حکومت از بین رفت . عمال معاویه بیم داشتند که اگر به مردم آزادی دهند، آنها دست به شورش بر دارند؛ لذا به سختگیری و شکنجه مسلمانان پرداختند . نخستین بار در دوران معاویه بود که سختگیری و شکنجه اعمال شد و اشخاصی که با وی مقابله می کردند دستگیر و کیفر می شدند . در مجموع دوران خلفای عباسی، به ویژه برخی از آنها وخیم تر از دوران اموی بود و خلفای این



والد اللی اللی بعدہ ل امس : لا ایه؟ دوره از ایجاد قتل مخالفان خود فروگذار نبودند و این گونه سیاست ها به مرور زمان نارضایتی عمومی را به دنبال می آورد. استبداد پدیده ای نیست که بتوان آن را به دوره تاریخی خاصی مصور ساخت و حتی هم اکنون نیز بسیاری از جوامع با این پدیده مواجه اند. اما در برخی از برهه های تاریخی، استبداد شکل و نوع خاص خود را پیدا می کند که مورد توجه مورخان و اندیشمندان قرار می گیرد. مناز، بررسی امپراتوری عثمانی نشان می دهد که یکی از عوامل عمده سقوط این امپراتوری علیم، استبداد شاهان عثمانی و نارضایتی مردم بوده است. تجزیه و تحلیل تاریخ ایران، به ویژه در دوران مشروطیت بیان کننده آن است که قیام مردم و انقلاب مشروطیت به طور کامل برای پایان بخشیدن به قلم و استبداد و تشکیل حکومت عادل بر اساس قانون صورت گرفته است. در عصر حاضر نیز، بسیاری از کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه دارای حکومت های مستبد هستند که به اعتقاد اندیشمندان، نوع حکومت آنها تحت تأثیر اقتصاد مبتنی بر نفت و بی نیازی از درآمدهای عمومی است؛ به گونه ای که گویی نفت آنها را از مردم بی نیاز ساخته است. حال، علت استبداد هرچه باشد و در هر دوره زمانی که پدیدار شده باشد، باید گفت که این پدیده یکی از عوامل عمده در انحلاط فرهنگ و تمدن است که فرهنگ و تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. بررسی تاریخی تمدن اسلامی نشان میدهد که هر اندازه استبداد شاهان کمتر بوده، به همان اندازه جامعه بستر مساعدتری برای رشد و توسعه فرهنگ و تمدن به دست می آورده است. ۲۰. دنیاگرایی، تحجر و دور شدن از اسلام راستین پیامبر اکرم که به عنوان پیام اور اسلام، شیوه زندگی خود را به گونه ای تنظیم کرده بود که کاملاً از هر نوع اسراف و تبذیر و تجمل به دور باشد. خوراک و مسکن و پوشاک او همانند عادی ترین افراد جامعه بود و از هر نوع تجمل پرهیز می کرد. پس از وفاتش، شیوه زندگی خلفای راشدین نیز به او شباهت داشت. آنها نیز سعی می کردند تا با تبعیت از اسلام راستین و شیوه زندگی رسول اکرم از تجملات هادی پرهیز کنند و خود به الگویی مناسب برای زندگی سایر مسلمانان مبدل شوند. در حالی که با شروع خلافت امویان دنیاگرایی و تجمل، منجر به دوری مسلمانان از اسلام راستین شد همچنان که عامل تحجر نیز مانعی بر سر راه تعقل و نواندیشی و باعث رکود تمدن و فرهنگ اسلامی بوده است.

\_۱۵۲] فرهنگ و تمدن اسلامی الف (دنیاگرایی ابن خلدون معتقد بود که حکومتها همانند یک انسان دارای عمر و دوره های مختلف زایش، شلی و جوانی و ضعف و پیری هستند .وی معتقد بود که دولتها از زمان پیدایش تا مرحله زوال و انیتا معمولا پنج مرحله را پشت سر می گذارند :مرحله نخست، مرحله پیروزی نام دارد و فرد فرمانیه با بهره گیری از پیوندهای قومی که به نوعی، از خودرایی و یکه تازی او جلوگیری میکند، قدرت ۱. به دست می آورد .در مرحله دوم، سعی می کند تا با تثبیت فرماندهی، قدرت را به انحصار خود درآورد در مرحله سوم، با حفظ خودکامگی از مزایای آسودگی و آرامش تکیه بر اریکه قدرت بهره مند می شود و به اصطلاح، به جمع آوری میوه های قدرت می پردازد .در این مرحله تجمل و آسودگی پدیدار می شود . وی به تقلید از دولتهای مشهور دیگر، مبالغ هنگفتی پول را صرف ساخت بناهای عمومی و زیبا سازی شهرها میکند .در ادامه این روند، پیروان و اطرافیان و دست اندرکاران حکومت دست به جمع آوری ثروت و توانگر شدن می زنند و به نوبه خود زندگی تجملی را در پیش می گیرند .دوران رونق اقتصادی فرا می رسد .صنایع، هنرهای زیبا و دانشها در سایه توجهات طبقه حاکم تشویق می شوند و رو به پیشرفت می گذارند، در این دوران، زمان استراحت و تن آسایی فرا می رسد و در آن انسانها از آسایش و لذتهای جهان برخوردار می شوند .در این قسمت، نخستین مرحله تکامل دولت به پایان می رسد .در مرحله چهارم، که با خرسندی حاکمان و رعایا همراه است، دوره اوج فرا می رسد .اینان از پیشینیان خود در بهره مندی از لذت های زندگی تقلید می کنند؛ غافل از اینکه پیشینیان برای نیل به این لذتها تا چه اندازه مبارزه کرده اند .آنها فکر میکنند که زندگی تجملی و پر زرق و برق آنها و مزایای گوناگون تمدن همیشه وجود داشته و تا ابد وجود خواهد داشت .تجمل، آسایش و ارضای خواهشهای نفسانی برای آنها عادی می شود و کاملا به چیزهایی که پیشینیان تحصیل کرده بودند، متکی می شوند و در برابر عواملی که ممکن است در کامیابی آنها ایجاد اختلال بکند، ناتوان هستند .در مرحله پنجم حکومت رو به انحطاط و زوال نهاده و آخرین مرحله اسراف و تبذیر آغاز می شود .عادت به تن آسایی و تجمل، ضعف جسمانی و فساد اخلاقی را به بار می آورد و در نتیجه، حکومت کاملا تست شده و در اثر تهاجم بیرونی یا اضمحلال درونی یا ترکیبی از هر دو، از بین می رود.۱۰

علل بیرونی و درونی رکود تمدن اسلامی و دد ۱۱ آغاز سلسله بنی امیه و شروع تجمّل .بیشتر فتوحات اسلامی در دوره بنی امیه تکمیل شده و این و به نوعی در خدشه دار شدن اسلام راستین نقش داشت؛ زیرا اسلام از طریق خاندان و عوامل وابسته به آنها، که خود اعتقاد چندانی به آن نداشتند، ترویج می شد .بنیامین بدعتهای مختلفی در دین به وجود آوردند و آن را به نام دین گسترش دادند .آنها با زیر پا گذاشتن اصل برابری و مساوات در اسلام به ترویج اندیشه برتری عرب بر عجم پرداختند . امویان بسیاری از درآمدهای دولت اسلامی را صرف عیاشیها، ساخت کاخها و بناهای مجلل می ساختند که همین امر خود، موجب افزایش نارضایتی عمومی و در نهایت، اضمحلال این سلسله شد .بعد از آنها هم بنی عباس به تداوم همین شیوه ها پرداختند و سرنوشت مشابهی پیدا کردند .ثروت هنگفت خلفا و امرا و نتایج آن، خلیفه فرمانروای تام الاختیار ممالک اسلامی بود، پس کلیه درآمدها به دست او می رسید و طبعاً بیش از همه مردم ثروت داشت .بعد از خلنا والیان و امیران نیز اموال هنگفتی به دست می آوردند، زیرا جمع آوری مالیات با آنها بود و هر چه می خواستند از مردم می گرفتند .طبیعی است که بشر هر اندازه که پول و ثروت بیشتری در اختیار داشته باشد به همان اندازه زندگانی خود را توسعه می دهد و در خوراک و پوشاک و تجمّل افراط می کند .چنان که گرایش به تجمّل، خوی و خصلت صحراگردی را از سر اعراب بیرون آورد و آنان را به تجمّلات شهر نشینان معتاد کرد؛ به گونه ای که از لحانا تجمّل و تفنّن گوی سبقت را از پادشاهان ایران و روم ربه دند . نخستین بار عمر به لباس های فاخر معاویه اعتراض کرد و گفت: «معاویه !مانند کسری، پادشاه ایران، لباس پوشید دای؟! » خلفای بنی امیه پارچه های حریر گل دار و پرنقش و نگار را می پسندیدند چنانکه حریر پرنقش ونگار هشام بن عبدالملک معروف است و بدین گونه تجمّل و دوازده هزار لباس احت طلبی، مسلمانان را مسخر خود ساخت که یکی از ضربات ملک وارد شده به مسلمانان، شمین عامل بود) "نگاه کنید به سقوط اندلس | .(ب) (تجبر تا از عوامل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی تجبر است که برای درک تأثیر آن در فی

اسامی باید به تعریف و تبیین دقیق آن پرداخت. تحجر معانی متعددی دارد که از آن جمله به ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزشهای حقیقی و متعالی اشاره کرد. تی. در حوزه اندیشه و تفکر رخ می دهد و اگر در زمینه گرایش و رفتار ظاهر شود، جمود نام دارد. در مفاهیم قرآنی نیز از تحجر به عنوان مرحله یا مانعی برای شناخت حقیقت یاد شده است: «ثم قست ای من بعد ذلک فہی کالحجارۃ أو أشد قسوة» (...بقره، ۷۴). (از دید قرآن کریم، این دسته افراد آنهاست) هستند که از حوزه اندیشه و تفکر فاصله گرفته، هدایت ناپذیر شده اند. پس تحجر علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و متعاقباً مانعی جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با حقیقت، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی تقدیر معیشت است و متحجران از اسلام جز آموزه های بسته، رسوب یافته و انعطاف ناپذیر در برخورد با اقتضائات زمان و مکان و تغییر موضوع و محمولها ندارند و هرگز پذیرای فقر اندیشه و عمل خویش، و باز شناسی و بازنگری فکر و فعل به اصطلاح، اسلامی خود نیستند و همواره راکد و تحول ناپذیرند. پس یک انسان متحجر پيله سخت و نفوذناپذیر فکری به دور خویش میتند و به هیچ وجه حاکسر به تغییر افکار و عقاید خود نیست. استاد مطهری در مورد این مسئله می گوید: «یک سری جریانهای فکری در دنیای اسلام پیش آمده است که باید نامشان را افراط یا جهالت گذاشت؛ جریانهایی که یک نوع افرادکاری و دخل و تصرف بیجا در امور دینی بوده است. متقابلاً جریانهایی فکری دیگری در دنیای اسلام پیش آمده است که تقریباً و کندروی و جمود بوده است - ولی شما مربوط به گذشته بود - مسلمان باید به تعلیم قرآن معتقد باشد و جریان معتدلی را طی کند. «استاد مطهری با تجزیه و تحلیل جریان های فکری منحرف سه جریان کلی را شناسایی میکند که به شدت گرفتار جموداندیشی بوده اند و در ترویج تحجر نقش مؤثری بازی کرده اند. ۱۰: جریانی که نظریه «حسبنا کتاب الله» را در رسیدن به مقاصد حکومتی و سیاسی اش مستطرح کرده است. اقدامات این گروه در ایجاد انحراف فکری و مهجور ماندن عترت و انزوای سنت و سیره نبوی مؤثر بود. ۲۰. جریانی که در برابر آن «حسبنا احادیثنا و اخبارنا» را طرح کردند و به مهجور ساختن قرآن کریم و

علل بیرونی و درونی رکود تمدن اسلامی ۱۵۲ ۱ اهتمام ورزیدند و جامعه را از معارف و آموزه های اصیل و حیاتی بازداشتند

۳. جریانانی که در قالب تقدس، مسئله معرفت ناپذیری و دست نیافتنی بودن آموزه های قرآنی را مطرح کردند و شعار «آین التراب و رب الارباب» آنان به «تعطیل فکری» انجامید، آنان را مع حله «نامیده اند. اگر در تاریخ اندیشه اسلامی و جریانهای فکری و فرهنگی دوره های مختلف جوامع اسلامی به تحقیق بپردازیم، می بینیم که بر اساس این سه دسته جریانهایی مانند «اخباری گری و ظاهرگرایی» در برابر جریان «باطنی گرایی و تأویل گرایی» یعنی دو نظام فکری معیوب و آسیب دیده حنبلیان و اسماعیلیان از یک طرف و جریان اخباری گری در حوزه اندیشه شیعی از طرف دیگر، ضربات سخت و سهمگینی را بر پیکر فرهنگ و تمدن اسلامی وارد کرد که به تعبیر استاد مدلهری، ضربه ای که اسلام از دست اخباری گری شیمی خورد، از هیچ گروه و جریانی نخورد. ج (جریانهای عقلی و عقل گریز در جهان اسلام به هر حال، شکوفایی و انحلاما تمدنها از جمله تمدن اسلامی محصول جریانهای فکری متعددی بوده است. برخی اندیشمندان دلایل و ریشه های افول فرهنگ و تفکر اسلامی را به دور خلافت متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ ق (نسبت داده اند. این خلیفه برخلاف خلفای قبل از خود، که تمایلات معتزلی یعنی عقل گرایی داشتند و از اهل ننلر و حکما و فلاسفه و دانشمندان جانب داری میکردند. به زهره هواداران سنت و حدیث پیوست و با عقاید معتزله مخالفت کرد و جدل و سنانلره در آرا و عقاید را ممنوع کرد: تا آنجا که اگر کسی وارد مناظره و مباحث علمی می شد، وی را مجازات می کرد. یکی از پیامدهای این اقدام، رشد گروهی از اهل حدیث در اوای احمد بن حنبل بود که تنها به تبعیت و تقلید از سنت و تسلیم به در برابر تسوس و منقولات اعتقاد داشتند و مخالفان خود، یعنی اهل عال. الافر، به ویژه معتزله را به کفر متهم می ساختند. این جریانات با ظهور امام محمد غزالی و کتاب ورش، احیاء علوم الدین شدت بیشتری یافت و ایستادن در برابر تعقل و معتزله و تکفیر آنها دامن موهایی مانند شیعه اثنی عشری و اسماعیلی را نیز گرفت و آنها به رافی و بارانی گری بودن متهم شدند

\_\_ ۱۵۰ | فرهنگ و تمدن اسلامی در کنار این عوامل رکود تفکر اسلامی می توان گسترش تصوف در قرن ششم و هشتمه های نیز به آنها اضافه کرد .برخی از محققان از این جریان به عنوان آفت بزرگ علوم عقلی به ویژه فلف استدلال باد کرده اند .اهل تصوف در برابر اهل شرع و پیروان عقل، شهود و اشراق و عشق را وسیله درک حقایق معرفی می کردند و عقل و استدلال را برای وصول به حقیقت ناکافی می شمردند و گاه از آن به عنوان حجاب شناخت و معرفت خداوند یاد می کردند .در مجموع، عوامل فوق را می توان بزرگترین موانع رشد تفکر اسلامی دانست .هر کجا تعقل و تفکر محکوم به ایستایی باشد، لما جمود و تحجر نیز تقویت خواهد شد .پس با بررسی تاریخ اندیشه اسلامی می توانیم جمود و تحجرا به تعطیلی تعقل نسبت دهیم .ب ( علل بیرونی ۱ .جنگهای صلیبی بدون شک یکی از قوی ترین دلایل جنگهای صلیبی انگیزه دینی و مذهبی - نجات بیت المقدس که زیارتگاه مسیحیان و تربت عیسی در آنجا قرار داشت . بوده است که این امر را هم مسلمانان و هم مسیحیان قبول دارند .البته دلایل بسیاری برای این جنگ با ارائه شده است که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد :افزایش نفوذ پاپ در جوامع مسیحی جلوگیری از پیشرفت ترکان سلجوقی در آسیای صغیر و سقوط قسطنطنیه و ورود آنها به شبه جزیره بالکان؛ جوش و خروش شوالیه ها برای ابراز وجود و قهرمانی و دستیابی به منتسب پادشاهی اورشلیم؛ و مهم تر از همه، ساختار اجتماعی و سیاسی کشورهای اروپایی بررسی ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا نشان میدهد که یکی از درخشان ترین امپراتوریتی این قسمت از جهان در زمان شارلمانی، بادشاه فرانسه ( ۸۰۰ م)، به وجود آمد .در عین حال در زمان او پیشرفت مسلمانان به بیشترین حد خود رسیده بود و آنها رقیبی جدی برای مسیحیان محو می شدند .دیری نپایید که به علت بی لیاقتی پادشاهان جانشین شارلمانی و وضع بد افتتادی عقب ماندگی فرهنگی و کمبود جمعیت، این امپراتوری میان فئودالهایی تقسیم شد .آنان در قلمرو " با اختیار تام فرمانروایی میکردند و با آنکه در زمان تاجگذاری، سوگند وفاداری نسبت به ب

علل بیرونی و درونی رکود تمدن اسلامی ۱۵۹۰ | حمایت نظامی از او به جای می آوردند، اما این اطاعت جنبه تشریفاتی داشت. ارتش نیز در آن زمان از شوالیه هایی تشکیل می شد که در اختیار پادشاه و فئودالها بودند. از قرن دهم میلادی پیشرفت اقتصادی و صنعتی توأم با ازدیاد جمعیت در اروپای غربی به خصوص در فرانسه رو به افزایش گذاشت. مقارن با این احوال، کشور مصر نیز رابدل میان هند و اروپا شد. دریانوردان مصری توسط کشتی داران بندر ونیز و رن و تا حدی مارسه از هند ادویه و کالاهای دیگر وارد می کردند که این تجارت در آبادانی نهر ونیز به عنوان بزرگترین بندر اروپای قرون وسطا نقش مهمی را ایفا کرد. افزون بر آن، جنگهای صلیبی بر نظام فکری و فرهنگی - اجتماعی خاور میانه تأثیر گذاشت. بس از جنگ صلیبی اول و اشغال بیت المقدس، یک حالت بی تفاوتی در مسلمانان به وجود آمد و روحیه بی اعتنائی و انزواطلبی ای در مناطق مسلمان نشینی که به تصرف صلیبیا در آمده بود، به ویژه در شام، گسترش یافت. این در حالی بود که، در زمان حکومت ایوبیها و ممالیک در مصر و شام، خانقاهها و تکایا و زوایایی ساخته شد که پیش از آن، در هیچ دوره ای چنین رشدی در ساختن این گونه بناها دیده نشد. افزون بر اینها، فرقه ها و طریقه های مختلف صوفیانه ای در این دوره شکل گرفت که از آن جمله اند: فرقه های احمدیه مربوط به احمد بدوی (۶۷۵ - ۵۹۶ ق / ۱۲۷۶ - ۱۹۹۹ م) (در مصر، فرقه رفاعیه منسوب به احمد رفاعی) م ۵۷۸ ق / ۱۱۸۳ م، فرقه شاذلیه مربوط به ابوالحسن شاذلی) م ۶۵۶ ق / ۱۲۵۹ م، فرقه قادریه مربوط به عبدالقادر گیلانی) م ۵۶۱ ق / ۱۱۶۶ م (در بغداد و سرانجام فرقه مولویه در سده هفتم هجری در آسیای صغیر. تردیدی نیست که به رغم قدمت تصوف، گسترش و تکامل آن در شرق مدیترانه متأثر جنگهای صلیبی بوده است. این جریانهای منفی حرکت نوینی را در جهان اسلام پدید آورد که جنبش صحتصوف بود و فقهایی نظیر ابن تیمیه (۷۲۸ - ۶۶۱ ق) (از رهبران این جنبش به شمار می آید. ۳. از دیگر اثرات سوء جنگهای صلیبی فساد و فحشایی بود که سربازان مختلف، اعم از ترک، کرد، عربی و فرنگی، به وجود آوردند و آن بدین سبب بود که آنها، به علت درگیری در جنگ های طولانی، ما شکیل خانواده را نداشتند و زمینه حضور زنان هرزه و فاسد فراهم شد. این شرزگیها به

اندازه ای بود که دولت ممالیک مسئولی برای نظارت بر آنها تعیین کرده بود. الطمه و صدمه فرهنگی که از جانب صلیعمنا و بر پیکره فرهنگ اسلامی وارد شد جبران ناپذیر بود، زیرا کتاب های علمی مسلمانان سوزانده یا نابود شدند هر چند به تدریج اننا بر اثر شهنای آمیزش با مسلمانان شیشه و دوستدار دانش شدند. بر اثر جنگهای صلیبی نفوذ سیاسی و تجاری دولت فرانسه که سمیرم عمده ای در این لشگرکشی ها داشت، به طرز فزاینده ای در قلمرو اسلامی (خاورمیانه) بسط داده تا بدانجا که هنوز علل خاورمیانه همه مردم مغرب زمین را فرنگی (فرنجی) (که از واژه فرانک مأخوذ است، می خوانند. این نفوذ سیاسی و تجاری بعدها زمینه ساز استعمار دیرپای بر شامات و مغرب جهان اسلام از جانب فرانسه گردید. نام جنگهایی است که در سده های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم میلادی) هشت نبرد شامل نبرد نخست (۹۲ - ۴۸۹ ق / ۹۹ - ۱۰۹۶ م؛ نبرد دوم) ۳ - ۵۴۱ ق / ۴۸ - ۱۱۴۶ م (نبرد سوم) ۵ قی / ۱۱۸۹ م (نبرد چهارم) ۶۰۰ - ۵۹۸ ق / ۴ - ۱۲۰۲ م (نبرد پنجم) ۶۱۳۱۸ ق / ۲۱ - ۱۲۱۷ م؛ نبرد ششم) ۶ - ۶۲۵ ق / ۱۲۲۸۲۹ م (نبرد هفتم) ۵۲ - ۶۴۶ ق / ۴۸۵۴ - ۱۲۴۸ م (نبرد هشتم) ۶۶۸ ق / ۱۲۷۰ م (بین مسلمانان و مسیحیان درگرفت. مسیحیان از ملل مختلف) از جمله ایتالیایی، فرانسوی، آلمانی و انگلیسی (در آن شرکت داشتند ۲۰. ظهور مغولان مقارن جنگ هفتم لیبی) ۶۵۲ - ۶۴۶ قی / ۱۲۵۴ - ۱۲۴۸ م، مغولان از شرق آسیا به ممالک اسلامی یورش بردند و سلطان محمد خوارزم شاه، پادشاه ایران، را شکست داده، وی را وادار به فرار کردند، در حقیقت، قرن سیزده میلادی را می توان قرن وحشت نام گذاری کرد، زیرا این قرن توأم با جنبش وحشیها و از میان رفتن تمدنها بود. سرزمین شام در آن زمان در دست ایوبیهها بود و در هر منطقه از شام، حاکمی حکومت می کرد. مصر نیز در سیجمله ممالیک بود که با ایوبیهها دشمنی دا هولاکو از این فرصت استفاده کرد و سپاهیان خود را به سوی شام حرکت داد. اما امیر قدوز، از میمانی مصر، در سال ۶۵۸ ق مغولان را در عین جالوت شکست داد.



—مسیحیان از آغاز ن ور مغولان در اندیشه هم پیمانی با آنها بودند و سفرایی نیا به دو بار مغول فرستاده بودند .پیشروی سریع مغولان به سمت مغرب، از یک سو آنها را با قدرت مه ولها آشنا ساخت از سوی دیگر، پیروزی مسلمانان در جنگ عین جالوت آنها را به این نتیجه رساند که وجود ممالیک اور مسیحیان خطرناک تر است؛ لذا تصمیم به اتحاد با مغولان گرفتند .پاپ اوربن چهارم با ارسال نامه ای به هولاکو، ضمن ستایش رفتار وی با مسیحیان، او را به قبول مسیحیت دعوت کرد .هولاکو قبل از دریافت نامه در سال ۶۶۳ ق / ۱۲۸۲ م مرد و پسرش اباقاخان جانشین او شد .خان جدید که با دختر امپراتور بیزانس ازدواج کرده بود، به دین مسیحیت گروید .وی از شکست عین جالوت به شدت رنج می برد و بیش از اسلاف خود به برقراری روابط با صلیبا علاقه مند بود .بسیاری از سفرایی که از سوی خان مغول به غرب می رفتند، مسیحی بودند و سعی داشتند تا مسیحیان را در حمله به اورشلیم و بیت المقدس با خود همراه سازنده اما به هر حال، اباقاخان در سال ۶۸۰ ق / ۱۲۸۱ م شکست سهمگینی را در منطقه حمص از سلطان قلاوون متحمل شد .پس از آنکه احمد کلودار مسلمان شد و بر تخت نشست، دیگر روابط بین ممالیک و مغولان دوستانه شد .سلطان قلاوون هم از فرصت استفاده کرد و توان خود را علیه صلیبها به کار گرفت . بعد از او، فرزندش ملک اشرف روش پدر را در پیش گرفت و در سال ۶۹۰ ق / ۱۳۹۱ م آخرین بازماندگان صلیبی را از شام بیرون راند .روابط دوستانه مغولان و ممالیک نیز چندان به درازا نکشید و در جنگی که میان طرفین درگرفت، غازان خان بر سپاه مصر و شام تسلط یافت .اما سپاه ممالیک سرانجام مغولان را در سال ۷۰۲ ق / ۱۳۰۳م برای همیشه از شام بیرون راند . حمله مغولان و پیامدهای آن جهان اسلام در طول تاریخ، حمالات سختی را از جانب بیگانگان تجربه کرد .اما به جرئت می توان گفت که هیچ کدام از این تجارب به اندازه حمله مغولان تلخ و سهمگین نبوده است .در این گفتار کوتا، سعی بر این است تا نقش طوفان سهمگین مغولان را در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی نشان دهیم حمله مغولان به جهان اسلام چنگیز خان، رهبر مقتدر قبایل مغولستان، تصمیم گرفت برای تأمین مناع ها، تصمیم گرفت برای تأمین منافع قبایل تحت امر خود، به

مگارت کشور های مجاور یعنی چین و ایران پردازد .از آنجا که چین در آن زمان دجا . و آن زمان دچار تشنگی و تفرقه ت، وی هنوز خیال پیشروی شده بود، وی مصمم شد تا به این کشور حمله کند .حملات به چین دو سال به طول انجامید و ملا مدت، مغولان این کشور غنی را به خاک سیاه نشانیدند .پس از این حملات، وی هنوز خال . به جهان اسلام را نداشت؛ زیرا اخبار بسیاری مبنی بر قدرت پادشاه ایران، سلطان محمد خوا ...به دست می رسید .پس سعی کرد تا نخست به دریافت اخبار و اطلاعات پردازد و در عین دیار بهانه های لازم را جهت آغاز حمله به دست آورد .در همین زمان، قدرت خلافت عباسی روند کاهش می یافت و سلطان محمد خوارزم شاه با پیروزی های پی در پی خویش در خراسان و تشکر حکومت واحد از هند تا بغداد و از دریاچه آرال تا خلیج فارس، قصد داشت خلیفه عباسی را از میان بردارد و خلیفه دست نشانده دیگری را جانشین او کند .این مسئله، که یکی از اشتباهات بزرگ سلمان محمد خوارزمشاه بود، خلیفه عباسی را واداشت تا از چنگیز خان برای دفع سلطان محمد کمک بگیرد .پس نامه ای برای محمود بلواج، مدیر مملکت چنگیز خان، فرستاد و از او خواست تا چنگیز خان را به براندازی محمد خوارزم شاه تشویق کند و همین موضوع بهانه خوب و مشروعی به دست چنگیز داد .اما بهانه اصلی برای حمله به ایران در سال ۶۱۵ ق / ۱۲۱۸م رخ داد که طی آن کاروان علیمی از مغولان به دست حاکم شهر اترار، واقع در کرانه شرقی قلمرو خوارزم شاه، از بین رفت و همه افعای این کاروان بجز یک نفر به قتل رسیدند .در این زمان بود که چنگیز فرمان حمله به ایران را صادر کرد.۲۰ پیشروی مغولان سپاه مغولان به فرماندهی تولی به سوی جنوب و سپاه دیگری به سرکردگی اکتای و جغتای، پسر دیگر چنگیز، به جانب اترار اعزام و خود چنگیز در پاییز ۶۱۶ ق / ۱۲۲۰م از راه کاشغر و بلاسائون قبلا به تصرف مغولان درآمده بود، رهسبار بخارا شد .سلطان محمد خوارزم شاه هم که هنوز با معو ۲ روبه رو نشده بود، از سمر قند به بخارا و از آنجا به جانب سیحون لشکر کشید و در عین حال به گردآوری سپاه از هم ولایات فرمان داد .در نبردی که بین نیروهای دو طرف رخ داده ضربه ای به سپاه سلطان محمد خوارزمشاه وارد آمد که اگر جان فشانی پسر سلحشورش جهد

و جان خویش را از دست می داد. به هر حال، این شکست چنان شناسی در دل شدن رحم د که وی به مازندران گریخت، به جزیرتی بنام برد و در همان جا از عبه جان داد: تخت برفی لان شست اترار بود که در آن کاروان تجارتی م ن دستش دارت ن :بانه. در وهله اول، این شهر را به همراه درآوردند. این شی پس از پنج ماء امامت سنو کد وادمین منزل به هیچ کس رحم نکردند و همه را به خاک و خون کشیدند و این شروع تجاوز و کشور ایران از سوی من الان بود. آنان در مسیر خود به شر شرمی که می رسیدند ای را قتل د می کردند و سپس از شر چیزی جز تل خاکستر باقی نمی گذاشتند. آنها سعر قند، بخارا، خورد ان دی، هرات و سایر شهرها و قصبات را نابود کردند و در پوشی از روستاها حتی به حیوانات خانگی نیز رحم نکردند؛ به خصوص در شهرهایی که اندکی مقاومت از خود نشان می دادند. مثلاً وقت ننگیز رانوت ده تمام مردم طالقان رو به رو شد، از پسرانش) جغتای، اوکتای، تولی کمک طلبید و به تا این مقاومت و کشته شدن جغتای حتی سگ و گربه ای را زنده نگذاشت. جانشینان چنگیز و ادامه یورش به جهان اسلام جنگیز در ۱۰ رمضان ۱ / ۶۲۴ اوت ۱۲۲۷ چشم از جهان فروبست و پیش از مرگ خود سلطنت ممالک شرقی را به تولی و پادشاهی ممالک غرب را به جغتای تقویت کرد. در سال ۵۱ ق / ۱۲۵۳ م، هولاکوخان، نوه چنگیز، مأمور رسیدگی به امور آسیا شد تا دکه معنای محلی را در ایران برانداخته، حکومت واحد مغولی تشکیل دهد. وی به فرمانروایی ۱۷۰ ساله اسماعیلیه پایان داد و تمامی طوایف را وادار به تسلیم ساخت. اما مهم ترین وظیفه او فتح بغداد یا مرکز خلافت اسلامی بوده از این رو، فرمان داد که از چهار سو به این شهر حمله برند و بیداد پس از شش روز مقاومت در ۲ صفر / ۳ ۱۲۵۷ م سقوط کرد و جز معدودی از افراد، تمامی جیردیت شیر از دم تیغ گذشت. بعد از آن سرهای عراق یکی پس از دیگری به دست مغولان افتاد و هولاکو پس از فتح بغداد، راشی آذربایجان شد و در مراغه و پس از آن در تبریز سکنی گزید. از این به بعد، عراق و به ویژه شیراک آن، یعنی بغداد که مرکز امپراتوری و خلافت اسلامی محسوب می شد، اشمیت اداری - کا خود را از دست داد و مغولان این سرزمین را تا پایان فرمانروایی شان در سال

\_۷۳۲ق ۱۳۳۵ م حفدا کردند .پایان پیشرو بهای مغولان و تشکیل دولت ایلخانی هولاکوخان همواره به دنبال تسلا بر قلمرو امپراتوری خود از امو دریا در ماوراء النهر تا ثی و آب دریا در ماوراء النهر تا شرق مدیترانه و مصر در غرب بود .به همین منظور به سوی شام و سوریه لشکر کشید .در همین سال عا مصر و قاهره را در دست داشتند، مسئولیت دفاع از جهان اسلام را به دوش خود احسابی .. آنها ممزش با مغولان را نپذیرفتند و در جنگ عین جالوت در فلسطین شکست سختی را بر من وارد آوردند و بدین ترتیب، طلسم شکست ناپذیری مغولان را برای همیشه در هم شکستند .از این پس، مغولان متصرفات خود در سوریه را نیز از دست دادند و بار دیگر ممالیک مصر بر این منادات حاکم شدند و پس از وارد آوردن شکست های دیگری بر پیکر مغولان، فرات را به عنوان مرز مغولان و خود در نظر گرفتند . هولاکوخان به رغم این شکست ها به تثبیت موقعیت امپراتوری و تقویت نیروهای خود پرداخت و توانست به عنوان ایلخان «منسوب شود و ناحیه ای از آمودریا در شرق تا مرز مصر در غرب و از قفقاز در شمال تا خلیج فارس در جنوب به حکومت وی درآمد .هولاکوخان به سال ۶۶۳ ق / ۱۲۶۵ م در ۴۸ سالگی از دنیا رفت و هشت تن از ایلخانان از سال ۶۵۴ تا ۷۳۶) جمعا ۸۲ سال (حکومت کردند .اما آخرین ایلخان مغول بدون اینکه از خود پسری بر جای گذارد .در سال ۷۳۶ ق / ۱۳۲۶ م، بر اثر افراط در عشرت و خوشگذرانی، درگذشت .پس از او مدعیان حکومت با یکدیگر به مخالفت پرداختند و ایالت ایلخانی را دچار تفرقه و تشتت ساختند که همین عامل باعث تجزیه حکومت ایلخانی شد .بررسی وضع فرهنگی و تمدنی اسلامی در دوره مغولان دوره دویست ساله حاکمیت مغولان) سده هفتم و هشتم هجری (یکی از ناگوارترین دوره های تاری کشورهای اسلامی محسوب می شود که لی آن بر اثر اعمال وحشیانه مغولان زبان جبران ناپذیری بر پیکر فرهنگ و تمدن اسلامی وارد آمد .یکی از جبران ناپذیر ترین خرابی

توان در سقوط بغداد، نابو استوار به وجود آمد و روستای ها رعداد، نابودی کتابخانه ها و از دست رفتن چند هزار جلد کتاب بود که لعمه د شد .به گفته ابن خلدون، مغولان آن قدر کتاب های بی شمار به دجله انداختند که» پلی در آمد و روستاییان و سواران می توانستند از یک کرانه به کرانه دیگر روند «به علاوه، با براد، مرکز خلافت اسلامی و اقتدار سیاسی جهان اسلام از دست رفت و مکانهای مقداس اسلامی مانند مساجد، مدارس و حوزه های علمی ویران شدند یا به طور کلی از فعالیت باز ماندند را از میان این خاکستر، تمدن اسلامی بار دیگر رشد و نمو پیدا کرد و توانست در مغولان کافر تأثیر مند و آنها را شیفته خود سازد .بسیاری از ادیبان و دانشمندان بزرگ اسلامی در همین دوره ظاهر وند و هر کدام به نوبه خود توانستند در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی سهم عمده ای را ایفا کنند که از آن جمله می توان به مولوی، سعدی، حافظ، عطاملک جوینی، خواجه نصیرالدین طوسی اشاره کرد .مثلا، گفته می شود که نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی در کولاکو خان به انداز دای بود که وی در زمانی که خواجه تعیین می کرد، به مسافرت می رفت با به کاری اقدام می کرد .شاید همین روشها و اقدامات سنجیده اندیشمندان مسلمان بود که سرانجام اسلام و فرهنگ اسلامی مجدداً به بار نشست و مغولان را که روزی کمر به نابودی اسلام بسته بودند، به حامیان و مروجان دین تبدیل کرد .در همین زمان فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی به چین راه یافت .مقابل علوم چینی نیز در سرزمین ایران منتشر شد و به ویژه از منجمین چینی استقبال گرمی به عمل آمد و از یافته های آنها استفاده شد .در نهایت، باید گفت که حمله مغولان ویرانیهای بسیاری را در حیات مادی و معنوی مسلمانان به وجود آورد؛ به طوری که انحلاها علمی و فقر و نابسامانی اجتماعی این دوره را با هیچ دوره دیگری نمی توان مقایسه کرد .به راستی باید گفت که اگر مغولان به ایران و سایر کشورهای اسلامی حمله ور نمی شدند و این همه لحلمات را وارد نمی ساختند، اکنون وضعیت کشور های اسلامی، به خصوص ایران به گونه ای دیگر بوده . سقوط اندلس ، یکی از وقایع تلخ در سیر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سقوط اندلس و زوال حکومت لی در این ناحیه از دنیاست .به راستی چرا جامعه اسلامی اندلس که از قرن هشتم تا پانزدهم

\_\_میلادی به طور پیوسته و مداوم با پدید آوردن شاهکارهای علمی، معماری، فرهنگ حیات خود تداوم بخشیده بود، دچار ضعف و سستی شد و کاملاً به تاریخ پیوست و از صربن سیاسی و فرهنگی جهان رخت بر بست؟ اندلس هنگام فتح مسلمانان مسلمانان قسمتهایی از شبه جزیره ایبری، در کنار مدیترانه، واقع در جنوب اسپانیا و جنوب شط پرتغال و گاه تا قلمرو آن شبه جزیره را اندلس نامید داند. اندلس از نام وندالیها، قبیله ای از مردم نی گرفته شده است که در اوایل سده پنجم میلادی، پس از تجزیه امپراتوری روم غربی، چندی در جنوب اسپانیا سکنی گزیدند. قبل از ظهور اسلام و در اوایل قرن پنجم میلادی، اندلس مورد هجوم وانداز بیان ویزیگونیا قرار گرفت و این قبایل با عبور از کوه های پیرنه وارد اندلس شدند و پس از سالها جنگ و خونریزی، سرانجام وائال ها بر مغرب و ویزیگو تنها بر اندلس تسلط یافتند. وینیگوته‌ها از ابتدا کاتولیک نبودند. در حالی که اکثریت سکنه بومی را کاتولیکها تشکیل می دادند. به هر حال، در سال ۸۹ م، تغییرات عمده ای صورت گرفت و پادشاه و سران ویزیگوته‌ها به مذهب کاتولیک گرویدند. در آغاز قرن هشتم میلادی، اشراف ویزیگوت و اعیان اسپانیایی - رومی با یکدیگر ترکیب شده و حلیقه اعیان را پدید آوردند. آنها امتیازات تجارتي و اجتماعی را از آن خود ساخته بودند و به استثمار مابقی مردم می پرداختند که همین عامل، نارضایتی مردم را به دنبال داشت. به این ترتیب، علل ضعف حکومت ویزیگوت ها را می توان به چهار دسته تقسیم کرد ۱۰: تفرقه در میان طبقات اعیان بر سر جانشینی ۲، نارضایتی دیگر بخشهای جامعه از امتیازات طبقه اعیان و در نتیجه، غیر قابل اعتماد بودن سپه ۳. تفتیش عقاید، تعقیب، دستگیری و شکنجه دینی یهودیان؛ ۴. وضعیت نابسامان اقتصادی فتح اندلس به دست مسلمانان موسی بن نصیر در آن زمان حاکم افریقیه و مغرب بود و وقتی خبر انحلال دولت ویزیگوته‌ها را شنیدا تشویق شد تا اندلس را تسخیر کند. لذا به غلام خود، طارق بن زیاد، دستور داد با هزار سرباز - ۷۱۱ / ۹۲ م با عبور از تنگه ای که بعدها به نام او جبل الطارق نامیده شد، در خاک اسپانیا به و آنجا را فتح کند. وی توانست با ورود به اسپانیا، پادشاه ویزیگوته‌ها را شکست دهد و تا قلب انه

پیش برود و در مدت یک در مهر در رمضان ۹۳ با بیا نیروهای طارق پیوست. البته بیا مدت یک سال از جنوب تا شمال اندلس را به تصرف در آورد. از طرف دیگر، موسی بن ان ۹۳ با سپاهی بزرگ از جبل الطارق گذشت و پس از فتح جنده شیر م‌هم‌آنده له به ارق پیوست. البته بیشتر مورخان معتقدند که عربها از ابتدا در اندیشه فتح کامل اندلس و ا... نبودند، بلکه تنها به کسب مقداری غنیمت و سپس بازگشت به آفریقا می‌اندیشیدند؛ اما و قاطع و غیر منتظره طارق، همه چیز را تغییر داد تاریخ سیاسی اندلس در دوران حکومت اسلامی اریخ سیاسی اندلس در دوران حکومت مسلمانان به سه دوره کلی قابل تقسیم است:

النبی (اندلس به منزله بخشی از خلافت اموی در دمشق ۱۳۲-۹۸ ق / ۷۵۵-۷۱۶ م) (در این زمان، اندلس بخشی از ولایت افریقیه) تونس فعلی (در قلمرو خلافت دمشق بود و حاکمان آنجا را والیان افریقیه که در قیروان اقامت داشتند، تعیین می‌کردند. در بین این سالینا، حدود بیست نفر به حکومت رسیدند که تنها دو نفر از آنها برای مدت پنج سال یا بیشتر دوام آوردند. در این مدت، حکمرانان اندلس قصد داشتند تا بر دامنه فتوحات اسلامی بیفزایند ب (دوران حکومت سلسله امویان بر اندلس ۴۲۲-۱۳۸ ق ۷۵۵-۱۰۳۱ م حاکمان اموی که نزدیک به سه قرن بر اندلس حکومت کردند، شانزده نفر بودند. نخستین انا عبد الرحمان بن معاویه بن هشام) (۱۷۲-۱۳۷۸ ق/۷۸۸-۷۵۵ م (و آخرین آنها هشام بن محمد) (۴۱۸ - ۴۲۲ ق ۱۰۳۱-۱۰۲۷ م) نام داشتند. در زمان حکومت امویان، مرزهای شمالی اندلس با رشا تغییر کرد و قلمرو مسلمانان در شبه جزیره ایبری به ویژه در مرزهای شمالی تغییرات بسیاری به خود دید. این دوران، عصر عظمت و وفور نعمت در سراسر اندلس بود. اما به تدریج با تشدید اختلافات ولی خاندان حکومتی و در پی آن، کشیده شدن دامنه اختلافها و کشمکشها به درون جاموی غم انگیز ترین دوران تاریخ اندلس فرارسید و از اوج ثروت، قدرت و پیشرفت به ورطه جنگ های داخلی کشیده شده ج (دوران حکومت ملوک الطوایفی در آتلیه ۸۹۸-۴۲۲ ق / ۱۴۹۲-۱۰۳۱ م تکومت ملوک الطوایفی در اندلس منوط امویان، وحدت سیاسی بخش اعظم سر زمین اندلس از هم پاشید و بنی حشود بر بیشتر پس از سقوط امویان، وحدت سیاسی بخش اطل (م . ۲

—عین حال، خاندان های متولد شیرهای جنوبی وادی الکبیر و امتداد آن تا رود شینل حاکم شدند. در عین حال، خاندازه گربه و سلسله های ملوک الطوایفی شهر های مختلف را به دست گرفتند. پس از سقوط مل سال ۲۷۸ ق / ۱۹۸۵ م حکومت مرابدلون به مدت نیم قرن در اندلس حکومت کرد که نه .. تمامی مراکش و موریتانی بود، بلکه تا دهانه رود اور سنگال در جنوب و بخش غربی مراکش ، را نیز در بر می گرفت. دوران حکومت مرابطون در اندلس چندان طولانی شد و این سا. ان به دست گروهی دیگر از بربر ها به نام موحدون در سال ۵۴۱ق ۱۹۴۵ م سرنگون شده اند عواملی که برای سقوط مرابطون ذکر شده، غرق شدن سرداران و افسران و سایر مقامات این سامان در فرهنگ تجملاتی و مادی اندلس و فساد اخلاقی آنها است. در روزگار موحدون، اندلس آماج حملات پی در پی مسیحیان قرار گرفت و قلمرو مسلمانان در شرق و غرب یکی پس از دیگری به دست مسیحیان افتاد. به طوری که در نیمه های قرن هفتم، تمام شهرهای اسلامی اندلس در شمال غرب و شرق به دست مسیحیان افتاد و از فرمانروایی بمناورو مقتدر مسلمانان در اندلس، جز غرناطه در جنوب و چند شهر کوچک چیز دیگری باقی نماند. در اواخر حکومت موحدون، محمد بن یوسف نصری، معروف به ابن احمر که ضد موحدون سر به شورش برداشته بود، در سال ۶۳۵ق / ۱۲۳۸م در غرناطه اعلام استقلال کرد. مسیحیان پس از تسلط بر شهر های بزرگ اندلس بارها به قلمرو ابن احمر یورش بردند، اما سپاهیان غرناطه به شدت با آنها مقابله می کردند. بنی احمر یا بنی نصر بیش از دو قرن و نیم بر جنوب اندلس حکم راندند تا سرانجام در ۸۹۸ ق / ۱۴۹۲ م غرناطه به دست فرناندو پنجم سقوط کرد و با فرار ابو عبدالله، آخرین امیر خاندان بنی نصر، اندلس به کلی از دست مسلمانان خارج شد. بررسی وضعیت فرهنگی و علمی اندلس الدنس بدو استنه موقعیت جغرافیایی خود همواره مورد توجه جهان اسلام و غرب بوده است عبارتی، این منطقه از دنیا طی چند قرن حکومت مسلمانان توانسته است به عنوان پل ارباب غرب و شرق عمل کند و در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی پیشرفتهای چشمگیری داشته بانه من، اندلس تحت تأثیر دیگر کشورهای اسلامی توانست در حیطه علوم قرآنی، علوم حدیث و دانی



: اِرثَةُ فروع فقه مالکی (توسعه باید پیشرفت چندانی به دست مینه علوم تجربی اما به علت اختلافات درونی تا زمان حکومت کم دوم) ۳۶۶ - ۲۵۰ ق (من به دست نیامد. در زمان حکومت وی اقسام علوم پیشرفت کرد؛ به گونه ای که داد در کتابخانه قرطبه تا چهار صد هزار جلد نیز تخمین زده شده را از لحاظ علم پزشکی نیز بسیار پیشرفت کرد و توانست طبای حاذقی را پرورش دهد. از بانی و کلام و شعر و ادبیات نیز به واسطه واقع بودن در مرحله سرزمین های اسلامی و اروپا و ران دروازه تبادل فرهنگی عمل می کرد و افراد نامداری را پرورش داد. اندلس از لحاظ هنر اسلامی نیز بسیار پیشرفت کرد و برخی از آثار هنری این دوره همچنان از افتخارات فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می شوند، مثلا در معماری می توان به مسجد قرطبه و شهرالزهرا و بمدينه الحمراء اشاره کرد که هر کدام به نوبه خود از عجایب هنر معماری اسلامی در سرتاسر اروپا در آن زمان محسوب می شد داند. در هنرهای دیگر مانند خطاطی و سفالگری هم آثار ارزشمندی خلق شد که همه آنها نشان دهنده شکوفایی تمدن اسلامی در اندلس است. علل سقوط اندلس به دست مسیحیان در مورد انحطاط مسلمانان در اندلس نظریات مختلفی ارائه شده است که می توان آنها را به سه دسته عوامل داخلی، عوامل خارجی و عوامل ژئوپلیتیکی تقسیم کرده الف ) عوامل داخلی مؤثر در افول مسلمانان در اندلس : اندلس در دوران حکومت بنی امیه به دست مسلمانان افتاد. در این دوران بدعتها و انحرافات فراوانی در نظام ارزشی اسلام ایجاد شده بود که می توان به موارد زیر اشاره کرد : ا. نظام حکومت اسلامی که پس از پیغمبر ملی طبق اعتقادات اهل تسنن، بر اساس بیعت نسبی خلیفه بود به حکومت استبدادی موروثی فردی مبدل شد و حاکم به جای اجرای احکام الهی، تابع هواودوس فردی خود بود. والت که یکی از ارکان مهم نظام اسلامی بود از میان رفت . در حالی که قران و سنت پیامبر سعی کرده و ملاک را بر پرهیزگاری قرار داده بود، امویان نژاد عرب را نژاد برتر می شمردند و ۲. مساوات که یکی از ارکان امتیازها را ملغی کرده و

۳. قریش را از دیگر قبایل عرب برتر می دانستند. درآمد حکومت به جای آنکه صرف امور عمومی شود، به تجمل و خوشگذران اختصاص می یافت و همین عامل موجب افزایش نارضایتی در بین افراد شده بود. حمل و خوشگذرانی حکومت ۴. دستگیری، حبس، شکنجه، کشتار و گاه قتل عام، از اعمال متداول دوران حکومت و آنها از قوه قهریه برای نابودی مخالفان خود استفاده می کردند ۵. گرایش به تجمل در زندگی، خوراک، لباس، خانه و... در دوران حکومت بنی امیه رواج یافت ۶. میگزاسری، زن بارگی، خریداری کنیزکان آوازه خوان، و مدیحه سرایی به سبک و سیاق دوران جاهلیت در زمان بنی امیه متداول شد و این رفتارهای غیراسلامی به همراه فاتحان در سرزمینهای تازه فتح شده رواج یافت. مجموعه این عوامل نشان میدهد که چگونه ختا انحراف مسلمانان از طریق حکومت بنی امیه وارد اندلس شد و وجود انحرافات و بدعتهای خاندان بنی امیه در کنار ارزشهای اسلامی و مسخ بسیاری از تعالیم عالیه اسلامی، به عنوان عامل اصلی ضعف تدریجی مسلمانان اندلس، زمینه کافی را برای بهره برداری معامل خارجی فراهم کرد ب (علل و عوامل بیرونی سقوط اندلس: موفقیت پی در پی مسلمانان در جنگهای متعدد و فتح مناطق وسیعی از اروپا و ناکامی مسیحیان در جنگهای صلیبی، ضربه شدیدی برای اروپاییان محسوب می شد. آنها برای عقب راندن مسلمانان به ویژه از منطقه اندلس طرحی درازمدت تدوین کردند که این طرح دارای دو بخش بود: ۱. حمله نظامی و بازپس گیری سرزمین اسپانیا ۲. هجوم فرهنگی اداری سرزمین های کوچک ا. حمله نظامی و بازپس گیری تدریجی سرزمین اسپانیا: نهضت بازپس گیری یا فتح دو سوی باب به منزله تکلیف به مسیحیان القا شد. آنها در ابتدا به حفظ و نگهداری سرزمینهای و کم وسعت می پرداختند و سپس سعی می کردند تا این مناطق را گسترش دهند. از جمله عواملی دره شخصی به نام آلفونسو پیشرفت مسیحیان کمک می کرد، جنگهای عربها با بربرها بود. در این دوره شخصی به کارآمد و با درایت و کوشا | پدرو، معروف به الفونسوی اول، بر نواحی گالیسیا حکومت می کرد که شخصی کارآمد و با

ما ویت برا هو - : و در آن به مهمانان نوازیں این سری اول - هوم ا لا.. لا للی و درونی رکود تمدن اسلامی : ۱۱۱ ترے وجود آمده، نهایت استفاده را کرد و به تو سر به سرزمین خود برداخت : به دلیری که باران نتوانستند دولت وی را از بین ببرند . به همین علت است که اسپانیایی ها، حکومت و ۱ - ۷۳۶ م (را تولی حدیثی اسپانیایی مسیحی به شمار می آورند . آلفونسوی اول با جان نواحی شمال اندلس آنها را وادار به شورش علیه مسلمانان کرد و پس از مدتی این : دست بر مسلمانان خارج شد . آخرین امید مسلمانان برای حفظ اندلس، دور حکومت بنی ان نصر در غرناطه بود . علت اصلی تداوم نسبتا طولانی حکومت سلسله بنی نصر بر دو عامل والے استوار بود : طبیعت کوهستانی غرناطه و نزدیکی به آفریقا؛ یعنی آنها می توانستند در صورت به خطر افتادن از مسلمانان شمال آفریقا تقاضای مساعدت کنند . با این حال، مشکلات داخلی و تجمل و اسرافپای بی مورد در ساختن بناهای باشکوه موجب کی مالی این حکومت شد . همچنین اختلافات داخلی بر سر تصاحب قدرت و امتیازات مختلف باعث شد تا لشکریان فردیناند دوم طی چند مرحله غرناطه را به محاصره کامل خود در آورند . سرانجام به این دریافتند که دفاع از این شهر ممکن نیست و با تسلیم موافقت کردند . وداع ابو عبدالله، و آخرین حکمران مسلمان اسپانیا، با اندلس پرچم اسلام را برای همیشه از ترین سلطان بنین این ترانه پایین کشاند. ۱ . مسیحیان اروپایی و بستر سازی زمینه های فرهنگی سقوط اندلس اسلامی با هجوم فرهنگی : مسیحیان اروپا توانستند طی برنامه ای طولانی مدت، تخم رخوت، بی اعتقادی و بی اعتنائی را در جمله مسلمانان بپاشند و انتقام سختی از مسلمانان بگیرند . ضربه پیروزی های اولیه مسلمانان در سن به اندازهای سنگین بود که خود پاپ شخصا وارد عمل شد و نفوذ دینی اش را برای نابودی سان اندلس به کار گرفت و در این راه از اختلافات میان سرداران و حاکمان مسلمان نهایت بهره تری یکی از این سرداران مسلمان عرب که به مسیحیان بسیار یاری رساند، برای بن عمار است . وی د بحث و گفت و گوهای مختلف با سرداران مسیحی و مقامات کلیسا به آنها توصیه می کرد که ضمن از رویارویی مستقیم با مسلمانان، با بستن پیمان و معاهده در چند حوزه سعی کنند تا جامعه . درون پتک و تنی سازنده وی به آنها گفت که باید در سه چیز پیمان ببندند : آزادی در در آموزش به مسلمانان، و آزادی در تجارت با آنها . به نظر او، دو عامل نیست باعث را خودداری از رویارویی مستنی اسلامی را از درون پوک و تبلیغ دین، آزادی در آموزش

شد که مسلمانان و به خصوص جوانان مسلمان به خاطر حمی طبیعی به آموزگار وام اروپاییان نوعی برتری فکری و نژادی قایل شوند و آنها را قوی تر و عالی تمام تر از خود با روزگار، برای مسیحیان و از خود بدانند و در باد تمت کردند. در پی تباهی گایید. مبلغان و عقاید دینی خود سست و بی تفاوت شوند. عامل سوم هم می توانست در ترویج خوراک. نوشیدنی های حرام در بین مسلمانان مؤثر باشد و آنان را به تدریج بی قید و لایالی کند. فرمانروایان مسلمان اندلس نیز فریب این پیمان را خوردند و با صلح موافقت کردن پذیرش پیمان صلح با مسیحیان، اخلاق و رفتار مسلمانان اندلس به فساد و تباهی گرایید. کشیشان مسیحی گردشگاههای مجلل و زیبایی را فراهم می آوردند و در آن به تبلیغ مسی می پرداختند. چهره های سرشناس مسلمانان به ویژه در روزهای یکشنبه به سوی آن اماکن میری تا علاوه بر گردش، به تماشا و لذت بردن از دختران مسیحی نیز بپردازند. همزمان و بر اساس توصیه های براق بن عمار، شراب اروپا به اندلس سرازیر شد تا جوانان مسلمان را فاسد کند. در نتیجه باده گساری به امری عادی در بین جوانان مسلمان تبدیل شد و هر که از این کار سرباز می زد، او را کهنه پوست و متعصب خطاب می کردند. جوانان مسلمان، دیگر برای ارزشهای دینی و اجتماعی خود ارزش قائل نبودند و مسجدها تنها به جایگاه افراد سال خورده مبدل شد و در عوض، عشرتکده ها و مراکز عیش و نوش مملو از این جوانان بود که برای لذت بردن از دختران مسیحی به آنجا می رفتند خوش گذرانی و تجمل به اندازهای بالا گرفت که تأمین این خواسته ها با درآمدهای مشروع ممکن نبود. لذا فساد اداری و رشوه و اختلاس رواج یافت و طبقات تولیدکننده مانند دهقانان، کارگران و صنعتگران مورد بی توجهی واقع شدند و هر روز فقیرتر و ناراضی تر شدند. پس از آن، مسیحیان با خیانت برخی از سرداران مسلمان شهر والانس را تصرف کردند و جنایات فجیعی را در این شهر مرتکب شدند. آنها هزاران نفر از مسلمانان را به خاک و خون کشیدند و شنی تجاوز نوامیس مسلمانان در مقابل چشمان همسران و پدران و مادرانشان پرداختند. تصرف این شهر به قدری سریع صورت گرفت که حکام دیگر شهرها نتوانستند به بسیج نیروهای خود ب این گونه بود که مسیحیان با توسل به چنین ترفندهای زیرکانه ای توانستند با الوده ساد اسلامی، به تدریج و آهسته شهرهای دیگر اسپانیا را نیز یکی پس از دیگری به تصرکه ج (عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در سقوط اندلس اسلامی: نکته مهم ژئوپلیتیکی در انستند با آلوده ساختن جامده کری به تصرف خود درآوردند مهم ژئوپلیتیکی در خصوص , ماما TY

--یر "بمدون املا : ۱۱۳ نوحات مسلمانان در اند نعرف کامل مسلمانان در ماند .در سایر نقاط هم مناطقی بانان در اندلس این است که شبه جزیره ایبری) آندلی (به داور کامل فتح نشد و به مسلمانان درنیامد؛ مخصوصا در شمال غربی، ناحیه بزرگی از اندلس دست نخورده باقی تادا هم مناطقی وجود داشت که مسلمانان تساط مؤثری بر آنها نداشتند .مسیحیان که را از دست داده بودند، نوار باریکی را در سواحل شمال اسپانیا در کنار خلیج بیسکای برای دار بلی حفظ کردند تا شاید بتوانند از همین مکان با استفاده از خ م و اختلافات داخلی و وه مسلمانان، به صورت تدریجی به سوی جنوب گسترش یافته و به تدریج اسپانیا را به دامن خود به مثابه بلی حفظ کرد بی توجهی مسلمانان مسیحیت بازگردانند .نتیجه گیری بررسی تحولات درونی جهان اسلام مشخص می شود که افول و سیر نزولی مسلمین به لحاظ قوای مادی و غیرمادی از قرنهای پیش آغاز شده بود .ضعف سیستم خلافت، اختلافات داخلی، حمله مغول و ضربات جبران ناپذیر آن، موجب تسریع روند انحطاط مسلمین شد و این در حالی بود که اروپاییان از طریق تماسها و پیوندهای نزدیک با جهان اسلام از طریق بازرگانی و جنگهای صلیبی و اندلس اسلامی، به تدریج روند بیداری فکری و فرهنگی خود را آغاز کرده بودند .جالب اینجاست که سرآغاز دوران شکوفایی فکری و فرهنگی اروپاییان در سال ۱۴۵۳ م یعنی با شکست روم شرقی در قسطنطنیه پدیدار شد .در حالی که نقطه عطف افول و ضعف مسلمین نیز در چند سال بعد، یعنی ۱۴۹۲ م با شکست آخرین حکومت اسلامی در اندلس، بروز یافت .البته حدود دو قرن طول کشید تا این تغییر موازنه قوا به سود اروپاییان کاملا آشکار شود.

# بخش هشتم خیزش

؛ اقتدار مجدد جهان اسلام .. مفویان الف (روند شکل گیری :محققان درباره تبار عربی یا ترکی با کردی با ایرانی خاندان صفوی اختلاف نظر دارند .اولین فرد این خاندان، شیخ صفی الدین اردبیلی) ۷۳۵-۶۵۰ ق(، از مشایخ و عرفای بزرگ ایران است که در جست و جوی مراد به شیخ زاهد گیلانی رهنمون شد و نزد وی مقام ویژه ای یافت و پس از مرگ وی، ریاست طریقت زاهدیه را به عهده گرفت .مقام معنوی شیخ صفی بسیار با اهمیت بود، سهولت و زیرکی وی باعث شد تا مذهب تشیع در قالب این طریقت گسترش یافته، بتدریج به مذهبی فراگیر در ایران، سوریه و آسیای صغیر تبدیل شود "بعد از شیخ صفی، فرزندش صدرالدین در ۷۳۵ ق جانشین پدر شد .فعالیت های پیروان صفی با ساختن آرامگاه وی در اردبیل گسترش پیدا کرد و آرام آرام شیوخ خانقاه اردبیل وارد بازیهای سیاسی پس از ایلخانان شدند .بعد از وی خواجه علی و ابراهیم به خلافت رسیدند و طی این دوره نیز فعالیت تبلیغی صفویان ادامه داشت، تا اینکه جنید در ۸۵۱ ق به ریاست طریقت صفوی رسید .او تمایل اسکار خویش را به قدرت دنیوی نشان داد و لقب سلطان گرفت که نشان دهنده غلبه روح دنیوی وی بر جنبه های دیگر طریقت صفوی است .وی بارها مریدانش را به جهاد علیه کفار تحریک کرده

در راهنما :خان :: بابت تان زرگ خیر برهان : عراقی جانشین جمد شده بود از نیدر، علی بنشین او نشده و خود را رانا حرکت سیاسی م یان، اق قبلی را که برود و دوست منویان بودند، تیز از را شدت علی بے دست اُنتی وینلود کشته شده و اسماعیل شنت ساله توسط اهل اختتاجی) ی ...ویژه سوران (به گیلان قرار داده شد ب (تشکیل دولت صفوی :اسماعیل با بازگشت به اردبیل در ش تی توانست سازمان دهی مجدد کند .وی با استناده از خون ای شیمیل ها توانست در ۶۷ شهر تبریه در آنجا تاجگذاری کن .این اقدامات را اعمال اختصاص صورت دادند، زیرا اسماعیل چهارده سال نداشت .وی مذهب شیعه را رسمی اعلان کرد و به ترویج و تنویت امامیه شقت گماشت .پیا مدتی اسماعیل برای سر و سامان دادن به اوضاع شمال شرق ایران وارد نبرد با ازبکان شد، افتاب سبب اختلاف اصحاب شمشیر) ترکان (و اصحاب قلم ایرانیان دیوانسالار : (نتوانست در نبرد غجدوان کاری از پیش ببرد و نبرد به زبان ایرانیان پایان یافت .در جبهه غربی نیز اسماعیل با دولت سنی مذهب عثمانی نیز اختلافات اساسی داشت .عثمانینا هرگز حاضر به پذیرش دولت شیعی مذهب من بان نبودند و نیز تحرکات هواخواهان حتی در آناتولی و مداخله جویان در امور عشیانینا منجر به جنگ معروف چالدران) در ۹۲۰ ق (شد .شکست صنیان باعث اشغال تبریز و انتول طولانی شاه اسماعیل تا اواخر عمر شده ج (مرحله تثبیت :با درگذشت اسماعیل در ۹۳۰ تی تهماسب بر تخت سلنت جلوس کرد وی در طول حکومت خویش توانست به شایستگی قدرت صفویان را تثبیت کند .وی ابتدا نافرمانی امرا و قزلباشان را که خواهان قدرت بیشتر در برابر ایرانیان بودند، فرو نشاند و انضباط خاصی را در میان قزلباشان و دولتمردان برقرار ساخت که تا سال های پایانی سلطنت ۵۴ سال او تداوم یافت

\_\_اتخاذ شیوه جنگی و به کارگیری زگی دارد. در دوران کوتاه باد ۹۸۵ - ۹۹۶ ق (اوضاع داخلی .. اسب در جنگ معروف مرو در سال ۹۳۵ ق توانست بر ازبکان غلبه پیدا کند و توانست با رنگی و به کارگیری توپخانه، نیم قرن دولت صفویه را به صورت متحد و یکپارچه ان کوتاه سلطنت شاه اسماعیل دوم) ۹۸۵-۹۸۴ قی (و سلطان محمد خدابنده : اوضاع داخلی و خارجی صفویان به سبب نابسامانی اوضاع در یار و مداخله های تلاش برایشان بود. اقتدار :عباس میرزا در سال ۹۹۶ ق بر تخت سلطنت نشست. وی با اقدامات و لادات خویش توانست ایران را از ناتوانی و ضعف بیرون آورد و به گونه ای اقتدار ایران را به سراسر ان چنان که سلاطین اروپا و پاپ روم سفرای خویش را به در بارش می فرستادند. راه هایی که در ابتدای سلطنت خویش شاهد دسته بندی طوایف مختلف قزلباشها بود، واقف باید به خودسری آنان خاتمه دهد تا خود قربانی آنان نگردد. لذا برای جانشینی قزلباشان نیروهای گرجی و چرکسی و ارمنی را در ساختار نظامی وارد کرد و ارتش منظمی پدید آورد و با استفاده از دانش نظامی اروپاییان به ویژه برادران شرلی آنان را به سلاح گرم و توپخانه مجاز کرد و با ارتش به سرکوب قزلباشان و تأمین امنیت پرداخت و به اوضاع اقتصادی مملکت سامان بخشید. شاه عباس اهمیت فراوانی برای تجارت، به خصوص تجارت خارجی، قایل بود و مناسبات خود را با دول اروپایی گسترش داد. شمار سفرای فراوان وی در کشورهای اروپایی نشانگر این فعالیت گسترده است. از آثار این اقدامات بود که شاردن پس از بازدید از ایران چنین ابراز کرد که پس از مرگ این پادشاه بزرگ رونق و رفاه نیز از ایران رخت بر بست سیاست شاه عباس مبنی بر قتل شاهزادگان و حبس کردن آنان در حرم، سبب شد که دربار منوی از مردان کارآزموده، که می توانستند تداوم بخش روند پیشرفت دوره شاه عباس کبیر باشند، خالی شود. شاه صفی بعد از شاه عباس در ۱۰۳۸ ق به قدرت رسید. در زمان روی سیاست تبدیل ایات ممالک به ولایات خاصه که عباس اول برای تحصیل درآمد بیشتر و تقویت بنیه نظامی کشور



\_\_ایجاد کرده بود تو د، ه، یافت که این امر باعث مساهما، دیان بنیه دفاعی کشد امام علی خان، که خدمات فراوانی انجام داده بودند. ریشه کن شدند. شاه عوای دوو سفی، نیز نتوانست اونسماع پریشان حکومت را پاهان چندانی ببخشا. هو پناه گاوم حتی مرزهای امیر نوری را دست نخورده نگاه دارد و حتی در ۱۰۵۸ ققندهار را از تمدد : دفاعی کشور نعمان، خانیان که دیدند، شاه عباس دوم، جان نما خدا؛ دو چنا. کاه وی توان به نا ان قنا دار را از تهیه و روان بازو بس گیرد. با به سالنهایت رسیدن شاه سلیمان، سال سه و به رو به زوال رفت. در این دوره زمین هر دم سیاسی، مذهبی شتاب فراوانی گرفت، اما نسخه کامل صفویان در زمان های بالا. بود که فردی ضعیف و بی توجه به امور مملکت بود. در این ایام افغانان قندهار که میداره شو با ما خود خوش نمی دانستند به ایران حمله کردند و با تدسوف اصفهان در ۱۱۱۵ق به حیات این بار خاتمه دادند. ۳ مناسبات خارجی همسایگان صفویان در زمان تشکیل حکومت، در غرب عثمانیما، در شمال شرقی ازبکان و در شینی گورکانیان بودند که روابد ! سمویان با آنان فراز و نشیب های فراوانی داشت. الف (مناسبات با همسایگان :در روابدا خارجی جعفریان با همسایگان خویش، توجه به این نکته نعروری است که فقد عامل مذهب اشیه، مهم ترین عامل تأثیرگذار در روابد خارجی نبود، بلکه دلایل و عوامل گوناگونی دیگر نیز وجود داشتند. از بکان همایا، شمال شرق ایران به سمجهه خلق و خوی حراگردی و تنلام قبیلهای کام \*

محید !زندگیتان، معمولا با ایرانیان درگیر می شدند، اما نکته مهم در این مناسبات این است که العصفویان عمدتا از دو نسمع قدرت با آنها برخورد می کردند. و پیروز میدان بودند. عمده کشمکش های عورت گرفته نیز، علاوه بر تفاوت مذهبی دو دولت، به علت نبود مرزهای مشخص جغرافیایی، سیاسی

بین این دو کشور بود. ایرانی و از یکی و نیز عبور از کشور بود. در کنار کشمکشها روابط دوستانه، نیز وجود داشت. رفت و آمد اسبهای متعدد یکی و نیز عبور از یگان از ایران برای مراسم حج، مناسبات دوستانه ای را جلب می کرد که منویان این را بر عهده داشتند. اول صفویان با عثمانیها آمیخته با جنگ و صلح بود. جنگ های متعدد و عهدنامه های صلح ان نشان دهنده این فراز و نشیبهاست. مهمترین برخورد ایران و عثمانی جنگ چالدران بود که به با حمایت شاه اسماعیل از سلطان مراد، شاهزاده یاغی عثمانی، و اختلاف مذهبی در دولت ورت گرفت. در دوره شاه تهماسب با انعقاد صلح آماسیه در ۹۶۲ قی "روابط وارد مرحله جدیدی شد. بنابر این معاهده صلح، قسمتی از کردستان و بین النهرین و گرجستان در اختیار عثمانی قرار گرفت و در مقابل ارمنستان، کاخ و قسمتی از آذربایجان شرقی امروز جزو ایران شناخته شد و خطوط مرزی مشخص شد. این معاهده تا دوره سلطان محمد خدابنده پابرجا بنده در اوایل دوره شاه عباس، وی اجباراً مناطقی از ایران را به عثمانیها واگذار کرد که بعدها توانست آنها را از عثمانیها باز پس گیرد. در زمان شاه صفی، عثمانیها بغداد را تصرف کردند و شاه معاهده قصر شیرین (زاب) را در ۱۰۴۹ ق با عثمانیها منعقد ساخت که بصره و قسمتی از غرب کردستان را به عثمانی واگذار می کرد و در مقابل، آذربایجان شرقی، رواندوز و ارمنستان و گرجستان به ایران داده شد. این عهدنامه دارای اهمیت فراوانی بود، زیرا تکلیف سرزمینهای مورد اختلاف را مشخص کرد و صلح را به مدت یک قرن برقرار کرد. نکته آخر اینکه عوامل متعددی در روابط ایران و عثمانی دخیل بودند از جمله مذهب، عوامل سیاسی، تحریکات مرزی قبایل، مشخص نبودن سرحدات، توسعه طلبیهای عثمانی. روابط با گورکانیان کمتر از دیگر همسایگان دستخوش خصومت و درگیری بود. تنها نکته مهم مهار بود. روابط دوستانه صفویان با گورکانیان در اکثر دوره های پادشاه صفویان ادامه داشت و حفظ

— آرامش و صلح برای هر دو حکومت در اولویت قرار داشت. ب (مناسبات با دول اروپایی: با نفوذ پرتغالیها در خلیج فارس از حدود سالهای ۱۲ اسماعیل ناچار به استیلای آنان تن داد و در صدد بود که علیه معثماني از پرتغالینا کیر حدود سالهای ۹۱۲ قی به بعد، تا و عثمانی از پرتغالیها کمک گیرد. نتیجے را از پرتغالیها آموختند و در دو قرارداد با پرتغالی ها این بود که ایرانیان به کار بردن سلاح های اتشین را از پرتغالنا آمی . جنگهای بیست ساله شاه تهماسب با عثمانی، پرتغالیها مقداری تفنگ و وسایل جنگی ایرانیان دادند. از این زمان به بعد بود که مبلغان مسیحی به تلاشهایی برای برقراری ات دست زدند : .. در سال ۱۰۰۶ ق دو انگلیسی به نام آنتونی شرلی و رابرت شرلی به دربار شاه عباس اول امن شاه عباس سال بعد آنتونی شرلی را با نامه های دوستی از سوی شاه برای پاپ و پادشاهاتی مثل رودلف دوم امپراتور مقدس روم، هانری پادشاه فرانسه، ملکه انگلستان، حاکم ونیز و درک توسکانی اعزام کرد . آنتونی موظف بود تا حمایت این پادشاهان را در مبارزه با دشمن مشترک یعنی عثمانینا جلب کند . در رقابت انگلیسیها با پرتغالیها آنتونی جنکینسون به نمایندگی از شرکت مسکو به ایران آمد و حامل نامه هایی از ملکه الیزابت برای شاه تهماسب بود که هدف آن برقراری مناسبات بازرگانی بود . انگلیس به وسیله کمپانی هند شرقی در ۱۰۲۴ قی توانست آرام آرام به بازار ایران رخنه کند پارچه های خود را به ایران آورد و تجارتخانه هایی در شیراز و اصفهان دایر و نیز امتیازاتی از نس عباس کسب کند . شاه عباس در نظر داشت از نیروی دریایی انگلیس بر ضد پرتغالیها استفاده کنند و در نهایت امامقلی خان توانست به کمک انگلیسینا هرمز را از دست پرتغالیها خارج سازد در سال ۱۰۷۴ ق فرانسویان در روابط ایران با دول اروپایی ظاهر شدند و هیئتهای کاپوسن در ایران فعال شد و مراکزی در اصفهان دایر کرد و امتیازاتی مشابه انگلیسینا و هلندیها به دست آوردند . کمپانی هند شرقی انگلیس حفظ کند ،، و موقعیت دلخواه خود را در ایران توانست تا پایان دوره صفوی موقعیت دلخواه خود

۱ : روابط خارجی صفویان می توان گفت که زمامداری چون شاه اسماعیل، شاه تهماسب، کی تمام تلاش خود را برای حل استقلال و تمامیت ارضی کشور در برابر مهاجمان به کار واستند تا دو قرن مقتدرانه از مرزهای سیاسی و هویت ملی خود دفاع کنند .گرفتند و توانستند تا دو فرهنگ و تمدن در دوره صفوی رسمیت تشیع و پیامدهای ۱ و تشیع و پیامدهای آن چنان که گفته شد شاه اسماعیل به سال ۷۰۷۰ قی در تبریز مذهب . را رسمی کرد و فرمان داد تا خطیبان ممالک آذربایجان خطبه به نام «ائمه اثنی عشر سلام الله .. إلى يوم الحشر » بخوانند .با رسمیت تشیع، خلأهای جدی فراوی صفویان قرار گرفت که استقرار احکام شیعی و تمشیت امور بر مبنای فقه شیعه از آن جمله بودند .بنابر کمبود افراد آگاه به فقه شیعه در خود ایران، شاه اسماعیل دست به دامن علمای شیعی جبل عامل و بحرین شد و آنان را به ایران دعوت کرد .این روند در دوره شاه تهماسب به جد دنبال شد و علمای فراوانی به ایران مهاجرت کردند .بعضی از علمای دینی با دولت صفوی همکاری کردند و به تقویت آن کوشیدند و در عوض شاهان نیز علمای دینی و جایگاه آنان را تقویت کردند و مناصب مهمی چون سدره شیخ الاسلام، مجتهد، قاضی و مفتی را بر عهده علمای دینی قرار دادند .در زمان شاه عباس اقتدار وی، قدرت مذهبی را تحت الشعاع قرار داد، اما پس از وی دامنه اقتدار علما گسترده تر شد و در واپسین روزگاران حکومت، محمدباقر مجلسی یکی از بانفوذترین علمای عصر صفوی در عهد سلیمان و حسین صفوی، شیخ الاسلام اصفهان بود و خود به عنوان نایب امام زمان، شاه سلطان حسین را نایب خویش قرار داد .نقش علمای جبل عامل در تربیت شاگردان و نگاه آنان به حکومت صفوی در حکم پادشاه عادل و سینه بسیار اهمیت داشت .علما با آموزش، تعلیم و نگارش کتاب به گسترش تشیع کمک کردند و موجبات رشد و گسترش دانشها و معارف شیعه را فراهم کردند .ادبیات تاریخ ادبیات درباره رکود و رونق شعر و شاعری در دوره صفوی اختلاف نظر دارند .آنچه از

۱۹۲\_ و بر هم ر --- داشت .در دوره منابع تاریخی برمی آید خود شاه اسماعیل به ترکی شهر می گفت و خطایی تخیل دند .ر شاه تهماسب، شعر به سبب اوضاع سیاسی و مذهبی بیشتر به مرثیه سرایی و نوحه بر دان معصومین تغییر مضمون داد که نمونه آن قصیده معروف محتشم کاشانی است که به تناسب سروده شده است.۲. تشم کاشانی است که به تقاضای شاه عباس با شعرا حشر و نشر داشت .دوره صفوی از حیث شعر و شاعری تحت نفوذ بی مندی است .تاریخ نگاری نیز در این دوره، با وجود برخی اظهارات ناموافق، پیشرفتهایی داشت نمونه آن اسکندربیک منشی است که بزرگ ترین تاریخ نگار دوره صفوی محسوب می شود.۳. مدرسه و علوم مهاجرت علمای شیعی به ایران و اسکان آنان در شهرهای مختلفی مانند شیراز، تبریز، قزوین مشهد، قم و اصفهان موجب شد تا آنان در مدارس آن شهرها مشغول به تدریس شوند .شاردن تعداد مدارس اصفهان را ۵۷ باب ذکر می کند .در سایه فعالیت علما در مدارس دینی و مساعدت شاهان صفوی دانشهای مذهبی شیعی گسترش فراوانی پیدا کرد، مخصوصا فلسفه اسلامی با علمایی تقلید ملاصدرا، میرداماد و شاگردان ایشان رشد فراوانی یافت .معلومی مانند پزشکی نیز اهمیت فراوانی پیدا کرد و حکیم باشی مقام مهمی در دربار صفوی محسوب می شد .در این دوره جراحیهای گوناگونی با بیهوشی به وسیله مواد مخدر صورت می گرفت .علاوه بر پزشکی، علم نجوم نیز مورد توجه بود شاهان در تصمیم گیری های خود از علم نجوم بهره می گرفتند .معماری معماری دوره صفوی از لحاظ کمی و کیفی توسعه و تحول پیدا کرد .اصفهان مجموعه ای از مهمه عصر صفوی است و عبارت « اصفهان نصف جهان » بیان کننده این تولوه است که در دوره

عباس به حقیقت پیوست. شاه تا قزوین بنا کرد. شاه. طبیعی اصفهان و مناطق اطراف آن پیوست. شاه تهماسب با انتقال پایتخت از تبریز به قزوین ساختمان های جدیدی در کرد. شاه عباس در اصفهان طرحهای بلند پروازانه خویش را به اجرا درآورد. جغرافیای ها و مناطق اطراف آن برای توسعه شهر بسیار مناسب بود. شهری با خیابان ها، قصرها، مدارس، بازارها، قلعه ها و برج ها، که همت و کاردانی بهاء الدین محمد عاملی) شیخ بهایی (اخت آنها بسزاست. چهار باغ، میدان عظیم نقش جهان، مسجد شیخ لطف الله، مسجد شاه و الرقابه از نمونه های عالی ساختمان سازی این دوره است. های دیگر، چهلستون است که از زمان شاه عباس اول ساخت آن شروع شد و در دوره شاه عباس درهم به پایان رسید و محل پذیرفتن سفرای رسمی بود. آثار به جای مانده از پلها، حمامها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، بقاع متبرکه نشان دهنده شکوه هنر معماری دوره صفویان است".

نساجی و فرش بافی صفویان قالیبافی را از صنعت روستایی به فعالیتی وسیع در سحله مملکت ارتقا دادند و به عنوان بخش مهمی از اقتصاد کشور در آوردند. اولین کارگاه قالیبافی احتمالاً در زمان شاه عباس کبیر در اصفهان ساخته شد. قدیمی ترین نمونه فرش باقی مانده از دوره صفوی فرش معروف اردبیل «است که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می شود و به سال ۹۴۲ ق تعلق دارد. در عصر شاه عباس، تعداد کارگاههای سلطنتی فرش بافی فراوان بود و فرشهای گران بها و سفارشی بافته می شد. مثلاً بادشاه لهستان سیگیسموند سوم فرشهایی را که از ایران خریده بود به دختر خویش جهیزیه داد. علاوه بر قالیبافی، صنعت نساجی نیز توسعه قابل ملاحظه ای پیدا کرد. لباسهای گران بها و نیز کدهای زیبای قصرها تحسین سیاحان را بر می انگیزت. ترکیب رنگهای درخشان، نوآوری، ده از نقوش اسلیمی و گل دار برای تزئین، ایرانیان را قادر ساخت منسوجاتی تولید کنند که از غنا\*\* منحصر به فردی برخوردار باشد. گفته می شود که در بازار اصفهان ۲۵ هزار کارگر، وجود رئیس صنف نساجان یکی از قدرتمندترین افراد کشور بود. تجارت ابریشم و بافته های از دیگر صنایع این دوره است که اهمیت فوق العاده ای دارد چنان که به قول شاردن شاه داشت و رئیس صنف<sup>۱</sup> ابریشمی از دیگر صنایع این که ..... ۳۷؛ احمد تاجبخش

ای‌اشه : ایالات جان ۱۹۴ a در مد و - . عباس اولین تولیدکننده و صادر کننده ابریشم به حساب می‌آمد : ابریشم از ایالات ی‌خراسان، کرمان و به ویژه گیلان و مازندران به دست می‌آمد و سالیانه ۲۲ هزار عدل به اروپا صادر می‌شد . تسلیحات نظامی در جنگ چالدران حسنویان نتوانستند در برابر سلاح آتشین و توپخانه ارتش عثمانی چنان نار نشان دهند، زیرا به خاطر استفاده نکردن از این گونه سلاحها، ارتش ایران درت جانی نداشت تا قبل از روی کار آمدن شاه عباس و تشکیل ارتش مدرن، ستون فترات سباء ای آن قنن قزلباش بود . اینان نیروی جنگی سهمناکی بودند که حتی نزد عثمانیان نیز محترم بودند، ضرورت تحول در ساختار ارتش بعد از جنگ چالدران کاملاً آشکار گردید . شاه تهماسب با انتخاب جنان جنگی پنج هزار نفر، که به آنها « قورچی » گفته می‌شد، هسته اصلی ارتش کوچکی را فراهم کرده و راه را برای شاه عباس کبیر آماده باخت . شاه عباس کبیر با تشکیل هسته اولیه ( شاهسوزها، هواخواهان شاه ( ارتش جدیدی با انضباط خاص پدید آورد که از نژاد و اقلیت های مختلف بودند . شاه علاوه بر این، از طریق برادران شرلی تو نث دانش نظامی گران بهایی کسب کند و برای اولین بار حنوف مختلف پیاده نظام، بسیار متفهام و توبخه را پدید آورد و فن ساختن توب و ریختن گلوله های آن را از برادران شرلی آموخت " اما متأسفانه اساسی را که شاه عباس در ارتش ایران بنیان نهاد جانشینان وی دنبال نکردند و روز به روز از ضعیف گردید تا آنکه در دوره نادر شاه جان دوباره ای به آن بخشیده شده د الست و مملکت را با کمک سایت و نظام اداری حسنویان در ساختار قدرت صفویان شاه در رأس امور قرار داشت و مملکت را با که صاحب منصبانی اداره می‌کرد که در ذیل به اختصار به آنها اشاره خواهد شد . یکی از مقامات « وکیل نفس نفیس همایون » بود . وی نقش برجسته ای در امور با برجسته ای در امور سیاسی یه

«الله الا الله جهال اسلام» [ ۱۸۵ : سپهسالاران عمده بود و نخود فراوانی در گزینش صاحب منصبان برای تصرف مقام صدر پس از جنگ چالدران این مقام اهمیت خود را از دست داد و دیگر نایب السادانه‌ شاء در امور نبود، بلکه به عنوان رئیس دستگاه اداری، نماینده دولت مسئولی تلقی می شده و در اواخر عهد صفوی دیگر خبری از وکیل نیست. نام دیگر «امیرالامرا» بود که در عهد صفویان به سپهسالار قوای قزلباش که بنیاد قدرت ... را تشکیل می داد اشاره داشت و علاوه بر قدرت نظامی، سله چشم گیری بر امور اداری داشت. قورچی باشی «از مناصب نظامی دولت صفوی است که فرماندهی هنگای عشایری را علت داد بوده است، و بعد از شاه اسماعیل اول اهمیت بیشتری یافت. مقامات نظامی به ویژه در عکس شاه عباس به اتکای گرجیها و چرکسها ارتش منظم و مسلح بدید آوردند. وزیر «در مرتبه بعد از شاه قرار داشت و ملقب به اعتمادالدوله بود. در رأس دیوان، وزیر اعلم قرار داشت و زیر دست وزیر تعداد زیادی از وزرای فرودست، منشیان و مأموران دیگر قرار داشتند. حکم انتصاب مأموران دیوانی، بدون مهر وزیر اعتباری نداشت. مقام صدر «که وظیفه اش برقراری یکپارچگی عقیدتی بود. مهم ترین منصب مذهبی در دولت منوی بود. اگرچه او در رأس نهاد مذهبی قرار داشت، اما مستقل از تشکیلات سیاسی عمل نمی کرد. و همراه دیوان بیگی) نماینده تام الاختیار شاه در حقوق عمومی به مسائل قضایی نیز رسیدگی می کرد. این مقامات ارشد در پایتخت بودند که دهها صاحب منصب کوچک تر آنها را در انجام وظایف کمک می کردند؟ سقوط صفویه \*\* علل سقوط این سلسله اخلاهارنظرهای مختلفی ارائه شده است. صفویان که دولتی شیعی بودند دت ۲۲۰ سال حکومت کنند. در طول این سال ها سیاستهای مختلفی که شاهان صفوی د هر یک به نوعی سبب زوال تدریجی این حکومت بود. سیاست قلع و قیر مردان وده و جوان توسط شاه عباس کبیر و نیز سیاست تبدیل املاک ممالک به املاک خاصه که برای توانستند به مدت ۲۲۰ سال حکومت نه اتخاذ میکردند هر یک به نوعی کارآزموده و جوان



دراما، بیشتر ماه انجام می گرفت تاثیر منفی فراوانی به ساختار حکومت داشت. با وجود بن ارتی ناو عمانی، این قا- پانی نژادی درون ارتش تان خود که در ما اسماء با ف ان دولت - وی و ایران از خود نشان می دادند. از جمله دلایل دیگر به منو یه نمود بود شایسته برای زمام داری. از میان رفتن رابده دوی هر یدی و مادی و نیز حمله ناگهانی و قاسم و یا به اصفهان بود که همه این عوامل لی روندی طولانی، دست به دست شمع باعث ان یکی از مهم ترین سامانه های ایرانی نسل ۲، عثمانیان عثمانی، از امارت تا امپراتوری دولت عثمانی که اساسش در اوایل سده هشتم هجری / چهاردهم میلادی گذاشته شده نام خوان عثمان غازی) حه: ۶۸۰-۷۲۴ قی)، رئیس قبیله ای از تکان اغوزه گرفته است. اینان جو قبایلی: ترکان بودند که پس از پیروزی الب ارسلان سلجوقی برو مانتو دس چهارم، امید اتو بین انست. در ملاید ذیقعه ۲۶۳ (و استقرار سلجوقیان در آسیای مفید) ترکیه کنونی. (در مثله مرزی بین سالانه ریم و بیزانس ساکن شدند و در دوره پس از استیلای ایلخانان مغول بر سلاجقه روم و خسف انت حاکمیت ایلخانان بر آناتولی تجربی، بیگنشینانی) قلمرو نفون (را در همان منطقه برپا ساخت بیگنشین عثمانی ماهانه تنها مزیتی بر دیگر بیگ نشینهای آناتولی نداشت، بلکه در ابتدا، از بین از با کوچتر و ضعیف تر به نظر می رسید؛ لیکن به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و عوامل دیگه به ویژه توفیق بیکهای اولیه آن در بسیج نیروها برای غزا) جهاد (و در نتیجه الحاقی نه دی سر زمینهای مرزی بیزانس در حاشیه دریای سیاه و مر مرد. قلمرو آن وسعت گرفت و نشود و افتد روزافزون یافته و به تدریج از یک عشیره به دولتی فراگیر و امپراتوری ارتقا یافت. دولت عثمانی در اواسد حکومت عثمان غازی تشکیل شد. این موفقیت در پرتو داشتن مد حسن نزدیک با شیوخ تنوف و ابدالان و بابایان و نیز علما و فتا. که از دیر باز اسم "مسلمان کردن ترکان و نفوذ معنوی فراوانی بین آنان داشتند، و اخینا) اهل فتوت. (که-

\_\_ ۲۰- رم U ۱۸۷ گسترده و متنغذی در بین اصنا عثمان غازی، که با سیاست عاقد عثمانی در حال تحول و جوامره بوده به رهبر متنغذ غازیا .. زمینه فتوحات جانشینان خود را متنغذی در بین اصناف شهری داشتند، به دست آمد .. که با سیاست عاقلانه و مناسبات گسترده با اصناف و طبقات مختلف جامعهٔ حال تحول و جوامع مسلمان و مسیحی هم جوار، در رأس اتحادیهٔ عشایر ترک قرار گرفته و متنغذ غازیان و سر حدنشینان و مهاجران از راه رسیده ارتقا یافت .او با گسترش قلمروی بات جانشینان خود را فراهم آورد و به گذاشتن چنان بنیانی برای دولت کوچک خود، که مابین توسعه و بقای آن باشد، توفیق یافت. ۲. خان غازی) ۷۶۱-۷۲۴ ق (که، دستیار اصلی پدرش، عثمان غازی، در امور لشکری و کشوری در ضمن ادامه فتوحات پدر، به سازمان دهی دولت و سوق دادن آن به سوی امپراتوری ادامه داد .او و مردم پروسه را، که مقدمات سقوطش از چند سال پیش فراهم آمده بود، به تصرف در آورد و مرکز دولت خود را به آنجا انتقال داد و به عنوان نشانه استقلال دولت عثمانی به نام خود سکه زد و به نامش نیز خطبه خوانده شد) ۷۲۶ ق .(از همین روست که برخی او را نخستین فرمانروای دولت عثمانی به شمار آورده اند .اورخان غازی سپس، با تصرف شهرها و دیگر مناطق مهم آسیای صغیر توانست ضمن بیرون راندن بیزانس از آسیا، به درخواست رقبای درگیر در کشمکشهای داخلی، چند بار نیز در امور داخلی آن امپراتوری مداخله و با استفاده از فرصتهای به دست آمده در ترکیه نیرو پیاده کند و به منظور پیشروی در بالکان جای پای خود را در شبه جزیرهٔ استراتژیک کالیپولی محکم کند .جلب حمایت وی برای قدرت جویان بیزانسی چنان اهمیتی داشت که دو تن از امپراتوران با ازدواج دخترانشان با او موافقت کردند و امپراتوری دیگر به ناچار فتوحات وی را در قلمرو خود به رسمیت شناخت " .اورخان بیگ در کار سازماندهی امور دولت و ارتش نیز فعال بود، چنان که ارتش منظمی را بنیان گذاشت و هسته سپاه ینی چری نیز در همین دوره پدید آمد .روابط او نیز مانند پدرش با اهل

فتوت و تصوف و علما خوب بود و ضمن آنکه وزیرانی از اخیان د بود و ضمن آنکه وزیرانی از اخیان داشت، زاویه هایی برای ایران مدرسی برای تدریس علوم دینی بنا نهاد. نخستین مناسبات سیاسی با جمتری جنوا، ی کلونیایی در جزایر و سواحل مدیترانه داشت، ایجاد شد که به انعقاد یک قرارداد تجارتي گردید. ۳۰ با مرگ اورخان غازی، پسرش مراد اول (۷۹۱-۷۶۱ ق)، معروف به خداوندگار، جانشین اور وی که در زمان پدر درگیر نبرد در روم ایلی بود، همچنان به توسعه و تثبیت فتوحات در آن سرزمی و ادامه داد. فتح ادرنه زآدریانوپل)، که احتمالاً در همان سال جلوس بر تخت سلطنت میسر شد، ضمن آنکه از نظر استقرار عثمانیان در قاره اروپا از اهمیت خاصی برخوردار است، در تاریخ بالکان و حتی اروپا نیز نقطه عطفی به شمار می رود. با فتح این شهر بزرگ، که بعداً پایتخت عثمانی شد، ارتباط قسطنطنیه از طریق خشکی با اروپا قطع گردیده و در حقیقت نخستین گام برای محاصره پایتخت امپراتوری روم شرقی برداشته شد. فتوحات بعدی دوره مراد، کمابیش سراسر شبه جزیره بالکان، بجز شبه جزیره یونان را در دسترس عثمانیان قرار می داد. می توان گفت با این فتوحات، نخستین بذره‌های حاکمیتی که پنج سده دوام آورده افشانده شد؛ حاکمیتی که نماد پیدایش تمدن نوینی است که با تلفیق عناصر مختلف قومی، دینی و زبانی در بوته تاریخ فراهم می آید. همین فتوحات، دنیای غرب را بیش از پیش بیمناک ساخت، چنان که با تشبث به باپ روم در جنگ صلیبی برای باز پس نشاندن عثمانیها آغاز کرد. لرد کین راس، که مراد اول را از نظر رهبری نظامی و سیاستمداری، برتر از جد و پدرش ارزیابی می کند، بر آن است که به همت وی بود که غرب به دست شرق افتاد؛ همان طور که در دوران یونانیها و رومیها شرق به دست غرب افتاده بود. او از مقایسه سه حکمران نخستین عثمانی، به این نتیجه رسیده است که نقش تاریخی عثمان نقش خانی بود که قومی را به دور خود گرد آورد؛ پسرش اورخان از آن قوم یک دولت ساخت و نوه او، مراد اول، آن دولت را تا حد یک امپراتوری توسعه .. -- شمس الدین ماه، نامه م. م. .... | ...

مراد نیز مانند پدر و جدش مناسبات - و به عبارت « فالان د بدر و جدش مناسبات حسنه ای با اهل فتوت داشت و حتی در وقف نامه های بازمانده از عبارت « فالانی را به فالان جا اخی تعیین کردم » بر می خوریم.۱ بعد از مراد، سلطان بایزید اول (۷۹۱-۸۰۴ ق) (به گسترش دامنه فتوحات در روم ایلی پرداخت و این را در آناتولی تحت اطاعت در آورد و قسطنطنیه را سه بار محاصره کرد و امپراتور او را به قبول قراردادی واداشت که به موجب آن باید محله ای با یک مسجد در قسطنطنیه به مسلمانان اختصاص داده و یک محکمه اسلامی در آن شهر دایر می شد. فتوحات وی، که قلمرو . جهانی را از فرات تا دانوب گسترش داده بود، با یورش تیمور به آناتولی قطع شد. با شکست بایزید از تیمور در جنگ أنقره) ذیحجه ۸۰۴ (دوره نخست تاریخ عثمانی، که دوره توسعه اولیه نامیده می شود، به پایان می رسد. علل و عوامل پیروزیهای عثمانی و نفوذ و اقتدار آن را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد . ۱: علل تضعیف کننده بیزانس و دولتهای بالکان و تسهیل کننده فتوحات عثمانی : ۱: . کشمکشهای داخلی فرساینده در دولتهای مذکور و درگیریهای پایان ناپذیر آنها با یکدیگر و رشد ملوک الطوائفی که در نتیجه ضعف اقتدار دولت مرکزی به وجود آمد؛ ۲ . تنفر مسیحیان ارتدوکس بالکان از کلیسای لاتین و عدم استقبال آنان از اقدامات پاپها برای تشکیل اتحادیه های صلیبی بر ضد عثمانی، چندان که بسیاری از بالکانیها عثمانیان را رهاکننده خود از استیلاجویی کلیسای کاتولیک می دانستند؛ . تشدید ناخشنودی روستاییان در نتیجه افزایش میزان مالیاتها و عوارض گوناگون که گاه به قیامهایی منجر می شد . \* . عوامل تقویت کننده عثمانیها : افزون بر قابلیتهای نظامی، عثمانی در دوره مورد بحث از آن داخلی جدی عاری بود و از انگیزه های نیرومند مذهبی و اقتصادی و از پویایی جنگ دایمی برای فتوحات برخوردار بود . کما دیگر از عوامل تقویت عثمانیها عبارت اند از : اجرا و تطبیق سیاست انعطاف پذیر در اراضی

\_\_دادن به رعایای غیر مسلمان برای حد مفتوحه؛ رفتار دور از تعصب مذهبی با مردمان مغلوبه و اجازه دادن به رعایای غیرما سنن و آداب خویش؛ ابقای معافیت های مالیاتی کلیسای ارتدوکس ؛ داشتن روابط دوستانه مسیحی نواحی اطراف بیگنشین، که موجب جذب برخی از آنان و اسلام آوردنشان شد، و این نکته اعقاب بعضی از آنها چون میخال او غلوها و اورنوس او غلوها از خاندانهای متنفذ مملکت شدند برقراری نظم و قانون نسبی در اراضی مفتوحه :تأمین امنیت جان و مال آنها :کابتنا دریافتهای دولت از رعایا و اینکه رعایای مسیحی عثمانیها را بر اربابان سابق خود ترجیح میدان ۲ پس از دوره فترت موقتی ناشی از یورش تیمور و کشمکشهای بین پسران بایزید اول، دور دور تاریخ عثمانی، که دوره تأسیس مجدد و اوج قدرت آن است، آغاز می شود . پس از وحدت مجدد عثمانی در دوره سلطنت سلطان محمد اول، مراد دوم قسطنطنیه را مدتی به محاصره در می آورد و بسیاری از بیگنای آناتولی را به اطاعت وامی دارد، سلطان محمد دوم) حک :۸۸۶-۸۵۵ ق/۱۳۸۹ - ۱۴۵۱ م معروف به « فاتح » به سلطنت می رسد و به مهم ترین فتح از فتوحات عثمانی، یعنی فتح قسطنطنیه و سرنگون کردن امپراتوری بیزانس در سال ۸۵۷ ق/ ۱۴۵۳، که پایان قرون وسطا و آغاز قرون جدید به شمار می آید، توفیق می یابد و آنجا را به پایتختی اسلامی با مساجد و مدارس باشکوه تبدیل می سازد .در غرب به صربستان و بوسنی و هرزگوین و در شمال به شبه جزیره کریمه دست می یابد، لیکن در گشودن شهر بلغراد ناکام می ماند .فاتح در پرتو اعتباری که فتح پایتخت روم شرقی و فتوحات دیگر برایش فراهم آورده بود، توانست عثمانی را به یک امپراتوری مطلقه و متمرکز تبدیل کند و خود را به منزله نمادی از یک پادشاه عثمانی شکوهمند عرضه کند .او همچنین به توسعه تجارت اهمیت فراوانی داد و بر اساس مصالحه هایی، مناسبات عثمانی با جمهوری های ایتالیایی را | تحت نظم و نظارت در آورد و به معافیت گمرکی آنها پایان داد و بعدها با افزایش حق گمرکی بر کالاهای آنها از دو درصد به پنج درصد، به بازرگانان تبعه عثمانی از یونانی و یهودی، ارمنی و مسمهان امکان داد تا در تجارت جانشین آنها شوند .در این دوره بعضی از شهرها، از جمله پروسه که بر س

ادای کاروانی ایران و عربستان دوره سلطان محمد فاتح در عین - که خود از تحصیلاتی عال ان و عربستان قرار داشت، به ویژه در پرتو تجارت ابریشم ایران و تبدیل شدن آنجا و صنایع پارچه های ابریشمی توسعه فراوان یافت . |.محمد فاتح در عین حال از نظر رشد و توسعه فرهنگ و علوم قابل توجه است .وی تحصیلاتی عالی برخوردار بود و به زبانهای ترکی، فارسی، عربی، لاتین، یونانی و عبری است، بلافاصله پس از فتح استانبول به تبدیل کلیسای ایاصوفیه به مسجد و برپایی و جوار آن فرمان داد و علاء الدین علی قوشچی) م ۷۹ق (را به سرپرستی و مدیریت آنجا کرد .قوشچی که زمانی مدیر رصدخانه سمرقند بود، پس از قتل ألغ بیگ به خدمت اوزون آن قوینلو درآمد و چون برای عقد مصالحهای بین پادشاه مذکور و سلطان عثمانی به حضور فاتح در مورد توجه او قرار گرفت و رضایتش برای اقامت در استانبول جلب گردید .قوشچی در انتقال ت علمی کانون سمرقند به عثمانی و رشد و ترقی علوم مثبت، به ویژه ریاضیات و نجوم در آن کشور موثر بود .او رساله ای در هیئت به زبان عربی دارد که آن را به مناسبت پیروزی فاتح بر اوزون حسن، چه نامیده است .مدارسی که به فرمان فاتح در اطراف مسجد فاتح برپا شد و مدارس و کارگاه های وابسته به دربار نیز از مراکز مهم تربیت علمای دینی و مأموران دولتی بودند .پس از فاتح، بایزید دوم و بعد از او سلطان سلیم اول) ۹۲۶-۹۱۸ق(، معروف به یاووز) بی رحم(، به سلطنت نشست .او علاوه بر پیروزی بر شاه اسماعیل صفوی در چالدران) ۹۲۰ قی (و استیلا بر سراسر آناتولی و فتح سوریه و مصر و برانداختن حکومت ممالیک، وسعت قلمرو عثمانی را دو برابر کرد و با قبول عنوان « خادم حرمین شریفین » و خواندن خطبه به نامش از طرف شریف مکه و انتقال دادن عون « خلیفه » از متوکل علی الله سوم، که واپسین بازمانده خاندان عباسی در میان گروگانهای گرفته از مصر بود، به شخص خود و خاندان عثمانی، در پی حکمرانی بر سراسر جهان اسلام برآمده ما شوخت، به ویژه الحاق سراسر سواحل شرقی و شمال شرقی دریای مدیترانه به قلمرو عثمانی،

در توسعه اقتصاد آن کشور تأثیر و می دانست |.اسلیم که خود شاهد بود و دیوانی به فارسی از وی به یادگار مانده است، به نشست دیا. مانده است، به نشست و برخاست علما و را علاقه داشت. وی در نتیجه ارادت به شیخ محی الدین و بی معبرهای باگوروم و و کار از کتابخانه های مراکز معروف علمی و تجملاتی زمان خود و نیز جاب دانشمندان و هنر و ران و بازرگانان به استانبول می خواست همچنان که خود مقتدرتر جهان اسلام به، اذل میر امداد، پایتختش نیز به باشکوه ترین شعر جهان اسلام تبدیل شود ۱۰۳. اگر چه بیش از حش سال حکومت نکرد، با وجود این، دولت عثمانی در آن ملت کوتاه از یک قدرت دندانه ای در روم ایلی و آناتولی به یک امپراتوری جهانی ارتقا یافت. پس از ایم، پسمان ایمان) ۹۲۴-۹۲۶ ق/ ۱۵۶۶-۱۵۲۰ م (معروف به قانونی و کبیر باشکوه، به تخت نشست و بنا به سنت پادارانش که از سنت عزای) جهاد (مداوم مایه می گرفت. از همان اوایل سایلنت خود به گسترش دامنه قادر و عثمانی در غرب و شرقی، همچنین در خشکی و دریا پرداخت، منا؟ هفت بار به مجارستان لشکر کشید. کا. دامنه این جنگها گاه از آنجا و حتی از اتریش هم فراتر رفت و به بودم و باواریا نیز رسید. او دو بار هم در سالهای ۱۵۲۹ و ۱۵۳۲، با این امید که با مرکز حکومت خاندان هابسبورگ را، که بر بخش اعظم اروپا فرمان می راند. به تصرف در آورد یا دست کم دستگاه تنلامی اتریش را چنان متالا می کند که از مداخله در مجارستان دست بر دارد به آن دیار لشکر کشید. لیکن به علل متعدد موفق به کشودن شهر نشد. سلیمان چند بار هم در سالهای متمادی به. قاهر و صفوی لشکرکشی کرد که به علت اجرای سیاست زمین سوخته از طرف نیروی تحت فرمان شاه ته داسی دسفری، با وجود پیشروی در آذربایجان، عراق عجم و عراق عرب، به فتح

پایاداری در ایران نایا دستاوردهای مذکور را ق [۱۵۲۶-۱۵۲۳ م. --. - اسد م ۱۹۳۱ بران نایل نیامد و سرانجام با امضای قرارداد آماسیه (۹۶۲ ق/ ۱۵۵۵ م (بقایای ذکور را از دست داد .لیکن عراق عرب در جریان نخستین لشکرکشی (۹۴۲-۹۴۰ م (به تصرف سلیمان درآمد و با این فتح، کار تسلط بر کلیه پایتخت های خلافت بود که از زمان سلیم آغاز شده بود تکمیل شد و دامنه قلمرو عثمانی در شرق تا خلیج فارس ... یافت .بدون تردید قلمرو امپراتوری عثمانی در زمان سلیمان باشکوه به پهناورترین گستره ، چنان که در زمان مرگ وی همه سرزمینهای بین بوداپست در اروپا تا بندر عدن در له جنوبی شبه جزیره عربستان و از مراکش در آفریقا تا ایران در آسیا را در بر می گرفت .سلیمان در سراسر دوره سلطنت نزدیک به نیم قرنی خود، جز در سالهای پایانی زندگی خویش، از برای به جبهه ای دیگر می تاخت؛ زیرا گسترش قلمرو در دارالحرب از ضروریات سنت اسلامی غذا و جهاد بود .چنان که وقتی وی در اواخر عمر به علت حل و فصل مسائل و مشکلات داخلی و کهولت چند سالی از لشکرکشی باز ماند، شیخ نورالدین، از فقهای عمر، اعلام کرد که پادشاهی که از اجرای وظیفه جهاد سرباز زند لایق مؤاخذه است .برخی این انتقاد را یکی از علل واپسین لشکرکشی وی، که منجر به مرگش شد، دانسته اند .د سلیمان گذشته از آنکه یک فرمانده نظامی نستوه بود، در عین حال قانون گذاری جویای نظم و عدالت بود؛ چنان که « قانون نامه سلیمان »تحت نظر مستقیم وی، بر اساس احکام شریعت و قوانین کدنسته به ویژه « قانون نامه محمد دوم ( فاتح » (و تجارب و ضرورت های موجود تدوین گردید .همچنین این قانون نامه به منظور مشخص کردن حدود حقوق و مسئولیتهای افراد و عناصر طبقه حاکم و اتباع استان و نیز حل و فصل مسائل حقوقی و مالی و تعیین چارچوب وظایف ادارات دولتی و مواردی دیگر ، قانون نامه مورد بحث که با رهنمودها و فتاوی شیخ الاسلام ابو السعود افندی و تحت نظر ۴ کلبی تدوین گردید و به خاطر وسعت میدان کاربرتش « ملتقی الابحر ) «محل تلاقی ملا ابراهیم حلبی تدوین نامیده شد، تا زمان اصلاحات قانونی در سده نوزدهم با



از همین بابت داده شده است. دوره و طولانی سلطنت سلیمان را از ادوار رونق ادب و هنر دانسته اند و گفته اند. کاه در حقوقدانان، الهیون، مورخان، دانشمندان و علما و نخبگان و مهمانان در باره از امکانات ما اند. «کا، شعراء هنرمندان نان در باو» از امکانات مادی امی که وی برایشان فراهم آورده بود، برخوردار بودند. در بین فهرستی از علمای برگزیده دوره سلالت ویا عبد الله شیخ ابراهیم شبستری و ظهیرالدین اردبیلی نیز که بی گمان ایرانی تبار بوده اند نام است، بناهایی چون سلیمانیه و مسجد سلطان سلیم و اطرافش و آثار دیگر، که، به، فرمان با زیر نثار معمار» (سنان) «۹۹۶-۸۹۴ ق/۱۵۸۸-۱۴۸۹ م (ساخته شده اند، نمادهایی از شکوه تمدن عصر سلیمانی هستند. سنان نابغه معماری بود که در بسیاری از لشکرکشیهای سلیمان شرکت داد. و بنای بیش از ۳۵۰ مسجد بزرگ و کوچک، مدرسه، دارالقراء، مقبره، عمارت، کاخ، دار الشفاه کاروانسرا حمام به او نسبت داده شده است. گفتنی آنکه غالب هنرمندانی که به فرمان سلطان سلیم به استانبول آمدند همچنان در دوره سلیمان به کار و اثرآفرینی و اثرگذاری ادامه دادند. دوره سلیمان سمن آنکه دوره اوج مجد و عتلمت عثمانی بود و بنابر دیدگاهی» او به عنوان سیاست مداری، عوامد تمامی پادشاهان عثمانی است. «با این همه، روند فروپاشی حکومت و جامعه عثمانی نیز از نیمه سلالت وی آغاز شد و در قرون بعدی همچنان ادامه یافت. لرد کین راس ضمن توجه و تأکید بر تأثیر مثبت و کارساز جهات و جنبه های مختلف شخصیت سلیمان بر ساختار دولت عثمانی و رساندن امپراتوری به اوج اعتلای قدرت و کسب وجهه آن، از این نکته نیز غافل نمانده است که، عظمت همان دستاوردها بدر انحلاما نهایی را نیز در خود نهفته داشت؛ زیرا سلالینی که در پی او آمدند، نه فاتح بودند، نه قانون گذار و نه دولتمرد کاردان ۳. گورکانیان ورود اسلام به هند و تشکیل حکومت اسلامی در آن سرزمین مراحل مختلفی داشت. از ابتدای من

اول هجری که تجار و بازاری ارتباط برقرار کنند، آرام آرام همراه آن مجاهدان مسلمان تجار و بازرگانان مسلمان توانستند در سواحل مالا بار و گجرات با بومیان ساکن منطقه کنند، آرام آرام اسلام به عنوان ایین جدید و جذاب وارد این مناطق شد. و جذب هندوان به اسلام در دوره های بعدی با حملات مداوم غازیان مسلمان شدت گرفت. د مجاهدان مسلمان، عارفان و صوفیان بسیاری نیز برای ترویج اسلام وارد منطقه شدند که غازیان مسلمان توانستند ایین خویش را بسیار گسترده و عمیق در میان هندوان ترویج دهنده و فتوحات مسلمانان در هند از مناطق شمالی صورت می گرفت. در ابتدا سلاطین ترک و . وارد این مناطق شدند. در دوره های بعدی با تشکیل سلسله های متعدد مسلمان، نظیر بهمنیان . قلب شاهیان، تغلقیان و در نهایت گورکانیان، مسلمانان به قدرت بلامنازع سیاسی - اقتصادی در منطقه تبدیل شدند. سلسله گورکانیان به سبب ساختار مستحکم و تشکیلات منسجم توانست یاسر منطقه هند را تحت لوای حکومت واحد گرد آورد. در حقیقت، اوج حکومت مسلمانان در هند در دوره گورکانیان بود. تاریخ سیاسی بنیانگذار گورکانیان یا بابریان هند ظهیرالدین بابر بود که نسبش به تیمور گورکانی می رسید. تیمور نیز تباری مغولی داشت و به همین دلیل برخی منابع تاریخی، از بابریان با عنوان « مغولان هند » نیز نام می برند. ظهیر الدین در ابتدا حاکم سمرقند بود. وی به سال ۱۰۰۰ ق، توانست بر شهر کابل تسلط پیدا کند. همسایگی و مجاورت با دو قدرت مهم آن روزگار، یعنی صفویان و ازبکان، هرگز این اجازه را به بابر می داد تا بتواند قلمرو حکومت خویش را به طرف آسیای مرکزی و ایران گسترش دهد. به همین ده فتوحات و متصرفات وی در مناطق شرقی مانند کابل و هند بود. الفعا و وی در ۹۳۶ ق، همایون فرزندش بر تخت سلطنت نشست. همایون که از طرف هی مانند کامران میرزا، برادر ناتنی خود، و شیر شاه سوری تحت فشار بود، در ۹۵۱ ق رقبای قدرتمندی مانند کامران - ترا : نت

\_ ۱۹۶۰ فرهنگ و مدل | د وید، تا اینکه در سال ۶۲ بعد از شکست از شیر شاه سوری به دربار شاه تهماسب صفوی پناه برد، تا اینک توانست به کمک ایرانیان تاج و تخت خویش را باز پس گیرد. بعد از همایون، جلال الدین اکبر به حکومت رسید. وی چهارده سال بیشتر نداشت. سرپرست ایرانی اش، بیرام خان شیعی، توانست بر مشکلات اولیه حکومت خویش فایز قرار دهد. حکومت خود مرکز حکومت را از دهلی به آگره منتقل کرد. وی به کمک وزیر باهوش تا نفل و قانون خاصی بر مناطق تحت سلطه خویش حاکم کند. دوره اکبر اوج حکومت گورکانیان محسوب می شود. او با سرکوبی شورشهای فراوان رقبای خوب... شورش هندوها، حکومت خود را به پانزده ایالت تقسیم و خود بر کار استانداران نظارت میو جلال الدین اکبر در ۱۰۱۴ ق در آگره درگذشت. بعد از اکبر، پسرش جهانگیر به سلطنت رسید جهانگیر در دوره حکومتش شورش علیم سیکهای هند را سرکوب کرد که این کار باعث کینه هندوها از وی شد. همراهی هندوها با سایر رقبای جهانگیر باعث شد تا مناطقی مانند احمد نگر، دکن، از قلمرو گورکانیان خارج شود و جهانگیر به ناچار در سالهای آخر حکومت در کابل سکنی گزیند. شادجنان فرزند ارشد جهانگیر در ۱۰۴۷ قی به تخت سلطنت نشست. به سبب آنکه زن و نورجهان، ایرانی بود، ایرانیان فراوانی به دربار وی راه یافتند. آخرین پادشاه قوی و قدرتمند حکمت گورکانیان اورنگ زیب بود که به خاطر گرایشهای مذهبی اش، میانه چاندانی با ایرانیان نداشت. از این دوره به بعد است که حکومت گورکانیان ضعیف تر می شود و آرام آرام قدرت آنان رو به افول می رود روابط گورکانیان با صفویان بابر، پادشاه قلمرو سلطنتی در کابل، توانست روابط محدودی با شاه اسماعیل صفوی و تیر تهماسب صفوی برقرار کند. او توانسته بود با بهره گیری از دوستی با صفویان در برابر ازبکان من کند. دوره حکومت همایون اهمیت فراوانی دارد. اقامت وی در ایران و آشنایی او با ایرانیان سه اه یافتند که مهم ترین آنان نزدیکی هرچه بیشتر این دو حکومت شد و ایرانیان فراوانی به دربار وی راه یافتند که میلیم و وزیر همایون، بیرام خان، بود. جلال الدین اکبر با دو پادشاه بزرگ صفوی، شاه تهماسب - کوی، شاه تهماسب و شاه عباس

من مصر بود. در روابط مشرف کند، این نیز در اوایل دور اس کی ندیار از فی از ایجاد خ " .تصدير مجدد جهان اسلام و ۲۹۱  
بود. در روابط خوب در حکومت، تنها مسئله منجم، قندهار بود، که اکبر توانسته بود آن را نیز در اوایل دوره شاه عباس کبیر،  
که اوضاع ایران چندان ممتاعب نبود، رخ داد. ن جان نیز مانند اکبر در روابط خویش با حنه یان تنها با مسئله قندهار مواجه  
بودند. د. از زمان بایر همواره بین دو طرف دست به دست می شد، اما صبر و بردباری دی در خدمت حاد جلوگیری می کرد .  
تسخیر قندهار به دست یک طرف و سکوت موقت یکی از ابتدا به صورت اصلی در روابط این دو حکومت در آمده بود. با زوال  
تدریجی عمر دو است این روابط نیز دستخوش فترت و سستی شد. روی گورکانیان با دول اروپایی این آشنایی اروپاییان با سفر  
دریایی واسکودوگاما در ۱۴۹۸م آغاز شد. پرتغالی ها، در سال: ۱۵ م، در سواحل کالیکوت پیاده شدند. مدتی بعد، تجار  
مسلمان، که از ورود پرتغالی ها ناراضی بودند، توانستند آنان را به منطقه کو چین کرج دهند. بین سالهای ۱۵۰۹ تا ۱۵۱۵ م،  
پرتغالیها استند، با تشرف بندر گوا، اولین پایه های استعمار خویش را بنا نهادند. آنان، تا اواخر دوره اکبر، تجارت خارجی  
هندوستان را در انحصار داشتند و اقلامی، مانند پنبه و ادویه هند را به دول اروپایی داده می کردند. جلال الدین اکبر در ۱۵۸۰  
م در دیدار با دو کشیش پرتغالی بود که با آیین مسیحیت در سال ۱۶۰۰ م، انگلیسینا، برای به دست آوردن سود بیشتر در  
تجارت با مشرق زمین، کمپانی هند شرقی را بنیان گذاشتند. در ۱۶۰۸ م، اولین هیئت از طرف این شرکت به رهبری ویلیام  
هاوکنیز دست به دربار جهانگیر در آگره راه یابد. در این دیدار، هاوکنیز نامه جمیز اول، پادشاه انگلستان، را شمیم سلسان کرد :  
هیئت انگلیسی از طرفی جهانگیر با استقبال گرمی مواجه شد و حتی جهانگیر به

۱۹۸\_ با فرهنگ و تمدن الال سفیر انگلیس پیشنهاد مقام فرماندهی چهار صد نشری سواره تلاشم را داده بود از برز " سورت «بازگشت و بدین ترتیب اولین ارتباط انگلیسینا از طریق شرکت شد شری با عیار برقرار شده در ۱۶۱۲ م، در زمان سلطنت جهانگیر، نیروهای انگلیسی بے شرا شلند یان توانست . سختی بر پرتقالیان، در آبهای اقیانوس هند، وارد سازند .این شکست بی اندازه باعث را جهانگیر بود .زائران مسلمان، که برای اجرای مراسم تج به برکه بمیرد ، شما از مورد شما تعرض برتغالیها قرار می گرفتند .این شکست مسلمانان زائر را از حالات پرتقالینا تا ششی آسان می ساخت .بعد از این حادثه بود که جهانگیر با تقاضای هیئت انگلیسی، مبنی بر احت امتیاز برای کمپانی هند شرقی، موافقت کرد و گورکانیان توانستند با کرک انگلیسینا کابرا بر پرتقالی را له کن و آنان را از مناطق ساحلی شما دور سازند .در دوره شاه جهان، سیاست مبارزه با پرتغال و دوستی با انگلیس ادامه یافت .در ۱۶۲۲ء شاه جهان قوایی برای سرکوب پرتغالیها به مناطق شوگلی اعزام کرد .این قوا، به کرک ارگلیسمی توانست پرتغالیها را شکست دهد و آنان را به جای برده در بازار شاپشرو شده که این ایام در تلاقی اقناع برتغالیها صورت گرفت .در دوره اورنگ زیب، وی به سبب اعتقاداتش، درگیری‌هایی با انگلیسی نا پیدا کرد .او در بنگال ب انگلیسینا جنگ کرد و طی این جنگ توانست بندر دمورت را که در دست انگلیسی ما بود باز پرس شیره اما به سبب مایت و حفاظت از راه دریایی زائران که با انگلیسینا مصالته و بند و دسورت را به - واگذار کرد .در اواخر دوره اورنگ زیب، انگلیسینا توانستند در مناطقی مانند مدرس، بمبئی، کله مؤسسات فراوانی دایر کنند.۳ در ۱۷۰۷ م که اورنگ زیب درگذشت، انگلیسیها کاملاً جای پرتغالی ها را در اقیانوس شم فرانسویها در سال ۱۶۶۴ م با کمک کلبرت توانستند کمپانی هند شرقی فرانسه را پایه شد از کا سال بعد، دولت فرانسه در منطقه بیجاپور توانست تجارتخانه ای برقرار و شهری به نام» پو المقدمات تجارتی خویش را بنا کند . آنان در سال ۱۸۸۱ م توانستند در بنگال و چاندرتاگور مؤسسات تجار

برقرار سازند ۱۰ ساختار اداری - سیاسی گورکانیان در رأس نظام گورکانی، ام المبراتور)، که اغلب با . می توانست در هر امری مرد... ورکانی، امپراتور قرار داشت که بر همه بخشهای حکومت اشراف کامل داشت .سلطان که اغلب با عنوان شاه از وی نام برده می شد، با در نظر گرفتن ساختار حکومت های مدله در هر امری مداخله کند .به موازات اقتدار هر پادشاه، دخالت وی نیز گسترش می یافت، . و در دوره جلال الدین اکبر وی در همه موارد نظر خویش را بر رعایا و درباریان تحصیل می کرد . رادپاتور، دیوانهایی قرار داشتند که مهم ترین آنها، دیوان اعلی بود .وظیفه این دیوان نظارت بر وآمدهای سلطان و املاک وی (خالصات (بود و در راس این دیوان، وکیل وزیر (قرار داشت .دیوان بعدی، دیوان بخشی بود به ریاست میر بخشی، که مسئولیت حفظ امنیت حکومت را در همه قلمرو بر عهده داشت .دیوان قضا به ریاست « صدرالصدور «در حوزه های مختلف قضا شامل امور سیاسی، مظالم و قضا فعالیت داشت .ساختار حکومت در دوره اکبر کاملاً شکل گرفت .وی حکومت را به « صوبه هایی متعدد تقسیم کرد در کنار هر صوبه دار، مقام صدر و بخشی نیز وجود داشت .هر صوبه به چند « سرکار « تقسیم می شد . مقامات نظامی در این دوره، با عنوان منصب شناخته میشوند .مانند منتسب پنج هزاری، سه هزاری، چهار هزاری .مقامات نظامی بدان سبب که خواسته های شاه را، مثل دریافت مالیات و تأمین د جنگی، برآورده می ساختند اکثراً املاک و زمین هایی را از شاه دریافت می کردند .این نوع واگذاری بر یا) اقطاع (میگفتند .البته این واگذاری مختص نظامیان نبود بلکه اشراف و حتی علما نیز می توانستند از آن بهره برداری کنند .ادبیات فارسی معروف آلمانی، دوره گورکانیان اوج ادبیات فارسی در هند است، زیرا به قول شیمل، اسلام شناس اقسام شناس مهر

\_\_کثرت شاعران و وسعت موضوعات و مضامین نو و بدیع چنان بود که، فارسی زبانان . گورکانیان وارد می شدند تا از خوان نعمت فراوان آنان بهره مند شوند .در دوره حکومت ای رسی زبانان ایرانی به دربار دوره حکومت اکبر، به اعمال قی، زبان فارسی زبان رسمی حکومت نشد .او که اهتمام ویژه ای به فرهنگ و ادب فایب حتی به اصطلاح امروزی دارالترجمه ای بنیاد نهاد تا متون قدیمی از سنسکریت و هندی ترجمه شود .شاید یکی از دلایل گسترش و تنوع مضامین اشعار فارسی این دوره به سبب قال - آشنایی شاعران با ادبیات هند باشد .در این دوره شعرای معروف آثار منظوم فراوانی پدید آوردند .مهاجرت شاعران ایرانی به هند حمایت اشراف و امرا از شاعران بود که شاعرانی، چون فیضی دکنی، غزالی مشهدی، عرفی شیرازی در دوره اکبر ظهور کردند .این مهاجرت در دوره جهانگیر و شاه جهان همچنان ادامه یافت .طالب آملی) ۱۰۳۶ ق (معروف ترین شاعر جهانگیر و ملک الشعرای دربار بود و صائب تبریزی) ۱۰۸۱ ق(، از مشهورترین شاعران سبک هندی، مقام شایسته ای در نزد شاه جهان داشت .با پادشاهی اورنگزیب حمایت رسمی از زبان فارسی و به تبع آن، حمایت از شاعران کم شد، اما شاعر معروف دیگری به نام بیدل دهلوی) ۱۰۵۴- ۱۱۳۳ ق (در همین دوره ظهور کرد که اشعار وی نشان دهنده اوج سبک هندی است .از دیگر شاعران این دوره می توان به غالب دهلوی، شیدای فتحپوری، حزین لاهیجی اشاره کرد .در دوره گورکانیان نویسندگان و منشیان، آثار ادبی و کتب تاریخی بسیاری به رشته تحریر درآوردند .انواع کتب تاریخی در موضوعات تاریخ جهانی، تاریخ عمومی و تاریخ سلسله های خاص به نگارش در آمد .در این دوره ترجمه متون هندی به زبان فارسی نیز رونق خاصی داشت . ترجمه رامایا و حماسه مهابهاراتا) رزمنامه (و اوپانیشاد از سنسکریت به فارسی نمونه هایی از این ترجمه ن، نیروهای نظامی و بازرگانان عارفان مسلمان و نقش آنان در هند در میان مبلغان مذهبی، صوفیان و عارفان مسلمان در کنار فاتحان، نیروهای نظامی و مسلمان) مخصوصاً تجار ایرانی (با سلوک خویش توانستند هندیان فراوانی را به ایین وانی را به آیین اسلام در آورند

—اینان به ویژه بعد از دوره ن کرده که حتی سلاطین بهاءالدین زکریا، مرکز وردد از دوره غزنوی در مناطق دوردست، مثل شمال هند، جنان نفوذ و اعتباری پیدا سلاطین و امرا مجبور به ادای احترام به آنان بودند. مثلا شیر مولتان در زمان شیخ . زکریا، مرکز مسلمانان در شبه قاره بود. قابل توجه در مورد عرفان و صوفیگری در هند این است که به موازات گسترش زبان فارسی مهم عرفان و تصوف، این تفکر نیز رو به گسترش بود و با توقف و رکود زبان فارسی در و عرفان اسلامی نیز در این منطقه دچار سرنوشتی مشترک با زبان فارسی شد. به طور کلی ای در منطقه شبه قاره در چهار سلسله مهم نمود پیدا می کند، چشتیه، سهروردیه، قادر به به منزله منبع مکرم عرفان و تصوف، ۱ و نقشبندیه. ۲ مقابر اولیا و اقطاب هر سلسله از احترام برخوردار بود و هنوز هم هر ساله هزاران نفر، مخصوصا در ایام عرس»، یعنی روز وفات آنان، در آرامگاههای مشایخ گردهم می آیند و مراسم خاصی را برگزار می کنند. هر چهار سلسله نسب خویش را به امام علی می رسانند سهروردید: چنان که از نامش پیداست منسوب به شیخ شهاب الدین سهروردی است. گسترش ابن سلسله در شبه قاره به همت شیخ بهاءالدین زکریای مولتانی) م ۶۶۶ ق (صورت گرفت، به ویژه در منطقه بنگال که وی بسیار تأثیرگذار بود. از جمله اقطاب معروف این سلسله در هند، فخرالدین عراقی، شاعر معروف ایرانی است که خود داماد شیخ زکریا بود. قادریه: مؤسس آن عبدالقادر گیلانی) م ۵۶۱ ق ( است. اولین خلیفه این سلسله در هند، صفی الدین صوفی گیلانی بود. مهم ترین خلیفه، خلیفه هشتم ابو عبدالله محمود غوث گیلانی است که در شهر لاهور به سال ۹۲۳ ق در زمان ظهیرالدین بابر وفات یافت. نقشبندیه: مؤسس آن خواجه بهاء الدین نقشبند) ۷۱۸۷۹۱ ق (است. پایه گذاری آن در هند در وسط خواجه محمد باقی عبدالله) م ۱۰۱۲ ق (صورت گرفت. از جمله مبشرم ترین خلفای این شیخ احمد سرهندی است که به «الف ثانی» معروف بود، قدیمی ترین سلسله صوفیانه است. وجه تسمیه سلسله همانا انتساب خواجه معین الدین، سلسله در هند، به قریه چشت، نزدیک هرات، است. از جمله مهم ترین خلفای این سلسله، ، ۱۳۸۰، ج ۱،



...\_درمد و م --. خواجه حسن بتسری، فنسیل تبانی، ابراهیم دشم، ابو اسحاق نامی را می توان نامنا خواجه معین تدین در ق ش و یا تخیل تو و آشنایی با ارخا و: ارج سه چه و دریافت خوف دلافت، در بغداد به دیدار نجمین کبری رفت. در استان با -کگی اش شد که شب کی شدید خواجه مین تین شد و با توجه به هندوستان بن کر هند از عرفان مشر شد ب. د لار قیمت داشت. از جمله خلای معروف، خواجه می ۳ قطب الدین بختیار، حمید الدین ناگوری، شیخ سلیم چشتی، نظام الدین اولیا، امیر خسرو دلیم بن احترام و مقام بالای مشایخ صوفیه در نزد حکمت یابریان به حدی بود که حتی اکبر شر پیاده به مزار خواجه معین الدین میرفت و نام فرزند خود را سلیم گذاشت که بعدها به جهانگیر منقب شد و در رسانه هدایای فراوانی به احترام خواجه به زوار وی اعطا می کرد. از معروف ترین خلفای خواجه معین الدین، خواجه نظام الدین اولیا بود. او در شیر بدایون «به دنیا آمد. سخنان شیخ در کتابی به نام نوابن الفؤاد به همت مریدش، حسن دهلوی، جمع آوری شد. او در ۶۶۳ از دنیا رفت و مردم در عرس وی از همه مناطق هند برای زیارت و ادای مراسم به دهلی می آمدند. از دیگر عرفای مشهور کند و اسلام، علی بن عثمان هجویری است که به لقب داتا گنج بخش) داتا به معنی معلم (معروف است. هجویری منتسب به شجریر از نواحی غزنه بود. اولین کتاب فارسی مکتب عرفانی به نام کشف المحجوب را در باب طریقت و عرفان نگاشت و احتمالا بین سالهای ۴۶۵ - ۴۵۰ ق از دنیا رفت و در لاهور به خاک سپرده شد. مشهورترین فرد این سلسله تصوف، امیر خسرو دهلوی شاعر تو نای هندی است که علاوه بر شاعری، عارفی کامل بود. امیر خسرو در شعر، شاگرد شهاب الدین محمود بدایونی بود. به زبانهای ترکی، فارسی و هندی مسلط بود و در موسیقی نیز استاد بود. در سر ۳مثنوی، تابع نظامی و در غزل مرید سعدی بود. وی در واقع بزرگ ترین شاعر فارسی زبان شنبه در کند. به شمار می رود. آثار وی عبارت اند از: ۱۰. دیوان؛ ۲. خمسه شامل مطلع الانوار، شیرین و مجنون و بلی، آنبه اسکندری، هشت بهشت؛ ۳. حماسه های تاریخی، مانند قران الممدن

مترهای هند و اسلامی در شه و اسلامی در این شیر به کون با شعر بومی شند ارتباطی د تناو تنایی داشته ولی به شیوه ای اسلامی در این شبه قاره اساسا با شتر بن یی تر می شد ارتباط و مراوده پیدا کرده است. بیشین مشترک جغرافیایی و حتی نژادی و تمامی مواد و استادان شدنی باست راهیایی دوستی و هنر مندی در کنار سبک مرخصباح راه شد. بنابراین، سخن گشتن از شر خالص اسلامی در شبه قاره چندان اعتبار ندارد. برای این شترها، روانی است که در دوره گورکانیان به اوج خود رسید. مروانی به عنوان یکی دانه های شتر اسلامی از نظر ریخت شناسی دارای ویژگی های خاصی است، هر چند به عنوان یک نازی را برداری سایر مناطق اسلامی نیز شاستنایی نیز دارد. اساسا شتر اسلامی در شبه قاره دارای مراحل مختلفی است: ۱. در اتحاد اولیه، ۲. دور غزنویان تا گورکانیان، ۳. دوره گورکانیان. گورانیان به عنوان سلسلهای بیش، که نیاز به خود زیبایی و اخطار وجود داشتند و نیز به عنوان گوشتی که بر سر زمینایی و نوع با مردمی با فرهنگ و تاید گوناگون شکم می راندند، کاملا به نوای شتر مداری به منزله ابزاری برای خود برای آگاهی داشتند. شاکران می خواستند به بهترین وجه با ساختن بناهای بزرگ خود را چنان معرفی کنند که شان و تمامشان در میان مردم بیشتر شود برخلاف نتاشان، دهیاران این دوره کمتر نام خویش را ذکر می کردند، و ما از نام معماران این شور شه یجن جن تثر، اطلاع چندان دینی نداریم. اساس برداری این دوره را بنا کردن ساختمان هایی به دستور شاهان یا اسرا بنیان گذاشته شد که روز ها نوآور بنایی نیز از طرف دیگران به آن افزوده شد. البته تغییر و تحول در سبک های معماری آرام آرام صورت می گرفته است، بدین گونه که موماری اولیه کی نگرانیان از سبک نسبتا بی روح آرام آرام به ساخت بناهای جذاب و زیبا تبدیل شده ترمز جلال الدین اکبر با ساختن متبره همایون در دشلی، می توان الگوی شاخص معماری از شما شده کرد. این بنا که بین سالهای ۹۷۰ - ۹۷۶ تی ساخته شده است به دست معمارانی به اند و پدرش میرک سیٹ شیاث بنا گردید. مسجد فتح پور سیکری از جمله دیگر م رگ اولیه گورکانیان است. در دوره های بعدی در زمان جنازگیر و شماء جنان مرواری نام های سید محش و بلرس نه نمونه های معماری اولیه گورکانیان

اما کداست. ساحنه سدن با غنای موفی با فوت و قدرت و با سبک های متنوع همچنان قدم در راه تکامل گذاشت. اساحبه سدن شالیمار به دستور عبدالرحیم خان خانان، وزیر ایرانی جهانگیر، چنان بود که معروف است هندوستان را به ایران تبدیل کرده است. بنای معروف دیگر تاج محل است. این بنا نمونهٔ بعمال معماری گورکانی و نشان دهنده اوج هنر معماری گورکانیان در دوره شاه جهان است. این بنا | شاه جهان برای همسر ایرانی خویش، ارجمند بانو بیگم، ساخت. این بنا چهار مناره و یک گندی پیازی شکل دارد. در اطراف آن باغ های زیبا، بازار و کاروانسرا نیز قرار داشته که درآمد انیاد نگهداری از مقبره می شده است. وجود این عناصر گوناگون، شامل باغهای زیبا، احتمالاً نشان دهد تفکر اسلامی است که باغ های بهشتی را در نظر داشته است. ساخت بنا حدود ۲۲ سال طول کشید به قول ویل دورانت این بنا را فقط می توان با کلیسای «سن پیترو» در واتیکان مقایسه کرد.؟ نکته پایانی که در باره معماری این دوره باید مد نظر قرار گیرد، این مطلب است که اساساً معماری گورکانیان ترکیبی هنرمندانه از سبک های ایرانی و آسیای مرکزی و هندی و حتی در اواخر دورهٔ گورکانیان اروپایی است که توانست نمونه های عالی با گستره جهانی پدید آورد. نشانی: نقاشی نیز مانند معماری ابتدا از تلفیق دو مکتب، ایرانی ( تیموری و هندی شکل گرفت. نقاشی های دوره گورکانیان مانند معماری ابتدا در دربار رشد و نمو پیدا کرد و در واقع، اولین محل تولد نقاشی دربارها و مشوقی صورتگران، حاکمان بودند. فلنیر الدین بابر، بنا بر منابع تاریخی، فردی هنرمند و هنردوست بود و علاقه فراوان وی به حلبیات و شکار، موجب شد به این نوع نقاشی تمایل پیدا کند. تنها نقاشی منتسب به دوره بابر، که در موزه دولتی برلین موجود است، نشان دهنده این تمایل و نیز تأثیر و نفوذ مکتب بخارا و استاد بهزاد است در دوره همایون به واستلهٔ اقامت چندین ساله او در ایران و نیز حضور نقاشان ایرانی در دربار ون مانند میر سید علی عبدالصمد شیرازی و فرخ بیگ قلماق در واقع مکتب نقاشی گورکانیان پایه شد. در این دوره، داستان مصور امیر حمزه آغاز گردید و تا دورهٔ جلال الدین اکبر نیز ادامه

مجموعه در دوازده در دوازده جاه و چه ده او د شه ۴۰ و ... این کار به تق ... از خدمه ندایی) ده مخون (صورت گرفت . در دوره اکبر شاهد . جار لو اس دولتی نقاشی تان دی ماها . بازگشت دموعات و بگ های آباد ، مه کانمان کنیم . و م . به یاد . دولتی نقاشی تأسیس کرد که در آن تجاوز از یک ما . دن . مهل . و فی استادان دانی فعالیت بودند . با پرده و این هنودان، بگ نگاهی نو به تدریج محول شده و نتانی و اما و حتی زنان در بار آرام آرام با مار ها و رنگهای جاهیا . تباه مفسدهن اصلی خانه ها تبدیل تسل . انسان دوره اکبر نمی توان با وان، بشن دام و عمل الدسم . را نام برد . در دور ج هانگیر این وی ادامه داشت ولی اوج هنر نقاشی همانند داری، دوره شاه جهان است . استفاده از رنگهای و نیز مدل سازی و سایه زنی بر پایه :أحمل مناظر بسیار رونق گرفت . زندگانی مجال دو بار و بجای رسمی به بهترین شکل نمایان شد، مانند تصویر شاه جهان بر تخت لاو و مسی و سوار بر اسب با تمامی جلال و شکوه سلطنتی که در موزه متروپولیتن نیدیه رک وجود دارد . معروف ترین نقانسان، ابوالحسن، میرهاسم و محمله نادر سه قنادی بودند که آخری در تشبیه نگاری در حد کمال دنی می کرد هنر نقاشی در دوره های بعدی بآء خدموس در دور اورنگ زیب چندان مورد توجه قرار نگرفته تامينهای به جای مانده از اواخر دوره گدوکانی در واقع ادامه سنت نقاشی گذشته است و نوآوری و بدنا نسازیهای گذشته وجود ندارد . در پایان می توان گفت که بنابر آثار باقی مانده از این دوره نقاشی تنها ترکیب و تفسیری از اسلوبهای ایرانی و آسیای مرکزی نبوده است، بلکه با گسترش سبکهای تجهی، هنرمندان با الهام از عنادر جدیا . هندی، سبک تازه و ویژه ای را بنیان نهادند، هر چند که شهابی غنای هندی در نقاشیها به علت قدرت غالب مسلمانان) اعم از ترکان و ایرانیان (نمی توانست در مقیاس وسیعی انجام گرفته باشد . جمله هنرهای مورد توجه حاکمان گورکانی، خط و خوشنویسی بود . بنابر معتقدات مذهبی خان، این علاقه و توجه در نوسان بود . بابر قرآن را به خدا زیبایی نوشت و آن را به کعبه اهدا کرد .

\_ ۲۰۶ • ترمیم ر - ---- مؤتمن قزوینی و در دوره همایون نسخ نویسی به سبب وجود استادان ایرانی، چون خواجه احمد بمدتی، و میر قاسم گسترش فراوانی یافت. در دوره شاه جهان بعد از قتل میر عماد حسنی، شاید نامهای آقاعبدالرشید، سید علی تبریزی و خواجه عبدالباقی در دربار هنرپرور شاه جهان الت جواهر قلم «و» یاقوت رقیم «دریافت کردند که این روند تا آخر دوره اورنگ زیب ادامه دای - سبب اعتقادات مذهبی و توانایی در نگارش و خوشنویسی بسیار حامی خوشنویسان بود و شکوفایی این هنر در همین دوره است. بنی، شاگردان وی به پرور شاه جهان القابی چون از دیگر هنرهای دوره گورکانی، قالیبافی و نساجی است. قالیبافی در این دوره مانند نتان بن مایه ایرانی دارد. قالیبافان در شهرهای آگره، فتحپور، لاهور در کارگاههای قالیبافی مشغول فعالیت بودند. استادان ایرانی از شهرهای کاشان، اصفهان و کرمان و سبزوار در این کارگاه ها استخدام می کردند. قالیهای گلدار ایرانی الگوی آنان بود. رنگهای قهوه ای متمایل به قرمز و پرتقالی سیر بیشتر استفاده می شد. مجموعه قالیهای مهاراجه جایپور به نام قالی اصفهان هندی از این گونه است. مجموعه قالیهای گالری ملی واشنگتن و موزه متروپولیتن نشان دهنده اسلوب خاص دوره شاه جهان است که به یادگار مانده است. از نظر فنی اوج این هنر در دوره شاه جهان است، زیرا قالیبافان هندی از استادان ایرانی بهتر و جلوتر بودند و گرهای فراوان قالی و رنگ آمیزی و نقوش بدیع و زیبا مؤید این امر است. اسلوب کار در تهیه منسوجات در دوره گورکانی، با توجه به سابقه دیرینه هندوان در زمینه نساجی | طبق همان اسلوب هندی پایه گذاری شد. انواع پارچه ها مانند ململ کتان و ابریشم زرین در مراکز بافندگی معروف مثل لاهور، دکن، احمدآباد بافته می شد. ساریها و شال کمرهای زیبای هندی از عالی ترین منسوجات دنیا بودند که به سایر مناطق دنیا صادر می شد. ۳

—انحصارات بازرگانی حمل بردگان نپردازند. در سال ۱۸۰۰ م (نیز) دوره فتحعلی شاه قاجار (امتیازات و انحصارات فراوانی از سوی ایران به انگلستان داده شد. آنها در ۱۸۵۶م در جنوب بوشهر پیاده شدند. آن اشغال کردند اما سرانجام تمامی شهرهای ایران را تخلیه کردند. در این منابع نفتی خاورمیانه توجه قدرتهای دیگر مانند امریکا و آلمان را به خود جلب کرد و در قرن بیستم، نفت این منطقه بین شرکتهای انگلیسی و آمریکایی تقسیم شد. انگلیسیها با .. قطر، کویت، عراق، عمان و ایران را در دست داشتند و امریکاییها نیز نفت عربستان و بحرین را ۱۰ خود کردند. البته نباید فراموش کرد که کشور ایران در جریان استعمار بیشترین لطمه را دیده است موقعیت جغرافیایی ایران به گونه ای بود که به جولانگاه قدرتهای بزرگ تبدیل شد. مثلاً انگلستان و فرانسه که بر سر تصاحب هندوستان با یکدیگر رقابت می کردند، دامنه این درگیریها را به ایران کشاندند و آسیبهای فراوانی را بر استقلال سیاسی و اقتصادی آن وارد کردند. در قرن نوزدهم، شکستهای نظامی پی در پی ایران از روسیه و انگلستان دولت قاجار را واداشت تا به منظور حفظ ثبات خود امتیازهای اقتصادی و تجارتي زیادی را به این کشورها اعطا کند و وضعیت این کشور را به حالت نیمه استعماری «مبدل سازد. اقتصاد داخلی ایران نیز نتوانست در مقابل سیل کالاهای وارداتی روسیه و انگلیس مقاومت کند و ایران همانند هند (تنها به تولید محصولات خام کشاورزی مانند پنبه توتون و تنباکو پرداخت. بانکهای استعماری) بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه (فعالیت های مالی ایران را قبضه کردند و با دادن وامهای مکرر به شاهان و مقامات قاجار اقتصاد و سیاست ایران را به طور روزافزون زیر سلطه خود در آوردند. سایر کشورهای خاورمیانه در بین قرنهای نوزدهم و بیستم زیر سلطه استعمارگران اروپایی قرار گرفتند. استعمارگران سعی میکردند تا اقتصاد و سیاست کشورهای خاورمیانه را زیر سلطه کامل درآورند و علاوه بر آن جغرافیای سیاسی و مرزبندیهای این کشورها را بر اساس منافع خود کنند. تقسیم این سرزمینها نیز به گونه ای صورت گرفت که انواع درگیریهای قومی، مذهبی و سی را به وجود آورد. به عنوان مثال استعمارگران کردها را بین کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و شه تقسیم کردند. در لبنان نیز ترکیب اجتماعی ناهمگونی از اقوام و مذاهب مختلف شکل کره مختلف شکل گرفت و قدرت

\_\_موجب ظهور و گسترش استعما ساخته است و تلاش دولتهای بزرگ و سترش استعمار بود .این دیدگاه محور توجه خود را بر دولتها و اغراض سیاسی متمرکز . و تلاش دولتهای بزرگ جهت دستیابی به قدرت و اعتبار بیشتر، در مقایسه با رقبای د را عامل اصلی گسترش استعمارگری می داند .عده ای دیگر از نظریه پردازان معتقدند آن برای بار شد، تمایل دولتها و ملتهای کشورهای قدرتمند به گسترش سرزمینشان و داد امپراتوریهای بزرگ به منظور حفظ و تقویت روحیه ملی و تواناییهای سیاسی و نظامی بود . .وی از نظریه پردازان، استعمار را پدیده ای نژادی تلقی می کنند و معتقدند مردمان سفید پوست اروپاییان (ذاتاً از مردم نژادهای دیگر برترند و وظیفه دارند به منظور اصلاح و متمدن کردن مردمان نژادهای دیگر بر آنان حکومت کنند .بنابراین برخی دیگر از اندیشمندان، استعمار را پدیدههای اقتصادی و محصول توسعه نظام سرمایه داری نوین می دانند .آنها معتقدند که امکانات داخلی کشورهای اروپایی) بازار فروش، مواد اولیه، فرصتهای سرمایه گذاری دیگر پاسخگوی نیازهای روزافزون آنها نبود و آنها را وادار به دست اندازی بر کشورهای دیگر کرد .به اعتقاد این نظریه پردازان، استعمار در باطن خود تلاشی است برای گسترش فعالیتهای تجارتي و صنعتی بورژوازی کشورهای پیشرفته غربی در کشورهای دیگر و هدف از آن بهره برداری از منابع و امکانات آنها برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون توسعه سرمایه داری است .این دیدگاه را در میان نظریه پردازان لیبرال اقتصاد سرمایه داری و هم در میان پیروان نظریهٔ مارکسیسم می توان یافت .برای ای کار را در پی دارد .... انا انا استعمار در آسیا اولین گروه از کشورهای استعمارگر که به آسیا آمدند پرتغالیها بودند .واشکودوگاما، دریانورد پرتغالی، در سال ۱۴۹۸ م از طریق اقیانوس هند به سواحل شمال شرقی شبه جزیره هند رسید و با این اقدام دورهٔ نوینی در روابط اروپا و آسیا شکل گرفت .در این زمان کشورهای بزرگ آسیایی همانند ایران، عثمانی و چین از لحاظ پیشرفت در علوم مختلف، کشاورزی و تجارت در سطح بالایی قرار داشتند .واسکودوگاما نیز بیشتر به دنبال اهداف تجارتي بود اما آلبوکرک، ۳ سردار نظامی پرتغال، هشت سال و به دنبال فتح سرزمینهای جدید و گسترش امپراتوری پرتغال به این مناطق وارد شد .در کل و

می شود. آنها عموماً عملیاتشان قیمت سود بیشتری ببرند، یعنی با می آورند. مثلاً شرکت کی . مستقل و به ازای دریافت قسمت تحت عنوان شرکت اصلی تولیدی شرکتها با سرمایه خود می توا اما عموماً عملیاتشان را وسعت می دهند تا بتوانند با صرفه جویی در عوامل و شاخصهای پی ببرند، یعنی با افزایش سطح بازدهی و تولید، هزینه متوسط تولیدات را پایین و شرکت کوکاکولا، جنرال الکتریک و وستینگهاوس بر مبنای قرارداد با شرکتهای ای دریافت قسمتی از سود به آن شرکتها اجازه می دهند تا کالاها یا خدمات خود را . کت اصلی تولید کنند و به فروش برسانند . برخی از صاحب نظران معتقدند که این با سرمایه خود می توانند موانع رشد اقتصادی را در کشورهای جهان سوم حل کنند و با فعالیت و میوه های نوین مدیریت صنعتی را به این کشورها منتقل کنند و از طریق ایجاد رقابت باعث باری شدن بنگاهها و شرکتهای داخلی کشورهای جهان سوم شوند و سرانجام بازدهی اقتصادی تنظیم بازار و رفاه را فراهم آورند . اما در مقابل بسیاری دیگر از صاحب نظران معتقدند میزان سرمایه ای که از طریق این شرکتها وارد جهان سوم می شود در مقایسه با سرمایه ای که آنها از کشورهای جهان سوم خارج می کنند بسیار ناچیز است . آنها در مقابل سرمایه گذاری اولیه اندک از راههای مختلفی نظیر استقراض محلی استفاده از اعتبارات کشور میزبان (، سرمایه گذاری مجدد در عملیات مالی شرکتهای تابعه و سرانجام انتقال سود خالص، باعث خروج مستقیم سرمایه از کشور میزبان می شوند . ما آن را در این دسته از صاحب نظران معتقدند که سرمایه های این شرکتها معمولاً در بخشهایی به کار می افتند که چندان ارتباطی با نیازهای اقتصاد بومی کشورهای میزبان ندارند . این سرمایه ها و شرکتها در دوران استعمار معمولاً در بخشهایی نظیر معدن و کشاورزی به استثمار منابع طبیعی کشورهای میزبان می پرداختند و امروزه نیز به تولید صنعتی در کشورهای میزبان دست زده اند . یعنی - های فرعی فراملیتی در کشورهای جهان سوم فقط قطعاتی از یک کالای صنعتی را تولید و سپس آن را برای مونتاژ به دیگر شرکتها یا تابع یا کشور مادر منتقل می کنند . به علاوه شرکتها به علت سطح بالای سرمایه، فناوری و مدیریت بازاریابی امکان رقابت را از خلی کشورها میگیرند و آنها را ورشکست می سازند . برخی از همین صاحبانظران داد که حضور و فعالیت شرکتها فراملیتی در کنار تسلط اقتصادی، در امور سیاسی کشورهای می کنند و سپس آن را برای مونتاژ فعالیت این شرکتها به علت ' بنگاههای داخلی کشورها میگیرا معتقدند که حضور و فعالیت شرکتها فراملیتی میزبان نیز مداخله میکنند تا شراه ه می کنند تا شرایط سیاسی نیز با اهداف آنها منطبق شود . همچنین فعالیت این



دست داشتن اکثریت ماعی را مرکز توجه سازمان ملل نه تنها مشکلات آنها کشورهای عضو سازمان ملل متحد به دو برابر افزایش یافت و این کشورها با در دست داشتن در مجمع عمومی، مسائل مربوط به توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را مرکز توجه با قرار دادند. به دلیل تأثیر شدید استعمار کهنه بر این کشورها، استعمارزدایی آنان نه تنها مشکلا را حل نکرد، بلکه این کشورها را دچار دوگانگی ساخت. آنها از یک طرف خواستار کمکهای اقی کشورهای پیشرفته (استعمارگران سابق) هستند و از طرف دیگر نمی خواهند در مسائل داخل. دخالتی شود. کشورهای پیشرفته نیز هنوز به این کشورها و به ویژه بازارهای داخلی و مواد خام. آنها نیاز دارند و می خواهند به این مهم دست یابند. در مجموع، ارتباط کشورهای پیشرفی استعمارگران سابق (با کشورهای استقلال یافته) مستعمره سابق (به گونه ای شکل گرفته است که آن را) استعمار نو «می نامند، در این پدیده، کشورهای استعمارگر سابق از طریق حکومتهای دست نشانده و مناسبات و رژیمها و نهادهای بین المللی جدید بی آنکه نیازمند حضور مستقیم سیاسی و نظامی در مستعمرات سابق باشند، به شکل خزنده و پیچیده منافع و مطامع خود را بهتر از گذشته تضمین می کنند. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که کشورهای پیشرفته استعمارگران سابق (امروزه از طریق شرکتهای تجارتي چند ملیتی و نهادهای بین المللی چون؛ صندوق بین المللی پول بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و با بهره گیری از شرایط مختلف بین المللی و تعاملات پیچیده روزافزون جهانی) مانند جهانی شدن سعی میکنند تا بر کشورهای محروم و یا در حال توسعه تسلط یابند. بنابراین ما با بررسی این سازمانها و پدیده جهانی شدن سعی خواهیم کرد به ارزیابی استعمار نو و نقش آن در کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی بپردازیم. شرکتهای چند ملیتی روند ایجاد شرکتهای چندملیتی اساسا از امریکا آغاز شد. مقر اصلی این شرکتهای در یک کشور است ۲ عملیاتشان از طریق شرکتهای مستقل یا وابسته در سایر کشورها صورت می گیرد. سخ چندملیتی که به شرکتهای فراملیتی نیز معروف اند به دلیل پیشرفت فناوری و تولید انبوه میکنند که دامنه فعالیتشان را به کشورهای دیگر توسعه دهند. مرحله بعد شامل به وج سازمانهایی برای فروش در خارج است و میل به حالت چندملیتی شدن نیز از این مر انت متن -اوری و تولید انبوه، نیاز پیدا بعد شامل به وجود آوردن از این مرحله آغاز

کشورهایی که این تدابیر و و راه حل‌های صندوق بین‌المللی به و منافع کشورهای صنعتی غرب را تش‌ مینه تامین مالی خارجی متکی شود. تدابیر مورد علاقه بانک دیا که این تدابیر در آنها اجرا می‌شود، موجب بیشتر شدن کل اختلاف درآمدها شده است. صندوق بین‌المللی پول به استمرار نظم فعلی در مناسبات اقتصاد بین‌المللی کمک می‌کند های صنعتی غرب را تضمین می‌کند. به عبارتی منابع مالی تنها در صورتی به کشورهای انه اعطا خواهد شد که پیشنهادها و تدابیر سیاست‌های اقتصادی صندوق اجرا گردد. : توسعه یافته اعطا - جهانی شدن و پیامدهای آن یکی دیگر از پدیده‌هایی که دنیای امروز آن را تجربه می‌کند، جهانی شدن است. به طور خلاصه می‌توان گفت: جهانی شدن هم به صورت یک روند (پروژه تعریف شده و هم به صورت یک پروژه یعنی برخی از صاحب‌نظران معتقدند با افزایش و توسعه و پیشرفت در ابزارهای ارتباطات جمعی، رسانه‌های جمعی و ... تعاملات بشری با سرعت و سهولت بیشتری صورت می‌گیرد به گونه‌ای که مرزهای بین دولتها به طور روزافزون کمرنگ‌تر می‌شود و حاکمیت آنها تحت تأثیر بازیگران غیردولتی به چالش کشانده می‌شود، و به طور کلی باید گفت که دنیا به مکان واحد و کوچکی تبدیل می‌گردد، یعنی کوچک‌ترین مسئله در گوشه‌ای از جهان بلافاصله در نقاط مختلف جهان طنین می‌یابد. در این جهان به هم تنیده کشورها همچون شبکه‌ای عنکبوتی به هم متصل گشته‌اند که گسترش شبکه جهانی اینترنت به این روند بسیار کمک کرده است، تا فرهنگ جهانی واحدی تشکیل گردد در مقابل عده‌ای معتقدند که جهانی شدن پروژه‌ای است که کشورهای پیشرفته به اجرا ورده‌اند تا به چپاول هر چه بیشتر کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بپردازند. به اعتقاد آنها کا سن تنها به ضرر کشورهای جهان سوم خواهد بود، زیرا با از بین رفتن مرزهای حاکمیت و کنترل دولتها بر قوانین تعرفه و گمرک، اقتصاد این کشورها از هم فرو خواهد پاشید و آنها محکوم به اجرای قوانین کشورهای پیشرفته خواهند بود. به اعتقاد گروهی دیگر از همین اندیشمندان، پیامدهای منفی جهانی شدن به بعد اقتصادی محدود نمی‌شود و کشورهای امپریالیستی سعی می‌کنند که ف‌جای دیگر تحمیل کنند. مثلاً ایالات متحده در قالب فیلم‌های می‌کنند که فرهنگ خود را بر کشورهای دیگر تحمیل.

اند ولی به هر صورت در تثبیت پرتغالیها دارای انگیزه های تجارتی، سیاسی - نظامی و مذهبی بودند ولی به هر می ...

موقعیت خود در این منطقه از جهان چندان موفق نبودند و تنها به تجارت و مسائل مربوط پرداختند. باید توجه داشت که پرتغالیها در اروپا به عنوان واسطه ای تجارتی بین آسیا و شمال .. عمل می کردند. آنها تا اواخر قرن شانزدهم هلند را زیر نفوذ تجارتی خود داشتند، اما از اوایا هفدهم هلندیها در صدد برآمدند تا خود به طور مستقیم با آسیا وارد تجارت شوند. پس از جان انگلیسیها و سپس فرانسویها وارد آسیا شدند. روابط استعماری اروپاییان در آسیا به دو دوره تقسیم می شود: دوره نخست از سال ۱۴۹۸ م اغان: می شود و در سال ۱۷۵۷م با پیروزی نظامی انگلیسیها بر هندیه خاتمه می یابد. اروپاییان در این دوره سعی داشتند تا با بهره گیری از قدرت دریانوردی و سلاحهای آتشین خود به افزایش روابط تجارتی خود با این سرزمینها بپردازند و به محصولات مرغوب آنان مانند ادویه، پارچه و زینت آلات دسترسی پیدا کنند. در همین دوره شرکتهای تجارتی متعددی تشکیل شد که آنها نیز به دنبال دستیابی به امتیازات و انحصار تجارتی بودند. از جمله این شرکتهای میتوان به «شرکت سرزمینهای دور «هلند» ۱۵۹۴ م)، «شرکت هند شرقی هلند»، «شرکت هند شرقی انگلستان» (۱۶۰۰ م) و شرکت فرانسه (۱۶۰۴ م) اشاره کرد. همه این شرکتهای از حمایت سیاسی و نظامی دولتهای خود برخوردار بودند و برای تسلط به مناطق مختلف آسیا رقابت سختی با یکدیگر داشتند. دوره دوم از ۱۷۵۷ تا ۱۸۵۸ است که دخالت اروپاییان غیرمستقیم و کمتر شکل نظامی دارد. برای مثال کشور هند از ۱۷۵۷ م تا ۱۸۵۸ زیر سلطه کمپانی هند شرقی بود و دولت انگلستان فقط دورادور از این کمپانی حمایت می کرد اما از آن پس دولت انگلستان رأساً حکومت هند را در دست گرفت و هند به عنوان ملک ملت بریتانیا «و تابع پارلمان انگلیس شناخته شد. سیاستهای کمپانی هند شرقی و دو انگلستان باعث شد تا هندوستان که خود از تولیدکنندگان و صادرکنندگان پارچه بود به وار پارچه تبدیل شود و صادراتش تنها به مواد خام پارچه) مانند پنبه محدود گردد. کشورهای جه شرقی و جنوبی آسیا از این پدیده مستثنا نبودند و هلندیها کشور اندونزی را در دست داشتند کشت محصولات مانده قهوه و شکر را در اندونزی گسترش دادند و همانند انگلیسیها در هه چه بود به واردکننده ی را در دست داشتند. هلندیها پسی ها در هند، ساختار

\_\_سیاسی بین اقوام و پیروان مذاهب مخ قدرتهای استعمارگر، به فلسطین ن ے را به وجود آوردند .به عبارت اقوام و پیروان مذاهب مختلف به گونه ای نامتعادل و متزلزل تقسیم شد تا زمینه های قومی و مذهبی فراهم شود .یهودیان سرتاسر جهان نیز با برخورداری از حمایت استعمارگر، به فلسطین آمدند و با تشکیل دولت یهودی بزرگترین معضل خاورمیانه و دنیا یاد آوردند . به عبارتی مجموعه اقدامات استعمار در کشورهای خاورمیانه این منطقه از جهان تین درگیری و اشوب تبدیل کرد به گونه ای که امروزه با شنیدن نام خاورمیانه تصویر ناآرامی و می بر ذهن نقش می بندده ام وی ام به طور خلاصه استعمار با ورودش به کشورهای مختلف جهان بر ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن کشورها تأثیر مستقیم و غیرمستقیم گذاشت به گونه ای که هنوز بسیاری از آثار و پیامدهای حضور استعمار در این کشورها مشاهده می شود .کشورهای اسلامی نیز از این قضایا مستثنا نبود و همان طور که گفتیم حضور استعمار موجب تغییر ساختار اقتصادی، تخلیه منابع طبیعی، انسانی و انتقال آنها به کشورهای استعمارگر و تغییر ساختار و قشریندی اجتماعی این کشورها شد و مهم تر از همه، بر فرهنگ و تمدن این کشورها تأثیر منفی گذاشت که در بخش استعمار نو بیشتر به آن می پردازیم .کار دارد و او را با دادستان ایرانی را با ای ن داستان استعمار نو همان طور که اشاره شد، شکل اولیه استعمار چنان بود که برای قدرت استعمارگر امنیت نظامی، منافع اقتصادی و به طور کل برتری بیشتری را در مقایسه با قدرتهای رقیب آن به ارمغان بیاورد .استعمارگران اروپایی از طریق فتوحات نظامی یا مهاجرت و مهاجرنشین، کشورهای دیگر را زیر سلطه خود در آوردند و با ایجاد کمپانیهای تجارتی، اقتصاد این کشورها را تحت تأثیر شدید فعالیتهای بازرگانی خود قرار دادند .بین سالهای ۱۷۶۳ م تا ۱۸۷۰ رشد استعمار کمتر بود، زیرا اروپاییان درگیر مسائل داخلی و انقلابهای آزادیخواهانه و انقلاب صنعتی بودند .اما از سال ۱۸۷۰ تا جنگ جهانی اول، رشد استعمار بسیار وسیع بود و تمامی افریقا و خاور دور را در برگرفت .اما بعد از جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد و به ویژه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، شاهد رشد سریع جریان استعمارزدایی( مبارزه برای کسب استقلال سیاسی بودیم، به طوری که تعداد الس

غیر مستقیم کشورهای قدرتمند بر کشورهای دیگر، عنوان امپریالیسم داده شد. پیدایش استعمار با ظهور کشورهای قدرتمند اروپایی آن زمان یعنی انگلیس، فرانسه، بے اسپانیا و ... همراه بود. بعد از کشف راههای دریایی در اطراف افریقای جنوب شرقی (۱۴۸۸ م (وکده قاره آمریکا در سال ۱۴۹۲ م، مسافرتها دریایی به منظور استعمار و کشف سرزمینهای جدید آن شد. آنها در ابتدا به دنبال طلا، عاج، اشیاء قیمتی و ... بودند، اما رفته رفته انگیزه های مس اقتصادی نظیر تجارت، انتقال مواد اولیه معدنی و کشاورزی به سرزمینهای اروپایی و فروش کالاهای اروپایی به فعالیت های استعماری وسعت بخشید. کشورهای استعمارگر خیلی زود دریافتند که برای تداوم بهره کشی لازم است که بر جوامع مستعمره خود نظارت سیاسی داشته باشند و حتی فرهنگ آنها را تحت کنترل درآورند. این کار در سرزمینها و جوامعی مانند جوامع بومی آمریکا، افریقا و اقیانوسیه که مراکز اقتدار و فرهنگ و تمدن بومی آنها ضعیف بود یا در اولین یورشهای استعمار فروریخته بود، بسیار راحت صورت گرفت. در این سرزمینها مراکز قدرتی به وجود آمد که تماما زیر نظارت استعمارگران بود. استعمارگران در این کشورها در کنار نهادها و مؤسسات سنتی بومیان معمولا نهادها، سازمانها، شیوه ها و مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی ایجاد کردند که در حقیقت، پاسخ به نیازهای استعماری خودشان بود و نه نیازهای مردمان بومی آن سرزمینها. استعمارگران در برخورد با کشورهایی که از قدرت بالایی برخوردار بودند و قادر به تسلط کامل بر آنها نبودند، مانند ایران و چین، سعی کردند تا تغییراتی را به منظور حفظ منافع و تأمین نیازهای خود در این کشورها به وجود آورند. مثلا ساختار اقتصادی این کشورها را به گونه ای تغییر دادند که آنها تنها برآورنده نیازهای بازار جهانی شدند و نه برآورنده نیازهای بازار داخلی را دارد علل پیدایش استعمار او را دارد اما در اسان تان را دارد و از او خواهد شد نظریه پردازان در زمینه دلایل ظهور و گسترش استعمار نظریات متعددی ارائه داده و این پدیده جنبه های مختلف ارزیابی کرده اند. دسته ای از نظریه پردازان استعمار را از بعد سیاسی برره عنوان کرده اند که رقابتهای سیاسی و نظامی قدرتهای بزرگ اروپایی طی قرن شانزدهم و ان شانزدهم و بعد از آن،

ـ شرکتها باعث برخی تنشهای اجتماعی و تعارضات فرهنگی می شود. زیرا آنها مجمو عیار و الگوهای رفتاری را با خود به همراه می آورند که با فرهنگ بومی ناسازگار است. ۱۰ نما مجموعه ای از ارزشها نهادهای مالی بین المللی برخی از نهادها و سازمانهای بین المللی وابسته به سازمان ملل که از مهم ترین آنها می تواند جهانی و صندوق بین المللی پول اشاره کرد بعد از جنگ جهانی دوم و به منظور مدیریت امور مال . سطح بین المللی و پیشگیری از تکرار بحرانهایی همانند بحران مالی دهه ۱۹۳۰ که با نوسانات و نرخهای تبدیل و کاهش رقابتی ارزش پول همراه بود به وجود آمدند. با وجود آنکه این سازمانها شاما کشورهای متعدد جهان است اما غلبه کشورهای قدرتمند و استعمارگران سابق در تصمیم گیریهای کلیدی آنها کاملا آشکار است، مثلا امریکا با داشتن یک پنجم سهام صندوق بین المللی پول، که در آن قدرت رأی هر عضو بر اساس سهمیه اش است، نقشی تعیین کننده دارد'. چون کشورهای توسعه نیافته نمی توانند مشکلات خود را تنها از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فعالیت شرکتهای فراملیتی برطرف سازند به استقراض خارجی روی می آورند که یکی از راههای متعدد آن دریافت وام یا استقراض از همین مؤسسات مالی بین المللی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. اما دریافت این گونه وامها الزاما آثار مثبتی بر اقتصاد کشورهای دریافت کننده وام نداشته و بالعکس موجب بحرانهای مختلف اقتصادی از جمله بحران بدهی کشورهای جهان سوم در دهه هفتاد شد. همچنین دریافت این وامها توأم با پذیرش سیاستهای مؤسسات مالی بین المللی است که معمولا تأمین کننده منافع کشورهای پیشرفته) استعمارگران سابق (است. برخی معتقدند که صندوق جهانی پول و بانک جهانی بر رشد اقتصادی کشورهای (سلطه بر اساس گشودن دروازه کشورهای در حال توسعه به روی کشورهای صنعتی تاکید می برای دستیابی به چنین رشدی باید تا آنجا که ممکن است قرض کرد. از برقراری حقوق کمر پرداخت سوپسید که به مبادلات بازرگانی لطمه می زند خودداری و جریان سرمایه ها را تسهیل کرد عبارت دیگر، جهان سوم باید خود را با تحول اقتصادی کشورهای توسعه یافته تطبیق دهد و - میدا کنترل نیازهای روبه رشد رشد، توام با کسری قرار گرفته و به اقدامات صندوق بین المللی پول برای کنترل نیازهای و

## بخش نهم علل متأخر رکود فرهنگ و تمدن

**اسلامی** . استعمار کهنه و نوانا . . . استعمار کهنه استعمار کهنه اداره ده از جمله عوامل متأخر تأثیرگذار بر

رکود فرهنگ و تمدن اسلامی استعمار است . در این گفتار کوتاه . سعی خواهیم کرد تا با ارائه تعاریف مناسب از استعمار، به تجزیه و تحلیل عوامل پیدایش و تاریخچه ورود آن به کشورهای اسلامی بپردازیم و آثار و پیامدهای آن را بر فرهنگ و تمدن اسلامی مفهوم و تاریخچه استعماری ایران استعمار از لحاظ لغوی به معنای آباد کردن است؛ اما از لحاظ سیاسی به معنی حاکمیت گروهی از افراد بر مردم یا بر سرزمین دیگر است . در تعریف دیگر، استعمار به عنوان پدیده‌های سیاسی - اقتصادی تعریف شده است که این پدیده حدوداً از سال ۱۵۰۰م آغاز شده و در طول این مدت استعمارگران برخی از کشورهای اروپایی مناطق وسیعی از دنیا را کشف کردند و در آنجا ساکن شدند و به بهره برداری پرداختند . برخی از صاحب نظران معتقدند که استعمار به دوران باستان برمی گردد و اقدامات حکومت‌های باستانی نظیر فینیقیه و یونانیه و سرانجام رومیها در ایجاد پایگاههایی خارج از سرزمین خود را، به منظور استفاده از آنها برای تجارت با جنگ یا گسترش فرهنگ خود، نوعی استعمار می دانند . مارکسیستها به جای کلمه استعمار از کلمه ای مشابه به نام «امپریالیسم» استفاده می کنند . امپریالیسم در حقیقت به حکومتی اطلاق میشد که در آن، یک حاکم نیرومند بر بسیاری از سرزمینهای دور و نزدیک حکومت داشت (امپراتوری ولی بعدها به هرگونه حاکمیت مستقیم و

جمادی این کشور را تغییر دادند. فرانسویها در هندوچین وارد شدند و به اعمال شیوه های استعماری مشابه پرداختند، به طوری که بین سالهای ۱۷۴۷ م تا ۱۸۵۰ تمامی کشورهای هندوچین (به بنای تایلند (به تصرف آنها درآمده بود. آنها در کشور تایلند به شیوه غیر مستقیم عمل کردند و با رفتن امتیازات متعدد در زمینه کشتیرانی، فعالیت تجاری، امتیازات گمرکی و حتی حق کاپیتولاسیون، به تعقیب منافع استعماری خود پرداختند. چین نیز هدف حملات استعماری واقع شده این کشور با جمعیت فراوان، توجه بازار کشورهای استعماری را به خود جلب کرد. مثلاً اروپاییان و به ویژه انگلیسیها به چین تریاک وارد می کردند، دولت چین نیز اقداماتی را برای محدود ساختن این تجارت اتخاذ کرد که نهایتاً این جریانها به جنگ تریاک (۱۸۴۲ م) و شکست چین منتهی شد. چند سال بعد از این جنگ، فرانسه و انگلستان مشترکاً به چین حمله کردند، این کشور را شکست دادند و چین را وادار به دادن امتیازات متعددی در زمینه کشتیرانی، گمرک، تجارت و کردند. بدین صورت اقتصاد چین تحت تأثیر اقتصاد استعماری واقع شد و رو به افول نهاد به طوری که میلیونها چینی به امید یافتن کار در سرزمینهای دیگر سرزمین خود را ترک کردند و به کارهای سخت در کشورهای اروپایی و آمریکایی پرداختند. دار د استعمار در خاورمیانه و خلیج فارس اروپاییان سعی داشتند تا از طریق اکتشافات دریایی بر حوزه قدرت و تسلط خود بیفزایند و ذخایر بیشتری از ثروت را به خود اختصاص دهند. پرتغالیها در سالهای نخستین قرن شانزدهم پا به خلیج فارس گذاشتند و دریا سالار آلبوکرک پرتغالی، جزیره هرمز را در ۱۵۱۴ م تصرف کرد. آنها در سال ۱۵۱۲ م نیز گمبرون (بندرعباس) را که مرکز عمده تجارتی محسوب میشد، اشغال کرده بودند. آنها نزدیک به یک قرن بر منطقه خلیج فارس تسلط داشتند تا آنکه شاه عباس صفوی با عقد قرارداد مشترک با انگلیسیها و کمک گرفتن از نیروی دریایی آنها توانست پرتغالیها را برای همیشه از خلیج فارس بیرون کند، اما انگلیسیها به نفوذ خود در این منطقه ادامه دادند که از جمله دلایل آن اهمیت سوق الجیشی خلیج فارس بود. آنها باشیوخ عرب قرارداد بستند و این شیوخ ضمن به رسمیت به عنوان قاضی، مصلح و میانجی تعهد کردند که به دزدی دریایی، قاچاق ایا ساختن انگلیس را به رو



اعلام هالیوودی سعی میکند تا فرهنگ مصرف و الگوی زندگی امریکایی را در سطح جهان گه تا آنجا که برخی جهانی شدن را برابر با امریکایی شدن می دانند. ترویج الگوهای سیاسی و تحت لوای دموکراسی و ارزشهای لیبرالی (از جمله حقوق بشر) عامل دیگری است که در حاکمیت کشورهای جهان سوم نقش داشته است. کشورهای غربی با تبلیغ این نظام حکومت دارند تا شکل حکومتی همه کشورهای جهان به ویژه کشورهای خاورمیانه را مطابق با العب خود در آورند و در این مسیر از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند کرد. بنابراین، جهانی شدن با سه روزافزونی ساختار حکومتهای کشورهای ضعیف تر را متزلزل می سازد و این روند تنها به سود کشورهای پیشرفته است. در مجموع می توان گفت که اگرچه دوران استعمار کهنه به پایان رسیده است و کشورهای مستعمره استقلال یافته اند، اما روندی در حال شکل گیری است که به مراتب پیچیده تر و قوی تر از استعمار کهنه عمل می کند. استعمار نو از جنبه های مختلف سعی میکند تا با نفوذ در کشورهای دیگر کانالهایی برای استخراج ثروتهای فکری و مادی این کشورها ایجاد کند که در مقایسه با گذشته بسیار سهمگین تر و مخرب تر است  $\text{|||||||} = \text{تتا } 2$ . شرق شناسی شرق شناسی یکی از مهم ترین رشته های مطالعاتی است که در دوران جدید شکل گرفته و اندیشمندان غربی فعال در این زمینه مدعی هستند که با پژوهشهای عینیت گرا در مورد شرق توانسته اند نکات و زوایای پنهانی را به شرقیان بشناسانند که شرقیان خود توانایی رسیدن به آن نداشته اند. مارکس بر آن بود که شرقیان نمی توانند خویشتن را آشکار سازند و استعدادهای خود را نمایان کنند؛ بنابراین، باید در این راه به آنها کمک کرد ولی آیا این گفتمان آن گونه که بسیاری از شرق شناسان مدعی آن هستند، گفتمانی علمی و عینی است یا، چنانکه منتقدان غربی و غیر غربی شرق شناسی می گویند، گفتمانی است مبتنی بر قدرت و تحکیم قدرت و در جهت مشروعیت به به آن، و ابزاری برای تحکیم و توجیه قدرت غربیان استعمارگر. شرق نه تنها همسایه چسبیده است، بلکه در زمره بزرگترین و ثروتمندترین مستعمرات اروپا و سرچشمه تمدن آن و نیر فرهنگی آن به شمار می رود. شرق شناسی نیز به بیان و تعریف فرهنگی و عقیدتی این و تنها همسایه چسبیده به اروپا، و عقیدتی این موضوع

می پردازد. تشرق ساسی، بدین ترتیب، گفتمان بوروکراسی استعماری و ماسی، بدین ترتیب، گفتمانی غربی است که نهادها و ادبیات و مطالعات و باورها و استعماری خاص خود را دارد. تعریف مقبول تر شرق شناسی تعریف علمی آن است که بر اساس آن هر کس به تدریس و نوشتن و پژوهش پیرامون شرق پردازد؛ چه انسان شناس باشد و به جامعه شناس یا مورخ یا زبان شناس، شرق شناس خواهد بود و آنچه انجام میدهد شرق شناسی است. ولی این میراث دانشگاهی در پیوند با معنایی عام تر از شرق شناسی است و آن اینکه شناسی شیوه و روشی در اندیشه است که بر پایه تمایز هستی شناختی و معرفت شناختی میان شرق و غرب قرار دارد.؟ شرق شناسی می تواند، به اختصار، به مثابه شیوه و روشی پرداخته غرب برای سلطه و استعمار شرق و حاکمیت بر آن بررسی شود. اگر شرق شناسی به منزله یک گفتمان بررسی نشود، هیچگاه نخواهیم توانست شاخه های بسیار منظمی را درک کنیم که از طریق آن، غرب و فرهنگ غربی توانست در حوزه های سیاسی و جامعه شناسی و عقیدتی و علمی، شرق را بازشناسی و حتی بازآفرینی کند و آن را از نو به صورت پدیده های مورد بازاندیشی قرار دهد.۳ در میان پژوهشگران درباره نقطه آغاز مطالعات شرق شناسی اجماع نظر وجود ندارد. برخی اندیشمندان تاریخچه مطالعات شرق شناختی را بسیار قدیمی دانسته و آغازگر آن را هرودوت و مطالعات وی در مورد ملتهای شرقی قلمداد می کنند. قرار دارد و او را برخی دیگر، از جمله ادوارد سعید، نیز با بررسی نهادهای مربوط به شرق شناسی آغاز شرق شناسی را پیدایش کرسیهای دانشگاهی در زمینه مطالعات عربی، یونانی، عبری و سریانی در دانشگاههایی، همچون پاریس، آکسفورد، اوپنینون و سلامانکا، بر اساس تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲م می دانند. ه. ا را در پایان داده اند. در بار اول : ا نا برخی دیگر از اندیشمندان نیز ظهور کلمه «شرق شناسی و مشتقات آن را در مجامع علمی، آغاز این گونه پژوهشها قلمداد می کنند. چه، کلمه» مستشرق «در انگلیس در سال ۱۷۷۹ و در فرانسه در سال ۱۷۹۹، رواج یافت و مفهوم شرق شناسی نیز در لس شرق شناسی نیز در سال ۱۸۳۸ برای نخستین بار وارد فرهنگ

دانشگاهی فرانسه شد. اما در واقع، نقطه اوج مطالعات شرق شناسی در اروپا را می توان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مشاهده کرد. اگرچه تاریخ شرق شناسی بسیار فراتر از این است و در یک جمع بندی کلی، می توان مطالعات شرق شناسی را در دو مرحله بررسی کرد، که دره ی از آنها شرق شناسی جلوه ای خاص به خود می گیرد، او را از .. خاستگاه و نقطه آغاز شرق شناسی در پیوند با کلیسای اروپایی است و هدف آن نیز محافظت از عقاید مسیحی در برابر تهدیدات ناشی از اندیشه اسلامی و برتری آن بوده است. بدین ترتیب، شرق شناسی در طی این دوران جلوه های تدافعی و معطوف به درون به خود گرفت که هدف از آن، تحریف چهره اسلام و اندیشه اسلامی و ارائه تصویری نامناسب و نامقبول از آن بود تا بدین ترتیب، انسان اروپایی را از عقاید اسلامی دور کند و از باورها و آموزه های مسیحیت حاکم بر آن روزگار دفاع کند. ۱۰۳ برخی از اندیشمندان، از جمله فؤاد زکریا، این هدف را به تمام تاریخ شرق شناسی تعمیم داده و هدف از کل شرق شناسی را دفاع از هویت خویشتن می دانند. این ۲۰۰. پس از این مرحله که مطالعات شرق شناسی رنگ و بویی معطوف به درون داشت، دوره های آغاز شد که می توان آن را شرق شناسی پیوسته به استعمار نامید؛ که طی آن، شرق شناسی چهره های معطوف به بیرون به خود گرفت و در کنار گرایش مسیحیگرانه خود، رنگ و بویی سلطه مدارانه نیز پیدا کرد. از همان آغاز، پژوهشگران این عرصه سعی در ارائه تصویری دقیق از واقعیت سرزمینهای مورد مطالعه خویش به حکومت های متبوع خود کردند تا بدین ترتیب، بتوانند بر اساس آن تحلیلها با این جوامع برخورد کنند و بر آنان سلطه یابند و به غارت منابع آنان بپردازند. ۴۰ بررسی تاریخ اندیشه فرانسوی و آلمانی و انگلیسی در قرن نوزدهم، نزدیکی و پیوند آشکار می ورود غرب به حوزه توسعه طلبی اقتصادی و جغرافیایی و ظهور نظریه های جامعه شناسی جدید نمایان می سازد. بدین ترتیب، شاخه های جدید جامعه شناسی چیزی نخواهد بود جز دانش

پانی استعماری که بدون هیچ توجهی به منافع ملت‌های تحت حکومت در خدمت اهداف استعمارگرانه دولتهای استعماری است در قرن بیستم نیز شرق شناسی از طریق دو ابزار و راهکار، در سلطه غرب بر جهان نقش داشته است. [۱]، استفاده از امکانات نوین معرفت و دانش و ابزارهای گسترش آن، از جمله مدارس و دانشگاهها و مطبوعات، برای بازسازی عقلانیت شرقیها و درآمیختن آن با فرهنگ غرب به گونه ای که عقلانیت شرقی، خود را همسان و شبیه عقلانیت (گفتمان غربی حس کند و در را به روی ارزشها و پایه های آن بگشاید. الزامات پر ان ک ا کردار ادا کیا اور ایران و استادان را به خروج برخی از شرق شناسان از چارچوب نظری علم و ورود آنها به حوزه های عملی که اهداف دولتهای اروپایی را در سلطه و نفوذ در کشورهای دیگر فراهم سازد. بدین ترتیب، این مطالعات در خدمت اهداف سیاسی قرار داشته و از چارچوبهای غیرعلمی نیز سود برده است و اگرچه به برخی نتایج مفید دست یافته، توانسته است قسمت مهمی از حقایق اجتماعی سرزمینهای شرقی را بشناساند. ولی این واقعیتها ابدا رو به سوی اهداف علمی خاصی نداشته اند. ۳. بنابراین، شرق شناسی را می توان در چارچوب عام برخورد غرب و شرق، بازکاوی کرد که در این ورده پدیده شرق شناسی، گفتمانی است که غریبهها پیرامون شرقیها و از جمله مسلمانان مطرح کرده اند. ب ر ای دوستان اور ان ملا طبیعی می نماید که این گفتمان را برخی اندیشمندان شرقی مورد انتقاد قرار دهند. البته، انتقادات تنها متوجه غریبان شرق شناس نیست و حتی رو به سوی غربگرایانی که در پی ماههای غربی و تطبیق آنها در مطالعات خویش هستند نیز دارد. انا ان انا آن به صراحت، سخن از عدم صلاحیت شرق شناسان در سخن گفتن از !!! = " " " - IFTT از این رو طبیعی می لبه تیز این انتقادات تنها متوح عمل به دیدگاههای غربی و برخی از منتقدان به صراحت،

اسلام رانده اند. زیرا به نظر آنان شرق شناسان هیچ کدام از معیارهای بی طرفی، که برای یک بررسی علمی لازم است، را دارا نیستند. تاریخ آنان شامل جنگهای صلیبی علیه مسلمانان و اتهامات آنان به پیامبر و رد طبیعت الاهی وحی و جهل آنان در اطلاع از زبان عربی و نیز پشتیبانی از یهودیان علیه مسلمانان، بی طرفی آنان را خدشه دار کرده است. البته انتقاد از شرق شناسی و اعتراف به کاستیها و سوگیریهای خاص آن، به اندیشمندان شرقی محدود نبوده و حتی برخی از اندیشمندان و شرق شناسان غربی نیز به این راه رفته اند. و ایوانز بریچارد بر آن است که شرق شناسی در خدمت حکومتهای استعمارگر قرار داشته است. وی اشاره کرده است که اگر سیاست حکومتهای استعمارگر آن است که از طریق رؤسا به حکومت خویش بر مستعمرات ادامه دهند؛ بنابراین، بهتر آن بود که این رؤسا و کارویژه های آنان را در جامعه بشناسیم و از میزان قدرت و نوع امتیازاتی که از آن بهره مند هستند آگاه شویم؛ زیرا اگر هدف سیاست ما اداره یک سرزمین بر اساس قوانین و عادات سنتی آن است، بنابراین در آغاز باید از طبیعت این قوانین آگاه شویم. از ماکسیم رودنسون نیز، که خود یکی از چهره های مطرح در زمینه شرق شناسی است، با اشاره به اعمال و نوشته های هارتمن و لئون کاتیانی در مورد خاستگاهها و ریشه های اسلام، دیدگاه آن دو را دیدگاهی اقتصاد محور و تک عاملی می خواند که برای بررسی اسلام و تاریخ آن تنها به عامل اقتصاد نظر کرده اند. رودنسون با انتقاد به نظر آن دو، آن را تحت تأثیر آرای حاکم بر آن روزگار می داند. وی با اشاره به فعالیتها و پژوهشهای دیگر اندیشمندان نتایج آنان را فاجعه آمیز توصیف می کند. رودنسون، با انتقاد از نگرش اروپا محور شرق شناسان، نتیجه می گیرد شرق شناسی کلاسیکه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، از آموزه ها و افکار حاکم بر اروپای آن روزگار، مبنی بر اروپا مرکزی و ایدئالیسم، پیروی می کرده است. ه. م. یم

از اطلاعاتی که به آن در با وجود برشمردن این کاستیها، معتقد است که نمی توان چشم بر اهمیت بسیاری سی به آن دست یافته اند بست، و منکر انباشت اطلاعات مفید بسیاری شد. از دید اما اکنون به وسیله اطلاعات آنها به مطالبی دست یافته ایم که پژوهشگران آن زمان، دست نیافتند. د. در درون جهان اسلام، می توان دو نقطه عطف اساسی را در نقد شرق شناسی دنبال کرد؛ و مربوط به مقاله «شرق شناسی در بحران» نوشته انور عبدالملک نویسنده مصری است که در فرانسه، در سال ۱۹۶۳ به چاپ رسید و دوم، کتاب شرق شناسی ادوارد سعید چاپ ۱۹۷۸ بود. از دید انور عبدالملک، نگرش جهانگردان اروپایی و مبشران مسیحی به اسلام که از منابع مهم شرق شناسی است، سخت کینه توزانه، دروغ، ساختگی و تحریف شده و علیه باورهای اسلام است. ۳. انور عبدالملک، در انتقادهای خویش از مطالعات شرق شناسی، ریزبینانه به این مسئله پرداخته است که شرق شناسان به اندازه کافی به تاریخ معاصر ملت های شرقی «نپرداخته اند. از دید عبدالملک، علت این کار، فرار شرق شناسان از پژوهش در زمینه تاریخ جدید شرق است. زیرا این دوره به علت همراه شدن با استعمارگری، همواره شاهد وجود واقعیتهایی به نام دشمنی با غرب و غربیان در میان این ملتها بوده است. و او را دارد و او را دارم و با خودتان را در این کشتی ایران. نکته حائز اهمیت دیگر این است که بیشتر شرق شناسان سده هجدهم و نوزدهم و حتی بیستم ان وزارت امور خارجه دولتهای متبوع خویش در سرزمینهای استعمار شده بودند، از جمله می توان به شرق شناس معروف فرانسوی، ارنست رنان اشاره کرد که برنامه ریز استعمارگران فرانسوی به شمار می رفته ان د در راستای انتقادهایی که به شرق شناسی وارد است می توان به پایه هایی اشاره کرد که شناسی بر آنها قرار گرفته است، از جمله این پایه هاست، نگرش به مسیحیت اروپایی به عنوان هنجار و معیاری برای ارزیابی دیگر ادیان، به گونه ای که شرق شناسی بر ادم

\_\_کند و معیار پذیرش این . اگر این لایان با مقوله های اصلی در آیین مسیحیت هماهنگ نباشند، رد می شوند و معاینه ادیان، انطباق آنها با مسیحیت رایج در اروپاست | ۲۰. بررسی جوامع « شرقی » و ارزیابی این جوامع بر اساس معیارها و هنجارهای متضادی تجارب اروپایی گردآمده است . ۳۰. نگرش نژادگرایانه، که بشریت را به دو دسته « ما » و « دیگران » تقسیم و ملتهای جهان را با اطلاق نژادهای والا و نژادهای پست جدا میکند . بدین ترتیب، شرق شناسان به بیان ویژگیهای اروپاییان تمدن ساز و صاحبان ابتکار و بررسی ویژگیهای مسلمانان، به زعم آنان، سطحی اندر می پردازند . ۱۰ ن د ۴ . تجربه اروپا را الگوی هنجاری و معیار تحول بشری انگاشتن و نگرش به تاریخ کل جهان بر اساس تاریخ اروپا و از دریچه آن ۵ . ساده نگری مبالغه آمیز و متناقض در نگرش به شرق؛ به گونه ای که هر آنچه به جز اروپا بود، در زمره شرق انگاشته شد و هویت همانندی به آنان داده شد و بر همه آن مجموعه های گوناگون تام « شرق » اطلاق گردید . ۱۰ ما انا در یک جمع بندی می توان پیوند شرق شناسان و استعمار و خدمت آنان به دولتهای استعمارگر را همچون الن روسیون به این شکل نشان دادن رات اور درد اعمال سلطه - . حوزه رهبری و جوامع شرقی غربی نصیحت و راهنمایی ارائه تصویری از شرق شرق شناسان بدین ترتیب، شرق شناسان با مطالعه جوامع شرقی، تصویری از آن ارائه می دهند و براساس این تصویر به دست آمده، به حوزه رهبری دولتهای استعمارگر، راهنماییها و عمارگر، راهنماییها و نصایحی

\_\_کنند تا حوزه رهبری، سلطه‌و جی شرق شناسی نوین نیز حتی اگر بکوشد، ته پس ارائه چنین تصویری، خدمت و از این رو، شرق شناسی اکنون در جایگا درباره آن بنویسد یا ببندیشد، نمی تواند اند و سلطه . و حکومت خود را بر جوامع شرقی ادامه دهند : .حتی اگر بکوشد، تصویری واقع گرایانه از ملتها و جوامع شرقی ارائه دهد، باز تصویری، خدمت به کشورهای استعمارگر است .با مردم شناسی اکنون در جایگاهی قرار گرفته است که اگر پژوهشگری بخواهد از شرق و ببندیشد، نمی تواند از دیوارها و موانعی بگذرد که بر سر راه فهم شرق قرار داده بود .به بیان دیگر، شرق اکنون، به دلیل وجود شرق شناسی، نمی تواند موضوعی آزاد برای تگرا و بی طرف باشد .این نکته بدان معنا نیست که تنها شرق شناسی و دست اندرکاران : یعنی شرق شناسان هستند که به پژوهش در باب شرق مشغول اند، بلکه به آن معناست که شرق شناسی شبکه ای از منافع کلی و عام را به وجود می آورد که در هر جایگاهی که این هستی عجیب و خارق العاده، یعنی شرق، مورد بررسی قرار می گیرد، حاضر است و تأثیرگذار خواهد بود . صهیونیسم با استاندارد استان ایران د ر ایران را از واژه صهیونیسم در بین طرفهای درگیری با معانی و مفاهیم مختلف و متضادی به کار میرود حالی که، صهیونیستها آن را صفتی مثبت که بیانگر هویت و اهدافشان است به کار می برند؛ مخالفان آنها این واژه را صفتی کاملاً منفی میدانند که علاوه بر هویت و اهداف منفی آنها، تاریخ پر از ظلم و ستم آنان را بر جهان اسلام، و به ویژه بر ملت مظلوم فلسطین، به ذهن می آورد .نویسنده مقاله یونیسم «که خود از صهیونیستهای متعصب است در مورد واژه صهیونیسم می گوید :د کتاب دولت یهود و انتشار مجله هفتگی دنیا در سال ۱۸۸۷ (تمام تلاشها و سازمانی خود را بر آن معطوف ساخت تا جلسه ای بین نمایندگان گروههای هرتز ، پس از نگارش کتاب دولت یهود و استعدادهای سازمانی حو أ .سعید، پی، ص ۳۹.



صهیونیستی تشکیل دهد. ناآنان بیربنائوم 'نام' صهیونیسم «را بر این جنبش اطلاق کرد. وی از این واژه برای اولین بار، در ۱۸۹۰، در روزنامه خود با عنوان خود رهایی استفاده کرد «اما پس از این. کنگره صهیونیسم در ۱۸۹۷، که در شهر بال در سوئیس برگزار گردید، صهیونیسم این گونه تعریف شد: «دعوتی که سازمان صهیونیسم روی آن تبلیغ می کرد و تلاشهایی که این سازمان در این دو مبذول می داشت. طبق این تعریف، صهیونیست کسی است که به برنامه کنگره» بال «ایمان دارد». عبدالوهاب المسیری در کتاب صهیونیسم، در توضیح این پدیده، از اواخر قرن شانزدهم تا آغاز قرن هجدهم را «صهیونیسم دینی غیریهودی با زمینه مسیحی» و از اوایل قرن هجدهم تا اوایل قرن نوزدهم را «صهیونیسم فرهنگی غیریهودی» با زمینه لائیک، رمانتیک و ارگانیک و غیره اطلاق کرده است. ایران را دارد و آن را با استان به طور کلی سه دیدگاه در تبیین پدیده صهیونیسم مطرح است. ..: ایجاد گسل صهیونیستی و ضداسلامی در قلب جغرافیای سیاسی جهان اسلام، فلسطین، که از ابتدای تاریخ اسلام تاکنون پیوستگی جغرافیایی و سیاسی سرزمینهای اسلامی در ملتقای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا محسوب می شده است. ۱. استاندارد ۱ ما این کار را ۲. انتقال بحران تاریخی مسیحیت - یهود اروپا) که موجب قتل عامهای متعدد یهودیان و طرح اتهامات نژادپرستی و مواردی از این قبیل شده بود (به جهان اسلام و تبدیل آن به بحران اسلام - یهود در فلسطین. این طرح در نهایت زیرکی اجرا شد و بدان پایه اهمیت داشت که در یک جمله می توان آن را معامله ای تاریخی دانست که بخشی از آن تبرئه یهود از اقدام به قتل کی مسیح از بوده. بالای ایر ۳. تحقق تدریجی آرمان موهوم یهودیان نژادپرست و افراطی در برپایی حکومت یهودیان در فلسطین قدرتهای استعمارگر غربی از یک طرف به برکت فتاوری پیشرفته بر جهان اسلام لسی: فته بر جهان اسلام سیطرهای

\_سراسری برقرار کردند و از - - اسلامی و ۲۲۹ کردند و از سوی دیگر، به مدد هجوم فرهنگی موجب استحاله معنوی و تضعیف سست شدن ریشه باورهای دینی مسلمانان شدند . معنوی و تضعیف جنگی فرسایشی را - که ممکن است مسلمانان شدند و سرانجام با به وجود آوردن صهیونیسم ملی بیش از نیم قرن سرمایه های که ممکن است سالهای طولانی ادامه یابد - بر مسلمانان تحمیل کردند، که سرمایه های عظیمی از مسلمانان را بلعیده است . در نظری کلی، اگر در یک مورد . قدیم و معارضان جدید پاپ با پیروان واتیکان در عمل اتفاق نظر نشان دادند، آن اشغال صهیونیستها بود . البته مسیحیان شرق، خاورمیانه و کشورهای عرب از این قاعده فلسطین به دست صهیونیستها بود . البته مس تا نبودند . بر این اساس، می توان گفت که مسیحیت چنین تجویزی نکرده است؛ بلکه یه غربی، متأثر از فرهنگ گلا دیاتوری رومی عامل اساسی این تفکر صلیبی است که های سهمناک قرون ۷-۵ ق / ۱۱-۱۳ م را به نیابت از قیصرهای رومی به راه انداخته بودند نه مسیحیان نسطوری، فلسطینی و سوری . آنچه امروز غربیه به نام مسیحیت ارائه می کنند، فرهنگ زورمدارانه روم قدیم است که لعابی از مسیحیت را بر خود دارد . آنها که روزی می خواستند عیسی مسیح إلا را به صلیب بکشند و صلیب را برای مصلوب کردن آن حضرت به دوش کشیدند، در جنگهای صلیبی، به خونخواهی آن وجود بزرگوار با همان نشان صلیب، بر روی مسلمانان شمشیر کشیدند، که هر دوی این اقدامات در یک جهت بود؛ در جهت کلیت تاریخ و تقابل غرب و شرق شرقی که همواره خورشید وحی از آن بر تافته و بر غرب تابیده است.؟ شکل گیری حکومت صهیونیستها در خاورمیانه همزمان با دوران ضعف دولتهای مسلمانان، اول امپراتوری عثمانی از سده هجدهم، بود . ماجرای اشغال فلسطین خنجر بر پهلوی " جهان اسلام بود؛ سه جنگ خانمان برانداز را بر د د د د د ا ء = = = = = ا ی = لیج = د + نم ا ده سه جنگ خانمان برانداز را بر مسلمانان تحمیل کرد و میلیونها فلسطینی را به خاک و سایه شوم صهیونیستها را تثبیت کرد . بخشهای اباد اردن، سوریه، لبنان به اشغال من درآمد و بخشهای بیشتری از خاک همسایگان فلسطین به اشغال رژیم اشغالگر نشده اگر کشورهای مسلمان در پی آزادی سرزمینهای اسلامی برآیند، سیاسیون و ای ۴ و به جای سه بتدجه + سیاه نشانید و سایه شوم صهیو وارثان بن گوریون درآمد و بخش قدس درآمد . اگر کشوره تبلیغاتچیهای غربی برچسب - یاسین، کفرقاسم، حرم ابراهیم ه ، برچسب حمایت از تروریسم را به آنها می زنند، اما عاملان قتل عامهای دیر ، حرم ابراهیم اعلا، غانا و ... نه تنها تقبیح نمی شوند بلکه به عنوان منادیان، کد خط ti جد

فریادهای دلخراش فاطمه فلسطینیان دموکراسی و حقوق بشر غربی مورد حمایت و تمجید قرار میگیرند و فریادهای دلخراش نیز در سازمان ملل متحد با وتوی قدرتهای حامی صهیونیسم مواجه می گردید. ۱۰ به طور کلی نفس اصول صهیونیسم همانا ساختن نه فقط یک مذهب، بلکه یک ملت و یک دولت از یهودیت است و می کوشد تا تمام یهودیان دنیا را با توسل به جنگهای توسعه طلبانه، درس موعود یعنی «اسرائیل بزرگ» «گردهم آورد. داوید تریچ، یکی از دوستان و مشاوران تئودور هرتزل نامه ای به وی، در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۸۹۹، می نویسد: «می خواهم به شما تذکر دهم که قبل از اینکه خیلی دیر شده باشد هر از چند گاه به برنامه «فلسطین بزرگ» «اسرائیل بزرگ» (مراجعة کنید. برنامه کنفرانس بال باید شامل واژه «فلسطین بزرگ»، «اسرائیل بزرگ» (یا واژه فلسطین و سرزمینهای مجاور «باشد و گرنه بی معنا است؛ چه، شما نخواهید توانست ده میلیون یهودی را در سرزمینی به مساحت ۳۵۰۰۰ کیلومتر مربع بپذیرید. او دان س ان ها در استامبوشه دایان در ماه اوت ۱۹۶۷ گفته است: سنایا اور اگر تورات مال ماست و اگر خود را قوم تورات میدانیم، پس باید سرزمینهای توراتی سرزمینهای داوران و ریش سفیدان را نیز در اختیار داشته باشیم». دانستیم بودند و از ورای چنین اصولی مسلمة مرزها» کش آمدنی «می شوند.، می شوند: دان بن گوریون در جایی دیگر به صراحت می گوید: «مسئله ما حفظ وضع موجود نیست. وظیفه ماست که دولتی متحرک در جهت توسعه هرچه بیشتر ایجاد کنیم».؟ ن دو عنصر بستگی داشت: ریالیستی به ویژه آمریکاء از این رو تحقق این امر، از دیدگاه رهبران صهیونیستی، به فراهم شدن دو عنصر بسته .. ادامه دریافت کمکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی از کشورهای امپریالیستی به ویره ۲. حفظ برتری تکنولوژیک قابل توجه به نفع موجودیت اسرائیل در مقابل کل کشورهای عربی جهان اسلام) کمیت عربی در مقابل کیفیت صهیونیستی، از طریق برخوردار بودن از یه و برخوردار بودن از یک قدرت

بازدارنده نظامی و اقتصادی و قادی درگیری با اسرائیل منتهی به شکس حدود ۸۳ میلیارد دلار) ۱۰ / ۳ و اقتصادی و قادر به تحمیل تسلیم بر اعراب، و قبولاندن به اعراب که هرگونه منتهی به شکست عرب میشود. بودجه دفاعی رژیم صهیونیستی در ۱۹۹۵ (ارد دلار) ۱۰ / ۳٪ تولید سرانه ملی (بود و در این حال، مساعدتهای نظامی امریکا ۱ / ۸ کمکهای اقتصادی آن ۱ / ۲ میلیارد دلار بوده است و این نشانگر توان بالای نظامی با توجه به مساحت کوچک و جمعیت ۵ / ۲ میلیون نفری با ۸۲٪ یهودی است. در مورد ذخیره برای این رژیم اختلاف نظر وجود دارد و منابع مختلف آن را میان ۲۰ تا ۲۰۰ کلاهی هستهای وی می کنند. این رژیم از سال ۱۹۶۷ از امضا کردن پیمان منع سلاهای هسته ای طفره رفته و بازرسی بین المللی را نپذیرفته است. ۲. دامن زدن به فرقه گرایی و تقسیم میهن عربی بر اساس آن، به صهیونیسم امکان می دهد هدفها و مطامع توسعه طلبانه خود را تحقق بخشد. صهیونیسم، به مثابه ابزار امپریالیسم جهانی، در جهان اسلام میکوشد تا با سیاست «فرقه بینداز و حکومت کن» جنبشهای اسلامی و عربی را در هم بکوبد. این موضوع در نوشته های نظریه پردازان و نویسندگان صهیونیست به وضوح منعکس شده است، مثلا الربیه اورنشتاین "می گوید: رانا نام اور برخلاف شعار وحدت عربی که اعراب مطرح می کنند، من معتقد به از هم پاشیدگی تا مدتی دیگر نژادی و جغرافیایی از قبیل لبنان مسیحی و منطقه اکراد در شمال عراق و کوهستان و ظهور طوایف نژادی و جغرافیایی از قبیل که در نهایت نیز به این تجمع هلال خصیبه که به رهبری اسرائیل ها و کشور اسرائیل هستم که در نهایت نیز به این تجمع هلال خصیب خواهد بود، خواهد پیوست «۴۰۰ ته کاه، نویسنده صهیونیست، در کتاب خود کشمکش، چره و تا کی؟ می نویسد: محور مربوط به حل مشکل خاورمیانه بر این اساس متکی است که میهن عربی موجود در شرق توده سوریه و لبنان در قسمت شمالی، و عراق و اردن و سعودی و فلسطین) در پیشنهاد مربوط به حل مشد اسرائیل باید دو قسمت شود سور های عربی در قسمت جنوبی. در وسط این دو بخش به وسیله یک نوار صورت تأسیس (و دیگر کشورهای عربی

وسیع ارضی، که نیروهای غیرعرب در آن مستقر می شوند، از هم جدا شوند و در این نوار به تو غرب به شرق، کشورهای اسرائیل، دروزی، و کردی به وجود می آیند که اسرائیل با تمرکز بر جای در جنوب سوریه حضور می یابد. اما کشور کردی که یک ایالت مستقل اشوری ضمیمه آن خواج در شرق سوریه و شمال عراق به وجود می آید و از آنجا زمینه کمک به لبنان، که با جذب می ن موجود در سوریه کشوری با اکثریت مسیحی خواهد شد، فراهم می شود. سرانجام اسرائیل با این کشورها پیمان خواهد بست تا از بار استعماری اعراب رهایی یابند و این کشورها خواهند توانست پایتختهای کشورهای عربی را تهدید کنند.»

برای بانوا متعاقب طرح ناعادلانه تقسیم فلسطین، اسرائیل رسماً در ۱۹۴۸ موجودیت یافت و با افزایش مناقشات بین اعراب و اسرائیل چهار جنگ بین آنها در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۶۷، ۱۹۵۶، ۱۹۴۸ اتفاق افتاد که یکی از نتایج مهم جنگ ۱۹۶۷ اسلامی شدن مسئله فلسطین و اسرائیل بود، زیرا در این جنگ اسرائیل بخشهایی از نواحی کشورهای همجوار (اردن، سوریه، مصر) را اشغال کرد. از این زمان را به بعد، کشورهای اسلامی در این قضیه ذینفع شدند و جنگ ۱۹۷۳ دقیقاً به همین منظور صورت گرفت. بحران انرژی در سال ۱۹۷۳ سبب توجه بیشتر جهانیان به حل مسئله اعراب و اسرائیل شد و از آن زمان به بعد طرحهای متعدد و کنفرانسهای صلح به منظور حل مناقشه اعراب و اسرائیل برگزار شده است ولی این اقدامات به سبب روحیه خصومت طلب و تجاوزکارانه اسرائیل هیچگونه دستاوردی برای ملت فلسطین به همراه نداشته است. طرح ایگال آلن در ۱۹۶۷، طرح شیمون پرز در ۷۲ قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸، طرح صلح فهد ۱۹۸۱، طرح صلح ریگان در ۱۹۸۲، طرح اسحاق \* در ۱۹۸۹، کنفرانس صلح مادرید در ۱۹۹۱ و چندین طرح دیگر همگی با شکست مواجه شد رژیم اسرائیل به خاطر ماهیت تشکیل دهنده اش (صهیونیسم سیاسی (و هویتش) تداوم تعه جنگها (در توسعه دائمی است و پس از هر تجاوز به یک «فضای حیاتی قابل زیست (جد طمع میدوزد. بنابراین، نمی توان اعتبار این قراردادها و مرزهای «قابل اتساع و کش آمدن رسمیت شناخت . در حقیقت، مثلث قدرتی که امروزه سیاست صهیونیستی اسرائیل را می اتساع و کش آمدنی «را به انیل را می چرخانده

خوان جنایتکاران جنگی است؛ قبل از آن می‌کند. ژنرال آریل شارون، قضا است. قبل از همه، بگین که بن گوریون وی را «هیتلری حقیقی» خطاب ال آریل شارون، قصاب لبنان، با سابقه جلادانه و اسحاق شامیر با گذشته ای مملو از را بدیده توسعه طلبی رژیم صهیونیستی در منطقه حساس خاورمیانه سبب صرف مبالغ در بودجه نظامی و تسلیحاتی کشورهای اسلامی شده است و افزایش هزینه صرف شده در اور نظامی احتمال بروز درگیریهای شدید در منطقه را به نحو محسوسی بالا می برد. قدرت ویرانگری زرادخانه های رژیم صهیونیستی نیز منطقه را هرچه بیشتر دستخوش بحران کرده است. از این رو، برخی از دولتهای خاورمیانه عمده ترین خریداران سلاح در جهان محسوب می شوند. مثلاً در ۱۹۹۵ عربستان با پرداخت ۸ / ۱ میلیارد دلار، مصر با پرداخت ۱ / ۹ میلیارد دلار و کویت با پرداخت یک میلیارد دلار در صدر فهرست خریداران قرار داشتند. البته پس از حادثه یازدهم سپتامبر و حضور نیروهای بیگانه در منطقه، به بهانه مبارزه با تروریسم و تحرکات اخیر رژیم صهیونیستی، منطقه خاورمیانه بار دیگر دستخوش بحران و نظامیگری فزاینده شده است. در ایران و استاندارد رژیم صهیونیستی با تلاش وسیع برای تسخیر وسایل ارتباط جمعی موفق شده است بسیاری از کا معروف جهان و شبکه های نامدار تلویزیون بین المللی را در اختیار گیرد و این، در قرن و ارتباطات «شهرت یافته و دهکده کوچک جهانی شکل گرفته از اهمیت ویژه های زمانهایی که به» عصر ارتباطات «شهرت یافته و دهکده کوچک و وسایل ارتباط جمعی برای جهت دهی به اذهان و محیط فرهنگی و به طور برخوردار است. تسخیر وسایل ارتباط جمعی بر علی هجوم فرهنگی علیه اسلام و مسلمانان صورت پذیرفته است. با این همه بیداری اسلامی به عنوان اساسی اسلامی به عنوان اساسی ترین منبع قدرت سیاسی کشورهای اسلامی در حال مانان با تکیه بر هویت و فرهنگ اسلامی در صدد احیای آرمانهای جاویدان ای اسلامی جنبشهایی مانند جنبش انقلابی حزب الله، حماس، جهاد شکل گرفتن است. مسلمانان خویش هستند. وجود هویت اسلامی جم

اسلامی و مقاومت علیه دشمن صهیونیستی، و سایر جنبشهای اسلامی در جهان اسلام حقیقت است. تمدن و سابقه مسلمانان در ساخت بنای جامعه جهانی و تاریخ این تمدن درایا آسیا و شمال آفریقا به حدی کامل و همه جانبه است که کمتر فرهنگ و تمدنی با چنین استوارید تاریخ وجود داشته است. اتکا به این فرهنگ و تمدن سرمایه بزرگی است که می تواند اعتماد به نفس مذهبی و ملی جهان اسلام را تقویت کند و آن را در برابر رسوخ فرهنگ بیهویت صهیونیستی مصون سازد. از سوی دیگر، رژیم اسرائیل به «جامعه ای سرگشته» تبدیل شده است. محور اصلی ناپایداری در جامعه اسرائیل عدم اجماع ایشان بر الگوی واحدی از هویت ملی است. این جامعه، با انبوهی از تعارضها، تنها توانسته است در جریان سرمایه و حمایت سیاسی خارجی کلیت خود را حفظ کند در حالیکه، جامعه در حالتی متزلزل قرار دارد. شکل پیچیده و ناپیدایی از نژادگرایی حتی در درون جامعه یهودی در جریان است که با توجه به سایر گونه های آشکار تبعیض، منجر به بروز تزلزل در مبانی این جامعه شده است. ۲۰ جایی که اصلی ترین انگیزه استعمار غرب در هجوم به کشورهای اسلامی از مبنای اعتقادی و دینی مردم آن نشئت می گیرد، در مقابل، باید جهان اسلام با بازگشت به اسلام و تمدن و هویت اسلامی خویش و اسلامی کردن مبارزه با صهیونیسم، به جای عربی تلقی نمودن آن، به مقابله با صهیونیسم و استکبار جهانی پردازد. "بردارد، اراده و رون او را ۱

# بخش دهم

و دوستداران ایران استا د ان . را تکان داد و بیداری اسلامی را داد .. - بیداری اسلامی در جهان عرب انان را با ا و را در اعراب، چون ایرانیان، از زمانی که با دولتهای اروپایی آشنا شدند، به عمق عقب ماندگی خود و توسعه و پیشرفت اروپاییها پی بردند . تاکنون راه حلهای متعددی برای جبران این عقب ماندگی ارائه شده است که یکی از آنها بازگشت به اسلام به مثابه دین و تمدن است . براساس نوع پاسخهای داده شده : به علل عقب ماندگی، آنها را به چهار گرایش تقسیم میکنیم . تذکر این نکته ضروری است که این . تقسیم بندی پاسخهایی است که در گفتمان بیداری اسلامی از سوی اندیشمندان عرب مطرح شده و نتیجتا ناسیونالیسم، سوسیالیسم و ایدئولوژیهای از این قبیل را پوشش نمی دهد . این گرایشها عبارت اند از : الف (تمدن گرا - عرب گرا؛ ب (تمدن گرا - اسلام گرا؛ ج (اسلامگرایی سنتی اصولگرایی اسلامی اور ان کا ان ام دادند و الان براساس تقسیم بندی فوق، طهطاوی و خیرالدین تونسسی؟ از اندیشمندان عمده گرایش اول؛ سیدجمال الدین اسدآبادی و تا حدودی محمد عبده از متفکران گرایش دوم؛ رشید رضا از سخنگویان اصلی گرایش سوم؛ حسن البنا وسید قطب و اخوان المسلمین از فعالان گرایش چهارم اند . به لحاظ تاریخی، هر چه به زمان حاضر نزدیک می شویم، گرایشهای اسلامی اصولگرا بر دیگر جریانهای فکری غالب شده، آنها را به حاشیه می راند؛ جهت گیری ضدغربی آن تشدید می شود،



—ویژگی مبارزه جویانه آن آشکارتر می شود، و از دولتهای حاکم در جوامع اسلامی فاصله می اندیشه های سلفیه در آنها قوت گرفته و از یک حرکت فکری به یک جنبش توده ای و سیای می شود. در جریان این تحولات مسئله مهم، شکست اندیشه های قبلی است که موجب شکلی اندیشه های اصولگرا شده است الف (گرایش تمدنگرا - عرب گرا. اولین موج بیداری اسلامی نوگرا از طهطاوی در مصر و خیرالدین پاشا تونس در تونس آغاز می شود. طهطاوی اندیشه خود را بر این محور استوار میکنند که مسلمانان برای ترقی چاره ای جز دستیابی به علم اروپایی ندارند. طهطاوی با ستایشی فراوان از اروپا یاد می کند و نهادهای سیاسی آن را تحسین میکند. وی اصولا از غرب و عامل استعمار به عنوان عامل عقب ماندگی جوامع اسلامی غافل است. اما در پاسخ به اینکه چرا گرایش وی را گرایش تمدن گرا - عرب گرا می نامیم، باید گفت که طهطاوی در اندیشه ترقی اعراب و به طور محدودتر مصر است. و انا انا انا انا انا انا انا انا خیرالدین تونس از طهطاوی هم فراتر می رود؛ هر چند که بنیادهای اصلی اندیشه وی نیز همانند طهطاوی است. او نظرش را بر دو استدلال متکی کرد: نخست آنکه فقه اسلامی اجرای اصلاحات برای تقویت و بهبود زندگی اقتصادی و فرهنگی را قدغن نمی کند و دوم آنکه از آنجا که تمدن اروپا بیشتر بر پایه چیزهایی قرار دارد که اسلام در گذشته به آن داده است، این وظیفه مسلمانان است که آن را بازگردانند. من ومامان. داستان به طور کلی، میتوان گفت که گرایش تمدن گرا - عرب گرا دارای ویژگیهای زیر بود .. اصالت و برتری تمدن غرب را پذیرفته بود و مسلمانان را دارای این توانایی میدانست که در کسب فناوری و تمدن غربی موفق اند، زیرا علم غربی را همان علوم اسلامی می پنداشتند ۲. هر دو نماینده برجسته این گرایش از مقامات دولتی بود و اخذ تمدن و نهادها و فناوری فر ترقی مسلمانان را وظیفه دولت به شمار می آورند. به همین سبب اصولا حرکت آنان یک چ توده های سیاسی نیست و ملت نیز مخاطب اول آنان نیست.

—اسه هر ۳، روش و منش آنان اصلا استفاده از تجارب و نهادهای ارم آ. اصلاحگراست و به دنبال اصلاح نهادهای سیاسی - اجتماعی جوامع خود با هدف آنان تعیین معیاری بود که در اخذ تید ..و گروه اصولا به احتمال تضاد اسلام و تمدن اروپایی نمی اندیشند، زیرا آنان یقین دارند که رویایی برگرفته از اسلام و علوم اروپایی ترجمه علوم اسلامی پیشین است. بنابراین بین معیاری بود که در اخذ تمدن از اروپا به کار آید و از نظر آنان تنها بهسازی نهادهای غیردینی «ضرورت داشت، ا و را دیده ای از این و آنان اندیشه وحدت امت اسلام را ندارند. نگرش آنان کاملا محدود به وطن خود است و حتی زمانی که از وطن عربی هم سخن می گویند، مرادشان همه ممالک عرب زبان نیست، بلکه دقیقا منظور مشخصی دارند که برای نمونه طهطاوی وطن عربی را مصر می داند. و ب (گرایش تمدن گرا به اسلام گرا. بین این گرایش و گرایش اول اشتراکاتی وجود دارد. در واقع نسل دوم از منادیان بیداری اسلامی را میتوان «تمدن گرا - اسلام گرا» نامید که چهره بارز آن سیدجمال الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده است. با این تفاوت که سید جمال به نسل اول نزدیک تر است و عبده به نسل سنت گرای پس از خود نزدیک تر است. باید گفت که اصلاحگری سید جمال ابعادی مختلف دارد، اما روح اصلی اصلاحگری سید جمال در جهان اسلام» تجدد «است. سید بال این است که جهان اسلام و مسلمانان را با دوران جدید، ویژگیها و عوامل شکل گیری آن آشنا درایتی را فراهم کند که مسلمانان نیز در این دنیای جدید و تمدن آن سهمی به دست آورند و با سر اصلی آن یعنی علم و عقل و دیگر عناصر آن از جمله نهادهای سیاسی دموکراتیک بر لا بیفزایند. شاید از این منظر بتوان گفت که دغدغه اصلی سید دغدغه هویتی نیست، بلکه اتکا بر عناصر اصلی آن یعنی علم پونه می توان به جهان اسلام قدرت بخشید. به اعتقاد سید، تمدن جدید و مدرن غربی این است که چگونه می توان به براساس اصول اسلامی پدید اه ان الفاطمی پدید آمده است؛ در اینجا سید جمال، برخلاف عرب گرایان تمدن گرا، بردو دید میکرد. نخست نقش ناگزیر دین در زندگی ملتها و دوم، نیاز به نهادهای جدید و در سیاست ان کا نام کا برای برآوردن خواستههای زندگی های فنی برای برآوردن خواستههای زندگی جدید.

— دو هدف اصلی سید جمال، یعنی تحقق وحدت اسلامی و مبارزه با سلطه غرب، از نقاط تا اندیشه وی از نحله تمدن گرایان عرب گرا بود. در نظر سید جمال، جهان اسلام کلیتی یکپارچه بودید در صورت انسجام و وحدت آن، مسلمانان می توانستند در مقابل سلطه اروپا مقاومت کنند. درک بس اروپا و رفتار آن، بسیار عمیق تر از نحله پیشین بود. اگرچه سید تمدن و ترقی اروپا در علم و من به رسمیت می شناخت، ولی به سلطه سیاسی غرب بر جهان اسلام هم حساسیت بسیاری داشت و در نتیجه بخش عمده خود را صرف مبارزه با آن کرد که در این مبارزه نگاه مخاطبان وی دولتهام اسلامی بودند و گاه ملل اسلامی و همین امر موجب شد که حرکت سیاسی او جنبش سیاسی و تودهای شده و از اندیشه های صرفاً اصلاحی نحله پیشین فراتر رود و حتی در مورد ایران، جنبه انقلابی گرفت و علما و ملت را به انقلاب علیه استبداد ناصرالدین شاه فراخواند و در عثمانی نیز سرانجام موجب مخالفت سلطان عثمانی و احتمالاً مرگ وی به دست عوامل باب عالی (دربار عثمانی) شد. نکته اساسی دیگر اندیشه های نوگرایانه سید جمال این بود که در عین اینکه آشکارا مسلمانان را به مقاومت در برابر سلطه اروپا بر سرزمینهای اسلامی تحریک می کرد، با تأکید بر اقتباس از دستاوردهای علمی و صنعتی غرب، تقلید از غرب را رد می کرد. به همین علت هم از روند موجود در جوامع اسلامی انتقاد می کرد. ۱۱۱۱۱۱۱۱ در مجموع، می توان محورهای اصلی نحله تمدن گرایان - اسلام گرایان را تأکید بر اصالت عقل و علم، توانایی اسلام در تمدن سازی و افزایش اقتدار مسلمانان، یگانگی و اتحاد اسلامی و مبارزه با سلطه اروپا دانست. ۱۱۱۱۱۱۱۱ د ا ب اد - ج (گرایش اسلام گرایان سنتی. اگر تمدن گرایان اسلام گرا، احیای اسلام را در احیای شعله جذب تفکر نوین و استفاده از دستاوردهای فناوری اروپایی در جوامع اسلامی می دانست اسلام گرایان سنتی و متفکر برجسته آن، رشید رضا که ادامه دهندگان سلفیه هستند، احیای اسلامی را در بازگشت به روش و سیره بزرگان اسلام «می دانستند. می توان گفت که ناکامی دولتهای اسلامی در تحقق اندیشه های نحله های پیشین، در جذب دستاوردهای علمی و سیاسی تمدن و برعکس، افتادن در دام قهقرایی شدیدتر «تمدن و ترقی»، سنت گرایان اسلامی را نسبت به غرب و از دست رفتن هویت اسلامی، دچار نگرانیهای شدیدتری کرد و اسلام گرایان سنتی پت کرایان سنتی پاسخی به

می دهد، در حال > این نگرانیها بود. انا انا هرایر دکمجان، سید جمال، عبده و رشید رضا را در درون گرایش سلفیه مورد مطالعه قرار ما در حالی که این تلقی خطایی آشکار است. اندیشه اسلامگرایی سنتی از نوگرایان فاصله نگیرد و به محافظه کاری تمایل پیدا می کند. نوگرایان در پی اصلاح و تطبیق اسلام با مقتضیات جدید بودند، در حالیکه محافظه کاران، سخت به سنتهای اسلامی پایبند بوده نسبت به نفوذ فرهنگی و تهدید سیاسی غرب واکنش نشان میدهند. مجید خدوری به درستی رشیدرضا را در چارچوب گرایشهای سنتگرا بررسی می کند که با رنگ و لعاب نوگرایی پوشش داده شده است، رشید رضا گرچه به ظاهر نوگراست، اما نمایانگر پیوندی درونی با سنت گرایی بود، سلفی گرایی رشیدرضا موجب تمرکز افراطی او بر احادیث شد که افزون بر اینکه نشان دهنده ماهیت سنتی اندیشه اوست، مانع از دستیابی او به یک جهان بینی گسترده تر شد و همین امر هم او را از اندیشه های وحدت گرایانه سید جمال دورتر کرد و گرایش های ستیزه جویانه وی درباره شیعه را، که یادآور ستیزه جویی سلفیه بود، موجب شد. به ما یاد داد. به هر حال، اندیشه سیاسی سنت گرای رشیدرضا، به جای تأکید بر حکومت قانون، آزادی و مشروطه که در اندیشه های نوگرایانه طهطاوی و سید جمال بر آن پافشاری می شد، به دنبال بازسازی نظام اسلامی بود که به آن عناصری از آرمان گرایی صدر اسلام که به پیش داوریهای دنیوی، نژادی، فرقههای آلوده نشده افزوده میشد ... رشید رضا معتقد است که غرب برای طی کردن مراحل پیشرفت، اصولی را به کار گرفت که الهی هستند، حال آنکه خود مسلمانان این اصول را رها کرده اند. اگرچه رشید رضا در رهیافت ستاگرای خود چندان به غرب نپرداخته است، ولی از خط فکری وی معلوم است که رویکردی ستیزه جویانه نسبت به غرب دارد و از آن خوش بینی های موجود در گرایش تمدن گرا - عرب گرا اثری به چشم نمی خورد. ۳ - - حسن حنفی کارنامه رشیدرضا را این گونه خلاصه می کند: رشیدرضا پس از آنکه عمری را در

اصلاحگری و نواندیشی و ترقی خواهی گذرانده بود، خود را از تأثیر طلایه دارانی چون طهطاوی جمال و نیز عبده رها ساخت و به دامن محمدبن عبدالوهاب پناه برد که او را به ابن قیم جوزیه ابن تیمیه و سپس به احمد بن حنبل می رسانید. وی به جای میل به شیوه های مدنیت نو و همگا تحولات زمانه، فروبستگی و هجوم به غرب را ترجیح داد. د. (گرایش اسلام گرایی اصولگرا، ژاک برک در تحلیلی که از اصولگرایی اسلامی دارد) ناتوان کشورهای اسلامی را در ارائه مدلهای متناسب با عصر تکنیک و تمدن در قرن بیستم، زمینه ساز افراطی شدن آنها می داند. وی مهمترین علت درونی را توقف اجتهاد و سرکوب حرکت های اصلاحی به نام مبارزه با بدعت میداند. «در واقع، این شکستها، در کنار ناتوانی در اجرای اصلاحات، به عنوان یک تراژدی غمبار، روح اعراب را آزرده ساخته است و آنان را در طیفی از انفعال تا تندروی سیاسی سرگردان ساخته است. ا. تان ... حسن البناء، بنیانگذار اخوان المسلمین، درباره اصلاحگران اسلامی چنین نظر میدهد: اسدآبادی فقط یک فریاد هشدار برای مشکلات است و شیخ محمد عبده فقط یک معلم و فیلسوف و رشید رضا فقط یک تاریخ نویس و وقایع نگار است، در حالی که اخوان المسلمین به معنی جهاد، تلاش و کار است و فقط یک پیام نیست. د. راداران. . المواد و ابد الا ان الام اخوان المسلمین جنبشی سیاسی - مذهبی است که به دنبال دگرگونیهای اساسی در جوامع اسلامی است. یکی از اعتقادات اساسی اخوان المسلمین» قدرت تفوق ناپذیر اسلام در حل مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمین است که در واقع جوهر اسلام گرایی اصولگرا است. اگر حسن البناء رهبر سیاسی اخوان المسلمین بود، افرادی چون سید قطب و محمد عز نمایندگان برجسته فکری اخوان المسلمین بودند. باید گفت که تفاوت طهطاوی، خیرالدین تونسلی، سید جمال، محمد عبده، رشیدرضا و سید قطب در سیر تحول جنبش بیداری اسلامی مشهود و اساسی است و هر چه بدین سو نزدیک می شویم ویژگی مبارزه جویی آن قوی تر مبارزه جویی آن قوی تر شده و از

باط گرای آن کاسته می شود. اندیشه های سید قطب بیانگر این خلوص گرایی و اصولگرایی و مبارزه جویی است. از نام برده اند سید قطب تمامی جوامع موجود را جاهلی می داند و جوامع اروپایی را اوج جاهلیت مدرن تلقی کند و اینجاست که تفاوت اساسی و تعیین کننده اندیشه وی با پیشگامان اسلام گرایی که برتری و پیشرفت تمدن اروپایی را پذیرفته بودند، خود را نشان میدهد. سید قطب به تعریف دوباره واژه های «توسعه» و «توسعه نیافتگی» و معرفی معیارهای جدید برای پیشرفت و ترقی پرداخت. قطب تأکید میکرد که جامعه توسعه یافته جامعه ای نیست که در نقطه اوج تولید مادی است، بلکه جامعه ای توسعه یافته است که تفوق اخلاقی از خود نشان دهد. جامعه ای که از نظر علم و فناوری در اوج است، ولی در اخلاقیات در حقیض، آن جامعه عقب مانده است، در حالی که جامعه ای که در اخلاقیات در رده بالا است ولی از نظر علم و تولید مادی در پایین، آن جامعه پیشرفته است. نهضت امام خمینی اوج گرایش اسلامگرایی اصولگرا است که دیگر جنبشهای اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند. تفکر و طرح امام خمینی در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سید جمال به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کم رنگی بر هویت تأکید می کردند. امام تی همان گونه که به دنبال احیای هویت اسلامی بودند، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه که برخوردار بود، توسعه ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می شد. نظریه سیاسی امام راب و شکل اسلامی مطرح می شد و همین امر موقعیت و ویژگی متمایزی به امام خمینی در جنبش اسلام گرایی در جهان اسلام میدهد؟ اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی، در تولد و تحرک بسیاری از جنبشهای اسلامی در نقش داشته است. افول قوم گرایی، ناسیونالیسم، لائسیسم، راه را برای حضور منحصر در قالب و شکل اسلامی مطرح: در انقلاب اسلامی ایران، به رهبری "جهان اسلام نقش داشته

\_\_قدرتمندان اسلام گرایی در منطقه مهیا کرد و انقلاب اسلامی و اندیشه های امام خمینی فراوانی در این روند گذاشت. در میان رهبران بیداری اسلامی در جهان عرب، اندیشه های سید قطب تا حدی به اندیشه های امام نزدیک بود». آیت الله خمینی و سید قطب هر دو راه حل نهایی مرا در راهی می دیدند که برای فهم اسلام داشتند. هر دو جهان را به صورت تقابل ما و آنها در بر می گرفتند. آیت الله خمینی دو قطب این تقابل را مستکبر و مستضعف می نامید و سید قطب آن در جاهلیت و اسلام؛ هر دو آن دسته از بخشهای جهان که نظام اسلامی بر آن حاکم نیست و در اینجا ما می توانیم آن بخشهایی را نیز که رفتار دینی بر آنها حاکم نیست به آن دسته اضافه کنیم - قلمرو جاهلیت و استکبار دانسته اند. «در نظر اندیشمندانی چون امام و سید قطب، اسلام هم دین است و هم دولت و ارزشها و الگوهای رفتاری غرب نمی تواند با ارزشهای اسلامی سازگار باشد ۲۰. بیداری اسلامی در ایران با استنادار کردار ادا دو سده اخیر، به لحاظ تغییرات و تحولات فزاینده در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی، از اعصار مهم تاریخ ایران به شمار می رود. این دوره که به تاریخ معاصر ایران شهرت یافته، همزمان با آغاز حکومت سلسله قاجاریه در ایران شروع می شود. اند در شرایطی که خاندان قاجار در صدد تثبیت حاکمیت آخرین حکومت ایلی بر قلمرو و مردم ایران به شیوه سنتی و بدون مشارکت مردم بودند، در گوشه دیگری از جهان، انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوسته بود و در صدد نهادینه کردن اندیشه ها و ساختارهای نوینی بود که عمده ترین ویژگی آن " موازنه قدرت سیاسی از تمرکزگرایی و حکومت فردی به مردم سالاری و دموکراسی بود. در این حساس، قاجارها به دنبال یک دهه کشمکش داخلی بر سر تصاحب قدرت، نظم نوینی را پدید \* بلکه اراده خود را بر وضع موجود تحمیل کرده، مقامات و مناصب حکومتی را به افراد خود دادند و حکومت همچنان بر اساس نظام پادشاهی و بر بنیاد استبداد استمرار یافت. دولت موقعیت برجسته ای در اقتصاد داشت و در زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر تعیین جامعه تأثیر تعیین کننده ای

داشت. سلطان حق نامحدود در = = اُمایه و مرو الان حق نامحدود در بهره برداری از منابع و درآمدها داشت و جان و مال افراد در سرزمین و فرمانروایی او عملاً در سیطره اراده او بود. ا. ی. ن. با وجود دور بودن از اروپا، که کانون اصلی رقابت‌های کشورهای قدرتمند بود، به علت همسایگی با هند انگلیس و داشتن بهترین موقعیت راهبردی برای دستیابی به هند که منشأ قدرت، ن. و اعتبار سیاسی انگلیس در جهان بود، از زمان فتحعلی شاه قاجار به یکباره مورد توجه شهرهای استعمارگر و فزون خواه قرار گرفت. در مناسبات جدید ایران با کشورهای خارجی کشورهای روسیه و فرانسه و انگلیس خواه ناخواه وارد شدند و با توجه به ضعف‌های ساختاری جامعه و حکومت ایران، این مناسبات منجر به استقرار روابط نابرابر، تحمیل قراردادهای استعماری و انفصال بخش‌های مهمی از قلمرو ایران در شمال و شرق شد. شکست ایران در رویارویی با قدرتهای بزرگ، به ویژه روسیه و انگلیس، به تدریج تحول مهمی نخست در ساختار سیاسی رسمی و سپس ساختار غیررسمی جامعه پدید آورد. این تحول عبارت بود از لزوم اصلاحات، نخست در عرصه‌های نظامی و صنعتی و سپس در دیگر عرصه‌ها، به ویژه سیاسی و همچنین پدیدار شدن بیداری اسلامی برای «حفظ بیضه اسلام و اساس دین» در مقابله با استبداد داخلی و به کار بستن قاعده «نفی سبیل» در رویارویی با استعمارگران خارجی بود. هدف نوشته حاضر بررسی بیداری اسلامی و فراز و فرودهای آن در تاریخ معاصر ایران است. ا. زمینه حضور نیروهای مذهبی، به ویژه مراجع تقلید و روحانیون، با نقش دائمی رهبری مذهبی نامعنه، و نیز تحولی مهم در حوزه نهاد دینی و حوزه‌های علمیه شیعی در اوایل حکومت قاجار ها هستند. این تحول پیروزی مجتهدان بر محدثان با غلبه روش اجتهادی و اصولی بر روش حدیثی و اجباری بود. اهمیت کار وحید بهبهانی به عنوان احیاگر مکتب اجتهادی، در این است که وی توانست شاگردانی مجتهد و تأثیرگذار در بیداری اسلامی تربیت کند، مانند کاشف الغطاء ملامهدی و آنها در جامعه، و نیز تحولی مهم ملاحمد نراقی



پس از پایه گذاری و تألیفات فراوان که به منزله مقدمات نظری مکتب اصولی و بیداری اسلام بود، به تدریج نوبت به مرحله عمل رسید. عالمان شیعه در این عصر با پدیده ای به نام استعمار خا روبه رو شدند و با تکیه بر قاعده فقهی «نهی سبیل» در مقابل سلطه گران خارجی موضع گرفتند. این قاعده بر اساس آیه شریفه «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» است که سلطه کافران مسلمانان را نفی میکند. در تفکر نوین انقلابی شیعه، تفسیرهای «دعوت کننده به آرامش» و «انفعال» و «تسلیم» کنار نهاده شد و روحیه مبارزه، ستیز و انقلابی گری جای آن را گرفت. ۲۰ جنگهای ایران و روس در دوره فتحعلی شاه قاجار و شکست ایران از روسها و استیلای آنها بر بخش وسیعی از قلمرو ایران و واکنش علمای اصولگرا به آن، اولین صحنه عملی مداخله علمای اصولی در مسائل سیاسی تاریخ معاصر ایران به شمار می آید. علما نبرد با روسها را «جهاد» نامیدند. گفته می شود که اندیشه جهاد از سالها پیش از جنگهای ایران و روس نیز مطرح بوده، ولی پس از شکست ایران از روسها و عدم حمایت انگلیسیها و فرانسویها از ایرانیان در مقابل تجاوز آن کشور، با وجود قراردادهایی در این زمینه، سران حکومت قاجار به این نتیجه رسیدند که لازم است برای راندن روسها از سرزمین مسلمانان به علمای شیعه متوسل شوند. میرزا عیسی فراهانی، ملقب به قائم مقام اول، وظیفه جلب توافق علما را برای صدور فتوا بر عهده گرفت. در مدتی کوتاه فتواها و رسائل جهادیه متعددی از عتبات و از شهرهای ایران رسید که همگی بر وجوب جهاد علیه کفار روسی تأکید داشتند و میرزا عیسی قائم مقام آنها را گردآوری و با عنوان جهادیه منتشر کرد. ۳۰ واکنش سریع علمای شیعه نشان میدهد که تمایل روحانیون مکتب اصولی به احیای روحیه بیداری اسلامی و لزوم دخالت آنها در سیاست، روز به روز در حال گسترش بوده است. سیاست مذهبی فتحعلی شاه، حداقل تا قبل از جنگهای دوره دوم ایران و روس، در جلب و حمایت از روحانیون و دعوت آنها برای ایفای نقش در جامعه نیز به پررنگ شدن حضور این قشر منجر شد. ۴۰

— که جامعه مذهبی می تواند در دفاع از نمی توانست متضمن پیروزی باش روس، مسائلی رخ داد که مجدداً : اول جنگهای ایران و روس از نیروی مذهبی استفاده چندانی نشد، اما این نکته ثابت شد . می تواند در دفاع از کیان مسلمین نقش مؤثری بازی کند . البته این نقش به تنهایی و متضمن پیروزی باشد، بلکه در صورتی به نتیجه می رسید که سایر ساختارها و نهادهای و مسئول، به وظایف خود درست عمل می کردند . در فاصله میان دو جنگ اول و دوم ایران و خرداد که مجدداً پای علمای اصولی به میدان مبارزه با روسها کشیده شد . واقعۀ قتل گریبایدوف که ناشی از واکنش مذهبی مردم بود و ادامه قیام به رهبری علمای شیعه و سنی در سرزمینهای اشغالی روسها، از جمله قیام قاضی ملا محمد با شعار اتحاد شیعه و سنی تا ۱۲۴۸ ق و قیام شیخ شامل داغستانی تا ۱۲۹۲ ق، در حقیقت تداوم بیداری اسلامی بود . از پایان جنگهای ایران و روس در ۱۳۴۳ ق تا نهضت تحریم تنباکو، بیداری اسلامی، در ظاهر، دچار رکود و کندی شد . با این همه، تلقی ایرانیان شیعه، از مفاهیم و آموزه های فرهنگ شیعه، همچنان در حال تغییر و دگرگونی بود . نمونه بارز آن، مخالفت روزافزون بزرگترین روحانی آن زمان، یعنی سید محمدباقر شفتی در اصفهان با حکومت محمدشاه بود . وی تا آخرین لحظات عمرش نیز هرگز به حکومت محمدشاه تمکین نکرد . تعارض با دولت مرکزی نشان داد که مکتب اجتهادی به هیچ وجه حاضر به تسلیم در برابر سلطنت نیست . سیر تکاملی عقاید شیعه بر محور مکتب اجتهادی، نقش و تأثیر بیشتری در تداوم بیداری داشته است . گرچه در فاصله جنگهای ایران و روس و نهضت تنباکو حالت رکود و سکون در نهاد دینی دیده می شود، اما این ظاهر جریان است و در باطن جنبش اصلاح طلبی و احیای فکر دینی دوره تدارک خود را سپری می کرد؛ زیرا در غیر این صورت توانست در نهضت تنباکو و نهضت مشروطه خواهی و جریانهای پیش و پس از آن، در آن گستره در جریانهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی شود . علت دیگر تکاپوهای مکتب اجتهادی در این دوره، کی مخالفان درونی و بیرونی آن بود . این واکنشها در قالب ترویج صوفیگری، بابی گری، گالری و اخباریگری نمایان شد . در پشت صحنه این جریانها، تحریکها، زمینه سازها و دست ، استعمار، به ویژه استعمار انگلیس نیز در کار بوده است . مانع دیگری که در مقابل روند رو به رشد : اجتهادی به وجود آمد، طرح افکار و عقاید الحادی و ضددینی، یا به عبارت دیگر سکولارو گسترش فراماسونری بود.

یکی از وظایف و چالشهای نهاد دینی در این دوره، مبارزه با سیاست استعماری فرقی . استعمار برای ضربه زدن و ایجاد تشتت در میان شیعیان به فرقه سازی روی آورده بود . ایجاد فرق شیخیه به کوشش سید کاظم رشتی، از شاگردان شیخ احمد احسائی صوفی مسلک و ایجاد فرقه بابیه به همت علی محمد باب، شاگرد سید کاظم رشتی، در این راستا بود . با گذشت زمان، فرقه بابیه در دو شاخه ازلیه (پیزوان یحیی صبح ازل (و بهائیه) پیروان میرزا حسینعلی بهاء (تقسیم شد استعمارگران روسی از ازلیه و استعمار پیشگان انگلیسی از بهائیه حمایت و آن فرقه ها را تقویت کردند و گسترش دادند . ب ه کار در کانادا . گرچه در زمان صدارت حاجی میرزا آقاسی، به امور صوفیان رجحان داده شد و محمد شاه قاجار نیز بر آن گردن نهاد، اما در زمان صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر، عناصر درویش مسلک از حوزه های وابسته به حکومت و سلطنت طرد شدند و با سنتهای بدعت آمیز و خرافه پرستی مقابله شد . در مجموع، سیاست مذهبی امیرکبیر، به رغم محدود کردن نقش روحانیون، به بیداری اسلام کمک کرد . او، با ارجحیت دادن به « آگاهی » و عقلانی کردن امور در عرصه های دینی و روزآمد کردن آن و همچنین مبارزه با وهم اندیشی و خرافه پرستی، کاستن از نقش روحانیون درباری و کاهش اختیارات امام جمعه ها، نظام العلماها و سلطان الذاکرینها، خواه ناخواه، با روند تدریجی بیداری اسلامی همراهی کرد . در دوره صدارت میرزا آقاخان نوری، قضیه برعکس شد و به روحانیون درباری و نیروهای مذهبی مقوم و مؤید حکومت قاجار، فرصت عمل بیشتری داده شد و برای جلب نظر مساعدشان به برخی از آنها مقرری نیز پرداخت شد.؟ در دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار نیز، موقعیت نهاد دینی تضعیف شد . اصلاحات غرب گرایانه وی و اعطای امتیازات به خارجیان، اعتراض و مخالفت روحانیون را برانگیخت . یکی از روشهای سپهسالار برای اصلاحات، ترغیب ناصرالدین شاه برای سفر به فرنگستان و نشان دادن پیشرفتهای غرب بود . از آنجا که اصلاحات مورد نظر سپهسالار آشکارا تقلید از قوانین و اصول زنده و مدنیت غربی و در بسیاری موارد، مخالف قوانین اسلام و شرع بود، مخالفت روحانیون را برانم تا روحانیون را برانگیخت.

—دیگر این انگیزش، اعطای امتیاز رویت‌ر به انگلیسی‌ها بود. به نظر روحانیون، به ویژه ملاعلی کنی و از راه اعطای امتیاز به بیگانگان، راه مداخله بیشتر آنان را در ایران هموارتر می‌کرد. این اعتراض‌ها پیش از بازگشت ناصرالدین شاه و سپهسالار از سفر فرنگستان به ایران شکل گرفت. آنها نامه‌ای از شاه خواستند که سپهسالار را به ایران نیاورد. نامه‌ها در رشت به دست شاه رسید. ناصرالدین شاه مجبور شد که سپهسالار را از صدارت عزل و به حکمرانی گیلان بگمارد و بی او به تهران بیاید. علما تهدید کرده بودند که در صورت عزل نشدن سپهسالار، از ایران خارج خواهند شد. شاه پس از تسلیم به خواست علماء پس از ورود به تهران، به دیدار ملا علی کنی رفت و مراتب احترام را به جای آورد تا از نارضایتی علما بکاهد. برخورد حاج ملاعلی کنی با سپهسالار، شاخص‌ترین برخورد نهاد دینی و علمای شیعه با ارکان حکومت قاجار در دوره قاجاریه تا زمان شکل‌گیری نهضت تحریم تنباکو است. یکی از دلایل سرسختی روحانیون در برابر سپهسالار، تلاش وی به عنوان وزیر عدلیه در واگذار کردن حق انتصاب مجتهدان به محاکم شرع به دولت بود. در ادامه مبارزه نهاد دینی با دولت، به رهبری ملاعلی کنی امتیاز رویت‌ر سرانجام لغو شد. حاج ملا علی کنی در این زمان، ملقب به رئیس‌المجتهدین بود، مقابله‌اش را با اقدامات مضر به حال دین، دولت و مردم به صورت همه‌جانبه\* می‌کرد. او به عنوان طراح سیاست مذهبی، افکار و اقدامات منورالفکران سکولار و دین‌ستیز را پر نظر داشت و با آن به مقابله برخاست. از جمله آن منورالفکران می‌توان به ملکم خان ناظم‌الدوله علی‌خان اخوندزاده اشاره کرد. این افراد به عنوان طراحان سیاست مذهبی و افکار سکولار حمل و نظریه‌پردازی میکردند. میرزا ملکم خان، به رغم تلاشش در مذهب مآبی مقاصد

تجددخواهانه اش، به اصول و مبانی فکری مکاتب مادی غرب معتقد بود و اگر آن را پنهان می کرد با به مصلحت اندیشی بود؛ چون در صورت برملا شدن چهره واقعی او، از جامعه مسلمانان طرد می وی هنگام توقف در تفلیس در ۱۲۸۹ ق در صحبتش با اخوندزاده، دین را موجب سقوط اعتبار می ترجیح نقل بر ما تل و ممه هوس کردن آن می داند، یا در جریان یک سخنرانی با عنوان «مدنیت ایرانی در لندن، نشان می ۱۰، که وی اندیشه تجددخواهی و اقتباس مدنیت غربی را در لفافه دین می بیجد او راه منحصر به فرد پیش روی مسلمانان را برای پیشرفت در این میدانند که به مسلمانان تلقین شود که مبانی ترقی غرب، همه برگرفته از اصول اسلام است و مسلمانان با به کار بستن آن، خود و آنچه داشته اند را باز خواهند یافت. برخی اعمال و اقوال متناقض ملکم خان را» دوگانگی و نفاق «نامیده اند و سودجویی و فرصت طلبی او را تقبیح کرده اند. میرزا ملکم خان از اولین مؤسسان تشکیلات فراماسونری در ایران و فراماسون بود. رسوایی و خیانت مالی و سیاسی ملکم خان در جریان واگذاری امتیاز لاتاری به اوج خود رسید. در این زمان با وجود این همه دلایل، عدهای سطحی نگر فریب شعارهای او را خورده بودند، اما حاج ملا علی کنی ماهیت واقعی او را شناخته و در نامه ای به ناصرالدین شاه، خطرات فراموشخانه و عقاید ملکم و لزوم طرد وی را مطرح کرد. او به ناصرالدین شاه قاجار در جریان سفر سوم خود در ۱۳۰۶ ق به فرنگ، امتیاز انحصاری دخانیات، توتون و تنباکو را در داخل و خارج به یک شرکت انگلیسی واگذار کرد. البته این امتیازنامه در ۱۳۰۸ ق / ۱۸۹۰ م به امضا رسید. این امتیاز از آنجا که منافع هزاران کشاورز، کارگر و بازرگان ایرانی و اقتصاد ایران را به بیگانه واگذار می کرد، از زیان بارترین امتیازات بود. اما دیری نگذشت که علمای شیعه و تجار متحداً به مخالفت با آن قیام کردند. علما از آن حیث که این امتیاز نامه را وسیله ای برای تسلط اجنبی بر شئون یک کشور اسلامی ارزیابی می کردند و مقاصد دینی و حفظ هویت دینی جامعه را در مخاطره می دیدند و تجار نیز منافع اقتصادی خود را با خطر بزرگی مواجه می دیدند، به مخالفت برخاستند. سرازیر شدن انگلیسیها به ایران و مغایرت اعمال و رفتار و اقدامات آنها با فرهنگ و معتقدات مذهبی مردم، به مخالفان فعالیت کمپانی رژی افزود و به تدریج جریانی عظیم به رهبر

روحانیت شکل گرفت. ۱. در این حرکت احیای گرانۀ عا و احیای گرانۀ علمای شیعه، نهاد دینی به فرصتی تاریخی دست یافت تا ثابت کند که مردم برای غلبه بر استبداد داخلی و استعمار خارجی را دارد و در عمل نیز با فتوای توان بسیج عمومی مردم برای غلبه تاریخی تحریم تنباکو به دست می تنباکو به دست میرزای شیرازی، به هر دو هدف رسید و دولت در مقابل مردم، و القای امتیازنامه را اعلام کرد. بنا به روایت رسالۀ دخانیۀ ملا محمدعلی هیدجی (، حکم شیرازی در همان نیمروز اول تا به صدهزار نسخه رسید و مایه شگفتی ایرانیان و اعجاب خارجیان شد. هیدجی می افزاید: «حتی بانوان و نوکران ناصرالدین شاه از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کردند، به طوری که هیچ کس را یارای آن نبود که در خیابان به حال معامله با مصرف تنباکو دیده شود. شایع بود که حتی مسیحیان و یهودیان هم [تحریم شرعی را رعایت می کردند. «۲ نکته مهمی که وجود دارد این است که تفکر حاکم بر نهضت که جانمایه تحرک مردم و علما را تشکیل می داد، مشروط ساختن مشروعیت نسبی حکام به حفظ تمامیت ارضی و حراست از باورها و اعتقادات دینی مردم بود. این، اساس اندیشه سیاسی شیعه را تشکیل می داد؛ اندیشه ای که قدرت سلاطین را نامشروع تلقی می کرد و بقای آن را صرفاً برای حفظ نظم میطلبید. نکته دیگر این بود که مذهب شیعه در این دوره به عنصری مهم در وفاق اجتماعی و همبستگی فکری مردم تبدیل شده بود. در این خیزش قطعاً ثابت شد که پادشاه قاجار دیگر قادر به اعمال حکومت مطلقه نیست و توجه الوهیتی در قدرت برای شاه مترتب نیست. نکته آخر اینکه نقش سیاسی مرجعیت در بسیج توده در آزمونی مهم اثبات شد و از آن پس مراجع ایرانی مقیم نجف تا پس از مشروطه نیز با تر به ایفای نقش اساسی در رهبری سیاسی مردم پرداختند. بدین ترتیب، نهضت تنباکو بر نهضت مشروطیت بود که حدود پانزده سال بعد به وقوع پیوست. " دی، شاهد حرکت بیدارگرانۀ دیگری نیز هستیم که سید جمال الدین اسدآبادی د جمال پس از فراگیری بخشی از علوم اسلامی در ایران، راهی نجف شد. هزینه کما وی را شیخ مرتضی انصاری برعهده داشت. سید جمال چهار سال در نجف تحصیل اطمینان بیشتر به ایفای نقش انساه پیش درآمدی بر نهضت مشروطیت بود که صورت داد. سید جمال پس از فراگیری تحصیل و زندگی وی را تا

—کرد. سید جمال تمام امیدش برای بیدار کردن جامعه ایران و دیگر جوامع اسلامی از طریق حوزه های علمیه و روحانیون بود، به همین دلیل در سفرش به شهری یا کشوری مورد استقبال روحانیون قرار می گرفت و با آنها به مباحثه روشنگرانه می پرداخت. با مهم ترین اندیشه بیدارگرانه وی، اندیشه اتحاد اسلامی بود. او تردیدی نداشت که نیرومندتر. رابطه میان مسلمانان، رابطه و پیوند دینی است. از مهم ترین کارهای وی هویت بخشیدن به جوامع اسلامی و مسلمانان بود. شعار وی « بازگشت به اسلام » و « بازگشت به قرآن » یا « احیای سنت سلف صالح » به قصد ایجاد هویت نوین برای مسلمانان بود. محور وحدت را قرآن میدانست. در عروۃالوثقی نوشت: « من آرزو دارم که سلطان همه مسلمانان قرآن باشد و مرکز وحدت آن ایمان » ۴ سید جمال، در کنار اندیشه اتحاد همه مسلمین، به اوضاع ایران و لزوم بیدارگری در ایران نیز توجه ویژه ای داشت. نامه او به میرزای شیرازی، نطقهای او علیه بی دینی فرمانروایان قاجار و خطرات استیلای اقتصادی بیگانگان، در بیداری اسلامی نقش فراوانی داشته است. سید جمال در برانگیختن روح اعتراض در سالهای منتهی به مشروطیت سهم بسیاری داشت. او آشکارا از صدراعظم و شاه ایران خواست که اصلاح، آزادی، عدالت و قانون را مد نظر قرار دهند که موجب تبعید وی از ایران شد. او با بسیاری از آزادی خواهان نیز مکاتبه و ارتباط داشت و آنها را به قیام برضد استبداد تشویق میکرد.؟ مظفرالدین شاه قاجار هنگامی به سلطنت رسید (۱۳۱۳ ق) (که روابط روحانیون با نهاد سلطنت پس از صدور فتوای تحریم تنباکو، در ظاهر رو به بهبودی بود. اما اقدام حکومت مبنی بر گماردن نوز بلژیکی به ریاست اداره کل گمرکات ایران و رفتار تبعیض آمیز وی بین بازرگانان ایرانی و خارجی و امتیاز دادن وی به بازرگانان مسیحی، موجبات اعتراض تجار و علما را برانگیخت. در تهران، مج

تفرشی، ایت الله میرزا ابوالقا - الله میرزا ابوالقاسم طباطبایی و دیگران تصمیم برکناری امین السلطان به عنوان عامل استیلای خارجیان بر امور مسلمانان کردن پیوست. عده ای از روحا را بر امور مسلمانان کردند. به تدریج شیخ فضل الله نوری نیز به صف مخالفان مدهای از روحانیون ایرانی مقیم نجف از جمله اخوند ملا محمدکاظم خراسانی نیز با اول اعتراض خود را مطرح کردند. سرانجام، در جمادی الثانی ۱۲۲۱ ق به ارتداد میرزا علی اصغرخان اتابک امین السلطان (رأی دادند. شاه، در نهایت، مجبور به برکناری امین السلطان و انتصاب عین الدوله به جای وی شد. .. به تدریج مخالفت روحانیون با شخص مظفرالدین شاه نیز آغاز شد. علت مخالفت، استقراض از کشورهای خارجی، سفر پرهزینه به فرنگستان، افزایش نفوذ خارجی، رکود و تعطیلی صنایع و مواردی از این قبیل بود. اما گسترش موج بیدارگری نهاد دینی فراتر از این حرفها بود و در این زمان، به رشد و بلوغ چشمگیری رسیده بود. از این کار را یکی از ابزارهای بیدارگرانه و آگاهی بخش در جریان نهضت مشروطه خواهی، نگارش و انتشار رساله هایی در موافقت یا مخالفت با مشروطیت بوده است. این رساله ها به کوشش روحانیون و علمای مکتب اصولی تهیه شده و هدف آن روشنگری مردم به ابعاد مشروطیت و تبیین انطباق یا تباین آن با احکام اسلامی است. ۴. یکی از چالشهای مهم نهضت بیداری اسلامی و نهاد دینی در این عصر، برخورد با موج ای در نظر و عمل بود. ارتباطهای فزاینده ایرانیان از راههای گوناگون، از جمله تجارت، انشجو به جهان غرب و ورود مؤسسات تمدنی جدید و الزامات مدنیت غربی، که البته بسیاری موارد صرفا پوسته ظاهری مدنیت غربی بود، شرایط دشواری را برای تداوم احیای تفکر بد آورد. تناقضهای موجود در آرا و افکار علما نیز بر دامنه مشکلات افزود. ما را استبداد محمدعلی شاهی، علمای مقیم نجف که به دور از فشارها و اختناق سیاسی ایران



بودند، راحت تر از علمای فعال در ایران، نهضت مشروطیت و آزادیخواهی را ادامه دادن آب محمدعلی شاه و روسهای حامی او را دشمن اسلام و مسلمین معرفی کردند و به لزوم از میان بردن دولت مستبد و خروج سربازان کافر روسی از ایران تأکید ورزیدند. روحانیون ثلاثه نجف) تهران خراسانی، مازندرانی (طی نامه ای به دولت عثمانی، که از اندیشه اتحاد اسلام حمایت می کرد، دام براندازی محمدعلی شاه و اخراج روسها از ایران استمداد کردند. البته باید در نظر گرفت که این استمداد خلیفه سنی بنا به مقتضیات زمان و تنگناهای موجود بوده است. در داخل ایران نیز، تحرکات و اظهاراتی بر ضد محمدعلی شاه و حضور نیروهای روسی ابراز شد. روحانیون مقیم نجف به همراه مقلدان خود در صدد حرکت به سوی ایران برای جهاد بودند که پیروزی مشروطه خواهان و ورود نیروهایی از اصفهان و گیلان به تهران و فرار محمدعلی شاه و پناهندگی وی به سفارت روسیه، آنها را از ادامه حرکت باز داشت. ۲. حرکت دیگر علما در این سالها، در واکنش به بحران ناشی از اولتیماتوم روسیه به ایران در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ ق است. مجلس دوم شورای ملی برای اصلاح امور اقتصادی، استخدام مورگان شوستر و چهار مستشار دیگر امریکایی را تصویب کرد و آنها به ایران آمده، اداره مالیه را به دست گرفتند، روسیه و انگلیس به مخالفت جدی با آن برخاستند، روسها ابتدا شفاهی و سپس در ۷ ذی الحجه ۱۳۲۹ کتبی به دولت ایران برای اخراج شوستر اولتیماتوم دادند و به دنبال آن به سرعت بخشهایی از شمال ایران را به تصرف در آوردند. در تبریز، ثقة الاسلام تبریزی را اعدام و در مشهد، حرم امام رضا انی را به توپ بستند و به توقیف مردم دست زدند. رئیس مجلس طی تلگرافی به آخوند خراسانی در نجف و دیگر علما از آنها خواست تا به «تکلیف اسلامیت اقدام فرمایند. در واکنش به این درخواست، علمای نجف به اقداماتی در دفاع از استقلال ایران چون تعطیل جلسات درس و طرح مسئله جهاد، پرداختند. این واکنش نشان داد که مرجعیت شیعه به قدرت سیاسی نیرومندی تبدیل شده و توان بسیج توده ها را در حداقل زمان دارد. این امر ناشی از رشد آگاهی شیعیان و نفوذ و رسوخ حرکتها و اقدامهای بیدارگرانه و احیاگرانه در میان آنها بوده است.

در عصر حکومت احمدشاه قاجار | فضای ناامن و نامساعد حرکت‌های د احمدشاه قاجار، جامعه ایران دچار حکومتی ضعیف و ناامنی فزاینده بود. در می توانست در سالهای آینده از مساعد حرکت‌های اصلاحی و بیدارگرانه دچار رکود شد و این امر بسیار مهم، که الهای آینده از شکل گیری حکومت دیکتاتوری به رهبری رضاخان جلوگیری کند، حکومت متمرکز و امنیت خواهی قرار گرفت. البته، در این سالها، به ویژه در تحت الشعاع موضوع حکومت متمرکز و امنیه الهای منتهی به تأسیس حکومت پهلوی، حرکتها و نهضتهایی با صبغه اسلامی و ضداستبدادی و من نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان و قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز پدید آمدند که باز هم تحت الشعاع گرایش به تمرکز و امنیت خواهی قرار گرفته، از میان رفتند. علت دیگر به نتیجه نرسیدن آن حرکتها، عدم اتحادشان با علمای بانفوذ شیعه و مرجعیت دینی و قرائتهای خاصی از اسلام بود که ما نمی توانست از پایگاه مرجعیت تأیید و تقویت شود. البته این قیامها و خیزشها در فرصت کمی که داشتند، موفق به معرفی صحیح خود و برنامه هایشان نشدند و این امر امکان استمرار آنها را کاهش داد. استعمار خارجی نیز در تضعیف آنها نقشی مستقیم داشته، چرا که برخی از خیزشها، مانند نهضت جنوب، علیه حضور و تجاوز خارجی بوده است. دادا مهم این است که حرکت خیابانی و جنگلیها را نمی توان از منظر بیداری اسلامی بررسی کرد؛ چون دیدگاههای اسلامی آنها با دیدگاه علمای اصولگرا، که مهم ترین ویژگی آن آمیختگی دین و سیاست است، تفاوت داشت و در آن قیامها به جدایی دین از سیاست تأکید شده بود. اما در مخالفت با کفار و بیگانگان در امور و سرنوشت مسلمین، نظرها و دیدگاههای مشابهی داشتند و این : در حرکت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری بعدی نیز محرکی مؤثر بوده است. است - نظرهایی ارائه کردند، طرح جمهوری های دیگری که علمای شیعه دست به واکنش زدند و در قبال آن موضع گرفتند و کردند، طرح جمهوری خواهی رضاخان بود. این طرح در ۱۳۵۳ش هنگامی مطرح شد لسله قاجار کاملاً از اعتبار افتاده بود و در همسایگی ایران، در کشور ترکیه نظام اعلام شده بود. طرح این موضوع و به خصوص متأثر بودن آن از ترکیه، دل نگرانی روحانیت لیخت؛ زیرا اعلام جمهوریت را با برنامه های ضد اسلامی آتاترک در ارتباط می دانستند. جمهوری اعلام شده بود. طرح این موضوع

یکی از مخالفان جمهوریت، آیت الله سید حسن مدرس، نماینده مجلس شورای ملی، بود ۱ مدرس با جمهوری واقعی مخالف نبود و این مطلب را بارها در جواب معترضان و منتقدان گفته بود. او میگفت این جمهوری که می خواهند بر ما تحمیل کنند مبتنی بر اراده ملت نیست، بلکه انگلیسیها می خواهند ما را به پذیرش آن وادارند و رژیم صدردصد وابسته و تحت الحمایه را بر ایران استوار سازند و اگر نامزد جمهوری خواهی فرد آزادی خواه و ملی بود، حتما با او همراهی می نمودم. بدین ترتیب، جنبش جمهوری خواهی در پی مخالفت آشکار نیروهای مذهبی و نیز پافشاری نمایندگان جناح اقلیت مجلس به رهبری مدرس به شکست انجامید. مدرس به نحوه انتخابات مجلس پنجم نیز اعتراض کرد و با مرتبط کردن تقلب در انتخابات، به واهی بودن جمهوری خواهی رضاخان به افشاگری پرداخت. مدرس با استقامت و مبارزه کم نظیر، چراغ جنبش بیداری اسلامی را در این دوره اختناق فزاینده روشن نگهداشت آنان را دادند اما نشان بنا دیا اور ان در دوره پهلوی اول) ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش (را می توان دوره خصوصیت شدید علیه فرهنگ اسلامی و نهادهای دینی دانست. یکی از عواملی که به شکل گیری و تثبیت دیکتاتوری دوره رضاشاهی منجر شد، سرخوردگی روحانیون از مشروطه خواهی و آثار گمراه کننده شرکت مداوم و آشکار رضاشاه در مراسم مذهبی قبل از تحکیم موقعیت خود بود. در واقع دوگانگی و نفاق وی در این زمینه مؤثر بوده است. با این همه، نهضت بیدارگری به رغم دشواری راه، همچنان حرکتی رو به جلو داشت. نام یکی از رخدادها و تحولات مهم نهاد دینی در دوره پهلوی، تأسیس حوزه علمیه قم به کوشش آیت الله شیخ عبدالکریم حائری است. او در نهضت مشروطه خواهی خود را بی میل به آن نشان داد و از موضع گیری سیاسی دور نگهداشت. عمده ترین نتیجه تأسیس حوزه علمیه قم، انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از عتبات عالیه و حوزه علمیه نجف اشرف به این حوزه بود که تأثیرات فراوانی بر جامعه و مردم ایران برجای نهاد. دیری نگذشت که این حوزه در مبارزه با افکار کمونیستی و اقدامات

\_\_ضددینی رضاشاه شهرت یافت دینی و شرعی را پر کرد. او شهرت یافت و خلا موجود در پاسخگویی به پرسش ها و نیازهای جامعه در امور نوعی را پر کرد. از نظر سیاسی نیز، مسائل مشروطیت و دور بودن علما از مرکز تحولات دان به ایجاد چنین مرکزی را مؤکد می گرداند. احتیاط سیاسی آیت الله حائری در شکل گیری موقعیت حوزه علمیه قم مؤثر بود و از گرفتارشدن آن به افراط کاری یا تفریط قبل از استحکام پایه هایش، جلوگیری کرد. انا انا آیت الله حائری شکل سومی از مبارزه نهاد دینی را، که پی ریزی حرکت فرهنگی حوزوی و اصیل شیعی در برابر امواج فزاینده و مخرب غرب گرایی بود، پدید آورد. اگر علمای پیش از وی در بعد سیاسی و انقلابی با دو ضلع استعمار و استبداد درگیر بودند، آیت الله حائری به ضلع سوم، یعنی لائسیسم در حال پیشروی توجه کرد و آن را جبهه اصلی مقابل دین برشمرد و به مقابله با آن پرداخت. البته تقویت فرهنگ دینی از سوی آیت الله حائری، در آینده بیشتر ثمرات خود را بروز داد و آن پیروزی نهایی و تفوق اندیشه دینی بر سکولاریسم بود. ایران ان را یکی از علمای روشن بین و مبارز عصر رضاشاه، آیت الله محمدتقی بافقی بود. او در مراسم نوروزی ۲۹ اسفند ۱۳۰۶، (که زنان درباری) بی حجاب (وارد حرم حضرت معصومه اب در قم شدند، به مخالفت برخاست و به همین علت دستگیر و مدتی بعد تبعید شد. این اعتراضات در جامعه و مطبوعات انعکاس پیدا کرد و جریان مبارزه روحانیون با سیاستهای دین ستیزانه را فعال و زنده نگهداشت. در ای ن دار واش مهم دیگر علیه سیاستهای مذهبی دین ستیزانه رضاشاه در ۱۳۰۶ش به رهبری آیت الله اصفهانی شکل گرفت. آقا نورالله در ۱۳۰۶ش جمعیتی به نام « اتحاد اسلامی اصفهان » از پیوند روحانیون، اصناف، کسبه و متدینین ایجاد کرد و هدف آن مقابله با سیاستهای فرهنگی، مذهبی کی حکومت پهلوی بود. قیام ۱۳۰۶ش در ظاهر علیه قانون نظام وظیفه، که طلاب را نیز به

خدمت نظام وظیفه ملزم می کرد، بود، اما عملاً علیه سیاستهای فرهنگی رضاشاه عمل می کرد. در ادامه این قیام، علما و طلاب اصفهان در ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ به قم مهاجرت کردند که تا ۴ دی (۱۳۹۶) ۱۰۵ روز (به طول انجامید. آیت الله حائری از مهاجرین استقبال کرد و امکانات رفاهی و نمو انعکاس دیدگاههای آنها را فراهم کرد. دربار ابتدا این مهاجرت را جدی نگرفت، ولی پس از آنکه تیمورتاش، وزیر دربار، به دیدار مهاجرین رفت و با آنها به گفت و گو پرداخت نمایندگان علمای مشهد همدان، کاشان، شیراز و برخی نقاط دیگر نیز به مهاجرین اصفهانی پیوستند. از سراسر کشور، تلگرافهایی نیز به شاه در حمایت از علما ارسال شد. با علمای مقیم نجف نیز تماسهایی برقرار شد. کار به جایی رسید که حکومت به فکر به توپ بستن قم افتاد. دولت به خواسته های مهاجرین تن درداد (۳۰ آذر ۱۳۰۶). ولی علما موافقت با آن را به صدور لایحه ای از طرف دولت و تصویب مجلس موکول کردند. در نهایت مخبرالسلطنه، رئیس الوزرا، و تیمورتاش با ایجاد تفرقه در میان مهاجرین و بدون عمل به تعهدات و وعده ها، به این قیام پایان دادند. در این میان، درگذشت ناگهانی و نابه هنگام آیت الله نورالله اصفهانی در قم، نیز در این پایان بی نتیجه، بی تأثیر نبوده است. گرچه در ظاهر امر، پایان کار بی نتیجه می نمود، ولی اجتماع روحانیون و طلاب از شهرهای مختلف و تبادل اطلاعات و افکار آنها و پخش خبرهای این اعتراض موجب امیدواری نیروهای مذهبی برای تداوم مبارزه در سالهای آینده شد. در واقع این نوع حرکتها نوعی تدارک صبورانه برای انجام کارهای بزرگتر در آینده بود. در فاصله بین سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۲۰ ش عرصه بر نیروهای مذهبی و عملکرد نهاد دینی بیش از پیش تنگ تر شد. در این مدت، آیت الله مدرس بر اثر ادامه مخالفت با حکومت رضاشاه به شهر خواف تبعید و سرانجام به شهادت رسید. ۳۰ از رویدادهای مهم دیگر عصر حکومت رضاشاه، قیام مسجد گوهرشاد است که در تیر ۱۱۴ اتفاق افتاد و یکی از علمای مشهد به نام آیت الله حسین قمی در اعتراض به ترویج کلاه های سنگ اروپایی به تهران آمد تا شکایتش را به رضاشاه تسلیم کند، اما دستگیر و زندانی شد. در واکنش

به دست نظامیان سری یه وی، تجمعات اعتراض آمیزی در مسجد گوهرشاد مشهد اتفاق افتاد که با کشتار مردم نظامیان سرکوب شد. این بزرگترین قتل عام حکومت پهلوی تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ است. شیخ محمد تقی بهلول، واعظم یت ملول، واعظ معروف، به افغانستان گریخته و ایت الله قمی نیز به عراق تبعید شد. های دیگر از علما و نیروهای مذهبی دستگیر و زندانی یا تبعید شدند. در مجموع، رویکرد حکومت رضاشاه در اداره جامعه ایران، موجب ایجاد شکاف بین حکومت و مردم و ایجاد برخوردهای خشن یا زیرزمینی شدن فعالیت نیروهای مذهبی و پیدایش وضعیت انفجار آمیز در جامعه شد. در نتیجه، سیاستهای اسلام زدایی، ضد خود را در جامعه پرورش داد و زمینه را برای تحولات دهه ۳۰ فراهم آورد. اس با شکست دیکتاتوری رضاشاه و خروج وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ از ایران، به یکباره زنجیرهای استبداد از هم گسست و نیروهای مذهبی و احیاگران تفکر دینی نیز، همچون دیگر نیروهای خود را از قیود حکومت رضاشاه آزاد یافتند. در این فضای نسبتاً آماده سیاسی، نیروهای مذهبی تلاش خود را برای از میان بردن فضای ضد دینی و تحمیل شده بر جامعه و احیای اندیشه دینی و بیداری اسلامی شروع کردند. در این میان، حوزه علمیه قم با وارد کردن اولین نسل دانش آموختگان نواندیش خود برای هدایت مذهبی جامعه، حیات نوینی را آغاز کرد. محورهای مبارزه و فعالیت نیروهای مذهبی در اوایل دهه ۳۰ عبارت بودند از: مبارزه با افکار احمد کسروی، مبارزه برای حجاب زنان، مبارزه با مونیسم و مبارزه با بهائیت. در مورد هر کدام از موارد ذکر شده، تبلیغات فراوان و کتب متعددی تألیف و ارسال رسائل مختلفی نیز نوشته شد که مشخص ترین آنها رسائل حجاب و کتاب کشف الاسرار مینی بود که در واقع ردیه ای بر رساله أسرار هزار ساله نوشته حکیم زاده و آثار احمد کسروی بود. بابا طرح اجمالی ولایت فقیه نیز بود. از سال ۱۳۲۷ ش مسئله فلسطین نیز وارد حوزه بیداری ما در ایران شد. برای رسیدن به هدفهای مذکور در چهار محور مبارزه با بی دینی، تشکلهاء پا، گروهها و احزاب سیاسی - مذهبی نیز به وجود آمدند. در کنار فعالیت های یادشده، دو محور یا روحانیون مکتب اجتهادی، یعنی مبارزه علیه استبداد و استعمار نیز دنبال شد. الی

روحانیون تبعیدی بار دیگر به صحنه بازگشتند، که از جمله آنها آیت الله حسین قمی و سید ابوالقاسم کاشانی بودند. برنامه های آموزش دینی و مذهبی نیز اصلاح شد و وضعیت اداره موقوفات نیز تن کرد. از پدیده های جریان احیای تفکر دینی در دهه ۳۰ ظهور امام خمینی و ورود او به صحن سیاسی - مذهبی است. ایشان در ۱۳۲۳ ش نخستین بیانیه مکتوب سیاسی خود را تحریر کرد و در آن، یادآور شد که «انبیاء در حالی که کاملاً مجذوب تأمل درباره خداوند بوده‌اند، برای تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی انسانها قیام کرده اند. برعکس مسلمانان امروزی فقط به خاطر منافع دنیوی قیام کردند؛ و نتیجه آن هم، حاکمیت بیگانگان و عوامل آنها، مانند رضاشاه بود.» در دهه های ۳۰ و ۴۰ ش، دو رکن دیگر به ارکان فعالیت جنبش بیداری اسلامی افزوده شد و آن دو مطبوعات دینی و شاخه یا گرایش دین باور جنبش دانشجویی بود. البته مطبوعات دینی در دهه های گذشته نیز سابقه فعالیت داشت، ولی در این دو دهه از نظر کمی و کیفی گسترش چشمگیری یافت. ویژگی جدید فعالان مذهبی مطبوعات این بود که علاوه بر روحانیون، تحصیل کرده های دانشگاههای داخل و خارج نیز به نویسندگی مذهبی روی آوردند و در شناساندن اسلام به نسل جوان کوشیدند. بخشی از مقالات مطبوعات مذهبی، سعی در تطبیق علم و دین یا اثبات مسائل دینی با استفاده از دانش جدید داشتند. از نشریات مذهبی این دوره می توان به خرده سالنامه و هفته نامه نور دانش، آیین اسلام، پرچم اسلام، دنیای اسلام، وظیفه، مسلمین، محقق، تعلیمات اسلامی، ستاره اسلام، ندای حق، حیات مسلمین و تاریخ اسلام اشاره کرد. یکی از بارزترین صحنه های پیروزی جنبش بیداری اسلامی، در نهضت ملی شدن صنعت نفت به نمایش گذاشته شد. این نهضت مهم ترین حرکت ضداستعماری دهه ۳۰ ش به شمار می رود. در جریان ملی شدن صنعت نفت، دو گرایش فکری ملی گرایی و مذهبی به هم رسیدند و از اقدامات متحدانه خود در دفاع از حقوق مردم نتیجه درخشانی گرفتند. رهبر ملی، محمد مصدق و رهبر بلامنازع مذهبی، آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی بود. آیت الله کاشانی سالها با سلطه استعماری انگلیس در عراق و ایران مبارزه کرده بود و در این برهه از زمان با تکیه بر قاعده «نفی سبیل» به نفی

و صنعت نفت پرداخت. با توجه به پایگاه توده‌های ایشان و مذهبی بودن یسلط انگلیس بر ایران، به ویژه صنعت نفت پرداخت جامعه ایران، وی توانست همچون پلی ارتباطی، م. دهد. اعلامیه‌ها، سخنرانیها و فتوائیهها آ... ت همچون پلی ارتباطی، مردم مذهبی را به اندیشه‌های جبهه ملی پیوند جانبها و فتوائیه‌های آیت الله کاشانی به مبارزه مردم مشروعیت دینی داد و ان عقلی و شرعی لزوم ملی شدن را تبیین کرد. در این زمینه، با روحانیون و دیگر نیروهای مذهبی در تهران و شهرستانها نیز تماس گرفت و آنها را به حضور در صحنه مبارزه فراخواند. و با مصاحبه‌های متعدد خارجی نیز استدلالها و دیدگاهها خود و مردم را به گوش جهانیان رسانید. .. ۱. (آیت الله کاشانی، برای عملی کردن دیدگاههای خود در جریان نهضت ملی شدن نفت، از تشکیلات مجمع مسلمانان مجاهد و جمعیت فداییان اسلام نیز بهره می برد. هسته اولیه مجمع، جمعیت فداکاران اسلام بود که در ۱۳۲۲ش تأسیس شده بود، البته هسته اولیه جمعیت فداییان اسلام نیز به آن شکل می رسد. مجمع دیدگاههای خود را از طریق روزنامه «مهر میهن» منتشر میکرد. ۳. فداییان اسلام در تحولات دهه ۱۳۲۰ش حضور فعالی داشتند. مبارزه با افکار کسروی و همفکرانش فعالیت اصلی آنها بود. آنها در کنار تبلیغات و فعالیت فرهنگی به مبارزه قهرآمیز نیز معتقد بودند. آنها بر آن بودند که مسلمانان نباید از کشتن و کشته شدن دشمنانشان هراسی در دل راه دهند. دشمنی که حقایق اسلام گردن نهد و قصد تجاوز به مسلمین را داشته باشد، باید نابود شود. آنها در راستای هدف خود احمد کسروی، عبدالحسین هژیر و حاجی علی رزم آرا را ترور کردند. قتل رزم آرا نقش مؤثری در تسریع روند ملی شدن صنعت نفت و تصویب لایحه آن در مجلس شورای ملی و سنا. درواقع، قتل رزم آرا آخرین گام پیروزی در نهضت ملی شدن نفت بود. ته دیگری که روحانیت مبارز شیعه در مقابل استبداد و استعمار پیروز شد، قیام سی ام تیر " - بود. در فاصله ۲۵ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که مصدق استعفا داد و محمدرضا پهلوی بلافاصله احمد ما به جای وی به نخست وزیری منصوب کرد، بی درنگ آیت الله کاشانی بار دیگر وارد صحنه شد = ما سمعت



—سخنرانیها، مصاحبه های مطبوعاتی و اعلامیه های وی چنان تأثیری گذاشت که یک اعتن سراسری علیه دولت قوام شکل گرفت. پاسخ مردم به ندای مرجعیت سیاسی بیانگر رشد مالی بیداری اسلامی و همه گیر شدن آن در ایران بود. او در واکنش به اعلامیه تهدید آمیز احمد قوام، طی اعلامیه ای گفت: «اعلامیه ایشان در نخستین روز زمامداری به خوبی نشان میدهد که چگونه بیگانگان درصددند که به وسیله ایشان، تیشه به ریشه دین و آزادی و استقلال مملکت زده و بار دیگ زنجیر اسارت را به گردن ملت مسلمان بیندازند. توطئه تفکیک دین از سیاست، که قرون متمادی سرلوحه برنامه انگلیسیها بوده و از همین راه ملت مسلمان را از دخالت در سرنوشت و امور دینی و دنیوی باز می داشته است، امروز سرلوحه برنامه این مرد جاه طلب قرار گرفته است. احمد قوام باید بداند که در سرزمینی که مردم رنجیده آن، پس از سالها رنج و تعب، شانه از زیر بار دیکتاتوری بیرون کشیده اند، نباید رسماً اختناق افکار عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. من صریحاً می گویم که بر عموم برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر، کمر همت محکم بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است.» در ۲۹ تیر ۱۳۳۱ نیز طی پیامی به دربار گفت: «به عرض اعلیحضرت برسانید، اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق، تا فردا اقدام نفرمایند، دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد.» در مصاحبه های خود نیز اعلام کرد: «اگر پای یک کارشناس انگلیسی به مؤسسات نفتی آبادان برسد، من دستور خواهم داد که تمام تأسیسات نفتی و پالایشگاهها را آتش بزنند و نابود کنند... اگر کار سخت شود خودم حاضرم کفن بپوشم.» سرانجام بر اثر اتحاد نیروهای مذهبی با نیروهای ملی گرا، و با بسیج توده های مردم، احمد قوام برکنار و مصدق به جای وی انتخاب شد. قیام سی تیر در واقع اوج قدرت و نیرومندی مرجعیت شیعه و نهاد دینی در مسائل سیاسی بود. از دیگر اقدامات بیدارگرانه در قالب احیای تفکر دینی، تلاش آیت الله بروجردی برای خروج روحانیت شیعه از انزوای مذهبی در جهان اسلام بود. او ابتدا هیئتهایی از مبلغان جوان و اندیشمند مذهبی حوزه علمیه قم را برای رسیدگی به امور شیعیان و مسلمانان به کشورهای مختلف روانه کرد و در اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا مراکز اسلامی ویژه شیعیان تأسیس کرد. مهمترین اقدام وی در این

قاسم غنی بود. بنا به حکایت استاد علامه شیخ محمدتقی قمی به قاهره و هم زمانی حضور وی در آن سرزمین با سفارت د. بنا به حکایت اسناد وزارت امور خارجه، این دو با مساعی مشترک توانستند ارتباطات امر با علمای اهل سنت ایجاد کنند و به تبیین و تشریح مبانی اهل شریعت بپردازند. این اقدام در نهایت به تأسیس نهاد دارالتقرب مذاهب اسلامی انجامید. چنان که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از ارکان جدید جنبش بیداری اسلامی، پیدایش و تثبیت جنبش دانشجویی، به ویژه طیف مذهبی و اسلام گرای آن، بود. در دانشگاهها که کانون برخورد افکار مختلف بود، تفکر دفاع از اسلام و هویت دینی به تدریج رشد کرد. هدف این حرکت، پیراستن اسلام از باورهای غلط و معرفی اسلام به عنوان دینی سازگار با علم، عدالت اجتماعی، برابری و آزادی بود که در ضمن با جهل، ظلم و نابرابری و استبداد و استعمار در تعارض است. بخش عمده ای از شکل گیری این جنبش، در نتیجه فعالیتهای متفکران روحانی و استادان و آموزگاران اسلام گرا و دین باور، مانند آیت الله طالقانی، استاد محمد تقی شریعتی، حسینعلی راشد، محمدتقی فلسفی، دکتر محمود شهابی، دکتر عطاءالله شهاب پور، مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و دیگران بود که در دهه های آینده به تعداد آنها افزوده شد. گروهی از دانشجویان نیز با ایجاد تشکلی به نام «انجمن اسلامی دانشجویان» حرکت یادشده را تقویت کردند و گسترش دادند. این انجمن در ۱۳۲۰ تأسیس شد و در دو دهه آینده به تکامل رسیده از کانونهای ترویج بیداری اسلامی، به ویژه در دهه ۴۰ ش، مساجد بودند که در هر کدام از آنها یکی از مبارزان مذهبی برنامه های سخنرانی و تفسیر قرآن برگزار می کردند. در این میان نقش مسجد هدایت در تهران و فرد اول آن، یعنی آیت الله طالقانی، برجسته بوده است. هدف آیت الله می ترویج اسلام راستین در بین جوانان و روشنفکران و جلوگیری از افتادن آنها به دامن کمونیسم ان غربگرایانه بود. در دهه ۴۰ ش، به ویژه پس از کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد از مجلد دیکتاتوری سلطنتی و مبارزه دوباره با مظاهر دینداری و اقدامات فزاینده نشستیز، که نوعی خلا مذهبی و فکری ایجاد کرد، آیت الله طالقانی مبانی ترقی مذهبی را مطرح کرد و جلسات تفسیر قرآن وی، که در آن مبارزان پیشرو مذهبی - سیاسی و طلاب و ۱۳۳۲ و استقرار مجلد دیکتاتوری سلط. . . دلینا - | او. - - - "

دانشجویان شرکت می کردند، در تداوم حیات جنبش بیداری نقش بسزایی داشته است. بهت مسجد هدایت به یکی از کانونهای مهم پیوند نسل جوان، به ویژه دانشجویان و تحصیل کردگان با معارف دینی شد. چنان که در سالها و دهه های آینده، بسیاری از شرکت کنندگان در جلسات م ی هدایت، جزو چهره های فعال سیاسی یا فرهنگی شدند و عده ای از شاگردان مسجد هدایت نیز در راه مبارزه برای احیای دین و حفظ آن به شهادت رسیدند. از چهره های مشهور می توان به آیت الله مرتضی مطهری، محمدعلی رجایی، مهدی بازرگان، جلال الدین فارسی، محمدجواد باهنر اشاره کرد. از مسجد هدایت به دلیل نقشی که در نشر معارف دینی ایفا کرد، به عنوان « دالان دانشگاه » نام برده شده که در آن در کنار جلسات مذهبی، مسائل روز دنیا با ارزشهای اسلامی به صورت تطبیقی بررسی می شد. .. بارو .. را در ایران .. در دهه ۴۰ ش، حکومت پهلوی نیز مجددا سیاست ضددینی عصر رضاشاه را در سطحی گسترده تر آغاز کرد و به تخطئه باورهای ملی و ارزشهای اسلامی و جابه جا نمودن فرهنگ غربی با آداب و رسوم ایرانی و سنن اسلامی پرداخت. در این میان، تأسیس ساواک در ۱۳۳۵ ش، در حمایت از آن سیاست تأثیر فراوانی داشته است | . در واپسین سال دهه ۴۰ ش تحت تأثیر شرایط بین المللی، از شدت اختناق سیاسی جامعه ایران کاسته و فضای باز سیاسی نیم بند و آزادی کنترل شدهای ایجاد شد. تحول بین المللی ناشی از پیروزی حزب دمکرات به رهبری جان اف کندی و تأکید وی به ایجاد فضای باز سیاسی و اصلاحات سیاسی - اجتماعی در کشورهای تحت نفوذ آمریکا ایجاد شده بود. هدف این سیاست مهار بحرانهای سیاسی و اجتماعی در این کشورها و ایجاد مانعی در برابر توسعه کمونیسم بود. اجرای اصلاحات ارضی و دیگر اصول انقلاب سفید در ایران نیز در جهت تأمین خواست دموکراتهای دولت کندی در ایران بود که بری امام خمینی با اقدامات رژیم پهلوی به ناچار به آن تن داده بود. مخالفت نیروهای مذهبی به رهبری امام خمینی با اقه به ظاهر اصلاح گرایانه و در عمل غربی کردن ایران با حمایت مادی و معنوی تمام عیار آمریکا سراغاز دوره سوم تاریخ روشنفکری ایران شد که روشنفکری دینی و موج بیداری اسلامی جریان مسلط و

و جدی در فضای روشنفکری ایران پدید آمد که از آن به «تویۀ جدی در فضای غالب آن بود. در این موج، تغییری روشنفکری» تعبیر شده است. در آغازین روزهای ۱۳۴۰ش رخداد دیگری که به نوعی بر بیداری اسلامی تأثیر گذاشت، درگذشت آیت الله بروجردی بود. وی پانزده سال بلامنازع مرجعیت شیعه را در اختیار داشت، لذا خلأ بزرگی در این زمینه پدید آمد. در این زمان مجتهدانی در ایران و نجف بودند که صاحب رساله، یا در معرض مرجعیت قرار داشتند که امام خمینی و آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی، شریعتمداری، حکیم، خویی، شاهرودی، شیرازی و یشربی از جمله آنها بودند. هیئت حاکمه نیز درصدد انتقال مرکز مرجعیت به نجف بود، لذا پیام تسلیت درگذشت آیت الله بروجردی را به آیت الله حکیم فرستاد.<sup>۱</sup> پس از درگذشت آیت الله بروجردی عده ای از روحانیون اصولگرای نواندیش و برخی روشنفکران دین یاور غیر روحانی با تشکیل جلساتی موضوع مرجعیت را بررسی و مطالبی را به صورت مقاله گرداوردند که در کتابی با نام بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، در ۱۳۴۱ش منتشر شد. مباحث مطرح شده بیانگر نوگرایی دینی و اندیشه های اصلاحی در حوزه دین بود، از قبیل خرافه زدایی از دامن ص دین اسلام، لزوم آشنایی رهبری شیعه با علوم برای پشتیبانی از فعالیت های مذهبی و رهناید ۲۲ م السنای رهبری شیعه با علوم تخصصی روز، فراهم ساختن اساس اقتصادی مستقل و مذهبی و رهنیدن آن از چاپلوسی در مقابل دولت و عوام و پیشنهاد مته جمعی موسوم به «شورای فتوا». ۵ جدید بیداری اسلامی، امام خمینی و روحانیون همفکر وی، کوشیدند که مفید می کوشیدند که سیاست را بر تور مرجعیت بازگردانند. طیف مذهبی جنبش مذهبی دانشجویی نیز به تحقق این هدف کمک می کرده دانشجویی نیز به تند ز اصطلاحات «معنویت گرایی در سیاست «و» بازگشت به خویشتن تبیین این اندیشه، می توان از اصطلاحات «معنویت گرایی در سیاست و از

—انسان مسلمان ایرانی «استفاده کرد. امام خمینی، برای تحقق این هدف، به تقویت حوزه علمیه پرداخت. ۲۰ تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ در هیئت دولت، که بر اساس آن قید با اسلام از شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان حذف شد و به جای سوگند به قرآن، سوگند به کتاب آسمانی جانشین شد، بحران عظیمی را در پی آورد که خود نیز زمینه ساز بحرانه‌ها و تحولات دیگری در آینده شد. امام خمینی از این پس، رسماً فعالیتهای خود را با فراخوانی و تشکیل جلسات مشورتی میان علمای قم آغاز کرد. نکته تازه در رهبری امام خمینی این بود که انتقادهایی که تاکنون متوجه دولت بود، از این پس متوجه محمدرضا پهلوی شد. مقاومت‌های حکومت پهلوی در برابر اندیشه‌های احیاگرانه، موجب شد که اصلاحگری به اندیشه انقلابی تبدیل شود.\* امام خمینی مخالفت خود با لایحه مذکور را با وارد کردن ایرادهای شرعی به آن آغاز کرد و خواستار لغو آن شد. طی تلگرافهایی در اعتراض به شاه و علم (نخست وزیر) عواقب وخیم تخطی و تخلف از قرآن و احکام اسلام را یادآور شد. با تلاش امام خمینی، مخالفت و مبارزه همه گیر شد. مقلدان و شاگردان امام، به طرق مختلف اخبار و اطلاعات و پیامهای امام را به سراسر کشور انتقال داد و بدین ترتیب به منزله پلی بین حوزه علمیه قم، افکار امام خمینی و شهرهای خود عمل کردند. مرحله اول نهضت بیداری اسلامی به رهبری امام خمینی، با عقب نشینی رژیم پهلوی و لغو لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ با موفقیت به پایان رسید. مرحله بعدی، مخالفت مراجع و علما با همه پرسی اصول ششگانه انقلاب سفید بود که در ششم بهمن ۱۳۴۱ انجام شد و به دنبال صدور اعلامیه‌ها، تجمعات اعتراض آمیز و سخنرانی و نشستهای مشورتی صورت گرفت که سبب شد افراد کمتری در همه پرسی شرکت کنند. رخداد مهم در این زمینه واقعه دوم فروردین

\_۱۳۴۲ بود که حکومت پهلوی به پسری مت پهلوی به سرکوب روحانیون در مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز دست بود که طی آن عده‌های کشته و مجروح شدند. نکته حالا و مجروح شدند. نکته جالب اینکه رژیم پهلوی برای فریب افکار عمومی، ا. ن. نزاع بین روحانیون مخالف اصلاحات ارضی و دهقانان موافق آن، که به قصد زیارت به قم آمده اعلام کرد. این اقدام رژیم نیز همچون اقدامات ضد دینی قبلی نتیجه معکوس به بار آورد و موجی از خشم و نفرت در سراسر کشور پدید آمد و حتی واکنشهایی در حوزه های علمیه نجف و کربلا ایجاد شد و سیل تلگرافها و اعلامیه ها روانه ایران گردید. شدیدالحن ترین اعلامیه را نیز امام خمینی صادر کرد که به اعلامیه «شاه دوستی، یعنی غارتگری» معروف شد. مرحله دیگری از نهضت، که به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن در تحولات نهضت اسلامی در آینده، مقطعی از تاریخ معاصر شد، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ است. در محرم این سال، روحانیون مبارز به انتقاد از اعمال سرکوبگرانه رژیم پهلوی پرداختند و در نهایت، محافل عزاداری به کانونهای مبارزه و فعالیت سیاسی تبدیل شدند. در این فعالیتهای، بسه قشر قدرتمند و تأثیرگذار بازاری، دانشگاهی و روحانی اتحاد خود را به نمایش گذاشتند. نقطه اوج این جریان، سخنرانی امام خمینی در عصر روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم بود که اعلام کرد: «هدف نهضت، مبارزه با شاه و اسرائیل و حفظ اسلام از ناشی از آن است. در بخش دیگری خطاب به محمدرضا پهلوی گفت: «من نمی خواهم تو [در سرنوشت مثل پدر بشی، اینها می خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من بگویم کافری، تا از ایران بیرون کنند و به تکلیف تو برسند.»؟ داد در واقع نوعی نمایش گرایش جدی تر روحانیون به فعالیتهای سیاسی و تلاش ای بود. بازاریان نیز با چرخش از ایدئولوژی ملی گرایانه دهه های قبل، به م سیاسی با هدایت مراجع و روحانیون روی آوردند که این رویکرد نوین از و اسلامی دهه ۵۰ است. نکته قابل تأمل دیگر، سرعت بالای پیام رسانی و مره جغرافیایی ایران و شرکت قشرهای مختلف مردم در آن بود. این قیام نشان اسلامی به جریان قدرتمند تبدیل شده است - ا. داشت ایت الله بروجردی تا قیام ۱۵ خرداد، امواج فرعی دیگری بیداری اسلامی و قیام پانزده خرداد در واقع نوعی نمایت کر برای تحقق اسلام سیاسی بود. بازاریان نیز به سوی ایدئولوژی اسلام سیاسی با هدایت \* ویژگیهای بیداری اسلامی دهه ۵۰ است اطلاع رسانی در گستره جغرافیایی ایران و سر داد که بیداری اسلامی به در فاصله درگذشت آیت الله بروجردی تا قیام

تقویت کردند که جان مایه فعالیت‌های آنها نیز مذهبی و اسلامی بود و با در هم آمیختن مذهب ملی گرایی جناح غیرروحانی، روشنفکری دینی و نهضت احیاگری دینی را شکل دادند. البته بساط این جریان به دهه های پیش باز می گردد. نهضت آزادی ایران یکی از تشکلهای سیاسی - مذهبی بود که در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۰، به کوشش مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، آیت الله طالقانی و چند ملی گرای دیگر معتقد به اصول مذهبی تأسیس شد. بازرگان هدف از تشکیل نهضت را «حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی» اعلام کرده است. عضویت افرادی چون جلال الدین فارسی و محمدعلی رجایی و دوستی و ارتباط افرادی چون آیت الله بهشتی و آیت الله مطهری و محمدجواد باهنر با رهبران آن نهضت، بیانگر توجه آنها به دین اسلام است. در مرامنامه نهضت آزادی ایران نیز در کنار تأکید به احیای حقوق اساسی ملت ایران به ترویج اصول اخلاقی، اجتماعی و سیاسی براساس مبادی دین مبین اسلام «اشاره شده است. ۲. واکنش رژیم پهلوی به فعالیت‌های آن نهضت، دستگیری و محاکمه رهبران و سران آن بود. جلسات محاکمه به صحنه های سیاسی تبدیل شد و طلاب علوم دینی، فعالان سیاسی و دانشجویان، در جلسات شرکت و با آیت الله طالقانی و دیگران دیدار و گفت و گو کردند. از نظر ماهیت نیز، این جلسات در عمل به محاکمه دولت کودتا و افشاگری در مورد عملکرد رژیم پهلوی تبدیل شد که در مجموع به روند بیداری اسلامی شتاب بخشید. ۴. از ویژگیهای بیداری اسلامی به رهبری امام خمینی در این سالها، می توان به تقویت اندیشه پیوند دین و سیاست، سازش ناپذیری با رژیم پهلوی، تثبیت اجتهاد سیاسی در حوزه های علمیه و تلفیق نظر و عمل در مبارزه با استبداد و استعمار اشاره کرد که از همه مهم تر، استکبار دوره جدید جهان را هدف قرار داد. از دیگر احیاگران این سالها، می توان به محمود طالقانی و مرتضی مطهری اشاره کرد که بیشتر به فعالیت‌های فکری پرداختند. ۵.

طیف مذهبی جنبش دانشجویی نیز در این سالها در جریان بیداری سهم قابل توجهی داشت .. ، روحانیون اندیشمند و مبارز، همچون علامه طباطبایی، آیات مطهری و طالقانی در تماس بودند . دانشجویان در قالب انجمن اسلامی دانشجویان با پشتوانه دو دهه فعالیت، بر محور موضوعات فرهنگی به دفاع از دین اسلام در برابر افکار مارکسیستی و ایده های غرب گرایانه می پرداختند و به همبستگی ملل مسلمان تأکید داشتند؛ با آغاز نهضت اسلامی با امام خمینی نیز ارتباط برقرار کردند . امام خمینی به عنوان مرجع تقلید سیاسی، خلأ رهبری برجسته مذهبی جنبش دانشجویی را برطرف کرد . در رادار - به دنبال تبعید امام خمینی به ترکیه و سپس به نجف اشرف، که بر اثر فعالیتهای سیاسی فزاینده ایشان و مشخصاً در اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون صورت گرفت، استبداد و اختناق سیاسی افزایش یافت و فعالیتهای سیاسی زیرزمینی شد . ترور حسن علی منصور، نخست وزیر وقت، نیز به تشدید اختناق کمک کرد . لذا در این سالها، مبارزه بیشتر به روشهای قهرآمیز و مبارزه عقیدتی سوق داده شد . فعالیت هیئتهای مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی و سازمان مجاهدین خلق در چهارچوب نگرش جدید شکل گرفت . در این میان، حزب ملل اسلامی در تأثیر از فضای لشکری حاکم بر جهان اسلام و با پیروی از روشنفکران و مصلحان دینی، درصدد تشکیل حکومت ادمی فرامذهبی و فراملیتی، از طریق انقلابی انترناسیونالیستی اسلامی بود . در این میان، باهدین از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰ش به مطالعات تئوریک و فراگیری آموزشهای نظامی مشغول لیا، تأثیر چندانی بر روند جنبش بیداری اسلامی در دهه ۵۰ش نگذاشتند . از ۱۳۵۰ تا شکار شدن روش مبارزه مسلحانه، بسیاری از بنیانگذاران و رهبران آن دستگیری شدند . جنبش در ۱۳۵۴ش نیز دچار انشعاب شده و به دو گروه اسلامی و مارکسیست شدند که به درگیریهای خونین درون حزبی منجر شد از ۱۳۵ش، از اختناق سیاسی کاسته شد و به تدریج زندانیان سیاسی نیز آزاد شدند . در این سالها شدند و در عمل، تأثیر چندانی بر روند ج ۱۳۵۳ش، با آشکار شدن روش با زندانی، یا اعدام شدند . جنبش در ۱۳۵۴ تو عها



\_\_هیئتهای مؤتلفه در قالب فعالیتهای فرهنگی و کم رنگ سیاسی، از سوی مبارزانی، چون محمد جواد باهنر، محمدعلی رجایی، هاشمی رفسنجانی، جلال الدین فارسی و دیگران احیا شد. فعالیت های شرکت سهامی انتشار، که آثار متفکران مبارز مذهبی را منتشر می کرد، در اشاعه تفکر دینی موثر بوده است. ۲. در کنار احیاگران و مصلحان دینی، آثار و اندیشه های افرادی چون جلال آل احمد، مهدی بازرگان و علی شریعتی نیز در امتداد تقویت بیداری اسلامی بود. آل احمد در کتابهای غربزدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران به تبیین ابعاد غربزدگی و روشنفکری پرداخت. او شیعه را نیز عنصری تفکیک ناپذیر از هویت ایرانی معرفی کرد و به نقش روحانیون در مقابله با تسلط غرب تأکید کرد. ۳. بازرگان نیز با پشتوانه فعالیتهای سیاسی گسترده، از نیمه دهه ۱۳۴۰ ش به مبارزه ایدئولوژیک در عرصه قلم روی آورد. در ۱۳۴۵ ش مهم ترین اثر خود، یعنی بعثت و ایدئولوژی را به رشته تحریر کشید. فعالیتهای فکری شریعتی نیز به دلیل نفوذ و ایجاد تحرک اسلامی در قشر دانشگاهی و جوان و دور کردن آنها از تفکرات غربگرایانه و مارکسیستی دارای اهمیت است. او با طرح گفتمان بازگشت به خویشتن، دنباله گفتمان غربزدگی آل احمد را گرفت. ۵. در دهه ۱۳۵۰ ش، به ویژه نیمه دوم آن، جنبش بیداری جهان اسلام و تلاشهای استقلال طلبانه ملل اسلامی نیز در تحرک جریان بیداری اسلامی ایران تأثیر داشته است. در این میان، پیروزی مبارزان مسلمان الجزایری و جنبش فلسطین تأثیر بیشتری داشته است. ۶. مهم ترین رخداد این دوره، آغاز بحث حکومت اسلامی در ۱۳۴۸ ش، با عنوان «ولایت فقیه» از سوی امام خمینی در نجف بود. ایشان در این جلسات به اثبات و تبیین حکومت فقیهان و پیوند دین و سیاست و فراتر بودن ایدئولوژی نسبت به عبادت پرداختند. در ضمن بحثها علیه حکومت ایران و

\_\_های اسلامی نیز موضع گرفتند و صاحب نظران را به مطالعه و بررسی در این زمینه فراخواندند. اندیشه های ایشان از طریق شبکه پیام رسانی به ایران منتقل و باعث روشنگری و حرکت تازه ای در میان مبارزان ایرانی شده یکی از عوامل تقویت و پخش اندیشه های امام خمینی در اروپا و آمریکا، دانشجویان مسلمان ایران بودند که در قالب انجمنهای اسلامی فعالیت می کردند و با نجف در ارتباط بودند. دسترسی آنها به مطبوعات و رسانه های گروهی در فضای مناسب سیاسی، به آنان امکان بیشتری برای تبلیغ و فعالیت می داد. در این میان، حضور آیت الله بهشتی در رأس مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان و ارتباط وی با دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار بود. دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا از ۱۳۴۵ش، نشریه ای نیز به نام اسلام، مکتب مبارزه منتشر کردند. در دهه ۱۳۵۰ش، سخنرانیهای علی شریعتی در حسینیه ارشاد و ممنوع شدن تألیفات وی، گرایش بیشتری را در قشر دانشجو برای مطالعه آثار وی پدید آورد. صحبت های او که آمیزه ای از جامعه شناسی، تاریخ، فلسفه و دین بود، در میان طیف مذهبی جنبش دانشجویی، بیداری اسلامی را تقویت کرد. "آثار و سخنرانیهای مطهری و مفتاح، محمدتقی جعفری و فخرالدین حجازی نیز در دانشگاه، ضمن تقویت همگرایی و تعامل سازنده حوزه و دانشگاه، بیداری اسلامی را به سلاح علم، ایمان و آگاهی روزآمد، به صورت توأمان مسلح کرد. حکومت پهلوی در ۱۳۵۱ش اقدام به تأسیس سپاه دین کرد تا فعالیت های روحانیون مخالف را مهار کند. اما این اقدام نیز نتیجه معکوس به بار آورد و روحانیون با هدایت امام خمینی به شدت علیه نام مذکور موضع گیری کردند و به تبلیغات گسترده ای علیه رژیم دست زدند. در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ش به دلیل حاکمیت بی سابقه اختناق سیاسی و فضای سرکوب و این زندانی شدن بسیاری از مبارزان و متفکران مذهبی طراز اول، جنبش بیداری اسلامی دچار مقطعی شد و بیشتر در قالب جنبش دانشجویان به حیات خود ادامه داد. دانشجویان اسلام گرا با - نمازخانه های متعدد در دانشگاهها، ترتیب برنامه های کوهنوردی، برگزاری نماز جماعت..

جلسات بحث خانگی برای مقابله با چالشهای ایدئولوژیک، مقابله با گسترش ابتذال فرهنگی و دانشگاهها و جامعه و مواردی از این قبیل، دوره رکود را به دوره بعدی، که خیزش نهایی برای پیروزی انقلاب بود، پیوند دادند. در دهه ۱۳۵۰ ش، در کنار فعالیت جریانهای فکری و سیاسی اسلامی اصلی، گروههایی نیز فعال بودند که اندیشه های مذهبی افراطی داشتند. از این گروهها که با روحانیون نیز مرتبط بودند، می توان به هفت گروه امت واحده، توحیدی صف، فلق، فلاح، منصورین و موحدین اشاره کرد. گروههایی نیز به رغم گرایشهای مذهبی، مستقل از روحانیت عمل می کردند که گروه فرقان و آرمان مستضعفین، از جمله آنها بودند. یکی از کانالهای مهم برای پیشبرد روند بیداری اسلامی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ش، حوزههای علمیه، مدارس علوم دینی و شبکه روحانیون مبارز تبلیغی بود. مهم ترین و گسترده ترین حوزه، حوزه علمیه قم بود. از مؤسسات وابسته به حوزه علمیه قم، که در این عصر تأسیس و شروع به فعالیت کردند، می توان به مکتب اهل بیت (ل) تأسیس: ۱۳۴۰ ش، (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تأسیس: ۱۳۴۲ ش)، (موسسه در راه حق) تأسیس: ۱۳۴۵ ش (اشاره کرد. تأسیس دارالتبلیغ اسلامی و انتشار جزوات و نشریات آن نیز گرچه کاملاً در مسیر نهضت امام خمینی نبود و حتی گاه گاهی به مخالفت با آن نیز می پرداختند و امام خمینی نیز نحوه فعالیت و برخی فعالان آن را تایید نمی کرد، با این حال گامی به پیش بود و دارالتبلیغ توانست طی فعالیتهای مستمر فرهنگی - مذهبی خود، طلاب جوان را با آموزه های جدید در علوم انسانی و دینی آشنا کند. مدارس علوم دینی، از جمله مدرسه حقانی (مدرسه منتظریه)، مدرسه آیت الله گلپایگانی و برخی مدارس دیگر و همچنین نشریاتی از قبیل مکتب اسلام، مکتب تشیع، بعثت، سالنامه مکتب جعفری، طلوع اسلام، نشریه مسجد اعظم قم و پیک اسلام که به کوشش روحانیون مبارز اداره و منتشر می شدند، در مجموع، در بیداری اسلامی نقش داشتند. حوزه های علمیه شهرها نیز فعالیتهای مهمی داشته اند. در این

\_\_میان، حوزه علمیه مشهد، به دلیل .؛ مشهد، به دلیل حضور روحانیون مبارز سرشناسی، چون آیات محمدهادی میلانی، حسن قمی و سید علی خامنه ای و سید علی خامنه ای و همچنین عبدالکریم هاشمی نژاد و عباس واعظ طبسی، یکی از کانونهای مقاومت علیه رژیم پهلوی و از مر تداومت علیه رژیم پهلوی و از مراکز مؤثر در احیای تفکر دینی بود. روحانیون تبلیغی نیز به ویژه در ماههای محرم، صفر و رمضان در قالب سفرهای تبلیغی نهضت اسلامی را همراهی می کردند و مردم را به مسائل سیاسی و مذهبی روز آشنا می کردند.؟ از حرکت‌های دیگر که به روند بیداری اسلامی کمک کرد، ترجمه بیش از ۱۲ اثر از آثار سید قطب، از رهبران دینی جمعیت اخوان المسلمین مصر، و برادرش محمد قطب به زبان فارسی توسط مبارزان مسلمان است. ۳. با ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی از اواخر ۱۳۵۵ش به بعد، به ویژه ۱۳۵۶ش و آزادی زندانیان سیاسی، فضای مساعدی پیش روی جنبش بیداری اسلامی نهاده شد. کاهش سانسور مطبوعات نیز باعث شد که از این رسانه استفاده مطلوبی شود و مخالفان سیاسی، به ویژه نیروهای مذهبی نیز فرصت را مغتنم شمرده، تا حکومت پهلوی را در سطح گسترده ای مورد انتقاد قرار دهند. برای نمونه وقتی روزنامه کیهان این پرسش را مطرح کرد که «ایران چه دردی دارد؟» بیش از چهل هزار نامه، در پاسخ به این پرسش دریافت کرد. در مجموع، نتیجه سیاست تعدیل مهار شده حکومت پهلوی، موجب اتحاد مخالفان سیاسی و تزلزل بنیان حکومت پهلوی شد و جنبش بیداری اسلامی نیز از و عمل‌های انفرادی و موردی فراتر رفته و گام‌های اساسی خود را برای پیروزی نهایی و رژیم پهلوی را در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وادار به پذیرش خواسته‌های در این میان، درگذشت سید مصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی، در اول آبان ۱۳۵۶ و اسم ترحیم و بزرگداشتی که بدین مناسبت برگزار شد، به مجالس انتقاد از رژیم و تجلیل از امام مینی و نهضت اسلامی تبدیل شده شبکه مبارزان در داخل و خارج از کشور، از طرق گوناگون مینی و اطلاع رسانی به مرجعیت و رهبری امام خمینی و ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی تأکید

\_\_کردند. نکته پایانی اینکه حرکت شروع شده در پی درگذشت سید مصطفی خمینی به صورت جریان مهارنشده درآمد و اسلام سیاسی و رهبری دینی، خیز نهایی را برای تشکیل حکومت اسلامی برداشت و سرانجام در بهمن ۱۳۵۷ پس از چندین دهه تکیه و تدارک صبورانه، حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی تشکیل شد.